

# فقه برای عرب نشینان

عبدالهادي محمد تقي الحكيم

وفق فتاوى

سماحة آية الله العظمى

السيد علي الحسيني السيستاني

دام ظلّه الوارف





# فقه برای عرب نشینان

عبدالهادي محمد تقي الحكيم

وفق فتاوى

سماحة آية الله العظمى

السيد علي الحسيني السيستاني

دام ظلّه الوارف

## مقدمه مترجم

يك مسلمان متعهد و متقی باید در داخل حدود و مرزهای الهی زیست کند و این حدود و مرزها، همان حلال و حرام و روا و نارواست و وظیفه يك فقیه تعیین آنها بر اساس کتاب و سنت دیگر ادله شرعی و عقلی است. حوزه فقاہت، بسیار گسترده و فراگیر می باشد و هیچ کردار و رفتار و گفتاری بدون حکمی از احکام پنجگانه نیست. ولذا انسان در هر کجا زندگی کند، در شرق، غرب، بلاد اسلامی و یا خارج آنها، باید حیات خود را در همان چهار چوب بگنجاید و اگر او فردی هوشیار و متعبد باشد هیچ مشکلی برایش پیش نخواهد آمد، زیرا فقهای ما بر پایه سماحت و سهولت شریعت مقدس اسلام برای همه زمینه ها و در همه شرایط و اوضاع و احوال، راه حل مشروع و معقول ارائه می دهند و هرگز انسان را در بن بست قرار نداده و بلا تکلیف رها نمی کنند.

هجرت مسلمانان از بلاد اسلامی به کشورهای غربی، اروپا و آمریکا و غیره در قرن اخیر شتاب بیشتری گرفته است. آنان در اثر عواملی که مجال بحث از آنها نیست تنها و یا فوج فوج زادگاهش را ترک گفته و در آن بلاد

اقامت و سکنی گزیده اند و ویژگی آن محیط ها و حاکمیت شرایط خاص برای مسلمانان مسائلی پدید آورده که مکرر سؤالاتی را موجب شده که پاسخ می طلبند.

نویسنده این سطور که چندین سفر تبلیغی به برخی کشورهای اروپایی داشتم و با مسلمانان مهاجر عرب، ترک، آذری، افغانی، ایرانی و غیر هم دیدارها داشتم با انبوهی از آن سلسله مسائل مواجه بودم و حتی در برخی موارد به سبب اختلافی بودن مسأله، از برخی مراجع تقلید استفتا به عمل آورده و پاسخ متناسب دریافت می کردم و آنها را منتقل می نمودم.

سال گذشته بعد از مسافرت تبلیغی و تجدید دیدار، به زیارت برادر بزرگوارم حجه الاسلام و المسلمین آقای سید جواد شهرستانی صهر آیت الله العظمی سید علی سیستانی (دام ظلّه العالی) شرفیاب شدم و در محضر ایشان کتاب الفقه للمغربین را دیدم و نسخه ای گرفتم. پس از مطالعه ملاحظه کردم که غالب مندرجات آن رساله، سؤالاتی بود که در طول چندین سفر از من هم کرده بودند و احیانا پاسخهای کلی می دادم و به لحاظ عدم اطلاع از فتوهای مراجع، در برخی موارد احتیاج به استفتاء احساس می شد. این کتاب علاوه بر آنکه آن سلسله مسائل مورد ابتلاء و پرسش را دارد با فتاوی مرجع تقلید شیعیان حضرت آیه الله العظمی سیستانی هم تطابق داشت.

تصمیم گرفتم برای تعمیم فایده، کتاب را به فارسی برگردانم تا همه از برکات رساله مزبور بهره مند گردند.

خدا را سپاس که در عرض چند ماه این نیت جامه عمل پوشید و ترجمه کامل آماده طبع شد. از خدای متعال مسئلت دارم که آن را به کرمش قبول فرماید و ذخیره آخرت قرار دهد.

در خاتمه سخن، از همکاری و همیاری سرکار خانم حاجی حسینی که در سامان دادن این کار، مرا یاری رساندند و در تسریع ترجمه و تنظیم کتاب، نقش سازنده داشتند تشکر می کنم و برای ایشان نیز مزید توفیق و اجر، مسئلت دارم، انّ نعم المجیب. تهران - سید ابراهیم سید علوی

۱۳۷۸/۸/۵

رجب المجرب ۱۴۲۰

## مقدمه نویسنده کتاب

بسیار خوشحالم که کتاب فقه برای غرب نشیان را که با فتاوی حضرت آیت الله العظمی سید علی سیستانی — مدظله العالی — برابر است تقدیم خوانندگان گرامی کنم.

این کتاب کوششی است آغازین در زمینه بیان برخی احکام فقهی برای مردمانی که پیش آمده تا میهن خود را ترک نموده و از علائق و وابستگی های وطن مالوف، بریده و در کشورهای غیر اسلامی و در زیر حاکمیت قوانین، آداب عادات و رسوم نظامهای احياناً نا مانوس و مغایر با شیوه های شناخته شده در بلاد اسلامی، زندگی کنند و همین امر، ناسازگاری ها و شکافهایی را در زندگی آنان به وجود آورده و مشکلات خاصی را آفریده است و پاسخهایی مناسب می طلبد.

این رویداد، نیاز به نگارش کتابی را می رساند که به مسائل حیاتی مسلمانان مهاجر به مغرب زمین، پاسخ دهد، بنابر این کتاب حاضر خط مشی ویژه ای دارد و اهداف خود را در یک مقدمه و دو باب و هر کدام دارای چندین فصل پی می گیرد و مسائلی را مطرح می کند که احياناً نا آشنایند و قضایایی را دنبال می نماید که کاملاً تازه اند و در رساله ها و کتب فقهی معمولی، کمتر آنها را نمی توان یافت. مباحث این کتاب، روزنه هایی را برای خوانندگان باز می کند و احياناً ممکن است استفتائات و سؤالاتی تازه پیش آورد. و مایه خوشحالی است که خوانندگان با فضیلت، آنها را به



آدرس ما بفرستند تا همراه پاسخ آنها، در چاپ های بعدی کتاب، منتشر شود.

این کتاب (فقه برای غرب نشینان) در واقع سومین کوشش ماست به دنبال دو تلاش قبلی تحت عناوین: فتاوی آسان و منتخبی از مسایل برگزیده. نگارنده در هر سه کتاب کوشیده است تا طالبان را به فقه و احکام اسلامی پیوند دهد و آن معلومات را برای کسانی که در آن رشته تخصص ندارند دوست داشتنی کند. اگر به این هدف رسیده باشم خدا را سپاس فراوان می گویم و الا تنها کوششی است در انجام وظیفه. و توفیق از خداوند است و بس.

نگارنده توانست فصولی از کتاب حاضر را به سمع و نظر والد گرامی که به قصد معالجه، مدتی در لندن اقامت داشت برساند و از نظرات معظم له بهره ببرد. خدا این عمل از ما بپذیرد.

ضمناً از کلیه کسانی که مرا در تکمیل و بهسازی این کتاب یاری کرده اند سپاسگزارم و به ویژه از حضرت آیت الله العظمی سیستانی - مدظله العالی - که قبول زحمت فرموده برخی استفتاءها را ملاحظه کردند و همچنین از دفاتر معظم له در نجف اشرف، قم و لندن که یاری ها کردند و محبت ها مبذول داشتند و در تطبیق و مقابله فتاوا زحمت کشیدند، نهایت تشکر را دارم.

خدا همه ما را به سوی آنچه رضا و خشنودی اش در آن است هدایت فرماید و به توفیق آنچه که شایسته است نایل آورد. آمین. ...ربنا لا تؤاخذنا

آن نسينا او اخطانا ربنا و لا تحمل علينا اصراً كما حملته على الذين من قبلنا،  
ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا  
فانصرنا على القوم الكافرين

**عبدالهادى المحمد تقى حكيم**

**٢٧/رمضان ١٤١٨**

## طرح مؤلف و تمهید

در صبح یک روز آفتابی زمستان رجب سال ۱۴۱۶ برابر دسامبر ۱۹۹۵  
هوایما به سوی لندن پایتخت انگلستان به پرواز در آمد.

هوایما از شرق به سوی غرب و از میهن آفتاب به پایتخت ابرها پرواز  
می کرد، گرمای خورشید که از شیشه‌های هوایما به درون می آمد چیزی  
بود که دیگر با آن وداع می گفتم همچون وطن و میهن خودم که آن را هم  
با یک حرارت معنی داری ترک می نمودم.

هوایما در وسط آسمان قرار گرفت و پروازش آرام و خوش بود،  
همانند آن بود که چیزی روی قطب استوار، قرار گیرد. ترجیح دادم که با  
خواندن برخی سوره‌ها از روی قرآن کوچکی که از زمان کودکی همراه  
دارم اندکی وقت را پر کنم.

من در خانه بزرگمان در نجف اشرف چشم خود را گشوده و جدّم را  
دیده بودم که صبح هر روز و بعد از ظهر و عصر و به هنگام سفر و دیگر  
اوقات قرآن می خواند و همچنین پدرم را می دیدم که همیشه در جیب خود  
قرآنی داشت و در سفر و حضر از آن جدا نبود. قرآن را گشودم و آیاتی را  
با صدایی آهسته و آرام تلاوت می کردم تا بدان وسیله روح و روان و درون  
و خونم را شستشو دهم و دهانم را از آلودگی‌های مادی و از بدی‌ها، پاک  
کنم و از خدای — عزوجل — یاری بطلبم که این پاره آهنی را که در میان  
آسمان و زمین معلق است از رخداد سوء حفظ فرماید.

ظهر نزدیک شده بود و کم کم وقت نماز فرا می‌رسید. از روی صندلی خود بلند شدم و به سوی دستشویی راه افتادم، تجدید وضو کرده، شانه از جیب خود در آوردم، موی سر و صورت را مرتب کردم و با شیشه کوچک عطر، خود را خوشبو کردم که چنان عادت داشتم زیرا خوانده بودم که معطر بودن و بوی خوش به کار بردن مستحب است و پیامبر اکرم محمد (ص) عطر را دوست می‌داشت و نیز خوانده بودم که نماز با عطر و بوی خوش برابر هفتاد نماز است. پس از آنکه از وضو، شانه کردن مو و استعمال عطر فراغت جستم درب دستشویی را باز کردم و بیرون آمدم و دوباره بر روی صندلی خود نشستم.

تا نشستم شروع کردم آیه‌هایی را که از کودکی حفظ داشتم تلاوت کردم و می‌اندیشیدم کجا باید نماز بخوانم و چگونه سمت قبله را بشناسم و آیا ایستاده نماز بخوانم و یا نشسته؟! این افکار مرا به خود مشغول کرد. به حافظه ام رجوع کردم و از اطلاعات دینی ام کمک گرفتم و سخن فقها، به یاد آمد که انسان تا می‌تواند باید ایستاده نماز گزارد و اگر ناتوان بود و ممکن نشد می‌تواند نشسته نماز بخواند. و همینطور از حکمی به حکمی دیگر و از مرتبه ای به مرتبه دیگر بر حسب قدرت و استطاعت پیش می‌رفتم چون می‌دانستم نماز به هیچ وجه ساقط نمی‌شود.

وقتی به این نتیجه رسیدم چشم خود را در هواپیما گراندم تا جایی را بیابم که ممکن است در آنجا ایستاده، نماز گزارد. در گوشه ای جایی دیدم که می‌شد آنجا نماز خواند، در دل خود گفتم جا آماده شد باید سمت قبله

را بشناسم و تا زمانی که هواپیما آرام و مثل ایستاده است، فریضه را به جا آورم، به نظرم رسید که از خدمه هواپیما بپرسم تا قبله را بشناسم. مهماندار چای آورد و آن را روی میز کوچک صندلی که در جلو هر مسافر قرار دارد گذاشت. از فرصت استفاده کرده با انگلیسی شکسته بسته گفتم: - سؤالی دارم.

- بفرمایید.

- بی زحمت ممکن است سمت قبله را برای من بفرمایید؟

- متأسفم، خواسته شما را نفهمیدم.

- سمت قبله، سمت مکه مکرمه؟

- آیا شما مسلمان هستید؟

- بله، می خواهم نماز ظهر بخوانم.

- اجازه بدهید از خلبان هواپیما بپرسم.

مهماندار رفت کابین تا قبله را از خلبان بپرسد. در این فرصت به ذهنم آمد که برای نماز زیر اندازی هم لازم دارم تا روی آن نماز بخوانم. او برگشت و جواب سؤالم را داد، از وی خواستم پارچه ای، قطعه روزنامه ای بیاورد که روی آن نماز بخوانم.

او ملافه ای برای من آورد، آن را روی کف هواپیما پهن کردم و نماز ظهر و سپس نماز عصر را دو رکعت به طور قصر و شکسته خواندم، آنگاه تسبیح حضرت زهرا را سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار الحمدلله و سی و سه بار سبحان الله خواندم و شکر خدا به جا آوردم و دوباره به روی

صندلی خود نشستم ولی حالی دیگر داشتم و احساس آرامش می کردم. بیشتر می پنداشتم که نماز در هواپیما، کاری سخت و امری خسته کننده می باشد و مرا به زحمت خواهد انداخت و انگشت نما خواهد کرد اما اشتباه می کردم بر من آشکار شد که نماز برای من احترام ویژه ای به وجود می آورد و به من شکوه و هیبتی خاص می بخشد حتی در نظر غیر مسلمانان که همراه من سفر می کنند و از آن جمله خدمه و مهمانداران هواپیما.

غرق در این افکار بودم که بلندگوی هواپیما به صدا در آمد و اعلام کرد که می خواند غذا بدهند، فوری مهمانداران پیش آمده از مسافران می پرسیدند با ملاحظه لیست غذا، چه نوع غذا و طعامی را ترجیح می دهند. نوبت به من رسید یکی از خانم های مهماندار پرسید: چه غذایی را دوست می دارید: ماهی و یا مرغ؟!

من ماهی را انتخاب کردم اما نه بدان جهت که آن را بیشتر دوست دارم و آن را بر مرغ ترجیح دادم لیکن بدان سبب که مرغ را نمی توانم بخورم زیرا آن را از دست غیر مسلمان می گیرم و برای من محرز نیست که آیا آن تذکیه و ذبح شرعی، شده است یا نه؟ و این همان مشکلی است که تا در مغرب زمین هستم با این مشکل مواجه می باشم.

من در یک کشور اسلامی زاده شده ام و در آن رشد کرده و بزرگ گشته ام. من هر گاه در صحت ذبح گاو، گوسفند و یا مرغ و امثال آن شک می کردم و یا در حلال بودن ماهی که از بازار می خریدم دو دل می شدم به آن شک اعتنا نداشتم زیرا از بازار مسلمانان می خریدم و آن را با خاطری

جمع و آسوده، می خوردم لیکن وضع در کشور غربی کاملاً فرق می کند من نمی توانم گوشتی را که یک شخص غیر مسلمان می فروشد بخورم مگر آن که تذکیر شرعی آن را برابر فقه و شریعت اسلامی احراز کرده باشم و این، چندان کار آسانی نیست.

به هر حال مهماندار غذا را آورد و آن طعامی بود لذیذ و اشتها آور، ماهی سرخ شده با روغن آفتابگردان با اندکی سیب زمینی سرخ شده و کمی برنج و سالاد و سبزی و دو دانه زیتون سبز و چند دانه انگور و انجیر سیاه و مقداری شیرینی و لیوانی آب سرپوش دار با مخلفاتی از نمک، شکر و ادویه و دو تکه نان و قاشق، چنگال و کارد و دستمال کاغذی.

خیلی گرسنه بودم. نخست حمد و سپاس خدا گفتم، آنگاه چنگال را در دل ماهی پخته، فرو بردم تا آن را از نگاهدارم و با کارد خردش کنم و به قطعات کوچکتر در آورم تا خوردن آن آسانتر باشد ولی قبل از خوردن به یاد یک چیز دیگر افتادم.

آیا این ماهی پولک دار است؟ و آیا آن را زنده از دریا و آب، بیرون کشیده اند؟ و آیا آن، در تور ماهیگیر مرده است و آیا گیرنده و شکار کننده آن مسلمان بوده است یا کافر، نام خدا به هنگام صید برده شده یا نه؟ و آیا روغنی که ماهی را با آن تاب داده اند، روغن پاکی بوده است یا نه؟ و آیا پزنده آن مسلمان بوده یا نه؟

این فکر بسیار خسته کننده بود که در آن ساعت مرا به خود مشغول کرد و لحظه ای از خوردن ماهی خوشمزه و گرم بازداشت در حالی که من

گرسنه بودم اما مهم نبود زیرا پس از آن که ماهی پولک دار باشد و از آب زنده بیرون کشیده شود و یا در تور ماهیگیر بمیرد آن را بخورم اعم از آنکه آن را مسلمان صید کند یا کافر، بسم الله بگویند و یا نگویند. مقداری از آن ماهی را با چنگال در بشقاب خود گذاشتم و دوباره مسائل را از خاطر می گذارم و به یاد آوردم که رساله عملیه مرجع تقلید را وقتی که آماده سفر می شدم خواندم و مشکلی نبود. در دل خود گفتم روغن آفتابگردان چطور، آیا آن پاک است؟ فوری به خود پاسخ دادم آری، همه چیز برای تو پاک است تا به نجاست و آلودگی آن، علم پیدا کنی. و چون نجاست آن روغن را نمی دانم پس پاک است. و وقتی روغن پاک است و ماهی پخته شده با آن حلال و پاک، پس همه اش پاک است و خوردن آن حلال می باشد. می ماند پزنده آن، که آیا او مسلمان بوده و یا از اهل کتاب بوده که پاکند و یا این که او نه مسلمان بوده و نه از اهل کتاب؟ البته این مسأله مهم است اما من نمی دانم که آیا پزنده به این غذا دست زده است یا نه؟ قاعده فقهی همه چیز برای تو پاک است تا بدانی که آن، نجس و آلوده است را یاد آوردم. مراجعه به این قاعده چنین نتیجه می دهد که خوراک ماهی هواپیما پاک و خوردن آن برای ما حلال است به این نتیجه که رسیدم، نفسی عمیق کشیدم و با خیال راحت چنگال را برداشتم و قطعات ماهی را که خرد کرده بودم خوردم و سپس سیب زمینی پخته را که با روغن، سرخ شده بود و من نجاست آن را نمی دانستم و برای من پاک بود خوردم و همین کار را بانان، سالاد، میوه و دیگر شیرینی ها کردم همه را پاک می دانستم و خوردم و آنگاه



یک لیوان آب و یک فنجان چای که همه شان برایم پاک بودند نوشیدم  
زیرا حکم شریعت اسلام در همه آن موارد همین است.

حمد و سپاس خدا به جا آوردم و در برابر نعمت‌های الهی  
شکرگزاری کردم و سپس چشمانم را بستم تا کمی استراحت کنم و اندکی  
بعد چشمان خود را گشودم و از پنجره هواپیما به بیرون نگریستم، به آسمان  
بالا نگاه کردم سبزی و رنگ آبی شفاف دیدم، به پایین نگاه کردم سبزی  
دریا را دیدم، سبزی از هر سو مرا در میان گرفته بود و در فضای خرم و بی  
انتها، شناور بودم.

هواپیما در ارتفاع سی هزار پا از سطح دریا پرواز می کرد و دو ساعت  
و نیم دیگر وقت داشتیم تا به فرودگاه دولتی لندن هیترو Heathrow  
برسیم.

چشم در درون هواپیما گراندم، برخی مسافران سرگرم خواندن  
روزنامه‌های صبح بودند که مهمانداران برای ایشان آورده بودند تا کمی  
وقت خود را پر کنند و عده ای هم در خواب عمیقی فرو رفته بودند.

آرام دست دراز کرده و روزنامه صبح را برداشتم. تیتراها با حروف  
درشت سیاه و رنگی چاپ شده بودند تا نظر خوانندگان را جلب کنند.

چشمم بر روی آن تیتراها می گذشت بی آنکه تمرکزی حاصل شود،  
در این موقع چیزی به ذهنم آمد که در روزهای گذشته همواره به آن مشغول  
بودم: من هویت فرهنگی خود را در یک کشور بیگانه چطور باید حفظ  
کنم؟

این فکر مدّت طولانی مرا به خود مشغول کرده بود که سفر اروپایی را چگونه خواهم گذرانند؟ و از روزی که سفر را آغاز کردم، دلم بدان مشغول بود و هم اکنون نیز همواره مهم‌ترین فکر من همان است و در هر آن به آن می‌اندیشیدم، آنگاه که بیدار هستم و آنگاه که خواب بر من چیره می‌شود صبح، عصر و خواه ناخواه این فکر بر من غالب می‌گردد.

یکبار یکی از دوستانم که قبل از من به لندن سفر کرده بود تلفنی به من زده و توصیه‌هایی کرده بود. یکبار دیگر به کتابخانه رفتم، کتابی نظر مرا به خود جلب کرد هم این کتاب و هم آن دوست تأکید داشتند که من بر مسأله‌ای اهتمام و رزم که خلاصه آن این است: آثار منفی مهاجرت به غرب در این خلاصه نمی‌شود که انسان از اسلام دور می‌شود و اطلاعات مذهبی اش رو به کاستی می‌گذارد بلکه گاهی چیزهایی پیش می‌آید که به مراتب از آن مهم‌ترند و آن این که انسان مسلمان در چنان محیط‌هایی از هویت اخلاقی و اجتماعی خود دور می‌شود و از تربیت اسلامی و عادات و آداب آن فاصله می‌گیرد!

نویسنده افزوده بود: مسلمانی که وادار به مسافرت به کشورهای غربی می‌شود باید برای خود محیط‌های سالم دینی به وجود آورد که در غرب یافت نمی‌شوند. درست است که او نمی‌تواند محیط‌های عمومی را عوض کند اما او می‌تواند محیط ویژه‌ای برای خود فراهم نماید که در آن فضا زیست کند.

به وجود آوردن محیط مناسب و اسلامی در آن شرایط شبیه واکسینه شدن در برابر یک نوع بیماری است که انسان می‌خواهد از آن فرار کند و با اقداماتی معقول به پیشگیری می‌پردازد ما در عین حال که ادعا نمی‌کنیم چنان چیزی آسان است و با این تمثیلات ساده از کنار آن نمی‌توان گذشت، در عین حال این امر از اهمیت خسارت یک انسان با ایمان در زمینه تعهدات دینی که اساس هویت و شخصیت او را تشکیل می‌دهند کم نمی‌کند پس شایسته است مراقبت کنیم هر چند که چنان کاری در جنبه‌های دیگر زندگی خسارت‌ها و ضررهایی را به وجود آورد. ما همان اندازه که آثار منفی آن سفرها را در نظر می‌گیریم برای رهایی و نجات از آن ضایعات هم باید برنامه داشته باشیم. مسلمانی که برای آینده مادی و دنیایی و در جنبه‌های علمی و اقتصادی و دیگر امور خویش در کشورهای غربی، تلاش می‌کند نباید حیات اخروی خود را در این مسیر از دست بدهد. او مانند هر تاجر دیگر نباید شرف و انسانیت خود را در برابر مبالغی پول خسارت دهد، او همانند مریض برای امراض سلامت، و تندرستی، و تلخی دوا، درد سوزن، و داغ شدن و امثال آن را تحمل می‌کند تا مرض، او را از پا در نیآورد. پس برای هر مسلمانی که در چنین محیط‌های آلوده زندگی می‌کند لازم است که خود را در برابر عوارض و خطرات نامطلوب، نگاهدارد و برای خود محیط و جوّ دینی مناسب پدید آورد تا در حد امکان از ضرر و زیان‌های آن محیط‌های آلوده، بکاهد.۱.

او باید برای خود و خانواده و فرزندان و حتی برادران هم کیش خود چنان محیط‌های سالم را به وجود آورد تا به کلام خدای تعالی عمل کرده باشد که فرمود:

يا ايها الذين امنوا قوا انفسكم و اهليكم ناراً و قودها الناس و الحجاره  
على ها ملائكه غلاظ شداد لا يعصون الله ما امرهم و يفعلون ما يؤمرون ۲ :  
ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتشی نگاهدارید که  
آتشگیره آن مردمان و سنگ است. بر آن فرشتگانی سر سخت و خشمگین  
مأمورند که از فرمان خدا سرپیچی نمی کنند و هر آنچه به ایشان امر شود،  
عمل می کنند.

۱. دلیل المسلم فی بلاد الغربه، ص ۲۷-۳۷.

۱. دلیل المسلم فی بلاد الغربه، ص ۲۷-۳۷.

۲. سوره تحریم، آیه ۶.

و با خدا - برتر از هر گوینده - فرمود:

المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف و ينهون  
عن المنكر ۱ : مردان و زنان با ایمان، سرپرستان یکدیگرند همدیگر را به  
نیکی فرمان می دهند و از بدی باز می دارند.

و پیامبر اکرم (ص) فرمود: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ ۲ :

همه تان مسئول رعایای خویش هستید. و به هر حال باید فریضه امر به  
معروف و نهی از منکر مورد عمل قرار بگیرد. و به طور خلاصه ایجاد چنان  
مصونیتی در خلال چند امر میسر است.

۱— هر روز به اندازه ممکن، برخی سوره‌های قرآن کریم را با اندیشه و تدبّر تلاوت کند و یا به قرائت یک قاری گوش دهد که در آن آیات، بینش‌هایی از سوی پروردگار و هدایت و رحمتی برای مردمان با ایمان وجود دارد: بصائر من ربکم و هدی و رحمۃ لقوم یؤمنون ۳ .

و اذا قرى القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون ۴ : و وقتی قرآن، تلاوت شد گوش کنید و آرام باشید شاید مشمول رحمت گردید.

زیرا اگر کسی با قرآن همنشین باشد بلند نمی‌شود مگر با افزونی و یا کاستی، افزونی هدایت و ارشاد و کاستی کوری و ضلالت. ۵ و بدانید با وجود قرآن، برای احدی، فقر و فاقه نیست و بدون قرآن هیچ کسی دارا نیست، از او برای دردهایتان دارو بطلبید و در سختی‌ها و گرفتاری‌ها از او یاری بجوید زیرا در قرآن شفا و بهبودی از بزرگ‌ترین درد که کفر و نفاق و گمراهی و گم‌گشتگی باشد، وجود دارد و از خدا به وسیله قرآن بخواهید و به محبت قرآن به خدا رو کنید و آن را وسیله سؤال از مردم قرار می‌دهید زیرا بندگان به سوی خدا هیچ وسیله‌ای مثل قرآن ندارند و بدانید که او شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته است و گوینده‌ای است که است که سخنش مورد تصدیق می‌باشد و هر که در روز قیامت قرآن شفاعت‌کننده او باشد شفاعت آن در حق او پذیرفته است. ۶

و هر کس در جوانی قرآن بخواند قرآن با گوشت و خون او

۱. سوره توبه، آیه ۷۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

۳. سوره اعراف، آیه ۲۰۳.

۴. سوره اعراف آیه، ۲۰۴.

۵ و ۶. نگاه کنید: نهج البلاغه، ص ۲۵۲.

در آمیزد و خدا او را با فرشتگان بزرگوار و نیکوکار، همراه کند و قرآن در روز قیامت مانع او از آتش و عذاب خواهد بود<sup>۱</sup>.  
بهتر است او برخی تفسیرهای مختصر را که حمل آن آسان و در مسافرت سودمند است، همراه داشته باشد.

۲— نمازهای واجب را در وقت‌های معین بخواند بلکه احياناً نمازهای مستحبی را که ممکن است به جا آورد، پیامبر (ص) به عبدالله بن رواحه آن هنگام که برای جنگ موته بیرون می‌رفت طی وصیتی فرمود: تو به سرزمینی می‌روی که در آنجا کمتر برای خدا سجده می‌شود، پس فراوان سجده کنی<sup>۲</sup>.

و زید شحام از امام صادق روایت کرد که پیامبر (ص) فرمود:

احب الاعمال الى الله الصلوة، و هی آخر وصایا الانبیاء ۳ : دوست داشتنی ترین اعمال نزد خدا نماز است و آن آخرین سفارش‌های پیامبران است. امیر مؤمنان علی (ع) هم نماز را سفارش کرده فرمود: به نماز تعهد داشته باشید و بر آن مراقبت و محافظت کنید و فراوان نماز گزارید و با آن تقرب بجوئید که آن برای مؤمنان واجب وقت داری است. آیا جواب دوزخیان را نمی‌شنوید آن هنگام که از ایشان سؤال شد چه چیزی شما را در سقر و دوزخ وارد کرد؟ گفتند: ما از نماز گزاران نبودیم.

و همانا نماز گناهان را همانند برگهای درخت فرو می‌ریزد و معاصی را مانند ریسمان پوسیده، رشته، رشته متلاشی می‌کند و از بین می‌برد، و رسول خدا (ص) آن را به حمام و آب گرمی تشبیه کرد که دم در خانه آدمی باشد و او در هر روز و شب پنج بار در آن شستشو کند پس از چنین نظافت و شستشویی چه آلودگی بر او باقی می‌ماند؟

۳— خواندن قسمتی از دعاها، مناجات‌ها و ذکرها در حد توان، که چنان عملی گناهان را یاد می‌آورد و به توبه و امانت می‌دارد و به پرهیز از کارهای بد فرا می‌خواند و توشه‌ای از حسنات و نیکوکاری می‌شود. مثل دعا‌های صحیفه سجادیه امام زین العابدین (ع)، دعا‌های کمیل بن زیاد، دعا‌های ماه رمضان مانند دعا‌های ابو حمزه ثمالی و دعا‌های سحر و دعا‌های هفته و دیگر دعاها.

و هر مسلمانی به چنین تهذیب و خودسازی نیازمند است به ویژه اگر در کشور غیر اسلامی به سر برد.

۴— به مرکزها و مؤسسه‌های اسلامی، زیاد رفت و آمد کند که در آنها در ماه رمضان و یا دیگر ماهها و زمانها در عیدهای اسلامی و مناسبت‌های مذهبی و روزهای ولادت و وفات، مجالس و عظم، ارشاد و تبلیغ تشکیل و به پا می‌شود و انگهی مسلمانان باید این مناسبت‌ها را در خانه‌های خود هم زنده نگاهدارند. آنجا که چنان مجالس و مراکز و مؤسسات عمومی وجود ندارند.

۵- در انجمن ها و کنفرانس های اسلامی که در کشورهای غربی احیاناً تشکیل می شود شرکت کند.

۶- کتابها، مجلات و روزنامه های اسلامی را برای بهره جستن از آنها بخواند و به دیگران نیز فایده برساند.

۷- به برخی نوارهای کاست که اساتید با تحمل زحمت و بی خوابی آنها را فراهم کرده اند و در مجالس به عنوان سخنرانی آنها را القاء کرده اند گوش کند که در آنها موعظه و تذکر فراوان خواهد یافت.

۸- از رفتن به جاهای فساد و لهو از دیدن برنامه های بد تلویزیونی به ویژه بعضی کانالها که برنامه هایشان با عقاید دینی و ارزش های مذهبی و منش و تمدن اسلامی سازگاری ندارند خودداری کند.

۹- دوستان صالح در راه خدا به دست آورد که او آنان را ارشاد کند و ایشان هم او را ارشاد کنند. او آنان را از کژی و انحراف باز دارد. و ایشان هم او را، و اوقات فراغت را با کارهای مفید همراه ایشان بگذارند و بدان وسیله از رفیقان ناباب و از انزوا و تنهایی و آثار سوء آنها خلاصی یابد.

امام صادق (ع) از پدرانش، از پیامبر (ص) روایت کرد که فرمود: مسلمانان پس از فایده اسلام، فایده ای مثل برادر دینی و خدایی به دست نیاورده است.

میسر گفت: امام ابو جعفر صادق (ع) به من فرمود: آیا خلوت می کنید و صحبت می کنید و از هر بابی سخن می گوید؟ گفتم: بله به خدا سوگند خلوت می کنیم و با یکدیگر به گفتگو می نشینیم و آنچه گفتنی است می



گوییم. امام فرمود: به خدا سوگند دوست می دارم در برخی از این اوقات با شما باشم. آگاه باشید به خدا قسم من بوی شما، روحهای شما را دوست می دارم و شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید پس با ورع و کوشش، یاری برسانید ۱.

۱۰- انسان همه روزه از خود حساب کشی بکشد و یا هر هفته عملکرد های خود را محاسبه کند اگر کار نیک انجام داده خدا را شکر گزارد و افزون کند و اگر عملکردش بد بوده استغفار نموده

و توبه کند و تصمیم بگیرد که بار دیگر آن کار بد را نکند. پیامبر بزرگوار به ابوذر چنین وصیت کرد: ای اباذر، پیش از آنکه به حساب تو رسیدگی شود خود به حسابت برس چنین کاری برای حساب پس دادن فردا، بهتر است و خودت را قبل از آنکه سنجیده شوی بسنج. و برای عرضه داشت بزرگ در روزی که بر خدا هیچ امر پنهانی، پوشیده نمی ماند، آماده باش.

ای اباذر، هیچ انسانی پارسا و متقی نمی شود مگر آنکه خود را سخت تر از آنچه شریک، از شریک خود حساب می خواهد، محاسبه کند او باید بداند که از کجا می خورد و چه می پوشد آیا از حلال است و یا از حرام؟  
و امام کاظم فرمود:

لیس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم فان عمل حسنه استزاد الله تعالى و آن عمل سیئه استغفر الله منها و تاب ۲: از ما نیست کسی که خود را

هر روز محاسبه نکند اگر کار نیک انجام داده از خدا فزونی بطلبد و اگر کار بد کرده توبه کند و از خدا آمرزش بخواهد.

۱۱- به لغت و زبان عربی که زبان قرآن و تعداد زیادی از کتب و منابع شریعت اسلامی است اهتمام بورزد علاوه آنکه آن، زبان انبوهی عظیم از مسلمانان و بزرگان دین است و آن را در میان خانواده رواج دهد و اگر دانشجویان در کشورهای غیر اسلامی به آموزش زبان اجنبی مشغولند همزمان به آموزش زبان عربی هم همت بگمارند تا بدان وسیله به دین و ارزش‌های مذهبی و تاریخ تمدنشان دست یابند.

۱۲- به تربیت نسل جدید اهتمام بورزد و آن را از طریق تربیت فرزندان پسر و دختر بر محبت کتاب خدا علاقه به تلاوت آن با تشکیل مسابقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، پی بگیرد.

کودکان را با ورزیده کردن بر عبادت‌ها و آراستگی به اخلاق فاضله مانند راستی، شجاعت، وفاء به عهد و دوست داشتن دیگران، آماده کند و همراه خود آنان را به مراکز اسلامی و مؤسسه‌های دینی ببرد و عادتشان دهد. او دشمنان

اسلام را به ایشان بشناساند و روح اخوت و برادری را در میان آنان تقویت کند و دست آنها را در شرکت کردن در مناسبت‌ها، عیدها و عزاهای بگیرد. او کار کردن و کوشش و فعالیت را برای کودکان دوست داشتنی کند تا بدان وسیله اسلام را بهتر بفهمند و بر پایه ارزش‌های دینی در حیات دنیوی نیز رفتاری متناسب داشته باشند.

فکر خود را در اینجا نگاه داشتم و به آسمان نگریستم در جلو چشم خود انبوهی از ابرهای سفید را مشاهده کردم که از اینجا و آنجا جمع شده و مانند پنبه حلاجی شده که بر روی مخملی سبز نهاده شده باشد، جلوه گر بودند، منظره خیلی دلربا بود آن قدر نگریستم تا چشمم سیر شد. پاره‌های ابر در حرکت بودند، جمع می‌شدند، توی هم می‌رفتند، یکی می‌شدند، از هم جدا می‌شدند، به یکدیگر راه می‌دادند، ذوب می‌شدند و از بین می‌رفتند.

باری دیگر سؤال برای من تکرار شد در کشورهای غربی چگونه باید زیست کنم؟ چطور باید رفتار کنم که ویژگی شخصیتی خود را حفظ کنم بدون آنکه در فرهنگ دیگران ذوب و یا فانی شوم و بی آنکه به بن بست افتم و گرفتار آیم چه باید کنم؟ آنگاه از خود پرسیدم اگر در میان عده‌ای زندگی کنم چگونه درباره من داوری خواهند کرد؟ من در کشور و شهر خود که دائماً زایران و جهانگردان، در رفت و آمد بودند چنین عادت داشتم که با نوع رفتار مردم به فرهنگ ملتشان پی می‌بردم. اگر کسی رفتار خوبی داشت می‌گفتم مردمان همشهری او مردمان خوبی هستند و اگر مسافر و جهانگردی بد عمل می‌کرد می‌گفتم اصولاً فرهنگ اهل آن شهر چنین است و روی این اصل مردم مغرب زمین هم از نوع رفتار من قضاوت خواهند کرد که مسلمان یعنی همین و آن رفتار را بر عموم مسلمانان تعمیم خواهند داد. من اگر راستگو و درست کردار باشم، وفا به عهد کنم، امانتدار باشم، خلق خوش نشان بدهم و برابر قوانین اجتماعی نظام رفتار نمایم، نیازمندان را یاری کنم، با همسایگان خوش رفتار باشم و در نوع رفتار به محمد (ص) تأسی

کنم و تعالیم او را اجرا نمایم که به طور کلی دین در حسن رفتار خلاصه می‌شود، اگر چنین باشم در معاشرت با مردمان غیر مسلمان، قضاوتشان چنین خواهد بود که دین اسلام دین مکارم اخلاق است.

و اما اگر دروغ بگویم، خلف وعده کنم و با خلق و خوی بد اطرافیانم را به وحشت اندازم و نظم جامعه را در هم بریزم، با همسایگان بدی کنم و در معامله فریبکاری و در امانت خیانت روا بدارم، آنان که با من معاشرت می‌کنند خواهند گفت: اسلام دینی نیست که بتواند به پیروانش خلق‌های نیکو بیاموزد!

در اینجا صدای خلبان هواپیما افکار مرا برید و گفت: ما الآن روی کشور آلمان و به سوی شهر لندن در حرکت هستیم، کیفم را گشودم و از آن کتابی بیرون آوردم تا از آن یاری بطلبم و پنج روایت از امام صادق (ع) مرا نگاه داشتند.

۱- امام به شیعیان و پیروان خود فرمود:

کونوا لنا زینا و لا تکونوا علینا شینا. حببونا الی الناس و لا تبغضونا الیهم: برای ما زینت و آبرو باشید. بر ما عیب و ننگ و عار مبادید ما را به مردم دوست داشتنی کنید نه طوری کنید که آنان به وسیله شما ما را دشمن بدارند.

۲- کونوا من السابقین بالخیرات ... : از کسانی باشید که با کارهای خیر سبقت می‌جویند، شاخه‌ای بی خار باشید که پیشینیان شما شاخ و برگ باشند. به سوی پروردگارتان بخوانید و مردم را به اسلام وارد کنید نه آنکه از

اسلام بیرون برده باشید پیشینیان چنین بودند که مردم را به اسلام راغب و به آن وارد می کردند نه آنکه آنان را از اسلام بیزار و از آن خارج کرده باشند.

۳— در این روایت پس از آنکه به عمل کنندگان به حدیث، سلام می فرستد می گوید: شما را به تقوای خدا عزوجلّ توصیه می کنم و این که در دینتان با پروا باشید و برای خدا کوشش کنید، راستگو، امانتدار باشید سجده‌های طولانی کنید، همسایه خوبی باشید محمد (ص) چنین آیینی آورده است. نسبت به کسی که امانت به شما سپرده نیکوکار باشد یا بدکار، امین باشید. رسول خدا (ص) می فرمود: حتی سوزن و نخ آن را هم پس بدهید، با خویشاوندان پیوند داشته باشید. و بر جنازه‌های آنها حاضر شوید و بیمارهایشان را عیادت کنید و حقوق ایشان را بپردازید زیرا اگر کسی از شما در دین خود پروا داشت و راستگو و امین بود با مردم خوش اخلاقی کرد گفته می شود: این شخص جعفری است و من از این بابت شاد می شوم و گویند تربیت جعفر چنین است.

اما اگر جز این باشید ننگ و عار و گرفتاری عمل شما دامنگیر من می شود و گویند تعلیم و تربیت جعفر اینگونه است!

به خدا قسم پدرم حدیث کرد که گاهی شخص در میان قبیله ای از شیعیان علی (ع) مایه آبرو است امانتدارترین و در انجام حقوق و وظائف فعالترین و در سخن گفتن راستگوترین بوده و مردم وصیت هایشان را به وی می کردند و امانت هایشان را نزد او می سپردند و وقتی شما از آن قبیله راجع

به او سؤال می کردید، می گفتند مانند فلانی یافت نشود، او امانتدارترین و راستگوترین ما می باشد.

۴- علیکم بالصلوٰۃ فی المساجد ... : بر شماست که نماز در مسجدها بخوانید و حسن همجواری داشته باشید و گواهی به پا دارید، بر جنازه ها حضور پیدا کنید و شما ناگزیرید با مردم معاشرت داشته باشید واحدی از شما در طول حیات از مردم بی نیاز نیست و اصولاً مردم به یکدیگر وابسته اند.

۵- در پاسخ پسر وهب که پرسید: شایسته است که در میان خود و با دیگران چگونه باشیم؟ فرمود: به پیشوایان بنگرید که مقتدایان شما هستند همان کنید که آنان می کنند به خدا سوگند آنان مریضهای ایشان را عیادت می کنند، بر جنازه هایشان حضور پیدا می کنند، بر له و علیه آنها به هنگام لزوم، شهادت و گواهی می دهند و نسبت به آنان امانتدار می باشند. ۱

تا قرائت این پنج حدیث را به پایان بردم، احساس راحتی کردم که احادیث امام ششم جعفر صادق (ع) با آن وصیت و سفارشش برای شیعیان و پیروان خود بار مرا سبک کرد و برنامه عملی برای من ترسیم و اصول و قواعد صحیح رفتار را برای من مشخص فرمود و تصمیم گرفتم که در دفتر خود مسائل مهمی را که در کشور غربت برایم پیش می آید یادداشت کنم و از کتابهای فقهی و رهنمودهای موجود یاری بطلبم و اگر مسأله تازه ای پیش بیاید که جواب آن را ندانم از مرجع تقلید استفتاء کرده و جواب دریافت

بدارم با این و آن، مشکلی در کشور غربی نخواهم داشت نه اخلاقی و نه فقهی، آن شاء الله.

بدین ترتیب مسائل شرعی را یکی یکی می نوشتم و آنجا که تحصیل پاسخ از کتب و یادداشت ها برای من مشکل می شد و از روی رساله عملیه به دست نمی آمد، استفتاء می کردم.

و خواه نا خواه کتاب و یادداشت هایم به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم شد. در باب عبادات طی هفت فصل مسائلی را گنجاندم که برای مسلمانان غرب نشین از بقیه، مهمتر است مانند مسائل: مهاجرت و سفر به مغرب زمین، ورود به کشورهای غیر اسلامی، مسائل تقلید، طهارت و نجاست، نماز، روزه، حج و شئون میت. و هر فصل دارای یک مقدمه مختصر در آن ارتباط و طرح برخی احکام که در کشورهای غربی بدان، نیز شدید و آنگاه مهمترین استفتائات و پاسخ آنها را آوردم.

باب دوم که مخصوص معاملات است طی یازده فصل دنبال می شود بدین ترتیب: خوردنی ها و نوشیدنی ها، پوشیدنی ها، همزیستی با قوانین اجرای کشورهای مهاجرت شده، کار و گردش سرمایه، روابط اجتماعی، مسائل و شئون پزشکی، امور زنان، مسائل جوانان، احکام موسیقی و آوزا خوانی و رقص و فصلی برای مسائل متفرقه مشتمل بر یک مقدمه کوتاه و طرح برخی احکام متناسب آن فصل و سر انجام نمونه هایی از استفتائات مربوطه، می باشد. و در نهایت سه ضمیمه داریم:

یک — نمونه هایی از زیراکس استفتائات و پاسخهای آیت الله العظمی  
سیستانی - دام ظلّه -

دو — لیستی از مواد خوراکی که در برخی موارد به خوراکی ها داخل  
و یا ضمیمه می شود و خوردن آنها بر مسلمان جایز نمی باشد.

سه — لیست نام و عنوان برخی ماهی های پولک دار که خوردن آنها  
برای مسلمان حلال است.

و پایانه کتاب مشتمل بر بیان منابع و مصادر کتاب و سپس فهرست  
تفصیلی آن.

---

۱. اصول کافی، ج ۲ ص ۱۸۷، و بنگرید باب زیارة برادران، ج ۲، ص ۱۷۵ و باب تذاکر و یاد  
برادران از همان کتاب ص ۱۸۶.

۱. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۹.

۲. جامع السعادت، ج ۳، ص ۹۴.



توضیح برخی اصطلاحات فقهی که در پاسخ‌های حضرت آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه - آمده است:

۱- احتیاط استحبابی: چیزی که مکلف می‌تواند آن را به جا نیاورد و ترک کند.

۲- احتیاط وجوبی: عملی که مکلف خود را میان فعل و ترک آن و مراجعه به مجتهد دیگر مخیر بداند *الأعلم فالأعلم* .

۳- احرام به نذر: احرام برای حج جز از میقات و یا محاذی آن، جایز نیست و اگر شخصی بخواهد قبل از رسیدن به میقات، احرام ببندد، می‌تواند با خواندن صیغه، نذر شرعی کند مثلاً بگوید: برای خدا بر عهده من است که در فلان جا محرم شوم.

بدین ترتیب محرم شدن از چنان جایی جایز می‌شود اگر چه آنجا، میقات و یا محاذی آن نباشد.

۴- احوط اولی: احتیاط مستحبی.

۵- احوط لزومی: احتیاط واجب. و به همین معناست جمله اشکال دارد و جمله جای تأمل است .

۶- استحاله: تغییر شکل نوعی یک چیز و دگرگونی آن، طوری که عرفاً، چیز اول نباشد. مانند تبدل گوشت به خاکستر.

۷- استصحاب: معتبر بودن حکم و یا عنوان پیشین پس از شک در آن، مثلاً می‌دانستیم که زید عادل است. بعداً عملی از او دیدیم اما یقین نداریم آیا آن عمل، موجب فسق او می‌شود یا نه؟

بنابر این باید او را همچنان عادل بشناسیم و عدالتش را که محرز بود، استصحاب کنیم.

۸- استهلاك: ذوب شدن چیزی در چیز دیگر طوری که عین و اثری از چیز اول باقی نماند.

۹- اطراف شبهه اعلمیت: گروهی از مجتهدین که می‌دانیم یکی در میان ایشان، داناتر از بقیه است و اعلم، از آن گروه خارج نیست.

۱۰- اطمینان: گمان نیرومندی که احتمال مخالف آن بسیار ضعیف باشد طوری که عقلاً و خردمندان در زندگی خود به آن توجه نمی‌کنند.

۱۱- آلات لهو حرام: ابزار ساخته بشری است که برای لهو حرام وضع شده اند.

۱۲- تدلیس: ارائه شخص و یا چیزی به غیر آن وضع و صفتی که در واقع هست به قصد ترغیب مشتری و یا برانگیختن شخصی برای ازدواج با وی.

۱۳- تذکيه: راه حلال و پاک گشتن و پوست حیوان است با شرایط معین.

مثلاً تذکيه ماهی، زنده بیرون آوردن شدن آن است از دریا و آب و یا لااقل در داخل تور و ابزار صید مرده باشد نه در بیرون آن و در آب. و همینطور اگر چهار رگ گاو، گوسفند و مرغی را که قابل تذکيه هستند ببرند گوشت و پوست آنها پاک و حلال می‌شود و حتی اگر حیوان حرام گوشت قابل تذکيه باشد و چهار رگ او قطع شود پاک می‌گردد هر چند

که خوردن گوشت آن حرام است پس تذکيه ماهی، زنده از آب بیرون آوردن آن است و در جز ماهی با بریدن چهار رگ.

۱۴— تفصیر در نماز: دو رکعت خواندن نمازهای چهار رکعتی را در سفر، تقصیر می گویند.

۱۵— جاهل قاصر: کسی را گویند که در ندانستن حکم معذور است زیرا در فعل و یا ترک چیزی به دلیل و مجتی استناد داشته هر چند که خطای آن آشکار گردیده است.

۱۶— جاهل مقصر: کسی را گویند که در ندانستن حکم معذور نیست مانند کسی که در آموختن مسائل دینی، سستی و اهمال کرده است.

۱۷— جاهل به حکم: کسی را گویند که حکم شرعی را می داند اما انطباق آن را با موضوع معینی نمی داند و آن دو قسم است: اول: منشأ جهل گستردگی دامنه موضوع است و آن را شبهه موضوعی گویند مانند کسی که معنای دقیق غنا را نمی داند و لذا در حرمت برخی موضوعات غنایی تردید پیدا می کند. دوم: آنکه حال مصداق خارجی معین را نمی داند مثل این که نمی داند مایع موجود در پیش روی او شراب است یا نه؟ و آن را شبهه مصداقیه نامند.

۱۸— جایز است با اشکال: کاری که انجام آن جایز باشد هر چند احتیاط مستحبی ترک آن است.

۱۹- جایز است با تأمل: همانند اصطلاح سابق است.

- ۲۰— جرم حایل: ماده ای که در رسیدن آب به پوست بدن و یا هر جسمی مانع شود. ۲۱- حرج: تنگنایی، مشقت و زحمت فوق العاده.
- ۲۲— حق اختصاص: حق شخصی نسبت به چیزی که مالیت و یا ملکیت آن را شارع مقدس برای احدی نپذیرفته است.
- ۲۳- دیه: مالی است که باید به فرد جنایت شده، پرداخت شود.
- ۲۴— ردّ مظالم: انفاق بر فقرا به نیابت از سوی کسی که او بر انفاق کننده حق مالی داشته است اما شناسایی او و دفع مال به وی، ممکن نمی باشد و حتی به کسان و وارثان شرعی او هم دسترسی ندارد.
- ۲۵— شبهه مفهومی: ندانستن انطباق عنوانی را بر یک موضوع خارجی بدین سبب که حدود موضوع را نمی دانیم، شبهه مفهومی می گویند. مثل این که ندانیم عنوان غنا بر صدای معینی صدق می کند یا نه؟ زیرا حدود و مفهوم غنا را نمی دانیم.
- ۲۶— شرط و یا تعهد ضمنی: چیزی که در عرف عقلاً و خردمندان در داد و ستدها مندرج است هر چند که تصریح نشود و در واقع معامله بر آن اساس واقع می شود مثل این که قیمت و ارزش کالاها باید به هم نزدیک باشند پس اگر خریدار و یا فروشنده بفهمند که ارزش جنس فروخته و یا خریداری شده خیلی کمتر و یا بیشتر از آن بوده که معامله روی آن انجام یافته است، او می تواند ادعای غبن کند و معامله را به هم بزنند، زیرا چنان چیزی در ارتکاز عقلاً هست که تفاوت مالیتها نباید زیاد باشد.

- ۲۷- شك: تردید و دو دلی در امری که هر دو احتمال یکسان و مورد توجه عقلاً و خردمندان باشد و یکی را بر دیگری ترجیح نباشد.
- ۲۸- شأن همسر: آنچه شایسته یک زن و مناسب با وضع شوهر است و به عکس وضع و شئون شوهر نسبت به همسر.
- ۲۹- صورت نوعیه: مالیت و شکل و وضع هر چیزی که مردم به آن سبب به آن چیز رغبت می کنند و در برابرش بها می دهند.
- ۳۰- ضرر معتد به (قابل توجه): ضرر و زیانی که عقلای بشر به اجتناب از آن، اهتمام می ورزند.
- ۳۱- ضرورت بر طرف کننده تکلیف: واقع شدن در تنگنای ضرر و زیان قابل توجه و افتادن در مخمصه ای که عادتاً تحمل پذیر نیست.
- ۳۲- عدّه: زمانی که یک زن به سبب طلاق و یا مرگ شوهرش و یا در اثر وطی شبهه، باید انتظار بکشد و جایز نیست با دیگری ازدواج کند.
- ۳۳- غساله: آبی که از شیء متنجس پس از شستن و آب کشیدن آن، جدا می شود.
- ۳۴- فتنه نوعی: امری که مردم را نوعاً گرفتار می سازد و در حرام می افکند.
- ۳۵- فسخ: نقض و به هم زدن معامله و داد و ستدی را گویند.
- ۳۶- فی حدّ ذاته: یعنی قطع نظر از عناوین دیگر که چه بسا موجب حکمی مغایر حکم اصلی شود.

۳۷- قصد بدلیت و تعویض: کسی بخواهد چیزی را به جای چیز دیگر قرار دهد.

۳۸- کافر ذمی: آن کس که ولی امر مسلمین با او عقد ذمه می‌بندد که امروز وجود خارجی ندارد.

۳۹- کافر معاهد: آن کس که با مسلمانان و یا جمعی از ایشان پیمان عدم تعرض می‌بندد.

۴۰- کافر که مال او محترم است: آن کس که نوعی از سوی مسلمانان امان دارد (مستأمن، ذمی، معاهد).

۴۱- لحيان: دو استخوان فك که صورت را در بر گرفته و ریش بر آنها می‌روید.

۴۲- مثقال صیرفی: مقداری از طلا که در بازار، متعارف و شناخته شده است و فروشندگان طلا، اندازه آن را می‌دانند.

۴۳- مجهول المالک: مال و دارایی که صاحب آن شناخته نیست هر چند که از او گم نشده است.

۴۴- محاذات میقات: اگر دو خط متقاطع فرض کنیم که زاویه قائمه نود درجه تشکیل دهند و یکی از آن دو خط در مکه و دومی از میقات گذرد وقتی انسان در نقطه تقاطع رو به قبله و مکه مکرمه بایستد او در واقع در محاذات و برابر میقات قرار گرفته است و اعتبار در چنین محاذاتی و برابر میقات قرار گرفته است و اعتبار در چنین محاذاتی، صدق عرفی است و دقت عقلی لازم نمی‌باشد.

- ۴۵- مشهور: یعنی حکم مزبور، احتیاط و جویی است.
- ۴۶- ملائک: مصلحت و مفسده ای که احکام بر آن اساس، تشریح شده است.
- ۴۷- موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب: آنچه که مردمان لایبالی در مجالس بزم و عیاشی می نوازند و یا می خوانند.
- ۴۸- نشوز: رعایت نکردن حق دیگری و غالباً میان زوجین و زن و شوهر مطرح می شود.
- ۴۹- نیت قربت مطلق: عملی که با قصد تقرب به خدا به جا آورده می شود بدون تعیین ادا و قضا بودن آن و یا هر خصوصیت دیگر.
- ۵۰- وطی شبهه: اقدام به عمل جنسی و همخوابی با کسی که حلال نیست اما به توهم حلیت و بدون تعمد گناه صورت گرفته باشد و یا وطی به خیال صحت عقدی که در واقع باطل بوده و دارای اثر شرعی نبوده است، واقع گردیده است.
- ۵۱- ولی: کسی که امور طفل صغیر و یا شخص کوتاه فکر و سفیه و یا به طور کلی شئون جامعه ای را مطابق شریعت سرپرستی و اداره می کند.
- ۵۲- واجب می شود با اشکال: به هر حال انجام آن بر مکلف واجب و لازم است. پس فتوای وجویی است.
- ۵۳- واجب می شود به تأمل: آن نیز فتوای به وجوب شیء است.

۵۴— واجب می شود به کفایت: همه باید آن را انجام دهند اما با قیام  
جمعی از عهده دیگران ساقط می شود ولی اگر همه ترک کنند، سزاوار کیفر  
شوند.



## فصل ۱

### عبادات هجرت به مغرب زمین و زندگی در بلاد غیر اسلامی

هر مسلمانی در میهن خویش زاده می‌شود و خواه و ناخواه از آموزش و ارزش‌های اسلامی سیراب می‌گردد و با آداب دینی و از هدایت‌های خاص الهی بهره‌مند و از راه‌های شناخته شده، حرکت می‌کند. اگر تقدیر چنان می‌شد که آن مسلمان نیز در بلاد غیر اسلامی به دنیا بیاید، تأثیرات محیط در افکار، آراء و نظرات او به طور طبیعی انعکاس می‌یافت و قهراً با آداب و عادات این زادگاه رشد می‌کرد مگر کسی که از سوی پروردگار مصونیت یابد.

تأثیر محیط‌های غیر اسلامی با وضوح بیشتری در آداب و رفتار نسل دوم یعنی فرزندان آشکار می‌شود و به همین جهت اسلام برای تعرب پس از هجرت احکامی خاص و موضع‌گیری ویژه ای دارد و آن در روایات از گناهان کبیره بر شمرده شده است و حتی در برخی، از جمله هشت گناه که از بزرگ‌ترین اند، به حساب آمده است.

ابو عبدالله (ع) فرمود: هفت چیز از گناهان کبیره است: آدم‌کشی، قصد و عمدی، شرک به خدا، نسبت زنا به یک زن عفیف و پاکدامن، رباخواری پس از بینه، فرار از میدان جنگ، تعرب پس از هجرت (که همان بازگشت به دامن شرک و کفر (۱))، عقوق والدین و مال یتیم خوری از

روی ظلم و ستم و مفاد تعرب و شرک، یکی است (۲). و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) روایت کرده که گناهان هفت چیز است:

آدم کشی عمدی، نسبت زنا به انسان پاکدامن، فرار از میدان جنگ، تعرب پس از هجرت، خوردن مال یتیم از راه حرام و ستم، رباخواری پس از ثبوت و هر آنچه خدا به انجام آن تهدید به آتش فرموده است. (۳) و عبید بن زرارۀ گفت: از امام ششم راجع به گناهان کبیره سؤال کردم

فرمود: آنها در کتاب علی (ع) هفت چیزند: کفر، آدم کشی، عقوق والدین، رباخواری پس از ثبوت، خوردن مال یتیم از راه ظلم و ستم، فرار از میدان جنگ و تعرب پس از هجرت، راوی در ادامه سخن گفت از امام پرسیدم: آیا گناهان کبیره همین هاینده؟ فرمود: آری. (۴)

و امام رضا (ع) در حدیثی، علت قباحت تعرب پس از هجرت را چنین بیان کرد: کسی که از دامن اسلام به کفر پناه می برد ایمن از این نیست که دانسته های خود را رها کند و به جهل و جهالت رو نماید و با اهل جاهلیت همراه شود و به جمع نادانان پیوندد. (۵)

معنای این حدیث آن نیست که ورود به بلاد کفر و کشورهای غیر اسلامی به طور کلی حرام است. به عکس، برخی روایت ها بدین جهت که مسلمان در آنجا به برخی آرمان های اسلامی می رسد به چنان هجرت، اجر و پاداش وعده داده شده است.

حماد سندی گوید: به امام جعفر بن محمد صادق گفتم: من به کشورهای مشرکان سفر می کنم و برخی دوستانم می گویند اگر در آنجا

بمیری با کافران محشور خواهی شد! امام در پاسخ فرمود: ای حمّاد، اگر در آنجا و در چنان کشوری به سربری و مرام ما را رواج دهی و مردم را به سوی حق و حقیقت فراخوانی و در همانجا درگذری به تنهایی، یک امت محشور می‌شوی و نور تو پیشاپیش می‌درخشد. (۶) به موجب این روایت و بر اساس ادله شرعی دیگر، فقهای ما فتاوی ذیل را صادر کرده اند:

**مسأله ۱** — مسافرت به بلاد غیر اسلامی به قصد نشر احکام دینی و تبلیغ اسلامی در صورتی که نسبت به دین و ایمان خود و فرزندان خردسالش ایمن باشد، نیکوست. حضرت محمد (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: این که خدا به وسیله تو بنده ای از بندگانش را هدایت کند برای تو بهتر از هر آن چیزی است که از شرق تا غرب، آفتاب بر آن می‌تابد. (۷)

مردی از پیامبر (ص) خواهش کرد که برای او سفارشی بفرماید. رسول خدا به او فرمود: تو را سفارش می‌کنم که برای خدا شریک قرار ندهی و... و مردم را به سوی اسلام فرا بخوانی و بدان که برای تو در برابر هر یک نفری که به دعوت تو به راه می‌آید و هدایت می‌یابد، ثواب آزاد کردن یک برده آن هم از فرزندان یعقوب (ع) را خواهند

نوشت. (۸) **مسأله ۲** — هر مسلمانی می‌تواند به هر کشور غیر اسلامی مسافرت کند اگر یقین و یا اطمینان داشته باشد که چنان سفری بر دین او و یا منسویین وی، اثر منفی و آسیبی ندارد.

**مسأله ۳-** جایز است مسافرت به هر کشور غیر اسلامی و حتی اقامت گزیدن در آنها هر گاه چنان مسافرتی مانع از انجام مسئولیت‌های شرعی نسبت به خود و یا عائله اش پیش نیاورد چه در حال و چه در آینده.

**مسأله ۴-** حرام است مسافرت به کشورهای غیر مسلمان اعم از شرق، غرب و به هر نیت اعم از گردش و سیاحت، تجارت و بازرگانی، اقامت دائم و یا موقت و یا جز آنها، اگر چنان مسافرتی موجب نقصان دین او باشد. (۹)

**مسأله ۵-** اگر همسر شخصی یقین کند که مسافرت به غرب به همراه شوهرش، کاستی در دین او را سبب خواهد شد، چنان سفری برای او حرام می‌باشد.

**مسأله ۶-** هر گاه فرزندان بالغ اعم از دختر و یا پسر یقین کنند که مسافرت به کشورهای خارج، همراه پدر و یا مادر، در دین آنان کاستی به وجود می‌آورد، چنان سفری حرام است.

**مسأله ۷-** مقصود فقها از نقص دین، ارتکاب فعل حرام اعم از گناه صغیره و یا کبیره مانند می‌خوارگی و زنا کاری، مردار خواری و نوشیدن مایعات حرام و هر کار دیگر است و یا مراد از نقص دین، ترک واجبات است مثل نماز، روزه، حج و یا دیگر واجبات شرعی.

**مسأله ۸-** اگر ضرورت ایجاب کند یک مسلمان به کشورهای غیر اسلامی سفر کند و آن سفر موجب نقص دین او می‌شود چنین ضرورتی مثل نجات خود از مرگ حتمی و نظایر آن، مجوز چنان مسافرتی می‌شود و باید به حد لازم و ضرورتی اکتفا کند و زیاده بر آن روا نیست.

**مسأله ۹**— مسلمانی که به کشور غیر اسلامی رفته است باید به میهن خود برگردد اگر بداند که ماندن او در کشور به نقصان دین و ایمان او و فرزندانش، کشیده می‌شود. (۱۰) (و نقصان در دین و ایمان، با ترک واجبات و ارتکاب محرمات، تحقق می‌یابد) مگر آن که برگشتن به میهن اسلامی او را در خطر مرگ و یا زحمت فوق العاده بیندازد و یا ضرورتی پیش آید که موجب رفع تکلیف شود همانند ضرورت داعی به جواز خوردن مردار برای حفظ جان از خطر مرگ.

**مسأله ۱۰**— سفری که سفر معصیت محسوب می‌شود حرام است و مسافر باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را هم در ماه رمضان باید بگیرد.

**مسأله ۱۱**— اگر پدر و مادر با مسافرت فرزندشان به سبب دلسوزی مخالفت کنند و آن مسافرت موجب آزار و اذیت ایشان شود و یا آنان نمی‌توانند دوری فرزندشان را تحمل کنند بدون این که فرزند هم ضرری ببیند، چنان مسافرتی حرام می‌باشد.

**مسأله ۱۲**— اگر جان، مال و یا آبروی مسلمانی مورد تعدی و تجاوز واقع شود و حفظ آن و به دست آوردن حق در پرتو پناهندگی به یک سازمان رسمی میسر باشد چنین پناهندگی جایز است. ۱. و اینک به برخی استفتائات و پاسخ‌ها در زمینه مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی توجه کنید.

**مسأله ۱۳**— معنای تعرب پس از هجرت که از گناهان کبیره است،

چیست؟

جواب: برخی فقها فرموده اند در این زمان معنای جمله آن است که انسان در سرزمینی اقامت کند که دین و ایمانش کاستی پذیرد. و منظور آن است که او سرزمین اسلامی را که می توانست معارف دینی و احکام شرعی را بیاموزد و واجبات تکالیف خود را انجام دهد و محرمات را ترک نماید رها و به کشوری برود که همه و یا بعضی آنها را نتواند به جا آورد.

**مسئله ۱۴—** مسلمانی که در اروپا، و یا امریکا و یا هر کشور غیر اسلامی سکونت دارد احساس می کند که از محیط دینی که در آن نشأت یافته و تربیت شده، دور می شود نه صدای قرآن به گوشش می خورد و نه آوای اذان می شنود و نه زیارت مشاهد برایش میسر است و به طور کلی از فضاهای روحانی و معنوی محروم می گردد آیا ترک چنین محیط و اوضاع و احوال و مانند آنها مثل عدم شرکت در امور خیریه و عدم توفیق شرکت در کارهای نیکو، نقصان در دین حساب می شود؟

جواب: ترک چنان اموری نقصان در دین محسوب نمی شود اما دوری از فضاهای دینی که کم کم به ضعف ایمان و ترک واجبات و یا انجام برخی محرمات بکشد هر چند حرامهای کوچک، پیش آمدن چنین وضعی در اثر سفر و اقامت در بلاد کفر، موجب حرمت آن می شود.

**مسئله ۱۵—** برخی مسلمانانی که در اروپا و یا آمریکا سکونت دارند گاهی حرامهایی را مرتکب می شوند که اگر در کشورهای اسلامی خود می بودند آنها را انجام نمی دادند زیرا مظاهر عادی زندگی در غرب احیاناً آنان را به انجام آن کارها می کشاند هر چند که راغب نباشد آیا چنین وضعی

نقصان و کاستی در دین به حساب می‌آید و موجب حرمت سکونت در آن جا می‌شود؟

جواب: بلی مگر آن که آن سلسله امور از گناهان صغیره باشند و بدون تکرار و گاهی، پیش بیایند.

**مسأله ۱۶**— معنای تعرب پس از هجرت آن شد که انسان راز کشور اسلامی به بلاد کفر رود و دین و دانش او را به کاستی گذارد و جهل و نا آگاهی اش فزونی یابد در این صورت انسان مهاجر باید مراقبت بیشتری کند تا به مرور زمان دین و ایمانش کاستی نیابد و جهل و نا آگاهی اش افزون نگردد؟

جواب: مراقبت زیاد آنگاه لازم است که ترک آن موجب نقصان دین و ایمان او در حدودی که بیان شد، بشود.

**مسأله ۱۷**— یک مبلغ اسلامی که علاقمند حفظ شئون دینی خویش هم هست اگر زمینه وقوع در گناه برایش فراهم و بیش از پیش آلودگی به گناه پیش آید مانند عامل‌های برهنگی و فحشا و دیگر ویژگی‌های شهرهای مغرب زمین آیا در این صورت واجب است او به میهن اسلامی خود بازگردد و اقامت در بلاد غرب برای او حرام می‌شود؟

جواب: اگر ارتکاب برخی گناهان صغیره احیاناً برای او پیش آید اقامت در آنجا برایش حرام نمی‌شود به خصوص اگر اطمینان داشته باشد که تدریجاً به گناهان بزرگ تر کشیده شد.

**مسأله ۱۸**— مسلمانی که از نقصان دین و ایمان فرزندانش بیمناک

است اقامت در کشورهای غربی بر او حرام می‌شود؟

جواب: بلی، همانند بیم از نقصان دین و ایمان خود او.

**مسأله ۱۹**— آیا بر کسانی که در اروپا و یا آمریکا و امثال آن سکونت

دارند واجب است که زبان عربی را که لغت قرآن است به فرزندانشان یاد

دهند بدین سبب که اولاً: آن زبان قرآن کریم است و ثانیاً: ندانستن آن

سرانجام به نا آگاهی نسبت به منابع شرع می‌کشد و در نتیجه شناخت دینی و

کم و اسلامیت رو به کاستی و ضعف می‌گذارد؟

جواب: آموزش زبان عربی آن مقدار که در انجام فرایض دینی، عربی

بودن شرط است مثل قرائت نماز و سوره و دیگر ذکرهای نماز واجب

می‌شود و اما بیش از آن واجب نیست در صورتی که بتواند معارف دینی و

تکالیف شرعی را که لازم است بداند به زبان اجنبی بیاموزد. و مستحب است

قرآن را به بچه‌ها بیاموزند بلکه بهتر است که زبان عربی را به طور کلی به

آنان یاد بدهند به طور محکم و ریشه دار تا بتوانند از منابع شرع در زمینه

معارف اسلامی به کمک لغت عربی، بهره مند شوند و مقدم بر همه آنها

قرآن کریم، سنت نبودی و روایات ائمه اهل بیت (ص) می‌باشند.

**مسأله ۲۰**— مسلمانی که می‌تواند به یک کشور اسلامی برود و در

آنجا زندگی کند هر چند که از جنبه اقتصادی مشکلاتی برایش پیش می‌آید

آیا واجب است او مهاجرت کند و بلاد مغرب زمین را ترک گوید؟



جواب: واجب نمی‌شود مگر زمانی که بر خویشتن از نقصان دین و ایمانش با آن بیان که توضیح دادیم در صورت سکونت در مغرب زمین، ایمن نباشد.

**مسأله ۲۱-** مسلمانی که می‌تواند غیر مسلمانان را به اسلام فرا خواند و یا اعتقاد مسلمانان ساکن در یک کشور غیر اسلامی را محکم کند بی آنکه بر نقصان و کاستی دین و ایمان خود بیمناک باشد آیا بر چنین مسلمانی تبلیغ دین واجب می‌شود؟

جواب: بلی، بر او و کلیه کسانی که چنان توانایی را دارند تبلیغ دینی واجب کفایی است.

**مسأله ۲۲-** آیا انسان می‌تواند گذرنامه شخص دیگری را بخرد و یا عکس آن را عوض کند تا بدان وسیله بتواند به یک کشور غیر اسلامی برود و سپس به مسئولین آن کشور وضع خود را اعلام کند؟

جواب: چنین کاری، مجاز نمی‌باشد.

**مسأله ۲۳-** در غالب کشورهای غیر اسلامی منکرات و فحشا رواج دارد و مدام در خیابان‌ها و مدرسه‌ها و صفحات تلویزیون و امثال آن به چشم می‌خورد، آیا جایز است در چنین کشورهایی اقامت گزید با این وجود که انتقال به کشور اسلامی میسر است هر چند که مشکلات اقامتی، ضرر و زیان مادی و تنگی معیشت و کاستی رفاه و آسایش پیش خواهد آمد؟

و اگر اقامت در چنان کشور غیر اسلامی جایز باشد به جبران برخی امور می‌تواند به تبلیغ دین بین مسلمانان اهتمام بورزد، واجبات را تذکر و یاد دهد و محرمات را برای ایشان بشناساند؟

جواب: اگر اقامت در آن کشورها مانع از التزام به وظایف شرعی نسبت به خود و خانواده اش در حال کنونی و یا در آینده نباشد، چنان اقامتی حرام نیست و گرنه اقامت جایز نخواهد بود هر چند که به تبلیغ دینی پردازد و خدا داناست.

---

۱ اصلاحی است حدیثی بدین معنا که مسلمان اگر پس از مسلمانی و آشنایی با فرهنگ توحید دوباره به فرهنگ ضد توحید و ارزش‌های شرک آلود بر گردد گویا پس از هجرت از کفر باز به سوی آن برگشته.

۲ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳ همان، ص ۲۷۷.

۴ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۵ وسائل الشیعه، ۱۵، ص ۱۰۰.

۶ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۸.

۷ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۸.

۸ رجوع به بخش استفتائات همین فصل شود.

۹ بنگرید بخش استفتائات همین فصل.

۱۰ بنگرید بخش استفتائات همین فصل.

## فصل ۲

### تقلید

تقلید عبارت است از عمل کردن برابر فتوای یک فقیه جامع الشرایط هر چند که هنگام عمل، استناد به فتوای او نداشته باشد. پس اگر مطابق آنچه به نظر رسیده عمل کند و آنچه را که لازم بوده ترک کند، رها نماید بدون بررسی، تقلید تحقق داشته است. گویا او فتوای مجتهد را همانند قلاده ای بر گردن آویخته و مسئولیت حکم را در برابر خدا به عهده او گذارده است. و از جمله شرایط یک مرجع تقلید آن است که او داناترین مردم زمان خود بوده و در استنباط احکام شرعی از منابع اسلامی، تواناترین باشد.

**مسأله ۲۴**— مکلفی که خود نمی تواند احکام شرعی را استنباط کند واجب است از مجتهد اعلم و قادر به استنباط، تقلید نماید. بنابر این، عمل مکلف غیر مجتهد بدون تقلید و بدون عمل به احتیاط، باطل است.

**مسأله ۲۵**— مجتهد اعلم کسی است که در میان چند مجتهد، در استخراج و فهم حکم شرعی تواناترین باشد.

**مسأله ۲۶**— هر مکلفی می تواند به یکی از سه راه، فتوای مرجع تقلید خود را به دست آورد:

الف - حکم و فتوا را از زبان خود مجتهد بشنود.

ب - از دو مرد عادل و یا یک شخص مورد وثوق که کلامش اطمینان

آور است، بشنود.

ج - به رساله عملیه و هر آنچه در حکم رساله است با اعتماد به صحت و درستی آن، مراجعه کند.

**مسأله ۲۷**— در تعیین مجتهد اعلم باید به اهل خبره رجوع شود و از کسانی باید پرسید که تخصص دارند و رجوع به دیگران جایز نیست.

**مسأله ۲۸**— هرگاه مجتهد اعلم در مورد یک مسأله فتوا نداشته باشد و یا مقلد نتواند آن را به دست آورد جایز است به هنگام نیاز با مراعات قاعده الأعلّم فالأعلّم به مجتهد دیگر رجوع کند.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه در مورد تقلید:

**مسأله ۲۹**— فقها، تقلید اعلم را واجب می‌دانند و هنگامی که از برخی عالمان دینی در این زمینه سؤال می‌کنیم تا مجتهد اعلم را شناخته و تقلید نمائیم و راحت شویم به پاسخ قطعی و روشن نمی‌رسیم و اگر اصرار ورزیم در پاسخ ما می‌گویند ما اهل خبره نیستیم و مطالبی از این قبیل. و حتی بعضی از اهل خبره می‌گفتند تعیین اعلم، محتاج بررسی کتب و آثار فقهاست و چنان کاری، طولانی، سخت و دشوار است. پس اگر تعیین اعلم در مراکز اسلامی و حوزه‌های دینی، این اندازه سخت باشد در کشورهای دور دست مانند آمریکا و کشورهای اروپایی چگونه خواهد بود؟! ما پس از زحمت زیاد جوانان پسر و دختر را در این کشورها ارشاد کرده و با واجبات و محرمات آشنایشان می‌کنیم و به التزام عملی و ادارشان می‌نمائیم تا به این سؤال برسیم که از چه کسی تقلید کنیم در پاسخ این سؤال می‌رسیم که از

چه کسی تقلید کنیم در پاسخ این سؤال در می‌مانیم آیا این مشکل راه حلی دارد؟

جواب: اگر برخی اهل خبره به هر سببی اظهار نظر نمی‌کنند و از تعیین اعلم خودداری می‌کنند، همه آنان چنین نیستند پس از طریق آنان می‌توان مجتهد اعلم را شناخت و یا با ارتباط با حوزه‌ها و یا از رهگذر مبلغانی که به اروپا و امریکا اعزام می‌شوند می‌توان پرس و جو کرد و اعلم را شناخت پس تشخیص اعلم هر چند که آسان نیست لیکن آن قدر هم پیچیده نیست که راه حل نداشته باشد.

**مسئله ۳۰** — چگونه اهل خبره را بشناسیم تا از ایشان به تعیین اعلم برسیم ما که از حوزه‌های علمی و به طور کلی از مشرق زمین، دور هستیم آیا راه حلی آسان در این زمینه وجود دارد؟

جواب: اهل خبره که اعلم را می‌شناسند خود مجتهد و در دانش، به او نزدیک هستند و سطح معلوماتشان طوری است که آنان را که شبهه اعلمیت دارند می‌شناسند و مهم‌ترین معیار شناخت اعلم سه چیز است:

اول: دانستن راه اثبات صدور روایت و در این راه علم رجال و علم الحدیث با شاخه‌هایی که دارند مثل کتابشناسی، شناخت حدیث جعلی از غیر آن با اطلاع از انگیزه‌های جعل و تحریف و نیز تشخیص نسخه‌های مختلف و تمیز صحیح از صحیح‌تر و آنچه احیاناً پیش آمده که حدیث، با سخن خود راوی در آمیخته است، مؤثرند.

دوم: فهم نصّ حدیث با تشخیص قواعد عمومی به خصوص روش امامان (علیهم السلام) در بیان احکام و نیز علم اصول و دانش‌های ادبی و آشنایی با اقوال فقهای معاصر از عامه در این مورد دخالت کامل دارند.

سوم: استواری و اعتدال فکر در برگرداندن فروغ بر اصول و راه شناخت سطح معلومات کسانی که در اطراف شبهه اعلمیت قرار دارند و چنین شناختی با بحث و گفتگو با ایشان و رجوع به کتاب‌ها و یا تقریرات درسی ایشان میسر می‌گردد.

و مکلفی که از اعلم جستجو می‌کند اگر نتواند شخصاً او را بشناسد می‌تواند از طریق مردان دین و یا اشخاصی که به درایت آنان اطمینان دارد، اعلم را بشناسد. و دوری کشورها و شهرها در این عصر ارتباطات، که انواع ابزار و وسایل آسان و سریع وجود دارد، مانع به حساب نمی‌آید.

**مسأله ۳۱**— هر گاه آدمی به یک مجتهدی اطمینان خاطر پیدا کرد چنین چیزی در امر تقلید کافی است در صورتی که اهل خبره در تعیین اعلم اختلاف نظر هم دارند؟

جواب: اگر اهل خبره در تعیین اعلم اختلاف داشته باشد سخن کسی را باید سنی که کفایت و خبرویت بیشتری دارد چنانکه در دیگر موارد اختلاف نظر بین اهل خبره، حکم همین است.

**مسأله ۳۲**— زمانی که اهل خبره در تعیین اعلم اختلاف دارند و یا تقلید از چند مجتهد را کافی می‌دانند آیا در این صورت می‌توان در حکمی،

از فتوای یک مجتهد و در حکمی دیگر از مجتهد دیگری تقلید کرد تا وقتی که اعلم شناخته شود و از او تقلید به عمل آید؟

جواب: در این جا چند فرض است:

اول: برخی اهل خبره تقلید از یک مجتهد را کافی می‌دانند چنین نظری اثر شرعی ندارد.

دوم: اهل خبره به برابری دو یا چند مجتهد در دانش و تقوی نظر می‌دهند در این صورت، مکلف مخیر است در همه مسائل به فتوای هر یک از آنان عمل کند اما احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، جمع بین فتاوا کند مانند جمع میان قصر و اتمام.

سوم: برخی اهل خبره یک مجتهد را اعلم می‌شناسد و برخی دیگر مجتهدی دیگر را و در این فرض دو حالت وجود دارد. حالت نخست اینکه مکلف می‌داند یکی از این دو مجتهد اعلم است اما او را به طور معین نمی‌شناسد، این حالت به ندرت پیش می‌آید و حکم آن طولانی است، مراجعه به منهاج الصالحین شود. (۱)

حالت دوم: مکلف اعلم بودن یکی از دو مجتهد را نمی‌داند به این معنی که احتمالاً هر دو برابر باشند بنابر این، فرض دوم پیش می‌آید که یاد کردیم به شرط آن که با تفاوتی بودن یکی نزد او ثابت نشود و گرنه تقلید او متعین خواهد بود.

**مسأله ۳۳-** هر گاه مسائل تازه ای پیش آید که مکلف، فتوای مرجع تقلیدش را در آن باره نمی‌داند آیا واجب است او به جستجو پردازد و فتوای

مرجع تقلید خود را به دست آورد و یا از نمایندگان او پرسد؟ و در صورتی که چنین جستجو و پرسش مثل تماسی تلفنی پر هزینه باشد می تواند فعلاً به فتوای مجتهد دیگر عمل کند؟ تا نظر مرجع تقلیدش را بفهمد آنگاه حکم عملهای گذشته او که با فتوای مرجع تقلید او متفاوت بوده چه می شود؟

جواب: لازم است فتوای مرجع تقلیدش را هر چند با ارتباط تلفنی به دست آورد مگر آن که چنان کاری برای او ضرر و زیان فوق العاده ای داشته باشد و اگر به دست آوردن فتوای او از طریق معمولی میسر نباشد می تواند به فتوای مجتهد دیگر عمل کند با مراعات *الاعلم فالاعلم* و فتوای مجتهد دوم برای او کافی است هر چند با فتوای مرجع تقلید اصلی متفاوت باشد.

---

۱ مسأله نهم.



## فصل ۳

### طهارت و نجاست

#### مقدمه

هر مسلمانی، همواره به پاکی تن، جامه و دیگر چیزهایی که به او ارتباط دارند، علاقه مند است او می خواهد ناپاکی و آلودگی از او و پیرامون دور باشد. اما زندگی در کشورهای غیر اسلامی برای برخی مسلمانان مشکل به وجود آورده و آن مشکل پرهیز از نجاسات است زیرا آنان با مردم این کشورها که مسلمان نیستند در قهوه خانه‌ها، آلوده به بول است، دستشوئی‌ها و به طور کلی در اماکن عمومی، برخورد دارند و لذا نیکو است برای خوانندگان گرامی پاره ای از احکام طهارت و نجاست را یاد آوریم.

**مسئله ۳۴—** همه اشیا، برای ما پاک هستند مگر آنکه نجاست آنها

ثابت شود و این یک قاعده کلی و شرعی است.

**مسئله ۳۵—** اهل کتاب اعم از یهودی، مسیحی و مجوس در اصل، پا

کند مگر آنکه به نجاست و آلودگی آنان علم و یقین پیدا کنیم پس بر اساس طهارت اهل کتاب می توان با آنان معاشرت کرد.

**مسئله ۳۶—** نجاست، به واسطه رطوبت سرایت کننده، منتقل می شود

اما اگر شیء نجس، خشک باشد و یا رطوبت سرایت کننده نباشد، نجاست انتقال نمی یابد بنابر این اگر دست، خشک باشد و به شیء نجس خشک باشد، بر بخورد، آن، نجس و آلوده نمی شود.

**مسأله ۳۷**— شما هر شخصی را که ملاقات می کنید و با او دست می دهید حتی اگر دست او و یا شما مرطوب باشد او را پاک بدانید تا زمانی که نوع عقیده و دین او را ندانید و احتمال دهید که او مسلمان و یا اهل کتاب باشد هم چنانکه لازم نیست از دین و عقیده او سؤال کنید هر چند که چنان سؤالی چندان سخت نباشد و شما را در تنگنا نیندازد. (۱)

**مسأله ۳۸**— مایعاتی که بر بدن و یا جامه انسان می چکد و ترشح می کند اعم از آب و یا دیگر مایعات، پاکند مادامی که علم و یقین به نجاست آنها پیدا نکرده اید.

**مسأله ۳۹**— همه انواع الکلهای صنعتی اعم از آنکه از رب گرفته شده باشد و یا از چیز دیگر، پاکند، پس کلیه داروها، ادکلن ها و شکلات هایی که محتوی الکل صنعتی هستند

پاکند و شما می توانید از آنها استفاده کنید و حتی بخورید اگر درصد الکل جداً بسیار کم، مثلاً ۲ درصد باشد.

**مسأله ۴۰**— وسایلی را که قبلاً مورد استفاده قرار گرفته اند می توان بدون تطهیر دباره مورد استفاده قرار داد مگر آنکه به نجاست سابقه آنها یقین داشته باشیم. (۲)

**مسأله ۴۱**— قالی، موکت و امثال آنها را اگر با نجاست جرم دار آلوده نشده و اثر عینی، روی آنها نباشد می توان با ریختن یک بار آب بر روی آنها به وسیله آنها به وسیله آفتابه و یا کاسه و مانند آن، تطهیر کرد به این ترتیب که آب روی قسمت متنجس می ریزیم به طوری که همه آن قسمت را فرا

گیرد آنگاه با دادن فشار به وسیله دست و یا ماشین برقی و یا گذراندن پارچه پاکیزه از روی آن، غسل را جدا می‌کنیم و این حکم در مورد همه جامه‌هایی که جز به بول آلوده شده اند صادق است اما لباس آلوده به بول و یا بول دختر بچه شیرخوار، حکمی دیگر دارد که خواهد آمد.

**مسئله ۴۲—** اگر بخواهیم شیء متنجسی را با آب شیر که به کرم متصل است آب بکشیم و بشویم نیازی به جدا کردن آب غسل نیست بلکه همین قدر که آب کرم روی نجاست و آلودگی را فرا گرفت، آن پاک می‌شود.

**مسئله ۴۳—** اگر جامه، فرش، موکت، و یا امثال آنها به انواع نجاساتی آلوده شوند که دارای جرم اند و اثر عینی بر روی آنها باقی مانده است مانند خون، منی، می‌توان آنها را به ترتیبی که در مسئله ۴۱ گذشت تطهیر کرد به شرط آنکه جرم نجاست با شستن و یا به هر وسیله بر طرف شود با این تفاوت که اگر تطهیر با آب قلیل صورت

بگیرد غسله ای که عین نجاست با آن برطرف می‌شود بنابر فتوی نه احتیاط و جویی، نجس است.

**مسئله ۴۴—** فرش، موکت و انواع لباس‌هایی را که با بول پسر و با دختر بچه شیرخوار آلوده شده است می‌توان با ریختن مقداری آب بر روی مکان متنجس، آن هم یکبار به اندازه ای که محل آلوده به بول را فراگیرد، آب کشید به شرط آنکه بچه جز شیر چیز دیگر نخورد و در پاکی آنها جدا کردن غسله با فشار و یا هر وسیله دیگر شرط نیست.

**مسأله ۴۵-** جامه متنجس به بول را دوبار با ریختن آب قلیل از آفتابه و یا کاسه و امثال آنها می توان پاک کرد طوری که آب کاملاً جای متنجس را فراگیرد و سپس آن را به طریقی جدا کرد البته غسله ای که از جامه جدا می شود بنابر احتیاط واجب، نجس است به شرط آنکه عین نجس در آن نباشد و گرنه به حسب فتوی، نجس است.

**مسأله ۴۶-** اگر بخواهیم جامه متنجس به بول را با آب شیر که به کر متصل است بشویم ناچار باید آن را دوبار بشویم ناچار باید آن را دوبار بشویم بدون نیاز به جدا کردن غسله از آن، چنانکه بدن آلوده به بول هر چند که با آب شیر و کر شسته شود باید دو بار شسته شود.

**مسأله ۴۷-** دست و لباس آلوده به شراب با یکبار شستن پاک می شود اما لباسی که با آب قلیل تطهیر می شود باید غسله از آن با فشردن و امثال آن جدا شود.

**مسأله ۴۸-** ظرف های آلوده به شراب و جز آن، با سه بار شستن با آب قلیل، پاک می شوند و اگر با آب شیر و لوله کشی که متصل به کر است تطهیر شوند بنابر احتیاط واجب نیز سه بار شسته شوند.

**مسأله ۴۹-** دست و یا جامه ای که به آب دهان سگ آلوده شده اند با یکبار تطهیر، پاک می شوند اما جامه را باید پس از شستن فشار داد و غسله را جدا کرد.

**مسأله ۵۰**— ظرف‌هایی که با تماس دهان سگ و آب خوردن او، آلوده شده اند با سه بار شستن پاک می‌شوند که نخستین آنها با خاک مالی توأم باشد و دو بار دیگر با آب.

و اینک نمونه‌هایی از فتاوی‌ای آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه در این باره:

**مسأله ۵۱**— زمین که از مطهّرات است و کف کفش با حرکت در روی آن پاک می‌شود آیا لاستیک‌های اتومبیل‌ها هم با حرکت روی زمین پاک می‌شوند.

جواب: خیر، پاک نمی‌شوند.

**مسأله ۵۲**— اگر متنجس، شیء مایع نباشد آلودگی آن چقدر است؟  
جواب: شیء آلوده اول، به هر چه بر بخورد آن را متنجس و آلوده می‌کند و هم چنین است متنجس دوم اما چیز سومی اگر با متنجس دوم برخورد کرده و آلوده شده است با برخورد اشیای دیگر آن را نجس و آلوده نمی‌کند و در این خصوص فرقی میان مایع و غیر مایع وجود ندارد.

**مسأله ۵۳**— اگر سگ به بدن و یا جامه ما دهان زد چگونه آن را پاک کنیم؟

جواب: با یک بار شستن با آب، پاک می‌شود البته اگر با آب قلیل تطهیر شود غسله آن باید جدا شود و به همین جهت در مورد جامگان، فشار و خارج کردن غسله لازم است.

**مسأله ۵۴**— آیا سیکها هم همانند یهود و نصاری، اهل ادیان آسمانی

اند؟

جواب: سیکها از اهل کتاب، نیستند.

**مسأله ۵۵**— بودایی‌ها چگونه؟

جواب: آنها نیز از اهل کتاب نیستند.

**مسأله ۵۶**— مسلمانی در یک کشور غربی، خانه‌ای مفروش با اثاثیه،

اجاره می‌کند آیا او باید همه چیز را پاک بداند مگر آنکه عین نجاست مشاهده کند؟

و هر گاه پیش از او مستأجر دیگری از اهل کتاب یهود و یا مسیحی و یا حتی اگر بودایی و یا ملحد و منکر خدا و انبیاء و رسل، مستأجر بوده است باز آنجا برای او پاک است؟

جواب: بلی، او می‌تواند همه چیز را پاک بداند و به طهارت هر آنچه در خانه است حکم کند مگر آنکه اطمینان داشته باشد که خانه و یا اثاث آن نجس بوده است و گمان نجاست اعتباری ندارد و کافی نیست.

**مسأله ۵۷**— بیشتر خانه‌ها و اتاق‌هایی که در کشورهای غربی اجاره

می‌دهند مفروش با موکتی است که بر کف اتاق‌ها چسبیده است طوری که بلند کردن آنها و نهادن ظرفی در زیر آن برای تطهیر، مشکل است پس تطهیر آنها در صورت آلودگی به خون و بول چگونه است، با آب قلیل و یا کثیر؟

جواب: اگر جدا کردن غسله آن، هر چند با قطعه ای پارچه و یا هر وسیله دیگر، ممکن باشد می توان آن را حتی با آب قلیل تطهیر کرد و اگر ممکن نشد تنها با آب کثیر می توان آن را آب کشید و پاک کرد.

**مسأله ۵۸**— در مغرب زمین لباسشویی های عمومی وجود دارد که مسلمان و غیر مسلمان به طور برابر لباس های پاک و ناپاکشان را در آنها می ریزند و شسته می شود آیا ما می توانیم با لباسی که در آن لباسشویی در مراحل شستشو به کر متصل بوده است و یا نه و هر چند که لباس ها تمیز می شوند آیا پاک هم می شوند؟!

جواب: با لباسی که قبلاً پاک بوده و یقین به نجاست آن پیدا نکرده اید می توانید نماز بخوانید هم چنین لباس هایی که اطمینان به زوال عین نجاست از آنها پیدا کرده اید اگر آب پاک مطلق، به تمام قسمت های آنها نفوذ کرده باشد با دو بار شستن حتی با آب کر بنابر احتیاط واجب در صورتی آلودگی به بول و یک بار در صورت آلودگی به غیر بول پاک می شوند البته اگر با آب قلیل شسته شوند باید غسله از آن جدا گردد. و اما اگر لباس و جامه انداخته شده در آن لباسشویی عمومی قبلاً نجس بوده و بعد، در طهارت و پاکی آن شک کنیم آن لباس در حکم نجس است و نماز با آن جایز نمی باشد.

**مسأله ۵۹**— جامه پاکی که با برخی شوینده های مایع، شسته می شود و آنگونه لباسشویی ها از آن غیر مسلمان است آیا مسلمان باید آن را دوباره آب بکشد؟

جواب: اگر نداند که لباسی در اثر ملاقات با نجاست، آلوده شده، آن لباس محکوم به طهارت است و پاک می‌باشد.

**مسئله ۶۰**— بر روی برخی صابون‌ها نوشته می‌شود که در آن پی و چربی خوک و یا حیوان تذکیه نشده، به کار رفته است و ما نمی‌دانیم آیا آن پی و چربی به شیء دیگر استحاله پیدا کرده است یا نه؟ آیا چنین صابونی پاک است؟

جواب: اگر بدانیم که در ساختن صابونی پی و یا چربی خوک و یا حیوان مردار و غیر مذکی به کار رفته است چنان صابونی نجس است مگر آن که استحاله آن، مسلم و قطعی باشد و استحاله پی و چربی در چنین صابونی، معلوم و مسلم نیست.

**مسئله ۶۱**— خرید و فروش و یا استعمال فرچه مسواکی که از موی خوک فراهم شده است جایز است؟

جواب: خرید و فروش و حتی استعمال آن جایز است اما دهان بدان وسیله آلوده و نجس می‌شود و با بیرون آوردن و بر طرف بقایای آن فرچه، دهان نیز پاک می‌شود.

**مسئله ۶۲**— آیا خون موجود در زرده و یا سفیده تخم مرغ، آن را نجس می‌کند؟ خوردن آن چگونه است و راه حل، کدام است؟

جواب: خون موجود در درون تخم مرغ، پاک است و اما خوردن آن حرام می‌باشد پس می‌توان خون را جدا کرد و از بقیه تخم مرغ استفاده نمود



مگر آن که به اندازه ای کم باشد که در کل، مستهلک شده که در این صورت تمام تخم مرغ پاک و حلال است.

### مسأله ۶۳- آیا شراب و آبجو پاکند؟

جواب: شکی در نجاست شراب نیست؛ اما آبجو بنا بر احتیاط، نجس است هر چند که خوردن آن نیز حرام می باشد.

### مسأله ۶۴- در کشورهای اروپایی، دین، رنگ و ملیت‌ها، مختلف

است اگر از مغازه ای طعامی مرطوب بخریم که صاحب مغازه به آن دست زده و ما دین او را نشناسیم چنین طعامی پاک است؟

جواب: اگر ندانیم که دست صاحب مغازه، نجس و آلوده بوده است طعام خریداری شده پاک است.

### مسأله ۶۵- پوست‌هایی که در برخی کشورهای اروپایی برای فروش

عرضه می شود و ما نمی دانیم آنها را از کدام کشور آورده اند. می گویند، آنان، پوست‌هایی ارزان قیمت از برخی کشورهای اسلامی وارد می کنند و آنها را به شکل صنعتی در می آورند آیا چنین پوست‌هایی برای ما پاک است و با آنها می توانیم نماز بگذاریم؟ و اصولاً به چنین احتمالات ضعیف می توان اعتماد کرد؟!

جواب: اگر احتمال این که آن پوست‌ها از حیوان تذکیه شده فراهم گشته است، احتمال ضعیفی باشد که عقلاً به آن ترتیب اثر نمی دهند مثل احتمال ۲ درصد، چنان پوستی محکوم به نجاست است و نمی توان در نماز، از آن استفاده کرد و اما جز در این صورت پاکند و نماز در آنها جایز است.

## فصل ۴

### نماز

#### مقدمه

در حدیث آمده است:

الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ (۱) نماز ستون دین است.

و امیر المؤمنان (علیه السلام) پس از آنکه ابن ملجم او را مضروب کرد در وصیتی به امام حسن و حسین (علیهما السلام) فرمود: **اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَانَهَا عَمُودُ دِينِكُمْ** (۲): خدا را، خدا را، در نماز که آن، ستون دین شماست.

سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرد که رسول الله (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

هماره شیطان از مؤمن می ترسد تا زمانی که او بر نمازهای پنجگانه اش مواظبت دارد و هر گاه آنها را ضایع کرد شیطان جرأت پیدا کرده او را به گناهان بزرگ دیگر وا می دارد. (۳)

یزید بن خلیفه گفت شنیدم ابو عبدالله (علیه السلام) می فرمود: وقتی نماز گزار به نماز می ایستد رحمت الهی از وسط آسمانها تا زمین بر او ریزش می کند و فرشتگان او را در میان می گیرند و فرشته ای ندا می کند اگر این نماز گزار می دانست که در این نماز چه هست آن را رها نمی کرد. (۴) از همین جا، اهمیت نماز در اسلام معلوم می شود و چون نماز نوعی ورود به محضر الهی است چنانکه در حدیث آمده، نماز خوان گویا در پیشگاه خدا

ایستاده است پس او باید دل به سوی خدا کند و چیزی از امور دنیا و شأنی از شئون ناپایدار آن او را مشغول نکند.

و خدا فرمود:

قد افلح المؤمنون الذين هم في صلوٰتهم خاشعون (۵):

هر آینه، مؤمنانی که در نمازشان خاضع و خاشع اند رستگار شدند. و امام علی بن حسین زین العابدین (علیه السلام) وقتی به نماز می ایستاد همانند شاخه درختی که با وزش درختی که با وزش باد بر خود می لرزد، اندامش می لرزید. (۶)

و امامان باقر و صادق (علیهما السلام) وقتی به نماز می ایستادند رنگ رخسارشان گاهی سرخ و دیگر گاه زرد می شد و آنچنان نماز می گزاردند که گویا با کسی که او را می بینند حرف می زنند و صحبت می کنند. (۷)

احکام نماز، بسیار زیاد است و ما به بخشی از آنها اشاره می کنیم:

**مسأله ۶۶** — فقها فرموده اند: نماز به هیچ وجه ساقط نمی شود نه در مسافرت و نه در وطن و اگر وقت نماز تنگ شد، مسلمان باید آن را با جا آورد، در هواپیما، کشتی، اتومبیل، قطار، در حال توقف، یا در حال حرکت، در سالن انتظار، در پارک عمومی، در راه، در کارخانه و در هر جای دیگر.

**مسأله ۶۷** — اگر مسافری در هواپیما، اتومبیل، قطار و امثال آن، نتوانست ایستاده نماز گزارد نشسته نماز می خواند و اگر رو به قبله نتوانست بایستد به سمتی که گمان دارد قبله است می ایستد و نماز می گزارد و اگر جهتی را نتوانست ترجیح دهد به سمت و سو که خواست می تواند نماز

بخواند و اگر جز در حال تکبیره الاحرام نتوانست رو به قبله بایستد به همان اندازه کفایت می‌کند. (۸)

**مسئله ۶۸**— قبله را می‌توان از مهماندار هواپیما پرسید که شاید او بتواند از خلبان و کاپیتان سؤال کند. و در صورت اطمینان می‌توان به سخن او اعتماد کرد هر چند که او کافر باشد هم چنان که می‌توان به قبله نما و هر وسیله ای که به صحّت و درستی آن اطمینان باشد، اعتماد کرد. مسئله ۶۹— اگر مسلمان نماز گزار، نتوانست وضو بگیرد عوض آن، تیمم می‌کند.

**مسئله ۷۰**— گاهی درازای شب و روز از شهری تا شهر دیگر فرق می‌کند در این صورت اگر طلوع و غروب آفتاب واضح باشد مسلمان در شناخت اوقات نماز و روزه می‌تواند مطابق آن عمل کند هر چند که وقت برخی نمازها به سبب کوتاه بودن روز بسیار به هم نزدیک باشد و یا زمان افطار روزه به جهت کوتاهی شب، بسیار اندک باشد.

**مسئله ۷۱**— گاهی، چند روز و یا چند ماه، خورشید در کشورهای غروب و یا طلوع نمی‌کند در چنین کشورهایی، مسلمانان می‌تواند به اوقات شرعی نزدیک‌ترین سرزمین به این کشورها، رجوع کنند و در هر بیست و چهار ساعت نمازهای پنجگانه را برابر اوقات کشور مجاور به نیت قربت مطلق به جا آورند.

**مسئله ۷۲**— اگر مسلمانی نتوانست اول فجر و یا وقت زوال و یا غروب آفتاب را بشناسد تا در وقت معین نماز و روزه به جا آورد اما به سخن

منجمان و مسئولان رصدها اطمینان دارد می تواند نماز و روزه اش را مطابق نظر آنان در تعیین اوقات، به جا آورد هر چند که مسئولان آن مؤسسه‌ها مسلمان نباشند به شرط آن که به کار و نظرشان، اطمینان باشد.

**مسأله ۷۳**— مسلمان مسافر باید نمازش را شکسته بخواند یعنی نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر، عشاء) را دو رکعت بخواند و سفر شرعی طی مسافت چهل و چهار کیلومتر و بیشتر است از ابتدای محل سکونت و آخرین خانه‌های شهر معمولی.

در زمینه شکسته و یا ناشکسته بودن نمازها احکام فراوانی وجود دارد که می توان به رساله‌های عملیه و نیز به بخش استفتائات همین فصل رجوع کرد.

**مسأله ۷۴**— نماز جمعه در صورت اجتماع شرایطی که در آن معتبر است از نماز ظهر با فضیلت تر است هم چنانکه خواندن آن از نماز کفایت می کند و با خواندن نماز جمعه نیازی به برگزاری نماز ظهر نمی باشد.

**مسأله ۷۵**— نماز جماعت از نماز انفرادی با فضیلت تر است و استحباب آن در نمازهای صبح و مغرب و عشاء بیشتر می باشد و در حدیث آمده است که:

نماز در پشت سر یک عالم ثواب هزار رکعت دارد و نماز در پشت سر قرشی صد برابر و هر چه تعداد مأمومین بیشتر باشد ثواب جماعت فزون تر می گردد.

اینکه به نمونه ای از استفتائات و جواب‌های حضرت آیت الله العظمی سیستانی - مدظله العالی - توجه کنید:

**مسئله ۷۶**— عده ای از مردم پس از گذشت سال‌ها که نماز خوانده، روزه گرفته و حج گزارده اند متوجه می‌شوند که وضو و غسلشان اشتباه بوده است و هر گاه به آنان گفته شود که نماز و یا حج را دوباره باید به جا آوری، چنان کاری برای او بسیار دشوار است آیا راه حلی وجود دارد که او به همان نماز و روزه و حجی که انجام داده اکتفا کند در حالی که به صحت آنها معتقد بوده است به ویژه اگر او را به اعاده آن اعمال و ادار کنیم به طور کلی ممکن است ترمرد کند و اصلاً نماز و روزه و دیگر واجبات را کنار گذارد که در کشورهای غربی چنین خطری جداً وجود دارد! جواب: اگر انسان، جاهل قاصر بوده باشد و به برخی شرایط خصوصیات عمل، خلل وارد کند مثلاً ترتیب شستن سر و سایر قسمت‌های بدن را در غسل و یا وضو رعایت نکند و یا با رطوبت غیر وضو مسح بکشد در این وضع، وضو و غسل او صحیح است و در نتیجه نماز و حجش هم صحیح می‌باشد.

اما اگر او جاهل مقصر باشد و در آموختن مسائل شرعی کوتاهی کرده و یا به چیزهایی خلل وارد کند که آنها در صحت عمل شرط اند مثل این که قسمت‌هایی از بدن را که در وضو و غسل باید شست، نشوید در این وضع، راهی برای تصحیح نماز حجی که گزارده است وجود ندارد اما اگر بیم آن می‌رود که در صورت تذکر مسائل به وی، او کلاً متمرّد شده و نماز و روزه و غیره را ترک گوید لازم نیست که به او گفته شود که نماز و

عبادت‌های گذشته دیگر را قضا کند شاید خداوند پس از این، گشایشی به وجود آورد.

**مسأله ۷۷-** برخی از مردم سال‌ها نماز می‌خوانند و حج می‌گذارند در حالی که در طول این مدت اصلاً خمس مال خود را نپرداخته‌اند آیا لازم است که آنان نماز و حجشان را اعاده کنند؟

جواب: اگر نماز و یا طواف حج را با جامه ای خواننده و به جا آورده‌اند که به عین آن خمس تعلق گرفته بوده قضای چنان نمازها و اعاده حج لازم است. لیکن اگر فقط به جامه احرام، خمس تعلق گرفته و او نسبت به حکم و یا موضوع، جاهل بوده هر چند جاهل مقصر، حج او صحیح است و فقط نماز طواف را باید اعاده کند، هر گاه در جهل خود معذور بوده باشد و احتیاط واجب آن است که به مکه برگردد ولی اگر چنان کاری مشقت داشته و پرزحمت باشد هر جا که ممکن بود، نماز طواف را دوباره بخواند. همچنان که اگر قربانی را با پولی که به عین آن خمس تعلق گرفته، تهیه کند اعاده آن لازم است مگر آنکه با قیمت کلی خریده و خمس در ذمه او بوده باشد نه در عین مال که

غالباً چنین است و در این صورت حج و قربانی او صحیح است و اشکالی ندارد. البته او ضامن قیمت قربانی خواهد بود که آن را از مال خمس دار، پرداخته است.

و همه اینها در صورتی است که او جاهل مقصر بوده است و گرنه نماز و حج جاهل قاصر در این مسأله صحیح است.

**مسئله ۷۸—** هر گاه مسافری پس از آنکه اذان را مستقیماً شنید از شهری به شهری دیگر و یا از کشوری به کشور دیگر بدون این که نماز خوانده باشد، مسافرت کرد و پس از غروب آفتاب به مقصد رسید آیا او گناه کرده است و واجب است نماز ظهر را مثلاً قضا کند؟

جواب: بلی، او گناه کرده است زیرا از روی عمد و قصد، فریضه را نخوانده است و باید قضا کند.

**مسئله ۷۹—** آیا جوهر و مرکب خشک مانع از صحت وضو و غسل می شود و یا با آن وجود وضو و غسل صحیح می باشد؟

جواب: اگر جوهر و مرکب دارای جرم نباشد که مانع از وصول آب به پوست بدن شوند وضو و غسل صحیح است و در صورت شک و تردید باید آن را برطرف کرد.

**مسئله ۸۰—** آیا انسان می تواند فیلمی را تماشا کند تا وقت نماز وارد شود و او همچنان به تماشای فیلم ادامه دهد و آنگاه که مختصری از وقت ماند، به ادای نماز پردازد؟

جواب: شایسته نیست مسلمان، نماز خود را از وقت فضیلت عقب بیندازد مگر با عذر موجه و آنچه د سؤال آمده است، عذر موجه نیست.

**مسئله ۸۱—** آیا کرمی که به پوست مالیده می شود مانع رسیدن آب است و به هنگام وضو و غسل، باید آن را پاک کرد؟

جواب: ظاهراً کرم پس از مالیدن بر پوست از بین می رود و آنچه می ماند مختصر چربی، بیش نیست و مانع نفوذ آب نمی شود.



**مسأله ۸۲**— برخی خانم‌ها ناخن‌هایشان را به قصد آرایش از حد طبیعی بلندتر می‌کنند و چون گاهی اوقات آنها می‌شکنند طیبیان روکشی تجویز می‌کنند که تا پاسی از روز روی ناخن‌ها می‌ماند و با علم به این که آن روکش و یا لاک و مانیکور مانع از رسیدن آب به هنگام غسل و وضو به ناخن‌هاست آیا استفاده خانم‌ها از چنان روکش، لاک و یا مانیکور جایز است و وضو و غسل با آن چگونه است؟

جواب: غسل و وضو با چنان چیزی که مانع از وصول آب می‌شود صحیح نیست و ناگزیر باید آنها را برای انجام غسل و وضوی صحیح زایل و پاک کرد و قصد آرایش، مجوز چنان کاری نمی‌شود.

**مسأله ۸۳**— چه وقتی نماز را تمام و چه موقع شکسته باید بخوانیم؟ آیا صدق عرفی به این که انسانی در شهری مقیم است کافی است که او نماز را تمام بخواند؟

جواب: شرایط قصر نماز را در رساله‌های علمیه می‌توان خواند اما به طور کلی اگر کسی شهری را برای مدت طولانی مثلاً یک سال و نیم اقامتگاه خود قرار دهد و عرفاً هم این شهر را قرارگاه او بدانند نماز او در آنجا، تمام است اما اگر مدت اقامت کوتاه باشد و به او مسافر گفته شود نماز در آنجا شکسته است.

**مسأله ۸۴**— چگونه نیمه شب را بشناسیم آیا ساعت دوازده و نیم چنانکه در میان مردم شایع است می‌تواند علامتی باشد؟

جواب: نصف شب همان نیمه ساعات ما بین غروب تا طلوع فجر است پس اگر آفتاب مثلاً در ساعت هفت عصر غروب کند و طلوع فجر در رأس ساعت چهار باشد ساعت یازده و نیم شب، نصف شب خواهد بود و این قاعده کلی است هر چند که با اختلاف زمان و مکان فرق می کند.

**مسأله ۸۵** — شخصی گمان دارد که اگر بخوابد برای نماز بیدار نخواهد شد آیا بر او واجب است تا وقت نماز بیدار بماند؟ و اگر بخوابد برای نماز بیدار نشود گناه کرده است؟

جواب: او می تواند از کسی بخواند که او را برای نماز بیدار کند و یا از ساعت زنگ دار استفاده کند و هرگاه چنین کاری ممکن نشد و خوابید گناه نکرده است مگر آن که این کار، نوعی سهل انگاری و بی اعتنائی نسبت به نماز تلقی شود.

**مسأله ۸۶** — نماز را در هواپیما که نه قبله در آن معلوم است و نه طمأنینه حاصل است چگونه باید خواند؟

جواب: سمت قبله را می توان از کاپیتان و یا مهماندار که پاسخ هایشان غالباً اطمینان بخش و ظن آور است پرسید و برابر گفته آنان عمل کرد و طمأنینه، در صورت عدم امکان آن ساقط می شود و به هر حال نماز را از وقت خود نباید عقب انداخت و آن را با رعایت سایر شرایط، باید خواند.

**مسأله ۸۷** — در قطار و یا اتومبیل چگونه نماز بخوانیم؟ تنها خم شدن کافی است و یا بر چیزی باید سجده کرد؟

جواب: نماز را تا حد توان، باید آنگونه خواند که شخص مختار می‌خواند پس لازم است در همه حالات نماز، قبله و سایر شرایط را رعایت کند و در صورت عدم امکان، در تکبیره الاحرام. و اگر در آن حال هم میسر نباشد شرط رو به قبله بودن هم ساقط می‌شود هم چنان که در صورت امکان باید رکوع و سجود کامل کرد مثلاً در راهرو قطار و اتوبوس نماز گزارد و اگر میسر نشد به اندازه ای که اسم رکوع و سجود صدق کند خم شود کافی است و اگر آن هم ممکن نشد مختصر خم شدن کفایت می‌کند.

**مسئله ۸۸-** گاهی، وقت نماز داخل می‌شود و دانشجو در راه دانشگاه است و اگر بخواهد به دانشگاه برسد و در آنجا نماز بخواند وقت نماز سپری و قضا خواهد شد آیا او می‌تواند با وجود جاهای دیگر در اتوبوس نماز بخواند با این احتمال که اگر از اتوبوس پیاده شود و در بیرون نماز بخواند به دانشگاه دیر خواهد رسید.

جواب: دیر رسیدن به دانشگاه مجوز آن نمی‌شود که نماز را در اتوبوس بخواند و برخی شرایط نماز را رعایت نکنند پس باید پیاده شود و نماز کامل و با شرایط بخواند اما اگر دیر رسیدن به دانشگاه، موجب خسارت و ضرر و زیانی شود که عادتاً تحمل ناپذیر است و یا سبب رنج و دشواری فوق العاده باشد می‌تواند با فقدان برخی شرایط در اتوبوس نماز بخواند.

**مسئله ۸۹-** گاهی، وقت نماز فرا می‌رسد در حالی که کارگر مسلمان در کارخانه مشغول کار است و کارش نیز مهم و لازم است. او اگر برای خواندن نماز از کار دست بکشد ممکن است او را اخراج کنند آیا او

می تواند نماز را قضا کند و یا هر چند امکان اخراج او هم در میان باشد باید نماز را ادا بخواند؟

جواب: اگر در آن کارخانه مجبور است کار کند و نمی تواند آنجا را ترک گوید هر طور که میسر است در وقت هر چند با ایما و اشاره به رکوع و سجود، نماز بخواند اما چنین وضعیتی، تنها یک فرض است و به ندرت پیش می آید پس او باید تقوی داشته باشد و از خدا بترسد و این آیه را به یاد داشته باشد که فرمود: **مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا**

هر کس تقوا پیشه کند خدا برای او راه خروجی قرار می دهد و او را از آنجا که به گمان او نمی آمد روزی می دهد.

**مسأله ۹۰**— در برخی کشورهای غربی و جز آنها، مؤسسه ها و شرکت هایی وجود دارد که عده ای از مسلمانان به عنوان کارمند دفتری و غیره در آنها مشغول به کار هستند در حالی که وضع ملکی آن شرکت ها و مؤسسه ها، معلوم نیست.

اولاً: نماز خواندن در آنها و وضو با آب آن شرکت ها و مؤسسه ها چگونه است؟

و ثانیاً: نمازهایی که احیاناً در آنها خوانده شده چگونه است؟  
جواب: انسان تا نمی داند که مکان آن شرکت ها و مؤسسه ها غصبی است و از شخص محترم المال تصرف عدوانی شده است. نماز در آنها صحیح و وضو هم درست است.

و نمازهای پیشین اگر پس از خوانده شدن، غصبت آنجاها معلوم شده باشد آنها هم صحیح می‌باشند.

**مسأله ۹۱-** اگر کسی با کمر بند پوستی و یا همراه داشتن کیفی که از پوست حیوان مردار و ذبح شرعی نشده، فراهم گشته نماز بخواند و در اثناء و یا پس از نماز متوجه شود چه باید کند؟

جواب: نماز با کمر بند و یا کیف پوستی که به احتمال معقول از پوست حیوان تذکیه شرعی شده فراهم آمده است، صحیح است و اما اگر چنان احتمال معقول نباشد و در اثناء متوجه شود فوری آن را از خود جدا می‌کند و همچنین است اگر فراموش کرده و در اثنای نماز به یاد آورد مگر آن که

فراموشی در اثر اهمال و بی‌مبالاتی باشد که در این صورت به احتیاط واجب نماز را در وقت اعاده و در خارج آن، قضا می‌کند.

**مسأله ۹۲-** امروزه کت‌هایی به بازار آمده است به نام جیر که در کشورهای غیر اسلامی ساخته می‌شوند و بر آنها قطعه‌ای پوست دوخته شده است و ما نمی‌دانیم آن از پوست حیوان تذکیه شده فراهم آمده یا نه، نماز با چنین لباسی چطور است؟

جواب: جایز است.

**مسأله ۹۳-** آیا ادکلن پاک است و می‌توان پس از استفاده از آن نماز خواند؟

جواب: بلی، صحیح است.

**مسأله ۹۴**— آیا سجده کردن بر موزائیک و سنگ های معدنی جایز

است؟

جواب: بلی، صحیح است.

**مسأله ۹۵**— بر فرش هایی که از مواد و مشتقات نفت ساخته و بافته می

شوند می توان سجده کرد؟

جواب: سجده کردن بر آنها جایز نمی باشد.

**مسأله ۹۶**— آیا بر کاغذهای نوشتنی و یا بر دستمال های کاغذی و

امثال آن می توان سجده کرد؟ در حالی که از مواد اصلی آنها بی خبر هستیم

و نمی دانیم آنها از اشیای جایز السجود فراهم شده اند یا نه؟

جواب: سجده بر اوراق و کاغذهای نوشتنی و یا بر دستمال های

کاغذی جایز نیست مگر پس از حصول اطمینان به این که آنها از چیزهای

جایز السجود درست شده اند و همچنین سجده بر کاغذهایی که از پنبه و یا

کتان و امثال آنها ساخته می شوند جایز می باشد.

**مسأله ۹۷**— از نوار کاست، صدای قرآن پخش می شود و قاری، آیه

سجده می خواند و ما هم می شنویم آیا بر ما سجده کردن واجب می شود؟

جواب: نه، سجده کردن در این صورت واجب نمی شود.

---

۱ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۵.

۲ نهج البلاغه، ص ۴۲۲.

۳ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۸.

۴ همان، ص ۳۲.

۵ سوره مؤمنون، آیه یکم.

۶ قادتنا کیف نعرفهم؟ ج ۶، ص ۱۶۴ و فصل ویژه عبادتهای امام بنگرید، همان ص ۱۶۳ -

.۱۷۲

۷ منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۹۳.

۸ بنگرید: بخش استفتائات ویژه این فصل.

## فصل ۵

### روزه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در استقبال ماه مبارک رمضان خطاب به ای خواند و از جمله فرمود:

ای مردم! ماه خدا توأم بابرکت، رحمت و آمرزش به سوی شمارو آورده است. این ماه نزد خدا بافضیلت‌ترین ماههاست. روزها، شب‌ها و ساعت‌هایش از همه روزها و شب‌ها و ساعت‌ها بافضیلت‌تر است.

این ماه، ماهی است که شما در آن، به میهمانی خدا دعوت شده‌اید. و در این ماه شما از اهل کرامت و بزرگواری قرار داده شده‌اید. نفس‌های شما در آن، ثواب تسبیح دارد و خوابتان عبادت عملکردهایتان در آن پذیرفته است و دعاهایتان در آن ماه مستجاب می‌باشد. پس خدا را با نیت‌های صادق و دل‌های پاک بخوانید تا شما را به روز آن ماه و تلاوت قرآن، موفق بفرماید زیرا شقی و شور بخت کسی است که از آمرزش در این ماه بزرگ، محروم باشد.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه به روی همه گشوده است پس، از پروردگار خود بخواهید آن درها را دوباره به روی شما نبندد.

و درهای دوزخ و آتش به روی شما بسته شده است از پروردگار خود بخواهید که آنها را دوباره برای شما نگشاید.



شیطان‌ها در این ماه، به غل و زنجیر کشیده شده اند از پروردگارتان  
بخواهید تا دوباره آنها را سلطه نبخشد.

ای مردم! هر کس از شما در این ماه اخلاق خویش را زیبا کند آن،  
جوازی خواهد بود برای گذشت بر صراط که قدم‌ها در آنجا بلغزند و هر  
کس در این ماه بر زیردستان و بردگان سبک گیرد خود حساب او را سبک  
فرماید. و هر کس در آن، شر خود را از مردم، باز دارد خدا به روز دیدار او،  
غضب و خشم از وی باز دارد. هر کس یتیمی را در آن گرمی بدارد روز  
دیدار او، وی را گرمی می‌دارد و هر کس در آن صله رحم کند خدا در  
روز لقایش به او صله فرماید. و هر کس در آن، آیه ای تلاوت نماید  
پروردگار، ثواب ختم قرآن را که در دیگر ماه‌ها خوانده است به او عطا  
فرماید.

و امام علی (علیه السلام) فرمود: برخی روزه دارها هستند که جز  
تشنگی برایشان باقی نمی‌ماند و برخی قیام کنندگان و نمازگزاران، جز رنج  
و خستگی چیزی دیگر عایدشان نمی‌شود.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزه، تنها خودداری از خوردن و  
آشامیدن نیست هرگاه روزه گرفتید زبان‌هایتان را از دروغ نگاه دارید و  
چشم‌هایتان را از آنچه خدا حرام فرموده ببندید، نزاع و کشمکش نکنید به  
یکدیگر حسد نورزید، غیبت نکنید، فحش و ناسزا مگویید، به یکدیگر ستم  
روا مدارید از بدگمانی، دشمنی، دروغ، زورگویی، غیبت، و سخن چینی

پرهیزید، نگران آخرت و منتظر و عده‌های الهی باشید و برای روز دیدار خدا، توشه بگیرید.

همواره، آرام، متین، خاضع و فروتن باشید و مانند بنده ای باشید که از مولای خویش می‌ترسد و در عین حاله به لطف و مهرش امیدوار است (۱) به جاست که من در اینجا همراه برخی استفتائات ویژه روزه، بعضی احکام آن را به یاد آورم:

**مسئله ۹۸-** خوردن و آشامیدن عمدی روزه را باطل می‌کند اما اگر از روی فراموشی باشد روزه صحیح است، و چیزی بر خورنده نیست.

**مسئله ۹۹-** باقی ماندن بر جنابت در ماه رمضان تا طلوع فجر، روزه را باطل می‌کند پس کسی که در ماه رمضان عمداً بدون غسل مانده و فجر طلوع کرده است، آن روز از به قصد مافی الذمه، واجب است امساک کند ولی بعداً باید روزه آن روز را باز به قصد مافی الذمه قضا نماید. اما مریضی که نتواند غسل کند تیمم می‌کند و روزه اش صحیح می‌باشد.

**مسئله ۱۰۰-** زن پس از قطع خون حیض و نفاس که می‌توانسته قبل از طلوع فجر غسل کند و روزه بگیرد اگر اهماً کرده تا طلوع فجر ناپاک بماند روزه آن روزش باطل است و همانند بقاء عمدی بر جنابت می‌باشد و آن روز را از روی ادب امساک می‌کند و بعد، قضا به جا می‌آوردم اگر غسل ممکن نباشد باید تیمم نماید.

**مسأله ۱۰۱**— بهتر است شخص روزه دار، بلغم را که به فضای دهان آمده است فرو نبرد هر چند که بلعیدن آن جایز باشد مثل آنکه با آب دهان قاطی شده باشد.

**مسأله ۱۰۲**— با محتلم شدن در روز ماه مبارک رمضان، روزه باطل نمی‌شود اما او باید برای نماز ظهر و عصر، غسل کند اما به هر حال، جنابت و احتلام به روزه او ضرر ندارد.

**مسأله ۱۰۳**— شستن دهان و دندان با فرچه و خمیر، روزه باطل نمی‌کند مادام که آنچه در اثنای شستشو با آب دهان در آمیخته، وارد معده نشود اما چیزی اندکی که با آب دهان در می‌آمیزد، مانعی ندارد.

**مسأله ۱۰۴**— اگر مسلمانی در شهر و یا کشوری زندگی می‌کند که در ازای روز و شب رد آنجا، شش ماه است او باید به شهر و یا کشوری برود که بتواند روزه بگیرد و یا لااقل قضا کند و در صورت عدم امکان، باید عوض هر روز، یک چارک طعام به فقیری بدهد.

**مسأله ۱۰۵**— اگر مسلمانی در شهر و یا کشوری زندگی می‌کند که طول روز آن، بیست و سه ساعت و طول شب فقط یک ساعت است و یا به عکس، بر او واجب است در حد توان روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و اگر ممکن نشد روزه ماه رمضان، از او ساقط می‌شود اگر بعداً توانست قضا می‌کند هر چند با انتقال به یک شهر و یا کشور مجاور. و هر گاه قضا هم ممکن نشد برای روزه یک مد طعام برای فقیر بدهد. (۲)

و اینک نمونه‌هایی از فتوای آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی.

**مسأله ۱۰۶**— برخی مردمان به نیت خاصی و به قصد سالها اقامت برای انجام کاری به کشوری می روند بی آنکه از وطن اصلی خود اعراض کرده باشند و پسی از انجام آن کار از کشور بیرون می روند تا هر جا که بخواهند بمانند و آنجا را وطن بگیرند نماز و روزه چنین مردمانی چگونه است؟  
جواب: نمازها را تمام می خوانند و روزه را اگر یک ماه اقامت داشته اند می گیرند همچنان که در وطن اصلی چنین می کردند.

**مسأله ۱۰۷**— آیا ما می توانیم به رصد های فلکی و نظریه های نجومی اروپا را در شناخت ساعات فجر و ظهر، طلوع و غروب آفتاب در طول سال و حتی ثانیه ها را هم ملحوظ می کنند؟

جواب: اگر از سخن آنان اطمینان حاصل شود می توان به آن عمل کرد با علم به این که در تعیین زمان فجر در آنجا اختلاف وجود دارد پس کوشش باید عمل آید تا به رأی و نظر صحیح عمل شود.

**مسأله ۱۰۸**— در برخی کشورها چندین روز آفتاب طلوع و یا غروب نمی کند نماز و روزه در این کشورها چگونه است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نماز را با اوقات نزدیک ترین کشور و یا شهری که در بیست چهار ساعت دارای شب و روز می باشد تطبیق دهد و نمازهای پنجگانه را برابر اوقات شرعی آنجا بخواند هر چند با قصد قربت مطلقه.

و اما روزه را باید به کشوری برود که بتواند روزه ماه رمضان را بگیرد که فضیلت بسیار دارد و اگر ممکن نشد در غیر ماه رمضان چنان کند و قضا به جا آورد.

**مسأله ۱۰۹**— آیا یک مسلمان در ماه رمضان می تواند در کشور غیر اسلامی به غیر مسلمان اطعام کند؟

جواب: اشکالی ندارد.

**مسأله ۱۱۰**— آیا تنفس مصنوعی روزه را باطل می کند؟

جواب: اگر ماده ای که در تنفس مصنوعی وارد بدن انسان می شود فقط از مجرای تنفس باشد نه از راه معده، اشکال ندارد و روزه را باطل نمی کند.

**مسأله ۱۱۱**— سرم و یا آمپول خوراکی که از رگ تزریق می شود روزه را باطل می کند اعم از این که مریض ناچار باشد و یا نباشد؟

جواب: در هر دو صورت باطل نمی کند.

**مسأله ۱۱۲**— آیا استمناء در روز ماه رمضان روزه را باطل می کند؟ اعم از آنکه منی بیرون بیاید یا نه و کفاره آن چیست؟ وانگهی اگر چنان کاری را زنان انجا دهند حکم آن چیست؟

جواب: اگر به قصد انزال، استمناء کند و انزال هم بشود روزه باطل می شود و بر او قضا و کفاره واجب است (روزه دو ماه پی در پی و یا اطعام شصت فقیر) اما اگر استمناء کند و قصد انزال هم داشته باشد لیکن منی

خارج نشود او باید روزه آن روز را به قصد قربت مطلقه بگیرد آنگاه قضا هم بکند.

و اگر استمنا کند و قصد انزال نداشته باشد و عادت او هم چنان نبوده است که انزال بشود ولی احتمال انزال می‌داده و اتفاقاً منی هم خارج شود بر او واجب است قضا کند و کفاره واجب نمی‌شود. و اما اگر بر خودش مطمئن بوده که منی خارج نخواهد شد از قضا منی بیرون آید نه قضا واجب می‌شود و نه کفاره و در این مسائل فرقی میان زن و مرد نیست.

**مسئله ۱۱۳** — شخصی بدون آنکه بداند بقا بر جنابت روزه را باطل می‌کند، روزه گرفته است روزه او چطور است؟

جواب: اگر نمی‌دانسته است که بقا بر جنابت روزه را باطل می‌کند و یا اصلاً به این معانی توجه نداشته است روزه او صحیح است و قضا و کفاره ندارد.

**مسئله ۱۱۴** — آیا اگر هلال در خاور زمین ثابت شود در باختر، هم به ثبوت می‌رسد و یا اگر هلال در آمریکا دیده شود در اروپا هم ثابت می‌شود؟  
جواب: اگر هلال در خاور زمین ثابت شود برای باختر نشینان هم ثابت می‌شود به شرط آن که فاصله دو مکان از حیث عرض جغرافیایی زیاد نباشد اما اگر هلال در باختر ثابت شود لازم نیست در خاور هم ثابت گردد هر چند از طریق ماندن هلال در مکان نخست به زمان نسبتاً طولانی که با مکان دوم از جهت وقت طلوع و غروب آفتاب متفاوت است.

**مسئله ۱۱۵-** به نظر فقها کسی که روزه اش را در ماه رمضان با حرام باطل کرده است بر او کفاره جمع، واجب می شود و در عصر حاضر که برده آزاد کردن میسر کردن نیست و نظام برده داری از میان رفته وظیفه چیست؟  
جواب: آزاد کردن برده در صورت عدم امکان ساقط می شود علاوه آنکه به نظر ما در صورت ابطال روزه با فعل حرام کفاره جمع، واجب نمی شود و خدا داناست.

در کتاب منهاج الصالحین آمده است که اگر هلال در یک شهر دیده شود در صورت وحدت افق در شهرهای دیگر هم ثابت می شود به این معنی که با رؤیت هلال در آن شهر گویا در دیگر شهرها هم رؤیت شده است و شاید ابر و کوه و امثال آن مانع رؤیت بوده است و در این جا چند سؤال پیش می آید که پاسخ می طلبد .

**مسئله ۱۱۶-** آیا با رؤیت هلال در سرزمین های خاوری مثل ایران، احساء، قطیف، کشورهای خلیج، عراق، سوریه لبنان، هلال در بلاد باختری مثل انگلستان، فرانسه، آلمان اگر مانعی مثل ابر و مه نباشد، به ثبوت می رسد؟  
جواب: بلی، رؤیت هلال در یک مکان که ملازم رؤیت در آن مکان هایی در باختر باشد که از حیث مکان با مکان نخست برابرند و عدم رؤیت فقط در اثر مانع بوده است هلال در هر دو مکان ثابت می شود مگر آن که عرض جغرافیایی آنها بسیار متفاوت باشد.

**مسئله ۱۱۷-** به فرض اینکه ثبوت رویت هلال در شرق و خاور ملازم ثبوت آن در غرب و باختر باشد اگر هلال در نزد برخی علمای خاور

زمین ثابت شود چنان امری می‌تواند حجت باشد بر کسی که در کشورهای باختری که ساکن است هر گاه او به سبب صاف نبودن هوا نتواند هلال را رؤیت کند؟ جواب: ثبوت رؤیت هلال نزد برخی علمای خاور زمین، حجت بر مسلمانان باختری نمی‌شود مگر آنکه ثبوت هلال در خاور زمین موجب حصول اطمینان به رؤیت در دیگر جاها شود و یا بینه ای بدون معارض در مورد ثبوت هلال در باختر، تحقق یابد هر چند از طریق حکم حاکم که در این صورت برابر اطمینان، عمل می‌کند.

**مسأله ۱۱۸-** در برخی بلاد شرقی به استناد سخن عده ای شاهد که

رؤیت هلال کرده اند اول ماه نزد بعضی علما ثابت می‌شود با این ویژگی:

۱- شهود هر چند سی تن باشند مثلاً در بلاد مختلف پراکنده مثل این

که دو تن از اصفهان، سه تن از قم، دو تن از یزد چهار تن از کویت، پنج تن از بحرین، دو نفر از احساء، شش نفر از سوریه و همینطور.

۲- افق در برخی سرزمین‌های باختری هم صاف بوده و امکان رؤیت

در آنجاها توسط مؤمنان، امکان داشته باشد و مانعی از رؤیت نبوده است.

۳- رصد خانه انگلستان اعلام کرده که دیدن هلال در امشب (مثلاً)

در انگلستان بدون تلسکوپ و چشم مسلح ممکن نیست اما فردا شب رویت بدون وسیله میسر می‌باشد.

حکم در این مورد چیست؟ نظر مبارک را بفرمایید.

جواب: مهم آن است که انسان شخصاً به رؤیت هلال پیدا کند و یا

بینه شرعی بدون معارض بر رؤیت هلال اقامه شود اما در حالات مذکور در



سؤال و امثال آنها، غالباً اطمینان حاصل نمی شود بلکه اطمینان به عدم رؤیت بیشتر است و حتی احتمال هست که شهادت و گواهی افراد بر پایه خیال و خطای چشم بوده باشد و خدا داناست.

---

۱ بنگرید: مفاتیح الجنان و دیگر کتب حدیثی.

۲ بنگرید: بخش فتاوی و ویژه این فصل.

## فصل ۶

### حج و زیارت خانه خدا

حج از واجبات شناخته شده در شریعت اسلامی و قرآن کریم بر وجوب آن صراحت دارد. خدای - عزوجل - در کتاب کریمش فرمود: ((ولله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا و من كفر فان الله غني عن العالمين)) (۱): رای خدا بر مردم حج خانه واجب است بر کسی که راه توانای آن را دارد و هر که کفر ورزد خدا از جهانیان بی نیاز است.

خدای - جل و علا - ترک حج را با کفر قرین ساخت تا اهمیت آن مورد تأکید باشد حج یکی از ارکان پنجگانه ای است که اسلام بر آنها استوار است. در حدیث از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده: ((بنی الاسلام على خمسة اشياء: على صلوٰة والزكاة. الحج والصوم و الو لایه)) (۲): اسلام بر پنج چیز: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت، بنا شده است.

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن تأکید شده و فرموده است ((لا تترکوا حج بیت ربکم فتهلکوا)) (۳): حج خانه پروردگارتان را ترک نکنید که هلاک خواهید شد.

و امام صادق علیها السلام فرموده: بدانید و آگاه باشید اگر مردم حج و زیارت خانه را ترک کنند عذاب برایشان نازل شود و مهلت دلدله نمی شود. (۴).

همانا ترک حج با اجتماع شرایط آن، از روی تسامح و سهل انگاری

گناه کبیره است

در حدیث آمده است اگر شخصی توانایی انجام حج را داشته باشد و حج نگذارد قطعاً شریعتی از شرایع الهی رها کرده است (۵).  
چنانکه در حدیث دیگر فرموده اند:

((من سوف الحج حتی یوموت بعثه الله یوم القیمه یهودیاً أو نصرانیاً))  
(۶): هر کس امروز و فردا کند و حج را تاخیر اندازد تا بیمرد. خدا روز قیامت او را یهودی یا نصرانی بر می‌انگیزد.

اکنون مناسب است برخی احکام حج را به یاد آورم.  
مسأله ۱۱۹- هر مسلمانی که توانایی داشته باشد حج بر او واجب است و معنای استطاعت و توانایی عبارت است از:

الف — وقت کافی برای رفت و برگشت به اماکن مقدسه و فرصت انجام اعمال واجب را داشته باشد .

ب — تندرستی و توانمندی بر رفتن به اماکن مقدسه و امکان ماندن در آنجاها به اندازه ادای اعمال وجود داشته باشد .

ج — راه مکه باز و ایمن باشد طوری که جان یا مال و یا آبروی او را خطری تهدید نکند .

د — هزینه لازم فراهم باشد و آن چیزی است که حاجی در راه مکه بدان نیاز دارد از خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و دیگر نیازمندی‌های سفر و همچنین فراهم بودن وسیله نقلیه که بتواند مسافت را طی کند و خود را به مکه برساند آن هم لایق به شأن او.

هـ - به سبب سفر برای حج و هزینه کردن برای آن، بیم نداشته باشد که پس از برگشت تهی دست شود و خود و خانواده اش درمانده گردند.

**مسئله ۱۲۰ -** حج تمتع بر ما مردمی که از مکه دور هستیم و در کشورها و یا شهرهای دور زندگی می‌کنیم، واجب است و از دو عبادت تشکیل می‌شود:

اولی به نام عمره و دومی به نام حج.

**مسئله ۱۲۱ -** در عمره تمتع پنج عمل واجب است:

الف - احرام در یکی از مقیات ها و آنها جاهایی هستند که احرام از آنها باید بسته شود.

ب - هفت شوط طواف خانه خدا .

ج - نماز طواف.

د - سعی میان صفا و مروه، هفت شوط.

ه - تقصیر.

**مسئله ۱۲۲ -** واجبات حج سیزده عمل است.

۱- احرام از مکه .

۲- وقوف در عرفات در روز نهم ماه ذی الحجه.

۳- وقوف در مزدلفه پاسی از شب عید تا طلوع آفتاب .

۴- رمی جمره عقبه (شیطان بزرگ) در منی به روز عید

۵- نحر یا قربانی در روز دهم و یا ایام تشریق در منی .

۶- تراشیدن سر و یا تقصیر مو برای مردان در منی .

پس از انجام این شش عمل، همه آنچه که بر محرم حرام شده بود، حلال می‌شود جز عمل زناشویی و عطر. و هم چنین شکار بنا بر احتیاط واجب.

۷- هفت شوط طواف زیارت پس از رجوع از منی به مکه .

۸- نماز طواف .

۹- سعی میان صفا و مروه هفت شوط .

۱۰- هفت شوط طواف نساء

۱۱- نماز طواف نساء.

۱۲- بیتوته در منی در شبهای یازده و دوازده و احياناً شب سیزده.

۱۳- رمی جمرات سه گانه در روزهای یازده و دوازده و گاهی هم

روز سیزده.

و اینک به نمونه ای از استفتائات و پاسخ‌های حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی توجه کنید:

**مسأله ۱۲۳** — فرودگاه زایران حج، شهر جدّه می‌باشد آیا حاجی

می‌تواند از جدّه محرم شود؟

جواب: شهر جدّه میقات نیست و محاذی یکی از میقات‌ها هم

نمی‌باشد پس از احرام از آنجا برای حج و یا عمره صحیح نیست اما اگر

حاجی بداند که میان شهر جدّه و حرم، جایی است که با یکی از میقات‌ها،

محاذی می‌باشد بعید نیست که احرام از آنجا صحیح باشد همچنانکه احتمال

دارد حاجی از محاذات جحفه که یکی از مقیات ها هست بگذرد چنان که او می تواند از جده با نذر محرم شود .

**مسأله ۱۲۴ —** اگر سر حاجی به هنگام تراشیدن آن، رخمی شود و خون آید، او چه باید بکند؟ جواب: هر گاه او در این زخمی کردن و خون در آوردن متعمد نبوده است چیز بر او نیست .

**مسأله ۱۲۵ —** هر چند که تکرار حج همه ساله مستحب است اما در بسیاری از کشورها و شهرهای اسلامی مؤمنان بینوایی هستند که حتی به یک لقمه طعام و اندکی لباس، نیازمندند. اگر امر دایر باشد بین این که کسی دارایی اش را در حج مستحبی و زیارت امامان معصوم صرف کند و یا احسان و انفاق به این خانواده ها نماید کدام مقدم است؟

جواب: البته یاری رساندن به آنگونه مردمان مؤمن و بینوا، از حج و عمره مستحبی و زیارت عتبات و عالیات مقدسه با فضیلت تر است اما گاهی حج و عمره و زیارت ائمه، با برخی امور توأم می شود که فضیلت آن به درجه فضیلت انفاق بر مؤمنان تهیدست بلکه بالاتر و ثواب بیشتر می رسد.

**مسأله ۱۲۶ —** حکومت عربستان برای حاجیان در عرفات و

منی جاها را اختصاص می دهد و ما نمی دانیم آیا آنها در داخل حدود منی و عرفات هستند که حاجی باید وقوف کند یا خارج اند و آیا پرس و جو در این مورد لازم است؟

جواب: اگر حدود اعلام شده که دارای علائم نصب شده می باشد نسل به نسل معلوم بوده است پرس و جو لازم نیست.

**مسأله ۱۲۷** — گفته می‌شود که برخی قربانگاه‌ها بلکه همه آنها در خارج از منی قرار دارد آیا بر ما واجب است قبل از قربانی کردن در شناخت قربانگاه، تلاش و تأکید کنیم با علم به این که جستجوی مکان دیگر و پرس و جو از قربانگاه دوم در روز عید قربان چنانکه می‌دانید بسیار مشکل است زیرا وقت بسیار تنگ می‌باشد آیاراه حلی وجود دارد؟

جواب: حتماً قربانی باید در داخل منبی ذبح شود و اگر به سبب کثرت حاجیان و تنگی وقت ذبح منحصر به روز عید نسیت و آن را تا پایان روزهای تشریح می‌توان عقب انداخت.

**مسأله ۱۲۸** — حاجیان با مشکل قربانی روبرویند و از این معنی رنج می‌برند زیرا گوشت قربانی‌ها ضایع و هدر می‌شود با اینکه در بلاد اسلامی بینوایان فراوانی وجود دارد که چندین روز طعم گوشت را نمی‌چشند در این صورت آیا می‌توانیم قربانی را در شهر خود بکشیم و آیا راه حل ردیگری را پیشنهاد می‌فرمائید؟

جواب: باید وظیفه شرعی را با ذبح قربانی در منی انجام داد و گناه تضييع گوشت‌ها اگر وجود داشته باشد بر عهده مسئولان است.

**مسأله ۱۲۹** — اگر دانشجویی در موسم حج، امتحان دانشگاهی دارد آیا او می‌تواند حج واجب را به سال آینده بگذارد خصوصاً اگر امتحان درسی برای او جنبه حیاتی داشته باشد و بسیار مهم است؟

جواب: اگر اطمینان داشته باشد که در سال آینده می‌تواند حج بگذارد چنان کاری جائز است و گرنه حج را نمی‌تواند تأخیر بیندازد و اگر

تأخیر امتحان درسی برای او حرجی باشد و دشوار باشد طوری که عادتاً چنان خسارت و زحمت را نمی‌توان حمل کرد در این صورت در سال جاری حج بر او واجب نمی‌شود و مستطیع به حساب نمی‌آید .

**مسأله ۱۳۰**— شخص مستطیعی در سالهای گذشته به حج نرفته است آیا او می‌تواند عمره رجبیه به جا آورد و اگر در ماه رمضان توانست چطور؟  
جواب: عمره مفرده او صحیح است اما اگر این عمره سبب شود که در سالی آتی نتواند، حج بگزارد، انجام چنان عمره جائز نمی‌باشد.

**مسأله ۱۳۱**— جوان مجردی است که اخیراً مستطیع شده است و اما به فکر ازدواج می‌باشد و اگر حج بگزارد ازدواج او عقب می‌افتد، کدامیک را مقدم بدارد؟

جواب: حج برود و ازدواج را تأخیر بیندازد مگر آنکه تأخیر ازدواج برای او دشوار بوده و زحمت فوق العاده داشته باشد که عادتاً تحمل ناپذیر است، در این صورت ازدواج را مقدم بدارد و خدا داناست.

---

۱ سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰.

۳ همان، ص ۲۳.

۴ همان، ص ۲۲.

۵ همان، ص ۲۸.

۶ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۶.



## فصل ۷

### احکام میت

خدای سبحانه و تعالی در کتاب کریمش فرمود:

((کل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجور کم يوم القيامة فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحیوة الدنيا الامتاع الغرور)) (۱): هر انسانی چشنده مرگ است و قطعاً شما پاداش هایتان را در روز قیامت به طور کامل دریافت می‌دارید پس هر کس از آتش دور شود و وارد بهشت گردد رستگار شده است و زندگانی دو نیوی جز وسیله فریب چیزی بیش نیست .

و خدای — برتر از هر گوینده — فرمود: ((و ماتدری نفس ما ذاتکسب غداً و ما تدری نفس بای ارض تموت آن الله علیم خیر)) (۲): هیچکس نمی‌داند فردا چه به دست آورد و هیچ شخص نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد همانا خدا دانای آگاه است.

و اینک به بیان برخی احکام میت و آداب احتضار، غسل، حنوط و کفن و دفن به طور اختصار (۳) می‌پردازیم.

**مسأله ۱۳۲ —** بنا بر احتیاط واجب، مرده را به هنگام مرگ رو به قبله کنند یعنی او را به پشت بخوابانند طوری که پاهایش به سمت قبله باشد که اگر بلند شود و بنشیند رو به قبله باشد و مستحب است شهادتین و اعتراف به نبوت حضرت محمد

صلی الله علیه و آله و امامت امامان به وی تلقین شود .

**مسأله ۱۳۳** — مستحب است دو چشم و دهان میت، بسته شوند و هم چنین دو دست او کشیده باشد و ساقهای پا، خم نباشد و بهتر است او را با پارچه ای بپوشانند و نزد او قرآن تلاوت کنند و در اتاقی که جنازه در آن است چراغی روشن باشد و مکروه است میت را در اتاق، تنها بگذارند .

**مسله ۱۳۴** — پس از آنکه اندام میت از نجاسات هایی که احیاناً به آن چسبیده مانند خون، منی و غیره، شسته شد و پاک گردیده او را سه غسل دهند:

۱- با آب سدر که مقداری در آب خالص ریخته شده است.

۲- با آب و کافور که به اندازه در آب خالص ریخته شده است.

۳- فقط با آب خالص .

و اگر سدر یافت نشد به جای آن با آب خالص، غسلی داده شود .  
و هرگاه کافور هم یافت نگردید احتیاط واجب آن است که به عوض آن، غسلی دیگر با آب خالص به عمل آید و با سوم به طور مستقل غسلی با آب خالص انجام دهند و در این حالت‌های اخیر علاوه بر آن سه غسل، تیممی هم صورت بگیرد.

**مسأله ۱۳۵** — غسل میت باید به شکل ترتیبی انجام گیرد یعنی: اول سر و گردن و سپس سمت راست و بعد چپ شسته شود.

**مسأله ۱۳۶** — غسل دهنده باید هم جنس باشد یعنی مرد را مرد و زن را زن غسل دهد و زن و شوهر می‌توانند مرده یکدیگر را غسل دهند و بهتر آن است که غسل از روی پارچه باشد چنانکه بنا بر احتیاط واجب اگر هم جنس

پیدا نشود هر کس می تواند محرم خود را اعم از سببی، نسبی و شیری مانند خواهر و برادر غسل دهد و افضل است که در این صورت، از پشت پرده، غسل داده شود اما طفل را پسر یا دختر همه کس می تواند غسل دهند به شرط آنکه طفل ممیز نبوده باشد.

**مسأله ۱۳۷-** بنا بر احتیاط واجب، غسل دهنده باید مؤمن باشد و اگر مسلمان اثنی عشری همانند، یافت نشد و از محرم های میت نیز کسی حضور نداشت، مسلمانان غیر اثنی عشری هم جنس می تواند غسل دهد و اگر او هم یافت نشد، یهودی یا مسیحی هم جنس در زن و مرد بودن می تواند اقدام به غسل میت کند به شرط آنکه خود

غسل دهنده، نخست غسل کرده باشد و آنگاه میت مسلمان را غسل دهد و اگر کسی از اهل کتاب هم برای غسل دادن یافت نشود، غسل میت ساقط می شود و او را بدون غسل به خاک می سپارند.

**مسأله ۱۳۸-** واجب است میت را پس از حنوط کنند به این ترتیب که بر سجده گاه های هفتگانه اش که عبارت باشد از پیشانی، کف های دو دست و دو زانو و انگشت های ابهام پا، پودر کافور تازه که هنوز بویش از بین نرفته است بمالند و افضل آن است که حنوط با دست صورت بگیرد و از پیشانی آغاز شود.

**مسأله ۱۳۹-** میت را پس از حنوط کردن در سه قطعه پارچه کفن

می کند:

اول: به عنوان شلواری که بنابر احتیاط واجب میانه ناف و زانو را بپوشاند .

دوم: پیراهنی که بنابر احتیاط واجب دو شامه تا میان ساق را بگیرد .  
سوم: پارچه ای را که تمام اندام را پوشانده و احتیاط واجب آن است پارچه کفن از جهت طول و عرض و از بالا و پائین به اندازه ای بلند باشد که روی هم سوار شود.

**مسأله ۱۴۰-** اگر میت، شش سال و یا بیشتر داشته باشد، واجب است بر او نماز خوانده شود و بنابر احتیاط واجب بر طفل ممیزی که می فهمیده است نماز چیست باید نماز خوانده شود هر چند شش ساله نشده باشد.

**مسأله ۱۴۱-** نماز میت با پنج تکبیر برگزار می شود. و افضل آن است که پس از تکبیر نخست، شهادتین را بگویند آنگاه تکبیر دوم را گفته بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام درود و صلوات بفرستد و بعد از تکبیر سوم، برای عموم مرد و زن دعا بکنند و پس از تکبیر چهارم .  
برای میت دعای ویژه بخوانند و آنگاه که تکبیر پنجم را گفتند، نماز تمام است.

**مسأله ۱۴۲-** پس از نماز خواندن بر میت مسلمانان، واجب است او را دفن کرده و او را در دل خاک پنهانش کنند تا از تعرض حیوانات درنده محفوظ بماند و بوی آن مردم را نیازارد و او را در قبر باید به سمت راست بدنش بخوابانند و رویش را به طرف قبله قرار دهند.

**مسأله ۱۴۳-** جایز نیست مسلمان را در گورستان غیر مسلمان دفن کنند مگر آن که قسمتی از آن به مسلمانان اختصاص داشته باشد هم چنانکه دفن کردن غیر مسلمانان در گورستان مسلمانان جایز نمی باشد.

**مسأله ۱۴۴-** اگر دفن مسلمان در گورستان مسلمان ممکن نشد و نقل جنازه او را به یک کشور اسلامی هم مسیر نگرديد تا در آنجا در گورستان مسلمانان دفن شود او را در همان گورستان کفار می توان به خاک سپرد

**مسأله ۱۴۵-** از پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: برای مرده:

شبی خست تر از شب اول قبر نیست پس با صدقه دادن، بر آنها رحم کنید و اگر چیزی نیافتید برای او دو رکعت نماز بگزارید که در رکعت اول پس از حمد، آیه الکرسی و در رکعت دوم بعد از قرائت حمد، ده مرتبه سوره قدر را بخوانید و بعد از سلام نماز بگوئید خدایا ثواب این نماز را به قبر فلانی برسان و نام میت را ببرید

و اینک نمونه های از فتوای حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظله که در پاسخ استفتائات فرموده اند:

**مسئله ۱۴۶-** در برخی کشورهای غربی و غیر اسلامی متداول است که مرده را در صندوقی می نهند و همانطور دفن می کنند، چه باید کرد؟  
جواب: نهادن مرده در صندوق چوبی به هنگام دفن اشکالی ندارد به شر

آنکه آداب شرعی دفن مراعات شود از جمله آن است که او را بر طرف راست رو به قبله بخوابانند.

### **مسئله ۱۴۷—** اگر مسلمانی در کشور غیر اسلامی بمیرد و در آنجا

گورستان ویژه مسلمین وجود نداشته باشد و از سویی، انتقال او به یک کشور اسلامی مستلزم زحمت فوق العاده و هزینه سنگینی باشد آیا همین معنی، مجوز آنی شود که میت را در گورستان کفار دفن کنند؟ جواب: کفایت نمی‌کند.

### **مسئله ۱۴۸—** اگر مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی، بمیرد و در

آنجا گورستان خاص مسلمانان وجود نداشته باشد و از طرفی خانواده او آن اندازه توانایی مالی ندارند که جنازه را به یک کشور اسلامی منتقل کرده و در آنجا به خاک بسپارند آیا بر مراکز اسلامی که متصدی شئون مسلمان هستند واجب است که هزینه انتقال جنازه را بپردازند؟ و آیا بر مسلمانی که در آن شهر وجود دارند پرداخت آن هزینه واجب می‌شود؟

جواب: اگر دفن مسلمان در غیر گورستان کافران و در مکان شایسته او در خود شهر و کشوری که او در آنجا در گذشته و یا در جایی دیگر، موقوف به صرف هزینه ای باشد و از او میراث و مالی که برای این کار کفایت کند، باقی نمانده و یا ولی او قادر به پرداخت چنان هزینه ای نباشد بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که آن هزینه را بپردازند و جایز است آن را از وجوه شرعی و یا احسان، حساب کنند.

**مسأله ۱۴۹**— اگر مسلمان میت در کشور غیر اسلامی ولی و

سرپرست نداشته باشد به شئون او چه کسی باید برسد؟

جواب: اگر امکان تماس با ولیّ او نباشد تا از وی اجازه بگیرند، اذن ولی از اعتبار می‌افتد و بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که به غسل و کفن و دفن او اقدام کنند.

**مسأله ۱۵۰**— اگر مسلمان مرده ای را ممکن نشد در گورستان شهری

که در آنجا مرده است دفن کنند زیرا گورستان اسلامی در آنجا وجود ندارد هزینه نقل و دفن او را در یک کشور اسلامی از کجا باید تأمین کرد از دارایی میت قبل از تقسیم میراث بین وارثان، از ثلث مال و یا از طریق دیگر؟  
جواب: هزینه دفن مسلمان در یک جای مناسب، از اصل دارایی او کنار گذاشته می‌شود مگر آنکه وصیت کند که از ثلث مال او هزینه کنند که در این صورت از ثلث مال صرف می‌شود.

**مسأله ۱۵۱**— مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی هر روز بیشتر

می‌شود آیا بر مسلمانانی که توانایی مالی دارند واجب کفایی است که گورستانی ویژه بخرند با علم به این که برخی مسلمانان که در آن کشور از دنیا می‌روند به سبب نداشتن توانایی مالی برای انتقال جنازه به بلاد اسلامی و یا در اثر تسامح و سهل انگاری، ناگزیر در گورستان اسلامی، مدفون خواهند شد.

جواب: دفن مسلمان در گورستان غیر کفار و در جایی مناسب شأن

او، بر ولیّ او واجب است همانند دیگر اعمال و واجب‌های مربوط به تجهیز

میت و اگر مرده مسلمان، ولی نداشته باشد و یا عاجز و ناتوان باشد بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که به مقدمات چنان کاری از قبیل خریداری قطعه زمین و تلاش در آن مورد، اقدام به عمل آورند.

**مسأله ۱۵۲-** کدام بهتر است، دفن مسلمان در یک گورستان اسلامی واقع در یک کشور غیر اسلامی که در آنجا، مرده است و یا نقل جنازه او به یک کشور اسلامی که هزینه سنگینی را لازم دارد؟

جواب: اگر کسی هزینه انتقال جنازه را احسان کند و پردازد اعم از ورثه و یا دیگران و یا اگر ثلث مال و دارایی میت برای این کار کفایت کند به ویژه اگر وصیت برای احسان و نیکوکاری کرده باشد، با فضیلت تر آن است که او را به یکی از مشاهد مشرفه و اماکن مستحبی ببرند و خدا دانا است.

**مسأله ۱۵۳-** هر گاه نقل جنازه مسلمان به یک کشور اسلامی هزینه زیادی لازم داشته باشد آیا می توان او را در گورستان غیر مسلمان از پیروان ادیان آسمانی، به خاک سپرد؟

جواب: دفن کردن مسلمان در گورستان کافران، جایز نیست مگر آن که گورستان منحصر به آن باشد و ضرورتی که تکلیف را بر طرف کند پیش بیاید.

---

۱ سوره آل عمران، آیه ۱۸۵.

۲ سوره لقمان، آیه ۳۴.

۳ برای اطلاع بیشتر بنگرید: منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۹۵ و بعد و مسائل منتخبه، ص ۵۰

و بعد.



## باب دوم : معاملات

### فصل ۱ - خوردنی ها و نوشیدنی ها

مسلمانان معمولاً در خانه‌ها، شهرها و روستاهای خود و در میان اعضای خانواده و منسوبینشان انواع غذاها، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را تناول می‌کنند و به خوردن و نوشیدن آنها عادت کرده‌اند و محتوای آنها را می‌شناسند و توجه‌داند که آنها خالی از هر گونه موادی هستند که دین و شریعتشان خوردن و یا نوشیدن آنها را حرام کرده است و با چیزی از ارزش‌های مورد قبول اسلامی در تضاد نمی‌باشند.

اما وقتی به یک کشور غیر اسلامی می‌روند و در آنجا اقامت می‌کنند مشکل خوردن و آشامیدن پیش می‌آید زیرا اصولاً خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، آن چیزهایی نیستند که قبلاً می‌شناختند و دوست می‌داشتند و مطابق میل و مذاقتشان بود چون این محیط، غیر اسلامی است و برای خود ارزش‌هایی ویژه دارد که مردمانش با آنها خو گرفته و به طور طبیعی به شئون اسلامی در زمینه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها تعهدی ندارند.

پس مسلمانی که در چنین شهر و کشوری بخواهد به رستورانی برود و غذا بخورد مشکل حلال و حرام بودن طعام، پاک و ناپاک بودن آن و بالاخره جواز و عدم جواز خوردن و نوشیدن پیش می‌آید که خود به خود مسائلی به وجود می‌آورد که پاسخ می‌طلبد.

و اینجا بجاست که مسلمانان، احکام برخی خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها را بدانند و از برخی فتاوی حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه مطلع شوند.

**مسأله ۱۵۴-** از آنجا که پیروان ادیان و کتاب‌های آسمانی سابق اعم از یهود، نصاری و مجوس پاکند مشکل عمده خوراکی‌ها حل می‌شود و مسلمانی که در میان ایشان زندگی می‌کند می‌تواند از طعام‌های آنان بخورد هر چند که دست مرطوب به آنها زده باشند مادامی که نداند طعام ایشان در بردارنده چیزی است که خوردن آن بر ما حرام می‌باشد مثل شراب، ولی گوشت و پی و مشتقات آنها حکمی ویژه دارند که خواهد آمد.

**مسأله ۱۵۵-** هر مسلمانی می‌تواند از غذایی که کافر غیر کتابی فراهم کرده بخورد مادام که نداند او دست مرطوب به آن غذا زده است و به شرط آنکه آن غذا محتوی چیز حرامی مانند شراب نباشد و گوشت و پی حکمی ویژه دارد که پس از این خواهد آمد.

**مسأله ۱۵۶-** هر مسلمانی می‌تواند انواع خوراکی‌ها را که هر سازنده پزنده‌ای آن را برای خوردن آماده کرده است بخورد اگر نداند که تهیه کننده آن چه دین و آیینی داشته و دارد و مواد آن خوراکی چیست؟ اعم از آنکه سازنده و پزنده آن دست مرطوب به غذا زده باشد و یا نه، به شرط آنکه نداند در آن طعام، چیز حرامی مثل شراب به کار رفته و گوشت و پی، حکمی ویژه دارد که خواهد آمد.

علاوه بر این بر مسلمان واجب نیست که از کفر و ایمان فراهم کننده پرس و جو کند و یا پرسد که آیا او دست مرطوب به آن زده یا نه؟ حتی اگر چنین بررسی و پرس و جویی خیلی سهل و آسان هم بوده باشد.

خلاصه، انواع گوناگون خوردنی‌ها جز گوشت و پی و مشتقات آنها برای مسلمان پاک و حلال است و او می‌تواند از آنها تناول کند هر چند که گمان ببرد در محتوای بری از آنها، خوردنی حرامی وجود دارد و یا او بپندارد که سازنده آن دست مرطوب به آن زده است. (۱)

**مسئله ۱۵۸—** هر مسلمانی می‌تواند انواع کنسروها به استثنای کنسرو گوشتی و مشتقات آنها را بخورد حتی اگر گمان ببرد که در محتوای آنها چیزی هست که خوردن آن برای مسلمان جایز نمی‌باشد و یا گمان ببرد که سازنده و تهیه کننده آن، دست مرطوب به آن زده است.

به هر حال، واجب نیست او پرس و جو کند تا اطمینان حاصل نماید که محتوا، خالی از شیء حرام و ناپاک است. (۲)

**مسئله ۱۵۹—** هر مسلمانی می‌تواند انواع گوشت‌هایی حلال اند هر چند که شرایط تذکیر در مذهبی تا مذهب دیگر فرق می‌کند در حال که احتمال بدهد ذبح حیوان، برابر مذهب ما صورت گرفته است. و این، در غیر رو به قبله بودن است اما درباره رو به قبله قرار گرفتن ذبیحه، رعایت نکردن آن اگر ذابح به آن عقیده نداشته و به وجوب آن معتقد نبوده است ضرری ندارد.

**مسئله ۱۶۰—** اگر مسلمانی بدانند مطمئن باشد که گوشت حیوان حلال گوشتی مثل گاو، گوسفند، و مرغ که مطابق قانون شریعت اسلام ذبح

نشده است در اختیار او قرار گرفته چنان گوشتی مردار است و مسلمان نمی‌تواند از آن بخورد هر چند که فروشنده آن مسلمان باشد هم چنان که این گوشت نجس است و هر چیزی با رطوبت به آن بخورد نجس می‌شود.

**مسأله ۱۶۱—** اگر مسلمانی، گوشتی را از کافری با خرید و یا غیره بگیرد و یا از مسلمانی بگیرد که آن مسلمان از کافری به دست آورده است و به هنگام گرفتن از تذکیه آن پرس وجو نکند چنان گوشتی حرام است یا نه، هر چند که خوردن آن حرام است اما اگر مسلمان نداند که آیا تذکیه شده است یا نه، هر چند خوردن آن حرام است لیکن نمی‌تواند آن را نجس بداند.

**مسأله ۱۶۲—** در حلیت گوشت هر ماهی دو شرط باید رعایت شود:

اول: ماهی باید پولک داشته باشد.

دوم: مسلمان بداند و یا مطمئن باشد که ماهی زنده از آب بیرون آورده شده است و یا آن، در تور ماهیگیری مرده است و در حلیت ماهی، مسلمان بودن صیاد شرط نیست هم چنان که در تذکیه ماهی بسم الله گفتن لازم می‌باشد. پس اگر کافری ماهی بگیرد و آنرا زنده از آب بیرون آورد و یا در تور و سبد صید بمیرد و ماهی فلس و پولک دار باشد خوردن آن حلال است. و مسلمان می‌تواند در مورد شرط نخست، ماهی را خود، به طور مستقیم بیند هر گاه در پیش او قرار دارد و یا اسم آن، در لیست ماهی‌های پولک دار آمده باشد. (۳)

و اما شرط دوم: ظاهرأدر همه کشورها تحقق دارد و آنگونه که می‌گویند همه صیادان، ماهی را زنده بیرون می‌آورند و یا آنها در تور ماهیگیر می‌میرند. بنابر این، گوشت ماهی را می‌توان از کافری گرفت و خورد همانگونه که می‌شد از مسلمانی گرفت اعم از آنکه کنسرو باشد و یا جز آن. (۴)

**مسأله ۱۶۳-** خوردن میگو اگر زنده از آب بیرون آورده شود حلال است اما خوردن انواع قورباغه‌ها، خرچنگ، لاک پشت و هر حیوان دو زیستی، قواقع (مرغ دریایی و شاه میگو، حرام اند. (۵)

**مسأله ۱۶۴-** تخم ماهی، تابع خود ماهی است پس تخم‌های ماهی‌های حلال گوشت، حلال و تخم‌های ماهی‌های حرام گوشت حرام می‌باشند.

**مسأله ۱۶۵-** خوردن آبجو و شراب و هر چیز مستی آور، مایع باشد و یا جامد مستی و سکر، سبک باشد و یا شدید، حرام است.

خدای سبحان و تعالی در قرآن کریم فرمود:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)). (۶)

و پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس شراب بنوشد پس از آن که خدا آن را به زبان حرام کرده است، شایسته نیست که به هنگام خواستگاری به او زن یا دختر بدهد و اگر شفاعت و

وساطت بطلبد نباید برای او شفاعت و وساطت کرد و هرگاه سخن بگوید

نباید تصدیق کرد و اصولاً نمی‌توان به امانتداری او اعتماد کرد. (۷)

و در روایت دیگر فرمود: خدا، شراب و کشت کننده و فشارنده و

خورنده و خوارنده و فروشنده و خریدار، حمل کننده آنکه به سوی او حمل

می‌شود و خورندهء بهای آن رالعن و نفرین کرده است. (۸)

**مسئله ۱۶۶—** خوردن از سفره که بر آن شراب و مسکرات، خورده

می‌شود، حرام است و حتی بنا بر احتیاط واجب، نشستن بر سر چنان سفره نیز

حرام می‌باشد. (۹)

**مسئله ۱۶۷—** مسلمانان می‌توانند به رستوران‌هایی که همراه طعام،

شراب می‌فروشند برود به شرط آنکه رفتن او ترویج کار این رستوران‌ها

نشود البته بنا بر احتیاط واجب بر سر میزی که شراب نهاده شده نباید بنشیند و

یا در آن میز بخورد.

**مسئله ۱۶۸—** در فصل طهارت و نجاست یاد آوردیم که تمام انواع

الکل‌ها اعم از آنچه که از چوب گرفته می‌شود و یا جز آن، پاکند. بنا بر این،

خوراکی‌هایی که در داخل و درون آنها الکل می‌باشند. (رجوع به

بخش استفتائات شود).

**مسئله ۱۶۹—** برخی متخصصان پرورش ماهی می‌گویند ماهی‌های که

فلس و پولک ندارند غالباً نظیف کنندگان دریا هستند که فضولات دریا

می‌خورند و آلودگی‌های آنها را برطرف می‌سازند.

**مسأله ۱۷۰-** برخی متخصصان می گویند بیرون آوردن خون از حیوان به وسیله ذبح، موجب بهداشتی شدن گوشت آن می شود و نسبت به گوشت حیوان تذکیه نشده پاکیزه تر است و این، مطلب بعیدی نیست و لذا برخی مردم غیر مسلمان طالب گوشت های ذبح شرعی شده مسلمانان هستند زیرا از نظر بهداشتی بهتر می پسندند.

**مسأله ۱۷۱-** استعمال و به کار بردن هر چیزی که در حد بالایی به انسان ضرر دارد مانند خوردن زهرهای کشنده، حرام است هم چنانکه حرام است زن حامله چیزی را بخورد که موجب سقط جنین می شود و جز آنها آنچه که ضرر و زیانش معلوم و یا حتی مظنون و بلکه به احتمال معقول متحمل است و یا چیزی که موجب مرگ و یا از کار افتادن عضوی از اعضاء می شود نیز حرام می باشد.

آداب سفره:

**مسأله ۱۷۲-** آداب سفره و غذا خوردن فراوان است و از آن جمله است:

به هنگام خوردن و شروع به آن، نام خدا بر زبان آوردن.

با دست راست خوردن.

لقمه ها را کوچک گرفتن .

نشستن طولانی بر سر سفره.

خوب جویدن طعام.

بعد از خوردن حمد و ثنای خدا گفتن.

خودداری از خوردن با وجود سیری .  
قبل از سیر شدن دست از طعام کشیدن و شکم را از طعام پر نکردن  
به هنگام خوردن، به روی مردمان نگاه نکردن .  
از جلوی دیگران غذا نکشیدن آنگاه که بر سر سفره، جمعی نشسته  
اند .

شروع با نمک و ختم با نمک.  
و اینک نمونه‌های از استفتائات ویژه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها همراه  
پاسخ و فتوای حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظله العالی.

**مسئله ۱۷۳ —** جمله ((ذبح به روش اسلامی)) بر روی گوشت‌های  
تولیدی کشورهای اسلامی توسط شرکت‌های غیر اسلامی، نوشته می‌شود  
آیا چنان کشت‌هایی را می‌توان خورد که در واقع سفارش کننده، کشوری  
اسلامی است و یا در یک کشور غیر اسلامی فراهم می‌گردد و انگهی اگر به  
طور کلی سفارش کننده و تهیه کننده هر دو، شرکت و کشور غیر اسلامی  
باشند چطور می‌شود؟

جواب: چنان نوشته ای اعتبار ندارد لیکن اگر تولید کننده آن  
گوشت‌ها مسلمان باشد و یادر کشوری تولید شود که غالباً مردم آن،  
مسلمانند و معلوم نباشد که تولید کننده غیر مسلمان است خوردن چنان  
گوشتی جایز است و اما اگر تولید کننده آن غیر مسلمان باشد و یا در  
کشوری تولید شود که اکثریت مردم آن مسلمان نباشند، خوردن آن گوشت  
جایز نیست .



**مسأله ۱۷۴**— وارد برخی بازارهای بزرگ اروپایی می شویم و در آنها کنسروهای گوشت را مشاهده می کنیم که تولیدی شرکت های اروپایی می باشند اما بر روی آنها جمله ((حلال)) و یا ((ذبح به روش اسلامی)) نوشته شده است آیا خرید و خوردن چنین گوشتهای جایز است؟  
جواب: اگر آن نوشته ها مورد وثوق و اطمینان نباشد اعتبار و اثری ندارد.

**مسأله ۱۷۵**— برخی شرکت ها مقدار زیادی مرغ یکجا می کشند اگر بر سر ماشین ذبح، مسلمانی بایستد و هنگام ذبح برای همه شان یکبار و یکجا نام خدا را بر زبان آورد آیا خوردن آنها حلال می شود و اگر در حلیت آنها شک کنیم می توانیم آنها را پاک بدانیم و بخوریم؟

جواب: اگر مسئول ماشین مادام که ماشین کار می کند به طور مکرر نام خدا را بر زبان آورد کافی است و در صورت شک در حلیت از ناحیه این که آیاسم الله گفته شده است یا نه آنها پاکند و خوردنشان هم حلال می باشد.

**مسأله ۱۷۶**— آیا می توان گوشتی را از سوپر مارکتی خرید که صاحب آن مسلمان است و به عنوان گوشت تذکیه شده می فروشد با علم به اینکه او شراب هم می فروشد؟

جواب - بلی، جایز است و خوردن آن گوشت حلال می باشد هر چند که قبلاً به دست غیر مسلمان بوده، به شرط آنکه احتمال بدهیم که فروشنده مسلمان تذکیه شرعی آن را احراز کرده است اما بدون چنین احتمالی، حلال نیست.

**مسأله ۱۷۷**— برخی پنیرها که در دولت‌های غیر اسلامی درست می‌شود مایه آنها از شکمبه گوساله یا هر حیوان دیگر است و ما نمی‌دانیم آیا شکمبه برگرفته شده از حیوانی است که به روش اسلامی ذبح شده است و یا از غیر آن؟ و آیا آن مایه اصولاً استحاله پیدا کرده است یا نه، چنین پنیرهایی را می‌توان خورد؟

جواب — خوردن اینگونه پنیرها از این جهت که گفته شد، اشکال ندارد و خدا داناست.

**مسأله ۱۷۸**— در غرب، چیزی به نام ژلاتین ساخته می‌شود و آن را در بسیاری نوشیدنی و خوراکی‌ها داخل می‌کنند، ما که نمی‌دانیم آن ژلاتین از چه چیز گرفته شده است از گیاه یا حیوان؟ و اگر از حیوان گرفته شده باشد آیا آن، از استخوان او برگرفته شده و یا از بافت‌های محیط بر استخوان، چنان چیزی را می‌توانیم بخوریم در حالی که نمی‌دانیم آن حیوان، حلال گوشت بوده یا حرام گوشت؟

جواب — اگر شك داشته باشیم که آن، از گیاه برگرفته شده و یا از حیوان، خوردن آن جایز است ولی بنابر احتیاط اگر بدانیم که از حیوان گرفته شده و تذکیر شرعی آن محرز نباشد خوردن آن جایز نیست حتی اگر از استخوان‌های حیوان فراهم شده باشد. بلی اگر علم و یقین داشته باشیم که مواد آن استحاله پیدا کرده و در ضمن عملیات شیمیایی دگرگون شده است خوردن آن مطلقاً بی اشکال است و می‌توان آن را خورد. چنانکه می‌توان

مقداری از آن را داخل غذای دیگر کرد که در آن مستهلک شود با وجود شک در تذکیه آن حیوان.

### مسئله ۱۷۹ — کشتی‌های بزرگ ماهیگیری، تورهای خود را

می‌اندازند و چند تن ماهی یکجا صید می‌کنند و در بازارها به فروش می‌رسانند و معروف شده است که در روش جدید ماهیگیری، ماهی‌ها را زنده از آب بیرون می‌آورند و حتی خود شرکت‌ها برای رعایت بهداشت، ماهی‌ها مرده را دوباره به دریا می‌ریزند، آیا ما می‌توانیم از چنان محل‌های عرضه ماهی که فروشنده غیر مسلمان است و یا از محل‌های دیگری که عرضه‌کننده و فروشنده مسلمان است لیکن ملتفت به مسائل شرعی نیست آنگونه ماهی‌ها را خریداری کنیم؟ با علم به اینکه محرز نیست آیا ماهی‌هایی که جلو چشم ماست زنده از آب بیرون کشیده شده اند یا نه و به دست آوردن اطلاع از طریق شاهد مورد وثوق، بسیار دشوار است بلکه عملی نیست.

و آیا در اینجا راه حلی برای مسلمانان وجود دارد که احراز تذکیه گوشت مرغ و گاو و گوسفند برای ایشان مشکل است و لذا به گوشت ماهی پناه می‌برند؟

جواب — خرید آن گونه ماهی‌ها از فروشنده مسلمان و یا غیر مسلمان اشکالی ندارد هم چنانکه اگر احراز شود که صید آنها به همان طریق مذکور در سؤال صورت گرفته و ماهی پولک دار می‌باشد، گوشت آنها حلال است.

**مسئله ۱۸۰** — گاهی روی قوطی‌های کنسرو ماهی نام و یا عکس آن چاپ شده است و از همین راه می‌فهمیم که ماهی درون قوطی ماهی پولک دار است آیا شایسته است که ما به نام و عکس روی قوطی اعتماد کنیم با علم به اینکه دروغ در اینگونه امور شرکت‌ها را با ضرر و خسارت بزرگ و شاید خیلی سخت‌تر، روبرو می‌سازد؟

جواب — اگر به صدق و راستی آنچه در روی قوطی‌ها نوشته شده است، اعتماد داشته باشیم مطابق آن می‌توانیم عمل کنیم.

**مسئله ۱۸۱** — آیا گوشت انواع خرچنگ را بدین لحاظ که مانند میگو هستند می‌توان خورد؟

جواب: خوردن گوشت خرچنگ جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۱۸۲** — آیا ماهی را می‌توان از یک مسلمان سنی خرید در حالی که نمی‌دانیم آن پولک دارد یا نه؟

جواب — خریداری، جایز است لیکن اگر پولک دار بودن آن احراز نشود خوردن آن جایز نیست.

**مسئله ۱۸۳** — خوردن طعام حلالی که بخار گوشت تذکیر نشده پخته شده است، جایز است؟

جواب — جایز نیست و آن طعام، نجس زیرا با آب و بخار گوشت نجس در آمیخته و نجس شده است.

**مسئله ۱۸۴** — می‌دانیم که نشستن بر سر سفره ای که در آن شراب نهاده اند حرام است و مسلمان در چنان مکانی نباید بنشیند اما مقصود از

سفره در اینجا چیست؟ آیا از آن، یک مجلس است هر چند که میزها و سفره‌های متعدد چیده و یا گشود شود و یا این مقصود، سفره و میز واحد است طوری که اگر میزها و سفره‌ها از یکدیگر فاصله داشته باشند می‌توان بر سر سفره و یا میزی که در آن شراب نیست، نشست؟

جواب — یکی بودن سفره و یامیز، معتبر است با علم به اینکه حرمت نشستن بر سر سفره و یا میزی که در آن شراب نهاده اند، مبنی بر احتیاط است بلی خوردن و نوشیدن بر سر چنین میز و سفره ای بنابر اقوی، حرام است.

**مسئله ۱۸۵ —** اگر مسلمانی وارد قهوه خانه شود و بنشیند تا چای بخورد اتفاقاً کسی بیاید و برای شرابخواری در همان میز او نشسته، بنشیند آیا بر او واجب می‌شود که دست از خوردن چای بکشد و بیرون رود؟

جواب — بلی، همانگونه که گذشت، واجب می‌شود او از چای خوردن منصرف و از سر آن میز بلند شود.

**مسئله ۱۸۶ —** آججویی را می‌توان خورد که روی بطری آن نوشته شده خالی از الکل است ؟

جواب — خوردن آججو که موجب سکر و مستی هر چند سبک می‌شود حلال نیست اما اگر مراد از آن، ماء الشعیر باشد که اصلاً سکر و مستی آور نیست، اشکال ندارد.

**مسئله ۱۸۷ —** الکل در ترکیب بیشتر داروها وجود دارد آیا آنها را می‌توان خورد و آیا آنها پاکند؟

جواب — آنها پاکند و چون الکل موجود در آنها، بسیار اندک است خوردن آنها هم جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۸۸** — سرکه ای از شراب به عمل آمده است بدین معنی که آن، شراب بوده و در کارخانه کاری کرده اند که به سرکه تبدیل شده است و لذا روی بطری آن نوشته می‌شود (سرکه مویز) تا آن را از سرکه حاصل از جو و دیگر انواع سرکه جدا سازند و از علایم این سرکه آن است که در مغازه‌ها آن را در ردیف (ویتترین) سرکه‌ها می‌گذارند نه مشروبات الکلی و ما مکرراً آزمودیم و ندیدیم حتی یکبار و در یکجا آن را کنار مشروبات الکلی گذاشته باشند. فرق این سرکه با سرکه با سرکه ای که در عراق از خرما، می‌سازند چیست؟ آیا این شرابی که به سرکه تبدیل شده همانند آن است که خود به خود منقلب شده باشد؟

جواب — اگر عرفاً به آن سرکه گویند چنانکه در سؤال چنان فرض شده است، حکم سرکه را دارد.

**مسئله ۱۸۹** — سازندگان اغذیه، کنسروها و حلواجات موظف اند ترکیبات و مواد به کار رفته در داخل قوطی را روی آن بنویسد تا خریدار بداند محتوای آن چیست، و چون برخی خوراکی‌ها در معرض فسادند بر آنها جمله ((مواد نگاه دارنده)) اضافه شده است و خود آن ماده از حیوان گرفته شده است و با علامت اختصاری «E» همراه عدد «۴۵۰E» و «۴۷۲E» چاپ می‌شود و همینطور حکم این کالاها چیست:

الف - مصرف کننده، حقیقت این ترکیبات را نمی‌داند.

ب - مصرف کننده لیستی را مشاهده می کند و او که چیزی از استحاله نمی داند فقط در آن لیست می خواند که رقم های فلان حرام اند چون از حیوان برگرفته شده است.

ج — نتیجه تحقیقات آن است که برخی از آن مواد و ترکیبات، در حال نخست باقی نمانده بلکه صورت نوعی اش به چیزی دیگر بدل شده است .

جواب: الف - خوردنی های که آن ترکیبات را دارند حلال می باشند.  
ب — اگر محرز نباشد که آن مواد از حیوان گرفته شده هر چند که ادعا بشود که خوردن آنها جایز است و همچنین است اگر از حیوان بودن محرز باشد لیکن از حیوان مردار، بودن معلوم نباشد و مقدار اضافه شده بر خوراکی، آنقدر کم باشد که در خوراکی مستهلک بشود .

ج - و با صدق عنوان استحاله و دگرگونی با تغییر صورت نوعی باقی نماندن ترکیب اولی در پاکی و حلیت آن تردیدی نیست.

**مسأله ۱۹۰** — آیا ژلاتین، پاک است؟ و اگر شک کنیم که استحاله و دگرگونی تحقق یافته است یا نه تردید داریم (شبهه مفهومی) آیا استصحاب نجاست سابق، جاری می شود یا خیر؟

جواب: ژلاتین حیوانی اگر نجاست اصل آن، محرز نباشد مثل آنکه احتمال بدهیم از حیوان تذکیه شده فراهم شده است، محکوم به طهارت و پاکی است اما آن را نمی توان به خوراکی ها زد مگر به اندازه ای کم باشد که در آن مستهلک شود و یا معلوم باشد که از حیوان حلال گوشت و تذکیه

شده گرفته شده و یا استحاله آن محرز باشد و رد اینجا فرق نمی کند که ژلاتین را اعضایی گرفته شده باشد که حیات در آنها حلول می کند مفصل غضروف و یا از اعضای فاقد حیات مثل استخوان بنا بر احتیاط در آخری، و اگر نجاست اصل ژلاتین محرز و معلوم باشد کما اینکه بدانیم آن، از حیوان نجس العین و یا از غضروف حیوان تذکیه نشده و یا از استخوان آن حیوان، قبل از شستشو، به دست آمده است در این صورت ها ژلاتین فراهم شده به سبب ملاقات با نجس مرطوب، نجس است و جواز استفاده از آن در خوراکی ها منوط به احراز استحاله است و این، به عرف بر میگردد و ضابطه آن قبلاً یاد آوری شد.

می ماند استصحاب، و آن هر چند که در مورد شبهات مفهومی جاری نمی شود نه در ذرات خود موضوع و نه در وصف موضوع حکم و نه در خود حکم — چنانکه در علم اصول تحقیق شده است — ولی از آنجا که موضوع برای نجاست، صورت های نوعی عرفی است و بقای آنها به نظر عقلاً، باقی خواص مهم آنجاست پس شک در تحقیق استحاله را جهت شک در مفهوم آن از حیث وسعت وضیق آن، بر می گردد به بقای صورت نوعی به بقای خواص مقوم آن، و چنان چیزی از امور خارجی است و از اجرای استصحاب در مورد آن مانعی وجود دارند و خدا عالم است.

**مسأله ۱۹۱ —** وارد بازارهایی در کشورهای غربی می شویم که در

آنجا انواع خوراکی ها را می فروشند و ما نمی دانیم محتویات آنها چیست؟



شاید آنها خالی از چیزی باشند که خوردن و نوشیدن آن حرام است و شاید هم چنان چیزی نباشد آیا برای ما شایسته است بدون در نظر گرفتن محتویات آنها و یا پرس وجو، آنها را بخوریم و یا چنان امری شایسته نمی‌باشد؟

جواب: مادام که نمی‌دانیم در آنها مواد گوشتی و یا پی و یا چربی و مشتقات آنها وجود دارد خوردن آنها جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۹۲—** آیا از روغن ماهی که از ماهی‌های حرام گوشت تهیه می‌شود و (قواقع) مرغان دریایی در خوراکیها و جز آنها می‌توان استفاده کرد؟

جواب: خوردن آنها جایز نیست لیکن در غیر موارد خوردن می‌توان از آنها استفاده کرد و خدا داناست.

**مسئله ۱۹۳—** آیا مسلمانی می‌تواند در مجالسی شرکت کند که در آنجاها شراب می‌خورند؟

جواب: خوردن و آشامیدن در چنان مجالسی حرام است اما بنا بر احتیاط واجب، حضور در آنجاها نیز حرام می‌باشد مگر آنکه بتواند نهی از منکر کند که به آن قصد، مانعی ندارد و می‌تواند حضور پیدا کند.

**مسئله ۱۹۴—** آیا خوردن خرچنگ دریایی، شاه میگو، قواقع دریایی حلال است؟

جواب: از جاندار دریایی جز ماهی پولک دار و آنچه میگو نامیده می‌شود بقیه اعم از خرچنگ و غیره حرام می‌باشد

---

۱ بنگرید: استفتاءات ویژه این فصل و پاسخ آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی.

۲ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۳ در آخر کتاب لیست ماهی‌های پولک دار آمده است، رجوع شود.

۴ بنگرید: نمونه استفتاءات ویژه این فصل.

۵ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۶ سوره مائده آیه ۹۰ و ۹۱: ای مؤمنان! جز این نیست که شراب، قمار و نشان‌های بتان (انصاب) و تیرهای فال (ازلام) پلید، از کردار شیطان است پس از او اجتناب کنید شاید رستگار شوید. جز این نیست که شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما دشمنی و کین بیندازد و شما را از یاد خدا و از نماز باز بدارد آیا شما رها کننده و دست بردار هستید؟!

۷ الکافی، ج ۶، ص ۳۹۶.

۸ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴. و در اینجا احادیث فراوان وجود دارد بنگرید به کافی

و دیگر کتب حدیث و فقهی.

۹ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

## فصل ۲

### جامگان

پوشیدن پوستین‌های طبیعی یک مشکل حقیقی است و هر مسلمانی در کشورهای غیر اسلامی با آن روبه‌رو است. زیرا آنان در ممالک اسلامی خود عادتاً نیازمندی پوستی خود را با خیال آسوده می‌خرند چون می‌دانند که آنها از پوست حیواناتی فراهم شده که به طریق شرعی تذکیه شده‌اند پس بدون هیچ شک و نگرانی آنها را می‌پوشند و با آنها نماز می‌گزارند و با رطوبت به آنها دست می‌زنند. اما در کشورهای غیر اسلامی، مسأله کاملاً فرق می‌کند و لذا نیکوست که ما احکام ذیل را در اینجا توضیح دهیم:

**مسأله ۱۹۵** — اشیای پوستی، نجس‌اند و با آنها نماز نمی‌توان خواند اگر بدانیم که آنها از پوست جاندارانی تهیه شده‌اند که برابر مقررات شرعی، تذکیه و ذبح نشده‌اند اما اگر چنان علمی نباشد و احتمال بدهیم که آنها از پوست حیوان حلال گوشتی که به طریق اسلامی ذبح و تذکیه شده است، فراهم گردیده‌اند، پاکند و نماز با آنها جایز می‌باشد.

**مسأله ۱۹۶** — نماز با اشیای پوستی ساخته شده از پوست جانداران درنده مانند شیر، ببر، پلنگ، روباه و شغال و امثال آنها، جایز نیست. چنانکه بنابر احتیاط واجب با پوست حیوانات حرام گوشت هرچند غیر درنده مثل میمون و فیل، هرچند که پوست آنها در اثر تذکیه، پاک باشد و یا احتمال تذکیه شدن را بدهیم نماز خوانده نشود.

بلی، از کمر بند و امثال آن که ستر عورت با آن ممکن نیست و از چنان پوست‌هایی تهیه شده است می‌توان استفاده کرد ولی اگر یقین داشته باشیم که آن، از پوست جاندارن تذکیه نشده درست شده است نجس است و نماز با آن بنابر احتیاط، جایز نمی‌باشد اگر چه آن، کمر بند و یا هر چیز دیگری باشد که ستر عورت با آن ممکن نیست و همینطور است اگر احتمال تذکیه حیوان به اندازه ای ضعیف باشد که عقلاً معمولاً به آن اعتنا نمی‌کنند مانند احتمال ۲٪.

**مسئله ۱۹۷** — اشیاء و لوازم پوستی که در کشورهای غیر اسلامی از پوست مارها و تمساح‌ها ساخته شده اند و در مغازه‌ها در معرض فروش قرار دارند همگی پاکند و خرید و فروش و استعمال آنها حتی آنجا که طهارت و پاکی شرط است جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۹۸** — اشیای تهیه شده از پوست که در کشورهای اسلامی ساخته شده و در کشورهای غیر اسلامی عرضه می‌شوند پاکند و نماز با آنها جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۹۹** — اشیای پوستی ساخته شده در کشورهای غیر اسلامی که نمی‌دانیم آیا از پوست طبیعی و یا مصنوعی فراهم شده اند همگی پاکند و نماز با آنها جایز می‌باشد.

**مسئله ۲۰۰** — کفش ساخته شده از پوست حیوان تذکیه نشده پا را نجس نمی‌کند مگر با رطوبت ناقل نجاست پس اگر با عرق کند و جوراب

در اثر عرق کردن پا، خیس شود اما رطوبت به کفش نجس نرسد، پا و یا جوراب، آلوده و نجس نمی‌شوند.

**مسئله ۲۰۱-** نماز با کاپشن و یا با کلاه و یا با کمربند پوست ساخته شده در کشورهای غیر اسلامی و آنچه که از محل‌های خرید و فروش غیر اسلامی خریداری می‌شود جایز است هر گاه احتمال بدهیم که این اشیاء، از پوست حیوان حلال گوشت تذکیه شرعی شده، ساخته شده اند چنانکه در بخش‌های سابق گذشت.

**مسئله ۲۰۲-** استفاده از طلا برای مردان جایز نیست اعم از انگشتری، حلقه ازدواج، ساعت مچی و یا جز آنها و اعم از آنکه در نماز باشد و یا غیر آن.

**مسئله ۲۰۳-** مردان نمی‌توانند پلاتین که طلای سفیدش نامند، در دست کنند.

**مسئله ۲۰۴-** بانوان در همه حالات می‌توانند طلا برتن کنند در حال نماز و غیر آن.

**مسئله ۲۰۵-** مردان نمی‌توانند حریر و ابرشیم خالص بپوشند نه در حال نماز و نه در غیر آن حال. مگر در مواردی که جواز آن تصریح شده است.

**مسئله ۲۰۶-** بانوان می‌توانند همه وقت و در حال نماز و غیر آن حریر و ابریشم بپوشند.

**مسئله ۲۰۷** — مردان می‌توانند جامه‌هایی را که حریر و ابریشم بودن آنها مشکوک است و قطعی نیست که آنها ابریشم طبیعی و یا مصنوعی اند برتن کنند.

بنابراین نماز با چنان جامه‌هایی، جایز می‌باشد.

هم چنانکه مردان می‌توانند لباس‌های پنبه‌ای، پشمی و یا نایلونی را که با ابریشم و غیره آمیخته است برتن کنند به شرط آنکه حریر و ابریشم قاطی شده به اندازه‌ای کم باشد که به آن جامه، حریر و ابریشم صدق نکند. و همچنین مردان می‌توانند لباسی را که ممزوج بودن آن با حریر و ابریشم مشکوک است بپوشند و با آن نماز بخوانند.

**مسئله ۲۰۸** — بنابر احتیاط واجب، مرد نمی‌تواند از مدهای بانوان و کلاه گیس استفاده نماید.

**مسئله ۲۰۹** — بنابر احتیاط واجب، جایز نیست مسلمانان، لباس‌های ویژه کافران را بپوشند و به آنها تشبیه کنند.

واینکه به برخی استفتائات ویژه البسه و پاسخهای حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی توجه کنید.

**مسئله ۲۱۰** — ما مسلمان در کشورهای اروپایی، کفش، کمر بند، و دیگر پوشیدنی‌هایی را که از پوست درست شده اند می‌خریم و احتمال هم می‌دهیم که پوستهای آنها از کشورهای اسلامی وارد گردیده و یا حتی از کشتارگاه‌های مخصوص مسلمین، تهیه شده اند و چنان احتمال، ضعیف باشد، پاکند؟

جواب — اگر این که پوست اشیاء مذکور در سؤال، به دست مسلمان و یا کشور اسلامی، فراهم شده به اندازه ای احتمال ضعیف و ناچیزی باشد که عقلاً به آن اعتنا نمی کنند مثل ۲٪ که احتمال خلاف، بیشتر مورد اطمینان است، به چنان احتمالی ترتیب اثر داده نمی شود و جز در آن صورت می توان آنها را پاک دانست و خدا عالم است .

**مسأله ۲۱۱** — فقها به حرمت پوشیدن حریر و ابریشم طبیعی خالص برای مردان فتوا می دهند، آیا یک مرد می تواند حریر و ابریشم آمیخته به جز آن را برتن کند مثل کروات . وانگهی بستن کروات برای مردان به طور کلی آن از حریر خالص چطور است؟

جواب - بستن کروات حتی اگر ابریشم و حریر خالص هم باشد حرام نیست زیرا به آن، لباس صدق نمی کند و ستر عورت با آن ممکن نیست و اما آنچه حریر و ابریشم خالص نیست و به غیر آن آمیخته است و حریر به آن گفته نمی شود، پوشیدن آن جایز است و هر چند که با آن ستر عورت ممکن باشد .

**مسأله ۲۱۲** - برخی شرکت ها روی برخی پارچه ها و منسوجات خود می نویسند «ابریشم خالص» با این وجود، ما در صحت چنان چیزی، شک داریم چون بهای آنها خیلی ارزان است و حریر و ابریشم به آن ارزانی نیست، پوشیدن آنگونه لباس ها چگونه است و می توان با آنها نماز خواند؟

جواب - با وجود شک، می توان آنها را پوشید و نماز هم خواند .

**مسأله ۲۱۳** - پوشیدن جامه‌هایی که به هدف تبلیغات، عکس شراب

روی آنها چاپ شده جایز است و داد و ستد آنها چگونه؟

جواب - پوشیدن و داد و ستد آنها حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۱۴** - آیا مردان می‌توانند ساعتی را که برخی ابزار درونی و

یا بند آن طلاست به دست خود ببندند و با آن نماز بخوانند؟

جواب - به دست بستن اولی و نماز با آن جایز است اما با دومی (با

ساعت بند طلا) نماز جایز نمی‌باشد و نباید به دست کرد.



## فصل ۳

### رفتار و همزیستی با قوانین اجرایی کشورهای غربی

هر کشوری برای اداره شئون زندگی ملت خود، قوانین و مقرراتی تصویب و به اجرا در می‌آورد. او به انجام کاری فرمان می‌دهد و یا ترک چیزی را می‌خواهد. گاهی انجام کاری را محدود و دیگر گاه آن را مقید و مشروط اعلام می‌کند.

و از جمله آن قوانین و مقررات، سلسله قوانین و مقرراتی است که به اماکن عمومی و در ارتباط با زندگی روز مره مردم در محدوده جغرافیایی خاصی، مربوط می‌شود طوری که تجاوز به آنها، جامعه را به هرج و مرج می‌کشد.

توضیح مسائلی در این زمینه، شایسته و بجاست.

**مسئله ۲۱۵—** جایز نیست در سر راه مردمی که از آنجا عبور و مرور می‌کنند اعم از سواره و یا پیاده، در کشور اسلامی و یا غیر اسلامی، چیزی قرار دهیم و مانع به وجود آوریم و به اصطلاح سد معبر کنیم.

**مسئله ۲۱۶—** مسلمان نباید، اعلانات و هر نوع آگهی را بر در و دیوار مردم بچسباند و یا از جایگاه خاص اعلانات، که ملک خاص آنها می‌باشد استفاده کند مگر با احراز رضایت صاحبان آن.

**مسئله ۲۱۷—** مسلمان نباید در مال و کار کسی خیانت کند و چنان عملی، حرام مسلمان نباید در مال و اگر صاحب مال و کار، کافر باشد بلکه بر هر مسلمانی واجب است امانت‌ها را نگهدارد و به طور کامل به صاحبانشان

برگرداند. پس هر که در کارخانه، مغازه و سوپر مارکتی کار می کند و یا حسابدار شرکتی است، حق ندارد خیانت کند و از آنچه در اختیار دارد بردارد. (۱)

**مسئله ۲۱۸-** از اموال عمومی و خصوصی کافر و یا مسلمان نمی توان دزدید و یا آنها را تلف نمود بویژه اگر به حیثیت و آبروی اسلام و مسلمین به طور کلی، لطمه وارد سازد.

**مسئله ۲۱۹-** از اموال عمومی و خصوصی کافران و یا مسلمان نمی توان دزدید و تلف کرد حتی اگر چه فرضاً چنان کاری به آبروی اسلام و مسلمین لطمه نزند و لکن چون خیانت و فریبکاری، بر خلاف امانتداری است و مهاجران هنگام ورود به یک کشور و اجازه اقامت در آنجا امین شناخته شده اند پس خیانت در امانت نسبت به هر کس که باشد حرام است و تفاوت دین، عقیده و نژاد در این مسئله فرق نمی کند. (۲)

**مسئله ۲۲۰-** مسلمان نمی تواند به هنگام ورود به یک کشور غیر اسلامی اموال و دارایی غیر مسلمانان را بدزدید.

**مسئله ۲۲۱-** هیچ مسلمانی نمی تواند، مساعدت های ماهانه را جز از طریق قانونی بگیرد او نمی تواند در این زمینه، اطلاعات نادرست بدهد و پرسشنامه ها را غلط و غیر واقعی، پر کند.

**مسئله ۲۲۲-** هر مسلمانی می تواند با شرکت های بیمه، قرار داد ببندد اعم از بیمه عمر، دارایی، آتش سوزی، غرق، دزدی و امثال آن. و چنان قرار

داد و معامله ای، محترم و درست است و آن را جز به رضای دو طرف نمی توان به هم زد.

**مسئله ۲۲۳-** هیچ مسلمانی نمی تواند برای به دست آوردن مالی که استحقاق آن را ندارد، به شرکت بیمه اطلاعات نادرست بدهد همچنانکه به آن نیت نمی تواند حادثه مصنوعی بیافریند و صحنه سازی کند مانند آتش سوزی عمدی تا مالی را بگیرد. و چنان عملی درست نمی باشد. (۳)

**مسئله ۲۲۴-** گاهی مصالح عالیّه مسلمان ایجاب می کند که مسلمانان در یک کشور غیر اسلامی اعضای یک حزب سیاسی باشد و یا در کابینه دولتی و یا در وزارتخانه ای وارد شوند و یا به مجلس شورا راه یابند در چنین موقعیتی و بر حسب اقتضای مصالح، برای هر مسلمانی این کارها جایز می شود اما باید در تشخیص آن به افراد آگاه و مورد وثوق مراجعه کنند.

**مسئله ۲۲۵-** تقلب در امتحانات مدارس و دانشگاهها جایز نیست اعم از اینکه آن از طریق کمک گرفتن از دانش آموز و یا دانشجوی بغل دست باشد و یا از راه پخش ورقه ها به طور پنهانی و یا از طریق اشتباه انداختن و اغفال ناظرین و یا هر و طریق نا مشروع دیگر که بر خلاف نظام است. (۴)

و اینک به نمونه هایی از استفتائات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه - می پردازیم:

**مسئله ۲۲۶-** اگر مسلمانی بخواهد از ماشین حساب بانکی خود مبلغی از موجودیاش را بکشد اتفاقاً پولی بیشتر در آید و بانک، آن را نداند آیا گرفتن چنین پولی جایز است؟

جواب: جایز نیست.

**مسئله ۲۲۷-** مسلمانی از یک شرکت اجنبی در کشورهای غیر اسلامی کالایی خریده است و فروشنده و حسابدار شرکت اشتباه کرده و پولی بیشتر به او پس داده است آیا جایز است او مبلغ زاید را بگیرد یا باید فروشنده و حسابدار را از اشتباه خود آگاه کند.

جواب: او نمی تواند مبلغ اضافه را بگیرد و اگر گرفته است واجب است برگرداند.

**مسئله ۲۲۸-** کارمندی در یک شرکت اجنبی و متعلق به غیر مسلمان، کار می کند آیا او کم می تواند برخی نیازمندی های خود را بدون اطلاع شرکت، برداشت کند و چنان کاری جایز است؟

جواب: چنان عملی، جایز نیست.

**مسئله ۲۲۹-** در کشورهای غیر اسلامی، می توان کنتورهای آب و برق و یا گاز را دست کاری کرد و احیاناً از کار باز داشت؟ جواب: چنان کاری جایز نیست.

**مسئله ۲۳۰-** مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی مدعی می شود که او در میهن خود سال ها سابقه رانندگی داشته است او سخن خویش را با نامه و استشهادیه ای توأم می کند تا موقعیتش را در خصوص بیمه، بالا ببرد و فایده بیشتری عایدش گردد آیا خلاف حقیقت گفتن در این خصوص هر چند به صورت توریه جایز است و یاری کردن به چنین شخصی روا می باشد؟

جواب — دروغ گفتن به آن نیت جایز نیست هم چنانکه پول به دست آوردن به آن طریق و یاری کردن به چنان کسی جایز نمی‌باشد و از موارد اعانت بر اثم و گناه محسوب می‌گردد.

**مسأله ۲۳۱—** آیا می‌توان شرکت‌های بیمه را در کشورهای غیر اسلامی، فریب داد با علم به این که چنان کاری به آبروی اسلام و مسلمانان لطمه ای نمی‌زند؟  
جواب - جایز نیست.

**مسأله ۲۳۲—** مسلمانی در اثر سهل انگار، نوعی آتش سوزی عمدی به وجود می‌آورد تا از شرکت بیمه در کشور غیر اسلامی، مبالغی دریافت کند آیا چنین کاری جایز است و آیا او چنان پولی را مالک می‌شود؟  
جواب — تلف کردن و هدر دادن مال، جایز نیست و دروغ گفتن و خلاف حقیقت وانمود کردن هم جایز نمی‌باشد و گرفتن چنان مال و پولی حلال نمی‌باشد.

**مسأله ۲۳۳—** آیا در مدارس دولتی در اروپا و یا آمریکا، می‌توان تقلب کرد؟ در مدارس غیر دولتی چطور؟ اعم از اسلامی و غیر اسلامی؟  
جواب — به طور کلی، تقلب در هیچ جا و در هیچ موردی، صحیح و جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۲۳۴—** در برخی اتوبوس‌ها و دیگر وسایل نقلیه نوشته می‌شود استعمال دخانیات ممنوع است آیا سیگار کشیدن در چنین اماکنی جایز است؟

جواب — اگر این امر به منزله شرط ضمنی باشد که سوار شونده به آن وسیله، پذیرفته است و یا چنان چیزی قانون دولتی می‌باشد که پس از ورود به کشور ملتزم شده است که آنها را رعایت کند لازم است مطابق تعهد، عمل کند و مخالفت جایز نیست.

**مسئله ۲۳۵ —** کسی که از یک کشور غیر اسلامی ویزا گرفته و به آنجا سفر کرده است آیا موظف است که قوانین و مقررات آنجا از جمله قوانین و مقررات رانندگی را رعایت کند؟

جواب — اگر به آنان هر چند ضمنی، تعهد داده است، باید تا آنجا که با قوانین شریعت اسلامی منافعی نباشد وفا کند و مقررات راهنمایی و رانندگی چیزی است که تعهد به آن، لازم می‌باشد بخصوص که مراعات نکردن آنها معمولاً به اشخاص که مال و جانشان محترم است، ضرر و آسیب می‌رساند.

**مسئله ۲۳۶ —** برخی دولت‌های غربی برای مهاجران و یا پناهندگان، مساعدت‌هایی می‌کنند به شرط آنکه آنان بیکار باشند و در آمدی نداشته باشند آیا جایز است در صورت کار کردن و داشتن در آمد، آن مستمری را بگیرند و آیا مالک چنان پولی می‌شود؟

جواب — آنان می‌توانند کار کنند و با دستمزدی که می‌گیرد زندگی کنند اما جایز نیست آن مساعدت و مستمری را با وجود کار کردن، بگیرند مگر آنکه دولت و یا اداره آن را مطلع کرده و آنان بدانند که او کار می‌کند و مستمری هم می‌گیرد.

**مسأله ۲۳۷**— آیا مسلمان می‌تواند در یک کشور اروپایی و یا آمریکایی از دارایی کفار بدزدد؟ و آیا او می‌تواند برای به دست آوردن پول از راه‌هایی که نزد خود آنان معمول است، چاره اندیشی کند؟ و بدان وسایل توسل جوید؟

جواب - به طور کلی سرقت اموال عمومی و خصوصی جایز نیست؛ و نیز تلف کردن آن هم جایز نیست حتی اگر چنان عملی به آبروی اسلام و مسلمانان لطمه وارد نسازد ولی نسبت به تعهد ضمنی ای که هنگام گرفتن ویزا از آن دولت داده است خیانت و فریبکاری و بر خلاف امانتداری محسوب گردد،

زیرا عهدشکنی و فریبکاری به هر کس و به هر صورت باشد، حرام است.

**مسأله ۲۳۸**— آیا مسلمانان می‌توانند به نیت دستیابی بر مزایا و تسهیلات مادی و معنوی از راه‌های قانونی پذیرفته شده در نزد کشورهای غیر اسلامی، اطلاعات نادرستی به ادارات دولتی کشورهای مزبور بدهند؟

جواب - چنان کاری جایز نیست زیرا دروغ می‌باشد و آنچه در سؤال فرض شده است از موارد تجویز دروغ به حساب نمی‌آید.

## فصل ۴

### کار و گردش سرمایه

هر مسلمانی حق دارد به فعالیت‌های حیاتی مختلف پردازد و به انواع کار و کوشش و سرمایه گذاری در زمینه‌های متفاوت و انجام کار مفید برای آنان که به مصالح ایشان گرچه مسلمان نباشد، تلاش می‌کند، دست یازد تا سود خود را ببرد و مردمان دیگر نیز از عملکرد او بهرمنند شوند به شرط آنکه:

۱- چنان کاری در شریعت اسلامی، حرام و ممنوع نبوده باشد. ۲- در اثر آن کار و کوشش، آسیب و ضرر نبیند.

۳- چنان کار و تلاشی در خدمت به اجرای نقشه‌های دشمنان اسلام و مسلمین، نبوده باشد پس بجا و نیکوست که ما به بیان برخی احکام شرعی در این زمینه پردازیم.

**مسئله ۲۳۹-** هیچ مسلمانی نباید خود را در برابر انسان دیگر اعم از این که او مسلمان باشد و یا غیر مسلمان خوار و زبون سازد، پس کاری که یک مسلمان انجام می‌دهد اگر او را در مقابل شخص نامسلمانی خفیف و بی مقدار کند پرداختن به چنان کار خفت بار، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۲۴۰-** برای هر مسلمانی جایز است گوشت‌های حیوان تذکیه شرعی نشده را در اختیار کسانی که آنگونه گوشت‌ها را حلال می‌پندارند اعم از یهودی، مسیحی و دیگران — بگذارد. هم چنان که برای هر مسلمانی جایز است در جایی که چنین گوشت‌های تهیه می‌شود و یا آنها را می‌پزند و



می‌فروشند، کار کند و این عده کارگران برای توجیه مالکیت خود نسبت به پولی که از راه این کار به دست می‌آورند می‌توانند آن را بابت کنار رفتن از حق اختصاص خود به سود کفار تلقی نماید.

**مسئله ۲۴۱—** هیچ مسلمانی نمی‌تواند گوشت خوک را به کسانی که آن را حلال می‌شمارند مسیحی باشند و یا جز آنان، بفروشد و احتیاط واجب آن است که چنان گوشتی را هر چند از طریق فروش، در اختیار آنان هم قرار ندهد. (۱)

**مسئله ۲۴۲—** برای هیچ مسلمانی جایز نیست شراب را حتی برای کسانی که آن را حلال می‌شمارند تقدیم بدارد چنانکه شستشوی پیاله‌ها، جام‌ها و به طور کلی خدمت در زمینه شرابخواری که مقدمه آن محسوب باشد، جایز نمی‌باشد. (۲)

**مسئله ۲۴۳—** جایز نیست مسلمان خود را برای شراب فروشی و سرو کردن آن در رستوران‌ها و یا برای نظافت و شستشوی ظروف و جام‌های شراب، اجیر کند چنانکه گرفتن دستمزد برای چنین کاری حرام می‌باشد و توجیه برخی به این که آنان به پول نیازمند و چنان کاری را ضرورت قلمداد می‌کند توجیه منطقی نیست و پذیرفته نمی‌باشد. خدای سبحانه و تعالی فرموده:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (۳): هر کس تقوای الهی

پیشه داشته باشد خدا برای او راه خرجی قرار می‌دهد و از آنجا که به گمان نمی‌آید، او را روزی می‌دهد و هر کس برخدا توکل کند خدا او را بس است. و باز خدای - برتر از هر گوینده ای - فرمود:

((إِنَّ لِلَّذِينَ تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوِيهِمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوَالِدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا)) (۴). همانا کسانی را که فرشتگان روح آنان را می‌گیرند در حالی که بر خویشان ستم کرده بودند فرشتگان گفتند: شما کجا بودید؟ گفتند: مادر زمین، مستضعف و ناتوان بودیم. گفتند: آیا زمین خدا گسترده است نبود تا در آن به مهاجرت پردازید؟ پناهگاه ایشان جهنم باشد و چه مصیر بدی است. جز مردان، زنان و کودکان ضعیف و ناتوانی که چاره ای ندارد و راه برای نجات پیدا نمی‌کنند.

از پیامبر اکرم محمد (صلی الله علیه و آله) روایت شده که در حجة الوداع در خطابه ای فرمود: بدانید روح الامین بر من وحی کرد که هیچ انسانی نمی‌میرد مگر آنکه بهره اش را از رزق و روزی، به کمال دریابد پس تقوا پیشه کنید و به جستجوی نیکو و پسندیده پردازید و تأخیر روزی، شما را بر آن واندارد که روزی را از راه معصیت خدا طلب کنید زیرا خدای تبارک و تعالی روزی را در میان خلق به صورت حلال تقسیم کرده نه حرام، پس هر کس پارسایی کند روزی او از راه حلال می‌رسد و هر کس پرده را

بدرد و آن را از طریق حرام بجوید زا روزی حلالش بریده می شود و در روز قیامت از او حسابرسی به عمل می آید. (۵)

**مسئله ۲۴۴-** جایز نیست مسلمان در جاهای لهو و لعب و به طور کلی

اماکن معصیت و فساد که بالاخره به حرام کشیده می شود کار کند. (۶)

**مسئله ۲۴۵-** هر مسلمانی می تواند در زمینه انواع داد و ستدها و

بازرگانی های حلال در شریعت اسلام (خرید و فروش، واردات، صادرات، پیمان نامه ها و غیره) باغیر مسلمان اعم از یهودی و مسیحی، شریک باشد.

**مسئله ۲۴۶-** برای هر مسلمانی جایز است در بانکهای غیر اسلامی

اعم از دولتی و یا خصوصی حساب باز کند و پول به ودیعت بنهد هر چند به نیت سود زیرا گرفتن ربا از نا مسلمان جایز است.

**مسئله ۲۴۷-** اگر مسلمانی بخواهد از بانکهای غیر مسلمین وام با بهره،

بگیرد نباید با چنان نیتی اقدام کند زیرا سود دادن به کافر، حرام است بلکه پول را به قصد استنقاذ (۷)، بگیرد هر چند که می داند آن پول را با اصل و فرع پس خواهند گرفت.

**مسئله ۲۴۸-** هر مسلمانی می تواند به دیگری اجازه دهد تا از نام و

اعتبار او در خرید سهام بانک یا شرکت و یا هر موسسه ای، استفاده کند و در برابر آن مبلغی بدهد و یادبگیرد که طرفین بر آن رضیاند.

**مسئله ۲۴۹-** هیچ مسلمانی نمی تواند از محصولات یک کشور غیر

اسلامی که در حال جنگ با مسلمین است مثل اسرائیل بخرد. (۸)

**مسئله ۲۵۰—** برای هر مسلمانی جایز است هر نوع ارزی را به قیمت بازار، تبدیل کند به کم و یا به زیاد، بدون این که میان نقد و نسیه فرقی باشد.

**مسئله ۲۵۱—** داد و ستد با پول‌های تقلبی و جعلی و یا آنچه که از اعتبار ساقط شده است حرام می‌باشد اگر طرف معامله بی‌اطلاع باشد زیرا چنان کاری، فریبکاری است.

**مسئله ۲۵۲—** هیچ مسلمانی نمی‌تواند به قصد دستیابی به جایزه انواع بلیط‌های بخت آزمایی را خریداری کند اما به نیت شرکت در امر خیری مثل ساختن بیمارستان، پرورشگاه ایتام، و امثال آن که مورد رضایت اسلام است، خرید آنها جایز است لیکن چنین فرضی در کشورهای غیر اسلامی، بعید است زیرا بسیاری از کارهای حرام در شریعت اسلامی را در آن کشورها از جمله کارهای خیر تلقی می‌کنند. به هر حال، گرفتن جایز از دست کافر پس از برنده شدن جایز است آن هم از باب استنقاذ مال از کافر. (۹)

**مسئله ۲۵۳—** خرید و فروش جانداران حرام گوشت مثل ببر، کفتار روباه، فیل، شیر، خرس، گربه، و انواع ماهی‌ها جایز است اگر دارای فایده حلال بوده باشند که در بازار هر چند در نزد متخصصان، ارزش دارند از این حکم کلی خوگ و سگ غیر شکاری استثناءست. (۱۰)

**مسئله ۲۵۴—** خرید و فروش ظرف‌های طلا و نقره به قصد زینت و آرایش خانه، جایز است لیکن استفاده از آنها در خوردن و نوشیدن حرام است.

**مسئله ۲۵۵—** بورسیه و حواله بانکی ارسالی از یک دولت اسلامی و در کشور اسلامی به حساب یک شخص مادام که به دست او نرسیده است خمس ندارد هر چند که از هزینه سالانه اش بیشتر باشد. (۱۱)

و اینک نمونه‌های از استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی ویژه مسائل این فصل:

**مسئله ۲۵۶—** آیا هر مسلمانی می‌تواند در کشورهای غیر اسلامی انواع حساب‌های بانکی که دارای سودهای بالا و یا پائین، هستند باز کند و آیا انسان می‌تواند حسابی با سود بسیار بالا باز کند به شرط آنکه اگر بانک چنان سودی را به وی نپرداخت، مطالبه نکند و اگر گشودن چنین حسابی جایز نباشد چه راه حلی وجود دارد با علم به اینکه انسان در ته دل به دنبال سود است؟

جواب: مسلمان می‌تواند در بانک، هر نوع حسابی را بگشاید و مبالغی را در آن حساب، سپرده کند و شرط سود بنماید اگر آن بانک دولتی باشد و یا مردمی و خصوصی که سرمایه آن غیر مسلمان اند.

**مسئله ۲۵۷—** بانک‌ها در کشورهای غربی، به کسانی که پول کافی برای خرید خانه ندارند وام می‌دهند و آن را با سود بالا طی اقساط پس می‌گیرند مورکثر پول کافی برای خرید خانه مسکونی ندارد؟

جواب: هر مسلمانی می‌تواند از بانک‌های کشورهای غربی اعم از دولتی و یا ملی که سرمایه گذاران آن مردمان غیر مسلمانند، مال و پولی

بگیرد اما نه به قصد وام بلکه به نیت استنفاذ و علم به این که بانک اصل و فرع آن پول را پس خواهد گرفت، ضرری ندارد.

**مسئله ۲۵۸—** برخی دولت‌ها خود را موظف می‌دانند خانه‌هایی را تحت شرایط خاصی برای اقامت کنندگان نیازمند، فراهم کنند آیا یک مسلمان می‌تواند برای خود خانه‌ای بخرد و مدت کوتاهی در آن سکونت کند تا خمس از گردش ساقط شود سپس آنجا را اجاره دهد و در خانه‌ای که دولت اجاره می‌دهد ساکن شود؟

جواب: با سکونت کوتاه مدت در آن خانه خریداری شده، خمس ساقط نمی‌شود اگر در واقع به آن خانه نیاز نداشته است چنانکه در سؤال چنین فرض شده است.

**مسئله ۲۵۹—** برخی شرکت‌های بازرگانی و صنعتی از بانکهای ملی و یا دولتی اسلامی و یا غیر اسلامی وام‌ها بهره‌دار ربوی می‌گیرند و در اثر کار کردن با بانک‌ها سودهای کلان به دست می‌آورند، آیا ما می‌توانیم از چنان شرکت‌هایی سهام بخریم و یا در پروژه‌های آنها شرکت کنیم؟

جواب: اگر خرید سهام و یا شرکت در پروژه‌ها، نوعی شرکت در داد و ستدهای ربوی باشد چنان عملی جایز نیست، بلی اگر شرکت از آن مسلمانان باشد و آنان از بانک‌های غیر اسلامی سودهای را به دست می‌آورند از این جهت مانعی نیست.

**مسئله ۲۶۰—** برخی دولت‌ها و یا شرکت‌ها در کشورهای غیر اسلامی و حتی اسلامی، حقوق ماهانه کارمندان را به طور مستقیم به شماره

حساب خاص آنان می‌ریزند و کارمند پول را نقد دریافت نمی‌کند ولی می‌توان از حساب خود برداشت کند. اگر مبلغ پول واریز شده از هزینه سالانه او بیشتر باشد، خمس به آن پول تعلق می‌گیرد یا نه؟

جواب: کلیه درآمدهای زاید از هزینه سال، خمس دارد مگر آنکه شخص، کارمند یک دولت اسلامی باشد و حقوق ماهانه او به بانک دولتی و یا نیمه دولتی حواله می‌شود در این صورت تا او پول را نگرفته است خمس ندارد و با اجازه حاکم شرع آن را مالک می‌شود پس آن، از درآمدهای سالی حساب می‌شود که در آن سال آن را گرفته است و اگر زاید بر هزینه سالانه اش باشد، باید خمس آن را پردازد.

**مسئله ۲۶۱** — مسلمانی از یک مسلمان دیگر وام گرفته است پس از مدتی ارزش پول در بازار پائین آمده است در این صورت وامدار چقدر باید بپردازد؟ همانقدر که گرفته است یا برابر بهای روز پرداخت و آیا اگر وام دهنده کافر باشد چه طور است؟

جواب: او همان مبلغی را که وام گرفته است باید پردازد و فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.

**مسئله ۲۶۲** — آیا مسلمان می‌تواند در شرکت‌هایی سهم باشد که از جمله شراب تولید می‌کنند؟ با این فرض که مال از مال دیگران جدا نیست و امکان جدایی وجود ندارد؟

جواب - مسلمان نباید در تولید و خرید و فروش شراب، شرکت کند.

**مسأله ۲۶۳**— به بنا و یا بساز بفروشی مسلمان در یک کشور غیر اسلامی، پیشنهاد ساختن معبد و امثال آن می شود آیا او می تواند بپذیرد اقدام کند؟

جواب - جایز نیست چون کاری ترویج ادیان باطله است.

**مسأله ۲۶۴**— خطاط و هنرمند مسلمان می تواند تابلویی بنویسد و یا رسم کند که در آن، نوعی شراب و یا مجلس رقص و یا گوشت خوک اعلان و آگهی می شود؟

جواب — چنین کاری برای او جایز نیست چون آن، اشاعه گناه و ترویج فساد و تباهی است.

**مسأله ۲۶۵**— آیا جایز است از مغازه هایی خرید کرد که آنها قسمتی از سود کار خود را برای کمک به اسراییل اختصاص داده اند؟  
جواب - جایز نیست.

**مسأله ۲۶۶**— یک مسلمان، ساختمانی را خریده است که در آن، مغازه شراب فروشی وجود دارد و او نمی تواند آن را تعطیل و مستأجر را بیرون کند لطفاً به چند سؤال در آن زمینه پاسخ بفرمایید:

اولاً: گرفتن کرایه و وجه الاجاره از میخانه جایز است

و ثانیاً: اگر چنان کاری جایز نباشد و خود آن شخص نتواند وجه الاجاره دریافت کند آیا با اجازه حاکم شرع چطور و به چه عنوان؟ و ثالثاً: آیا او می تواند با علم به وجود میخانه در این ساختمان و عدم اخراج او، آن را بفروشد؟



جواب: اولاً: اونمیتواند بابت اجاره میخانه، وجه الاجاره بگیرد. وثانیاً: او به اندازه اجرت المثل چنان مکانی برای مقاصد حلال، استحقاق گرفتن وجه الجاره را دارد اما به قصد تقاص (۱۲) آنچه به عنوان کرایه میخانه به او می پردازد هم چنانکه او می تواند وجه الاجاره را به قصد استنفاذ دریافت بدارد آنجا که مستأجر و پرداخت کننده وجه الاجاره مسلمان نباشد. وثالثاً: او می تواند آن ساختمان را با علم به وجود مستأجر می فروش و عدم امکان اخراج او، به فروش می رساند.

**مسأله ۲۶۷—** آیا جایز است یک کارفرمای مسلمان، شخص غیر مسلمان را به کار مشغول کند در حالی که در میان مسلمان، مردمان بیکار و نیازمند درآمد دارد؟

جواب: چنین علمی در حد ذات خود جایز است لیکن بهتر آن است که همکیشان مسلمان را مقدم بدارد و حق برادری اسلامی را رعایت کند و تا آنجا که ممکن است نا مسلمان را بر مسلمان جلو نیندازد.

**مسأله ۲۶۸—** آیا در برخی مجله فروشی ها و محل های دیگر که نشریه ها و مجله هایی با صور قبیحه و عکس های برهنه و نیمه برهنه، به فروش می رسد، می توان کار کرد و اصولاً داد و ستد آنها و چاپ چنان نشریاتی جایز است؟

جواب: هیچکدام از آن کارها، جایز نمی باشد زیرا آنها ترویج حرام و اشاعه فساد است.

**مسأله ۲۶۹—** در کشورهای غربی خرید و فروش سگ، بازاریزه ای وجود دارد آیا خرید و فروش سگ فقط ربرای مأنوس شدن و زندگی همراه آن، جایز است؟ جواب: جایز نیست.

**مسأله ۲۷۰—** آیا خرید و فروش و یا کرایه سگ نگهبان و یا سگانی که برخی بانوان غربی برای ایمنی و آرامش، همراه خود دارند جایز است؟  
جواب: خرید و فروش سگ جایز نیست لیکن آن کس که چنان سگی را دارد حق اختصاص پیدا کرده است دراین صورت مانعی نیست که او دربرابر دریافت مبلغی از آن حق صرف نظر کند و پرداخت کننده وجه، صاحب آن حق شناخته می شود و سگ به او اختصاص پیدا میکند هم چنانکه اگر سگ دارای منافع حلال باشد که حراست و نگهبانی از آن جمله است، اجاره دادن آن مانعی ندارد.

**مسأله ۲۷۱—** آیا داد و ستد سگانی که در مغرب زمین تعلیم دیده میشوند و نابینایان را در خیابانها و راهها، همراهی می کنند، جایز است؟  
جواب: پاسخ این سؤال همانند سؤال پیشین است.

**مسأله ۲۷۲—** مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی و در یک دفتر و یا اداره دولتی، به طور رسمی و ساعتی کار میکند و یا در موسسه ای به صورت قرار دادی مشغول کار است و حقوق و دستمزد می گیرد آیا او می تواند کم کار کند و بایستی کم کار نماید کن کار کند و یا سستی و کم کاری نماید و هر گاه چنین کرد تمام حقوق و دستمزد را مستحق می شود؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اگر کم کاری کرد، همه حقوق و دستمزد را استحقاق پیدا نمی کند.

**مسأله ۲۷۳-** عده ای از مسلمانان، برخی نسخه های نفیس خطی قرآن کریم را از کشورهای اسلامی به کشوری غیر اسلامی می برند و می فروشند، آیا چنین کاری جایز است؟ و اگر فروش قرآن به کافر، مشکل است آیا بدون قید خرید و فروش مشکل حل می شود؟ و بر فرض جواز، راه حل چیست؟

جواب - هرگز به چنین کاری اجازه نمی دهیم زیرا آن، آسیب زن به میراث و ذخایر اسلامی است.

**مسأله ۲۷۴-** آیا بازرگانی با خرید و فروش کتب خطی و اثار باستانی اسلامی و اشیای عتیقه، جایز است؟ به این صورت که آنها را از کشورهای اسلامی بیرون ببرند و در بازارهای اروپایی با قیمت های گران به فروش برسانند؟ و یا چنین کاری ضرر به ثروت اسلامی است و جایز نمی باشد؟

جواب - به همان علت که گذشت، به چنین کاری اجازه نمی دهیم.

**مسأله ۲۷۵-** در بعضی شب ها میخانه ها از مردمان کافر پر می شود و آنگاه که همه سرمست شدند بیرون آمده و به دنبال طعام و خوراکی هستند، آیا یک مسلمان می تواند از این فرصت استفاده کند و رستورانی باز کند و در آن، همین مردمان مست و خمار و دیگران را از طعام حلال، سیر کند؟

آیا چنین کاری با وجود حلال بودن طعام گناه است با این که می گویند این طعام اثر شراب را در وجود آنان می کاهد. و امثال این.  
جواب - این کار، در حد ذات خود مانعی ندارد.

**مسئله ۲۷۶-** آیا فروش گوشت خوگ برای یهود و نصاری و به طور کلی اهل کتاب که آن را حلال می پندارند، جایز است؟

جواب - کسب و کار با گوشت خوگ به طور کلی جایز نمی باشد.

**مسئله ۲۷۷-** انسان یقین دارد که روزی چیز حرامی از تلویزیون و یا ویدیو خواهد دید در این صورت خریداری آن جایز است؟

جواب - از دیدگاه عقل لازم است چنان چیزی فراهم و تهیه نشود.

**مسئله ۲۷۸-** آیا جایز است در یک مغازه قصابی که گوشت خوگ می فروشد کار کرد؟ حتی در این حد که مسلمانی به یکی از کارگرانش دستور بدهد که به فلان مشتری گوشت خوگ بدهد؟

جواب - فروش گوشت خوگ حتی برای کسانی که آن را حلال می انگارند جایز نیست و فرق نمی کند با واسطه و یا بی واسطه باشد و اما بدون فروش و فقط در اختیار گذاشتن گوشت خوگ برای کسی که آن را حلال می داند آن هم اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است.

**مسئله ۲۷۹-** فرمودید خرید بلیط بخت آزمایی به قصد کمک به یک موسسه خیریه و بدون نیت برنده شدن و دستیابی به جایزه، اشکال ندارد اگر یک مسلمان با قسمتی از بهای بلیط چنین نیتی کند و با قسمتی دیگر

قصده برنده شدن نماید آیا خرید بلیط بخت آزمایی به این شکل چطور است؟ جواب - جایز نیست.

**مسئله ۲۸۰-** آیا یک مسلمان بالغ می تواند بچه ای را وادارد که بلیط بخت آزمایی بخرد و به او بدهد؟ و یا یک شخص کتابی (یهود، نصاری و غیره) را به چنین کاری وادار کند و قصدش آن باشد که برنده شود؟  
جواب - حرمت خرید بلیط بت آزمایی با این کارها بر طرف نمی شود و وکیل کردن همانند خرید و اقدام مستقیم است.

**مسئله ۲۸۱-** آیا می توان عسلی را خرید که روی آن برگ بخت آزمایی چسبانده اند و احتمال دارد که در صرت خرید، برنده شویم؟ جواب — اگر تمام بها را در مقابل عسل بپردازد نه به قصد عوض جایزه احتمالی چنان کاری حلال است.

**مسئله ۲۸۲-** یکی از مسلمانان بلیط بخت آزمایی خریده و برنده شده است و قرار گذاشته است که قسمتی از آن را اگر به دستش رسیده در راه خیر به مصرف برساند آیا آن خیریه چنان مالی را می تواند بگیرد و آن را در مصالح مسلمین خرج کند؟ و اگر چنین تصمیمی را پیش از خرید بلیط داشته باشد، مسئله فرق می کند؟

جواب - اگر آن مال و پول به اشخاصی بر می گردد که اموالش محترم نیست تصرف در چنان مال و پولی جایز می باشد.

**مسأله ۲۸۳-** اگر مسلمانی با خریدن بلیط بخت آزمایی و برنده شدن حج بگزارد و آن مبلغ را پس از رد مظالم آن به یک فقیر مسلمان، در حج هزینه کند، آیا چنان حجتی صحیح است؟

جواب - پاسخ این مسأله از جواب مسأله پیش، معلوم می شود.

**مسأله ۲۸۴-** اگر یک مقام مسئول غاصب و ستمگر، هزینه حج کسی را بذل کند، حکم چنان حجتی چیست؟

جواب — اگر غصیبت عین مال بذل شده، معلوم نباشد، ظالم بودن باذل، ضرری به حج او نمی رساند.

**مسأله ۲۸۵-** در برخی کشورهای اروپایی، فروشگاه‌هایی وجود دارد که لوازم منزل می فروشند و مشتری حق دارد دو هفته پس از خرید اگر خواست آن را پس آورد. آیا مشتری به نیت استفاده دو هفتگی و نه قصد خرید چنان کاری را می تواند انجام دهد و سپس آن را پس دهد؟ که در واقع قصد او خرید نبوده است. و اگر صاحب فروشگاه، مسلمان باشد، مسأله فرق می کند؟ و در صورت جواز به چه نیت و قصد، صحیح می باشد؟

جواب — اگر مالک فروشگاه مسلمان باشد چنان کاری جایز نمی باشد، و اما با غیر مسلمان می توان چنان رفتار رد به شرط آنکه قصد خرید نکند بلکه به قصد استنقاذ از کافر، آن را انجام دهد و از ضرر و آسیب هم ایمن باشد.

**مسأله ۲۸۶**— آیا می‌توان در رستورانی که به مشتریان، مشروبات الکلی سرو می‌شود، کار کرد بخصوص اگر شخصاً شراب برای مشتری نمی‌آورد بلکه فقط در زمینه شستشوی جام‌ها و پیاله‌ها کار می‌کند؟

جواب - نظافت جام‌ها و پیاله‌ها از مقدمه شربخواری باشد، شرعاً حرام است.

**مسأله ۲۸۷**— مسلمانی که علاقمند به حفظ دین و ایمان خویش است ناگزیر می‌شود در اداره ای کار کند که احیاناً فعل حرام مرتکب می‌شود اما ممکن است او در همان اداره در آینده موقعیتی پیدا کند که بدان وسیله خدمتی اساسی به دین خود انجام دهد که آن خدمت را به مراتب از آن حرام‌های ارتکابی، مهم‌تر می‌داند آیا کار کردن در چنین جایی و با این ویژگی جایز است؟

جواب - انجام فعل حرام، تنها به امید آینده، جایز نمی‌شود.

**مسأله ۲۸۸**— آیا کسی که دارای دکترای حقوق است می‌تواند رد یک کشور غیر اسلامی و کالت بپذیرد که با قوانین آن کشور داوری بعمل می‌آید و او در میان مردمان غیر مسلمان به قضاوت پردازد و هم و غم او فقط قضاوت و داوری باشد هر چه شد؟

جواب - اگر وکالت و داوری او تضييع حق کسی نباشد و دروغ و یا حرام دیگری را به دنبال نداشته باشد مانعی ندارد.

**مسأله ۲۸۹—** آیا کسی که گواهینامه حقوقی دارد و کارشناس امور قضایی است می‌تواند رد یک کشور غیر اسلامی با قوانین موجود آنها میان مردم قضاوت و داوری کند؟

جواب - کسی که برای قضاوت شایستگی ندارد نباید قضاوت کند و جز با قوانین اسلامی، نمی‌توان قضاوت و داوری کرد.

**مسأله ۲۹۰—** یک مهندس برق در کشور اروپایی برای اصلاح و تعمیر بلندگو و دیگر لوازم صوتی و برقی فراخوانده می‌شود و احياناً آن مکان، جای لهو و لعب است آیا او می‌تواند در چنان جایی به تعمیر و اصلاح پرداز با علم به اینکه اگر یکی دوبار، دعوت به کار را نپذیرد از زندگی ساقط می‌شود و مشتری‌های خود را از دست می‌دهد؟

جواب - جایز است.

**مسأله ۲۹۱—** شخصی در یک رستورانی کار می‌کند که گاهی گوشت غیر حلال و دیگر گاه گوشت خوک برای مشتری غیر مسلمان، سرو می‌کند جواب بخش نخست را فرموده اید سؤال در بخش دوم است و آن سرو کردن گوشت خوک است در کنار گوشت حرام دیگر آیا چنین کاری جایز است و اگر او از این کار خودداری کند ممکن است از کار و تلاش بر کنار و رانده شود؟

جواب — گوشت خوک را هر چند برای کسی که آن را حلال می‌انگارد نمی‌توان، سرو کرد و احتیاط ترک آن است.



**مسأله ۲۹۲**— آیا برای یک مسلمان جایز است در یک بقالی و یا سوپر مارکتی که در گوشه ای از آن شراب فروخته می شود، کار کند در حالی که از او فقط صندوقداری گرفتن پول است؟

جواب — اگر خریدار و فروشنده هر دو نامسلمان باشند او می تواند در چنان جایی کار کند و بهای شراب و غیر آن را بگیرد.

**مسأله ۲۹۳**— چاپخانه ای در یک کشور غیر اسلامی لیست خوارکی های رستورانی را چاپ می کند که در میان آنها گوشت خوک هم دیده می شود آیا کار در چنان چاپخانه ای جایز است؟ و آیا او می تواند آگهی های تبلیغاتی برای معرفی میخانه ها و محل های فساد دیگر، چاپ کند؟ با علم به این که اگر این کارها را نکند، از نظر کار متضرر خواهد شد؟

جواب — جایز نیست چنان چیزهایی را چاپ کند اگر چه به تعطیلی محل کار بینجامد.

- 
- ۱ بنگرید: بخش نمونه استفتاءات ویژه این فصل.
  - ۲ بنگرید: بخش نمونه استفتاءات ویژه این فصل.
  - ۳ سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.
  - ۴ سوره نساء آیات ۹۷ و ۹۸.
  - ۵ وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۴.
  - ۶ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.
  - ۷ معنای لغوی استفاد، خلاص و رها کردن چیزی است و گویا او مال خود را که در بند افتاده است رها می کند.
  - ۸ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۹ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۱۰ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۱۱ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۱۲ تقاص به معنای قیچی کردن و بریدن است گویا او حق خود را به نحوی از طرف

می برد.

## فصل ۵

### روابط اجتماعی

هر جامعه ای فضای ویژه خود را دارد، سنت‌ها، عرف‌ها، عادت‌ها و ارزش‌ها از محیطی تا محیط دیگر فرق می‌کند و طبیعی است که جامعه‌های اسلامی با محیط‌های اروپایی از جهات مزبور تفاوت داشته باشد. و همین امر ره مسلمان را با این سؤال روبه رو می‌کند که چه کاری رواست و چه کاری نارواست؟ او در این محیط و جامعه نو با مجموعه ای از ارزش‌ها زندگی می‌کند که کاملاً با ارزش‌ها زادگاهش در تباین و تضاد می‌باشد.

این از یک سو و از دیگر سو زندگی در چنین محیط‌ها با ارزش‌های ناشناخته و شگفت، راه فردی را که از یک کشور اسلامی به آنجا آمده است تا بانوعی مبارزه در زمینه آن ارزش‌های تازه مواجه می‌سازد تا خود و فرزندان‌ش تدریجاً در آن فرهنگ ذوب نشوند و بدیهی است که چنین امری، کوشش فراوان لازم دارد تا بدان وسیله او خود، خانواده و فرزندان‌ش را از آثار ویرانگر آن، نگاه دارد.

**مسئله ۲۹۴** - صله رحم و پیوند با خویشاوندان برهر مسلمانی، واجب و قطع رحم از گناهان کبیره است.

و بعد از آن که دانستیم صله رحم واجب و قطع رحم از گناهان کبیره ای است که خدا بر آن وعده آتش داده این مسئله در کشورهای مغرب زمین از اهمیت فراوانی برخوردار است و مراعات آن لازم‌تر می‌باشد زیرا در آنجا برادران دینی اند کند و خانواده‌ها را همدیگر گسسته و دور می‌باشد و

به همان اندازه که ارزش‌های مادی در حد طغیان اند انگیزه‌های دینی با تأکید بیشتری باید مطرح باشند.

خدای سبحانه و تعالی از قطع رحم نهی فرموده است و در قرآن محکم فرمود:

((فهل عسیتم آن تولیتم آن تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله فاصمهم و اعمی ابصارهم))؛ شاید اگر پشت کرید در روی زمین فساد کنید و از خویشاوندان خود ببرید. اینان را خدا نفرین کرده، گوش‌هایشان کر و چشمانشان را نابینا ساخته است.

و امام علی (علیه اسلام) فرمود: گاهی، خانواده‌ای با آنکه بدکار و اهل فسق و فجور هستند ولی در کنار هم قرار دارند و با مسوات زندگی می‌کنند هدا هم به ایشان روزی می‌دهد و دیگر گاه، خانواده‌ای به سبب پراکندگی و بریدن از یکدیگر با این که پارسا و پاکند، از رزق خدامحروم می‌شوند.

واز امام باقر (علیه اسلام) روایت شده است که فرمود: در کتاب علی (علیه اسلام) چنین آمده است:

دارنده سه خصلت نمی‌میرد مگر آنکه آن که اثر آن سه خصلت را در دنیا ببیند. ستم، قطع رحم و قسم دروغ. چنین شخصی گویا با خدا به جنگ برخاسته است همچنانکه سریع‌ترین پادشاه‌ها، پادشاه صله رحم است گاهی اوقات مردمانی فاسق و نابکار چون با همدیگر صله رحم می‌کنند و

پیوند دارند دارایی‌هایشان رشد کرده و ثروتمندتر می‌شوند و همانا قسم دروغ و قطع رحم سرزمین‌ها را از سکنه خالی می‌کند.

**مسئله ۲۹۵** — قطع رحم، حرام است حتی اگر چه او جلوتر بریده باشد، نماز خوان نباشد، شراب‌خوار هم باشد و یا به برخی احکام دینی بی‌اعتنا باشد مثل حجاب و جز آن، طوری که موعظه و ارشاد و راهنمایی هم سود نبخشد. البته به شرط آنکه چنان صله رحم و پیوندی، موجب نشود که او بر کار حرام تأیید و تشویق شود.

پیامبر بزرگوار ما (صلی الله علیه و آله) فرمود:

((افضل الفضائل آن تصل من قطعك، و تعطي من حرمك، و تعفو عن ظلمك)): با فضیلت‌ترین ارزش‌ها و خصلت‌های خوب آن است که با خویشاوند نزدیک که از تو بریده است پیوند برقرار کنی و به کسی که تو را محروم ساخته، عطا و بخشش کنی و از شخصی که به تو ستم روا داشته، در گذری.

و باز فرمود: ((لا تقطع رحمك و آن قطعك)) از خویشاوند خود مبر هر چند که او پیش‌تر از تو بریده است.

**مسئله ۲۹۶** — شاید کمترین عملی که یک مسلمان بدان وسیله می‌تواند با خویشاوندان نزدیک خود در صوت امکان، صله و پیوند برقرار کند زیارت و دیدار ایشان باشد که با آنان ملاقات کند، احوال‌پرسی نماید هر چند از راه دور.

پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: سریع ترین پاداش یک عمل خیر و نیک، پاداش صله رحم است.

و امیر مؤمنان (علیه اسلام) فرمود: صله ارحام کنید هر چند با سلام گفتن، خدای سبحانه و تعالی فرمود:

و اتقوا الله الذی تسألون به و الارحام آن الله کان علیکم رقیباً :  
از خدایی پروا کنید که به وسیله او از یکدیگر می پرسید و درخواست می کنید و از خدا در مورد ارحام و خویشاوندان نزدیک خود پروا کنید و از ایشان مبرید که همانا خدا مراقب شماست.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا صله رحم و نیکی، دو عملی هستند که حساب را آسان می کنند، و از گناهان باز می دارند پس با خویشاوندان خود پیوند داشته باشید و به برادران دینیتان احسان و نیکی کنید هر چند با یک سلام و جواب سلام زیبا و خوب.

**مسأله ۲۹۷** — بدترین نوع قطع رحم عاق والدین شدن است همان والدین و پدر و مادری که خدای — عزّ و جلّ — نکویی و احسان به ایشان را سفارش کرده آنجا که در قرآن کریم فرمود - عز من قائل :-

و قضی ربک الّا آیاه و بالو المدین احساناً اّما یبلغنّ عندک الکبر اّحدُهُما او کلاهما فلا تقل لهما افّ و لا تنهرهما قل لهما قولا کریماً :  
پروردگار تو چنان حکم کرده و فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر، احسان و نیکویی کنید اگر آنان نزد تو به کهنسالی برسند یکی

از ایشان یا هر دو، به آنان اف مگو و با ایشان، تندی مکن و بر ایشان سخنی بزرگوارانه بگو.

و امام (علیه السلام) فرمود: حد اقل و کمترین مرتبه عقوق، گفتن کلمه اف است و اگر خدای عزوجل چیزی، کمتر از آن می دانست از آن نهی و منع می فرمود.

امام ابو جعفر (علیه السلام) فرمود: نگاه پدرم به شخصی افتاد که همراه پسرش راه می رفتند و فرزند بر زانوی پدر تکیه داده بود پدرم آن اندازه از او بدش آمد که تا آخر عمر با او سخن نگفت.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود که هر کس با نگاه خشم آلود به پدر و مارش بنگرد هر چند در حق او ستم کرده باشند خدا برای او نمازی را نمی پذیرد.

**مسأله ۲۹۸**— در برابر عقوق والدین نکویی و احسان به ایشان قرار دارد که آن با فضیلت ترین کارهای قرب آمیز به خدای تعالی است. خدا - عز من قائل - در قرآن کریم فرمود:

و اخفض لهما جنا المذلّ من الرّحمة و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً : بال تواضع مهربانی برای ایشان بگستر و بگو: پروردگارا به ایشان رحم فرما که مرا در خردسالی پروردند.

ابراهیم بن شعیب به امام ابو عبدالله (علیه السلام) گفت: پدرم، بسیار پیر شده و ناتوان گشته است و ما او را به هنگام قضای حاجت، به دوش می کشیم.

امام فرمود: آنچه که می‌کنی ادامه بده و با دست خود غذا را لقمه لقمه به دهان او بگذار که فردا برای تو سپر و مانع بلا خواهد شد.  
در احادیث شریف، صله مادریش از صله پدر مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی نزد رسول الله (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: ای رسول خدا، به چه کسی نکویی کنم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله): به مادرت.

مرد: سپس به چه کسی.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): به مادرت.

مرد بار سوم پرسید: باز به چه کسی نکویی کنم؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله): به مادرت.

مرد در مرتبه چهارم که پرسید به چه کسی نکویی کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: به پدرت نکویی کن.

**مسأله ۲۹۹—** به مفاد برخی روایات، برادر بزرگ بر برادر کوچک، حق دارد و لازم است آن را نگهدارد و بدان اهتمام بورزد تا رشته‌های مهر و محبت در درون خانواده محکم گشته و مراتب لطف و صفا در شرایط استثنایی که پیش می‌آید، دوام یابد.

از محمد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که فرمود: حق برادر بزرگ بر برادران کوچک، همانند حق پدر است بر فرزندان.

**مسأله ۳۰۰—** جز ولی طفل و یا کسی که از سوی او اجازه دارد نمی‌تواند به قصد تربیت، طفلی را به سبب انجام کار حرام و نادرست و یا



فراهم کردن اسباب زحمت دیگران، بزند و اما ولی<sup>۱</sup> طفل و یا آن کس که از طرف او اجازه دارد، طفل را به هدف تربیت و به طور آرام که بدن او سرخ نشود می تواند بزند به شرط آنیکه بیش از سه بار نباشد آن هم در صورتی که راه تربیت صحیح، فقط زدن باشد بنابر این برادر جوان نمی توان برادر خردسالش را بزند مگر آن که ولی<sup>۲</sup> او و یا مجاز از سوی او باشد و به طور قطع آموزگاران و اولیای مدرسه بدون اجازه ولی<sup>۳</sup> طفل نمی توانند با زدن او را تربیت و ادب کنند.

**مسأله ۳۰۱-** بنابر احتیاط واجب، انسان بالغ را برای بازداشتن از منکر و فعل حرام، نمی توان زد مگر برابر قوانین امر به معروف نهی از منکر و با اجازه حاکم شرع.

**مسأله ۳۰۲-** پیامبر بزرگوار، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ما را به احترام و بزرگداشت پیرها و سالمندان فراخوانده و فرموده است:  
(من عرف فضل شیخ کبیر فوقره لسنه آمنه الله من فزع یوم القیمه))  
هر کس ارزش کهنسالی را بشناسد و او را به سبب کبر سن احترام بگذارد خدا او را از هول و هراس روز قیامت ایمن گرداند، و باز فرمود: احترام و بزرگداشت مؤمن ریش سفید، بخشی از بزرگداشت خدا- عزوجل - است.

**مسأله ۳۰۳-** در پاره ای از روایات شریف نسبت به دیدار و مهربانی میان مردم مؤمن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) ترغیب و تشویق فراوانی رسیده است و همچنین بر دلشاد کردن و رفع نیاز و

حاجت و عیادت بیمار و تشییع جنازه و در خوشی و ناخوشی با مردم بودن، تأکید زیاد شده است.

امام صادق (علیهم السلام) فرمود: هر کس برای خدا برادر دینی اش را دیدار کند و به زیارت او بشتابد خدا— عز و جل — فرماید: مرا زیارت کردی و پاداش تو بر عهده من است و برای تو کمتر از بهشت را خشنود نمی شوم.

همان امام همام به خیمه فرمود: به دوستان ما سلام برسان و آنان را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و بگو داراها، فقیران را و توانمندان، ضعیفان را عیادت کنند و این که زنده‌ها بر جنازه مرده‌ها، حضور یابند و درخانه هایشان به دیدار هم بشتابند.

**مسأله ۳۰۴ —** حق همسایه، به حق رحم، بسیار نزدیک است اعم از آنکه همسایه مسلمان، یا نا مسلمان باشد. رسول خدا چنان حقی را برای همسایه نا مسلمان اثبات کرده است. آنجا که فرمود: همسایگان سه قسمند، برخی دارای سه حقند: حق اسلام، حق همسایگی و حق خویشاوندی، و برخی دیگر دارای دو حقند: حق اسلام و حق همسایگی، و قسم سوم فقط یک حق دارند و آن شخص کافر است که حق همسایگی اش محفوظ است. و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: با هر کس همسایه شدی همسایگی نیکو کن قطعاً مؤمن خواهی بود.

و امام علی (علیهم السلام) به امام حسن و امام حسین (علیه السلام) پس از آنکه توسط ابن ملجم لعین مضروب شد همسایگان را سفارش کرد

و فرمود: خدارا، خدا را در باره همسایگانتان که آن وصیت پیامبر شماست و همواره آنان را سفارش می کرد به حدی که ما پنداشتیم برای آنان ارث قائل خواهد شد

و امام صادق (علیهم السلام) فرمود: ملعون، ملعون است هر آنکه همسایه اش را بیازارد. و فرمود: از ما نیست هر کس که با همسایه اش همسایگی نکند

**مسئله ۳۰۵-** از صفات مردمان مومن و صالح آن است که برای تاسی و پیروی از پیامبر بزرگوار، محمد (صلی الله علیه و آله) با مکارم اخلاق موصوف باشند همان خلق هایی که خدا - سبحان و تعالی - در قرآن کریم او را توصیف کرد و فرمود:

((وانك لعلى خلق عظیم)).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: به روز قیامت در ترازوی اعمال، چیزی با ارزشتر از خلق و خوی نیک، نهاده نمی شود. و در حدیثی از آن بزرگوار پرسیدند: در میان مردمان مؤمن کدام با فضیلت تر است، فرمود: هر کدامتان که خوش اخلاق تر هستید.

**مسئله ۳۰۶-** از جمله صفات مردمان مؤمن، راستگویی و درستکاری و وفای به عهد است خدای متعال پیامبرش اسماعیل را ثنا گفت آنجا که فرمود:

از جمله صفات مردمان مؤمن، راستگویی و درستکاری و وفای به عهد است خدای متعال پیامبرش اسماعیل را ثنا گفت آنجا که فرمود:

آنه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبياً . همانا او راست وعده و فرستاده و پیامبر بود.

و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد اگر به کسی وعده داده است باید وفا کند.

اهمیت راستی و صدق وعده آنگاه آشکار می شود که ما بدانیم بسیاری از غیر مسلمانان از نوع رفتار مسلمین، در باره اسلام قضاوت می کنند و چه بسا از خلال حسن رفتار و کردار یک مسلمانان اسلام برای نا مسلمانان زیبا شناسانده شود و بر عکس، از سوء رفتار و عملکرد یک مسلمان بی تعهد، اسلام بد معرفی می شود.

**مسأله ۳۰۷**— از صفات نیک یک همسر صالحه آن است که او شوهرش را نیازارد و با او بد رفتاری نکند و او را از خود نرنجاند هم چنانکه از صفات خوب یک شوهر شایسته آن است که او همسرش را ازار و اذیت نکند و به وی بدی نکرده و رنجش ندهد رسول خدا فرمود: هر زنی که شوهرش را می آزارد خداوند نماز و هیچ کار نیک را از او نپذیرد هر چند که همه روزه، روزه بگیرد و تمام شب را به نماز ایستد و بندها آزاد کند و ثروت زیادی در راه خدا خرج و انفاق نماید و او اولین کس باشد که وارد آتش شود.

رسول خدا سپس فرمود: سرنوشت شوهر بد نیز همین طور است اگر او همسرش را ازار دهد و به وی ستم کند.

**مسأله ۳۰۸**— هر مسلمانی می تواند با غیر مسلمان دوست و آشنا

گردد که در میانشان اخلاص حکمفرما باشد و در بر آوردن نیازهای دنیویین یکدیگر را یاری برسانند.

خدا - سبحانه و تعالی - در قرآن کریم فرمود:

لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم آن تبرؤهم و تقسطوا الیهم آن الله یحبّ المقسطین : خدا شما را از دوستی و نیک رفتاری و احسان با کسانی که با شما نجنگیده اند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نرانده اند، منع و نهی نمی فرماید همانا خدا اهل عدالت و قسط را دوست می دارد.

اگر از چنین صداقت ها و دوستی ها درست بهره برداری شود کافی است که ما اسلام و ارزش های دینی را به آن دوست، همسایه و رفیق و شریک غیر مسلمان معرفی کنیم و هر چه بیشتر او را به دین اسلام نزدیک تر سازیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: این که خدا به وسیله تو بنده ای از بندگانش را هدایت فرماید برای تو بهتر از هر آن چیزی است که در شرق و غرب آفتاب بر آن می تابد.

**مسأله ۳۰۹**— می توان به افراد یهودی، مسیحی و دیگر اهل کتاب و

حتی کفار غیر اهل کتاب در مناسبت هایی مانند سال نو، میلاد حضرت مسیح و عید الفصح، عید گذر و یا نجات، تبریک و تهنیت گفت.

**مسأله ۳۱۰** - امر به معروف و نهی از منکر دو تکلیف عبادی هستند که بر هر مرد و زن مومن هر گاه شرایط جمع باشند، واجب می‌شود، خدا - سبحانه و تعالی - ذر قرآن کریم خود فرمود:

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون كك باید از میان شما مردمی باشند که به خیر و نیکی فرا خوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینان رستگارانند. و باز خدای - جلّ و علا - فرمود:

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر : مردان و زنان با ایمان، اولیا و دوستداران یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

و پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: امت من همواره بر خیر و نیکی اند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در نیکی همدیگر را یاری می‌نمایند هر گاه چنان نکنند برکات از ایشان بررفته می‌شود و بعضی بر بعضی دیگر سلطه می‌یابند آن وقت است که نه در آسمان و نه در زمین یاوری بر ایشان نیست.

و از امام جعفر صادق (علیه السلام) و جدش رسول الله (صلی الله علیه و آله) چنین روایت شده است: چگونه اید آن زمان که زناتان فاسد شوند و جوانانانان رو به فسق و فجور گذارند و شما امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید.

پرسیدند: یا رسول الله، چنین چیزی می‌شود؟

فرمود: بلی از آن هم بدتر می‌شود! چگونه اید آن هنگام که به بدی امر می‌کنید و از خوبی و نیکی منع و نهی به عمل می‌آورید؟ پرسیدند: مگر چنان وضعیتی پیش می‌آید؟

فرمود: بلی، از آن هم بدتر می‌شود. چگونه هستید زمانی که خوبی را بدی و بدی را خوبی بدانید.

این دو فریضه و واجب شرعی، آنگاه که ترک کننده واجب و یا انجام دهنده منکر و حرام، یک از اعضای خانواده باشد با تأکید بیشتری مطرح اند. شما در میان خانواده خود فردی را می‌بینید که وضوی درست و صحیح نمی‌گیرد و یا با طرز تیمم آشنا نیست و یا قرائت حمد و سوره و یا ذکرهای واجبات نماز را نمی‌داند و یا خمس و زکات مال و دارایی اش را نمی‌دهد و حتی در میان اعضای خانواده شما ممکن است اشخاصی پیدا شوند که برخی گناهان را مرتکب می‌شوند مثل استمنا، قمار بازی، گوش دادن به موسیقی حرام و نوشیدن شراب، خوردن گوشت مردار و حرام خیانت و مال مردم خوری و یا دزدی.

و در میان بانوان یک خانواده ممکن است کسانی یافت شوند که حجاب درست و حسابی نداشته باشند و موهای خود را خوب نپوشانند و یا به هنگام وضو لاک بر انگشتان خود داشته و آن را پاک نکنند و یا برای غیر شوهران خود عطر زنند و یا پسر عمو، پسر عمه، پسر خاله، پسر دایی، برادر شوهر و دوست شوهر به این بهانه که با آنان در یک خانه زندگی می‌کنند

اندام و یا موی سر را نپوشانند و آنان را برادر خود پندارند و عذرهای واهی و سست دیگر آورند.

اری گاهی در میان اعضای یک خانواده، کسانی پیدا می‌شوند که دروغ می‌گویند و غیبت می‌کنند و به حقوق دیگران تجاوز می‌نمایند و اسراف و ولخرجی کرده و به ستمگران یاری می‌رسانند و همسایه را می‌آزارند و ... وقتی با چنین منکرات و گناهانی مواجه می‌شوید امر به معروف و نهی از منکر کنید البته از مراتب پایین تر شروع کنید اول اظهار کراهت کنید و بازبان جلوگیری نمایی و در مرحله آخر با اجازه حاکم شرع، به منع عملی و یدی پردازید. و آن نیز خود دارای مراحل است ه به تدریج به شدت عمل می‌رسد نه آنکه از اول، شدت عمل نشان دهید.

و اگر کسی نسبت به حکم و مسأله ای جاهل باشد واجب است او را آموزش داد اگر در صدد آموختن و عمل به آن باشد.

**مسأله ۳۱۱** — مدارا کردن و سازگاری با مردم از مستحبات شرعی است و دین استوار ما به آن ترغیب کرده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: پروردگار من مرا به سازگاری با مردم فرمان داده است هم چنانکه به انجام فرایض و واجبات دستور داده است.

و باز فرمود: سه چیز است که اگر در انسان نباشد، عمل او کامل نیست: تقوا و پارسایی که او را از معصیت و نافرمانی خدا باز بدارد و خلق نیکویی که بدان وسیله با مردم بسازد و حلم و نرمشی که با آن جهل جاهلان و نابخردان را رد کند.



و سازگاری با مردم، عمومی است و اختصاص به مردم مسلمان ندارد بلکه با غیر مسلمانان نیز باید مدارا کرد و رفتار متناسب داشت.

روایت شده که علی امیر المؤمنین (علیه السلام) روزی در راه کوفه با یک شخص غیر مسلمانی همراه شده بود به یک دو راهی رسیدند که می‌بایستی از همدیگر جدا شوند امیر مؤمنان چند قدم با آن شخص همراهی کرد، آن شخص پرسید: مگر شما به کوفه نمی‌رفتید؟ امیر المؤمنین پاسخ داد: چرا، ولی حق هم‌صحبتی آن است که انسان چند قدمی رفیق خود را بدرقه کند و این، کمال مصاحبت و همراهی است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ما چنین دستوری داده است. در اثر این رفتار خوب، آن مرد به اسلام گروید و مسلمان شد.

و از شگفت‌ترین چیزهایی که در باره عدالت امیر مؤمنان در ارتباط با مردم غیر مسلمان نقل شده چیزی است که شعبی روایت کرده است. روزی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب — رضوان خدا بر او — به بازار رفت، اتفاقاً یک مرد نصرانی را دید که زرهی می‌فروخت.

علی (علیه السلام) زرّه را شناخت و فرمود: این زرّه مال من است و داور میان من و تو قاضی شهر باشد. گویند قاضی در آن زمان، شریح بود و خود علی (علیه السلام) او را بر کرسی قضاوت نشانده بود، وقتی در نزد قاضی حضور یافتند شریح پرسید یا علی چه می‌فرمایید؟ علی (علیه السلام): این، زرّه مال من است مدتی است که از من دزدیده شده و اکنون در دست این مرد می‌بینم.

شریح: هان، تو چه می گویی؟

مرد نصرانی: من علی را دروغگو نمی شناسم اما زره مال خود من است.

شریح: یا علی! زره در دست اوست آیا شما شاهد و گواهی بر گفتار خود دارید؟

علی (علیه السلام): شاهد و گواهی ندارم.

مرد نصرانی: من شهادت می دهم که اینگونه قضاوت و داوری فقط از پیامبران ساخته است امیر نزد قاضی حاضر می شود و قاضی بر ضد او حکم می کند. یا امیر المؤمنین به خدا سوگند این زره مال شماست و من هنگامی که شما در اردو و سپاه خویش حرکت می کردید شما را دنبال کردم و آن را که از روی شتر خاکستری افتاد برداشتم و اکنون به وحدانیت خدا و رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) گواهی می دهم.

علی (علیه السلام) فرمود: حالا که مسلمان شدی آن زره مال تو باشد و علاوه بر آن او را بر یک اسب نجیب هم سوار کرد.

شعبی گفت: آن مرد را دیدم که با مشرکان می جنگید و این حدیث ابوزکریاست.

از امیر مؤمنان (علیه السلام) چیزی نقل شده است که پیشینه تاریخی قانون تأمین اجتماعی به حساب می آید، همان که امروزه در کشورهای غربی مورد عمل است و علی (علیه السلام) در آن قانون میان شهروند مسلمان و غیر مسلمان فرق نگذاشته است.

راوی گفت: مرد سالخورده و نابینایی از مردم سؤال می کرد و کمک می خواست. علی (علیه السلام) گفت: چیه؟ گفتند: ردی نصرانی است. علی (علیه السلام) گفت: از او کار کشیدید وقتی پیر شد او را رها کردید؟! از بیت المال برای او مستمری بدهید.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: حتی یک نفر یهودی هم اگر با تو همنشین شد با او نیکو همنشینی کن.

**مسأله ۳۱۲**— برای اصلاح میان مردم و حل اختلافات ایشان و تعمیم مهر و محبت در میان انسانها و برطرف کردن اختلافات و دشمنیها، ثواب فراوانی وعده شده است.

در کشورهای غربت که مردم از میهن و خویشاوندان و دوستان و آشنایان دور هستند ساماندهی امور و توسعه مهر و صفا، تأکید بیشتری دارد. و طبعاً ثواب بیشتری دارد امیرالمؤمنین، به فرزندانش امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) اندکی قبل از شهادتش آنگاه که ابن ملجم لعین خارجی آن حضرت را مضروب کرد چندین وصیت فرمود که از آن جمله است توصیه به تقوای الهی، نظم امور و اصلاح ذات البین، و درباره سفارش اخیر فرمود: شنیدم جد شما (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

صلاح ذات البین افضل من عامّة الصلوة و الصیام :

سامان دادن میان انسانها از عموم نماز و روزه با فضیلت تر است.

**مسأله ۳۱۳**— نصیحت و خیرخواهی و خواستن ماندگاری صفات الهی برای برادران دینی و کراهت رسیدن بدی به ایشان و تلاش در زمینه

راهنمایی آنان به آنچه خیر و صلاح و سعادتشان در آن است، از کارهای دوست داشتنی نزد خدا - عزّ و جلّ - است و احادیث در این باره، بسیار زیاد است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

ان اعظم الناس منزلة عند الله يوم القيمة امشاهم فی ارضه بالنصیحه لخلقه : منزلت و رتبه آن کسی نزد خدا به روز قیامت بزرگ تر است که او در روی زمین برای خیرخواهی خلق خدا، بیشتر قدم برداشته است.

و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: یکی از شما باید آنگونه خیر خواه برادر دینی اش باشد که خیرخواه خویشتن است.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: از حقوق واجب انسان مؤمن بر برادر دینی اش آن است که در حضور و غیاب خیرخواه او باشد.

و امام ششم باز فرمود: برای خدا خیرخواه مردم باش که هیچ عملی را در ملاقات خدا بهتر از آن نخواهی یافت.

### مسأله ۳۱۴ - جستجوگری و دنبال کردن آنچه را که یک مسلمان

آن را پوشیده می دارد و دریدن پرده اسرار و رازهای پنهانی مردم در شریعت اسلامی، حرام می باشد.

خدا سبحانه و تعالی در کتاب کریم خود فرمود:

((یا ایها الیها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا امن الظن ان بعض الظن اثم و لا

تجسسوا)): ای مردمان با ایمان از بسیاری گمانها اجتناب کنید که برخی از گمانها، گناه است و تجسس مکنید.

یکی از یاران امام صادق به نام اسحاق بن عمار می گوید: شنیدم ابو عبدالله گفت، رسول خدا فرموده است: ای کسانی که به زبان مسلمان گشته اید لیکن ایمان خالص به دل هایتان راه نیافته است، مسلمانان را نکوهش نکنید و اسرار و رازهای آنان را فاش نسازید و هر کس چنان کند خدا اسرار و رازهای او را فاش کند و در خانه اش هم باشد او را رسوا فرماید.

**مسأله ۳۱۵—** غیبت آن است که انسان مؤمنی را به داشتن عیبی در غیاب او یاد کنی اعم از آنکه قصد عیب جوی باشد یا نه و اعم از آنکه چنان عیبی در اندام، نسب، خلقت، عملکرد، سخن، دین، دنیا، و یا دیگر امور باشد، به هر حال، چیزی است که از مردم پوشیده است چنانکه فرق ندارد یاد آن عیب و نقص از راه گفتار باشد یا عمل مشعر بر وجود آن.

خدا چنین عمل زشت را در قرآن کریم خود، مورد نکوهش قرار داده و آن را به شکلی چندش آور به تصویر کشیده است. خدا—جل و علا— فرمود: ((و لا یغتب بعضکم بعضاً ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکر هتموه)): بعضی از شما غیبت دیگری را نکند آیا یکی از شما دوست می دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ شما چنان کاری را خوش نداشته اید. و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: از غیبت کردن پرهیزید که آن از زنا بدتر و سخت تر است زیرا شخص گاهی زنا می کند و توبه می نماید و خدا او را می آمرزد اما غیبت کننده آمرزیده نشود تا غیبت شونده او را ببخشد.

و نیکو نیست که انسان به غیبت برادر دینی اش گوش کند بلکه بر اساس احادیث نبوی و روایات امامان معصوم - علیهم افضل الصلوة و السلام - بر شنونده را غیبت واجب است که غیبت شونده را یاری کرده و از او دفاع نماید و اگر چنان نکند خدا او را در دنیا و آخرت خوار و زبون سازد و او گناهی به همان اندازه گناه غیبت کننده دارد.

**مسأله ۳۱۶-** تا سخن از غیبت به میان می آید عادتاً یک عمل زشت دیگر هم به ذهن می آید و آن نامی و سخن چینی است که کسی به دیگری بگوید فلانی درباره شما چنین و چنان می گفت و هدف سخن چین آن است که ارتباط با صفای دو برادر ایمانی را تیره سازد و یا تیرگی را عمیق تر کند.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که فرمود:

الا انبئکم بشرار کم...؟ : آیا به شما خبر دهم که بدترین ها کیستند؟

فرمود: کسانی هستند که برای سخن چینی راه می افتند و میان دوستان جدایی می افکنند.

و امام باقر (علیه السلام) فرمود: بهشت بر غیبت کنندگان و سخن چینان حرام است.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: سه تن وارد بهشت نشود: بسیار خونریز، دائم الخمر، و سخن چین.

**مسأله ۳۱۷**— خدا سبحانه و تعالی ما را از سوء ظن و بدگمانی هم

نهی کرده است و در کتاب محکم و کریم خود فرمود: ای مؤمنان از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید که برخی از آنها گناه است.

به مفاد این آیه قرآن، هیچ مؤمنی حق ندارد بدون دلیل کافی و روشن، به برادر دینی خود گمان بد ببرد که از درون دل‌ها فقط خدا آگاه است بس، و ما تا می‌توانیم باید کار انسان مؤمن را به صورت صحیح آن حمل کنیم مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

امیر مؤمنان فرمود: کار برادر ایمانی خود را حمل بر صحت کن مگر دلیلی داشته باشی که تو را از آن برگرداند و به هر کلامی که از دهان یک فرد مؤمن بیرون می‌آید گمان بد مبر در حالی که تو می‌توانی محمل صحیح برای آن بیابی.

**مسأله ۳۱۸**— اسراف و تلف کردن مال و دارایی دو رفتار بسیار بدی

هستند که خدا سبحانه و تعالی آنها را سخت مورد نکوهش قرار داده و او که برتر از هر گوینده است فرمود: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف کننده گان را دوست نمی‌دارد.

و در نکوهش تلف کنندگان و ریخت و پاش کنندگان اموال، فرمود:

انَّ الْمُبذِّرِينَ كَانُوا اخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانِ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا :

همانا آنان که اهل تبذیر و ریخت و پاش هستند همان‌ها برادران شیطان هستند و شیطان برای پروردگارش، بسیار ناسپاس است.

و امیر مؤمنان در نامه ای به زیاد درباره نکوهش اسراف از جمله چنین نوشت: راه اقتصاد و صرفه جویی پیش بگیر و اسراف را رها کن و در هر روز، فردا را یاد بیاور و از مال به اندازه لازم و ضروری، نگاهدار و مازادی برای فردای نیازمندی، ذخیره کن و پیش فرست، آیا تو امید آن داری که خدا برای تو پاداش فروتنان عطا کند در حالی که تو نزد او از مستکبران می باشی و طمع به لطف و پاداش تصدیق کنندگان داری در حالی که در میان نعمت‌ها غرق می باشی اما ضعفا و بیوه‌ها را از آن باز می داری؟ جز این نیست هر انسانی به آنچه پیش فرستاده و بر آنچه که قبلاً فراهم آورده است پاداش و جزا می بیند.

**مسأله ۳۱۹** — خدا سبحانه و تعالی در کتاب کریم خود ما را به انفاق در راه تشویق فرموده است و آن را بازرگانی و داد و ستدی پر منفعت، توصیف فرموده است:

((ان الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ لِيُؤْتِيَهُمُ اجْرَهُمْ وَاَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ)): همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز به پا می دارند و از آنچه ما روزیشان کرده ایم آشکار و پنهان، انفاق می نمایند امید به تجارت و داد و ستدی دارند که زیان و ضرر ندارد تا پاداش ایشان را به طور کامل بدهد و از فضل خویش بر ایشان بیفزاید که او آمرزنده و سپاسگزار است.



و در سوره دیگر خدای - جل و علا - فرمود: ((من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له)): کیست به خدا قرض دهد قرضی نیکو و خدا برای او چندین برابر کند و برای او پاداشی بزرگوارانه هست روزی که زناسن و مردان با ایمان را می‌بینی که نورشان پیشاپیش و از سمت راستشان می‌درخشد، مژده باد شما را امروز بهشت‌هایی که از زیر درختان آن جوی‌ها روان است، و در آنها جاویدانید و رستگاری بزرگ همین است.

خدا در سومین آیه انسان را به شتاب در امر انفاق احسان پیش از فوت فرصت فرمان می‌دهد:

((و انفقوا ممّا رزقناکم من قبل ان یأتی احدکم الموت فیکول رب لولا اخرتنی الی اجل قریب فاصدق واکن من الصّالحین ولن یؤخره الله نفساً اذا جاء اجلها والله خبیر بما تعملون)): از آنچه شما را روزی داده ایم انفاق و احسان کنید قبل از آنکه مرگ به سراغ یکی از شما بیاید آنگاه او بگوید پروردگارا چرا اجل مرا کمی تأخیر نیداختی تا صدقه داده و احسان می‌کردم و از صالحان می‌بودم ولی خدا اجل هیچ انسانی را وقتی که فرا رسد عقب نمی‌اندازد و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

سپس خدا سرانجام کسانی را که ثروت اندوزی کرده در راه خدا اصلاً انفاق نمی‌کنند و گنج و طلا و نقره فراهم می‌نمایند مورد توجه قرار داده و فرمود:

((والذین یکنزون الذّهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم یوم یحمی علیها فی نار جهنّم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و

ظهورهم هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكفرون)) و کسانی که طلا و نقره را گنج می‌کنند و آن را در اره خدا انفاق و خروج نمی‌کنند عذاب دردناکی را به ایشان بشارت بده! روزی که بر همان‌ها که با آتش جهنم گرم شده‌اند، پیشانی‌ها، پهلوها و پشت‌هایشان داغ می‌شود و این است آن چیزی که برای خود می‌اندوختند پس به کیفر آنچه می‌اندوختید، عذاب را بچشد. و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مبادی بزرگ اسلام را تجسم بخشید. پس آنچه در دست داشت از این دنیای فانی کرد و برای زهد و اعراض از این زروزیورها، آن روز که بیت المال در اختیار او بود توجهی نکرد و در بیان حال خود، فرمود: ((ولو شئت لاهتدیت الطریق الی مصفی هذا العسل ولباب هذا القمح ی نسائج هذا القز و لکن هیهات ان یغلبنی هوای و یقودنی جشعی الی تخیر الاطعمه و لعل با احجاز او القیامه من لا طمع له فی القرص و لا عهد له بالشعب او ابیت مبطانا و حولی بطون غرثی و اکباد حری، او اکون کما قال القائل:

و حسبک داءً ان تبت ببطنہ

و حولک اکباد تحن الی القد))

اگر می‌خواستم راه به انتخاب این عسل مصفا و مغز گندم و بافته ابریشمی داشتم اما هرگز هوای من بر من غلبه نکند و مرا به گزینش خوراکی‌ها نکشاند و شاید در حجاز و یا یمامه کسانی سر به بالین گذارند کخ یک شکم سیر نخوردند و به یک تکه نان نیازمندند و یا من با شکم پر بخوابم در حالی که در اطراف من شکم‌های خالی و جگرهای تشنه وجود

دارد و چنان باشم که شاعر گفتم: چه دردی از این بالاتر که تو باشم که پر بخوابی و در اطراف تو کسانی باشد که سخت گرسنه و به تکه گوشتی نیازمند باشد.

در احادیث نبوی و روایات امامان معصوم به صراحت آمده است که آثار دنیوی انفاق برای کسی که در راه خدا خرج می کند در همین حیات دنیوی آشکار می شود اما در آخرت پاداشی عظیم را باید انتظار بکشد. ((یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم)): روزی که نه دارایی ها و نه فرزندان سود نبخشند مگر آنکه انسان با دلی پاک و سالم خدا را دیدن کند.

از جمله آثار دنیوی انفاق، وسعت روزی برای خود انفاق کننده است پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((استنزلوا الرزق بالصدقه)): روزی ربا دادن صدقه، پایین آورید، و از جمله آثار انفاق در راه خدا شفای مریض ها بدان وسیله است، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((داووا مرضاکم بالصدقه)) بیمارهایتان را با دادن صدقه مداوا کنید. و از جمله آثار دنیوی انفاق و صدقه عبارت است از طول عمر و دفع مرگ بد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: همانا احسان و نکو کاری و صدقه دادن، فقر و ناداری را بر طرف می کند و بر عمر می افزاید و احسان کننده و صدقه دهنده را از هفتاد نوع مرگ بدمرغ می بخشد.

و از دیگر آثار مثبت دنیوی صدقه و احسان، برکت مال و توفیق پرداخت قرضهاست، از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود

((الصدقه تقضى الدين و تخلف البركة)) : صدقه، پرداخت وام را فراهم می‌کند و برکت باقی می‌گذارد.

و همچنین صدقه آینده فرزندان انسان را تأمین می‌کند. امام صادق فرمود: هیچ بنده ای در دنیا به طریق نیکو صدقه نداد مگر آن که خدا پس از او در مورد فرزندانش، به نکویی جانشین ساخت.

و امام باقر (علیه اسلام) فرمود: این که من خانواده ای مسلمان را کفالت کنم و شکم آنان را سیر کنم و اندامشان را بپوشانم و مانع از آن باشم که دست به سوی مردم دراز کنند، دوست داشتنی تر است در نزد من از این که ده‌ها بلکه هفتاد بار حج بگذارم.

**مسأله ۳۲۰**— رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) بزرگان و سرپرستار خانواده‌ها را تشویق فرموده است که برای اهل و عیال خود هدایایی بدهند و بدان وسیله دل آنان را شاد کنند. ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به بازار رود و هدیه ای بخرد و آن را به اهل عیال خود ببرد مانند آن است که صدقه ای را برای مردم نیازمند حمل کرده است.

**مسأله ۳۲۱**— اهتمام ورزیدن به امور مسلمانان از چیزهای است که شریعت اسلام به آن تشویق و مردم را به سوی آن فراخوانده است. رسول خدا فرموده: ((من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم)) : هر که سب را سحر کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نرزیده است مسلمان نیست.

و نیز فرمود: هر که صبح کند در حالی که در سر، اهتمام به امور مسلمانان را ندارد از آنان نیست.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه - که ویژه این فصل است.

**مسأله ۳۲۲-** آیامی توان در تشیع جنازه همسایه غیر مسلمان، شرکت جست؟

جواب: هرگاه او و کسان و منسوبینش به عدوات مسلمانان و اسلام معروف نباشد، مانعی از شرکت نیست ولی افضل آن است که به دنبال جنازه حرکت کند نه جلوتر.

**مسأله ۳۲۳-** آیا با یک شخص غیر مسلمان اگر او همسایه، شریک و امثال آن بود می‌توان طرح دوستی ریخت؟

جواب: اگر او با اسلام و مسلمین دشمنی نمی‌ورزد و با کلام و یا در عمل، خصومت، آشکار نمی‌کند مانعی نیست که با او به مهر و محبت برخورد شود و در حقش احسان و نکویی به عمل آید خدای متعال فرمود:

((لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین)) : خدا شما را از احسان و نکویی به کسانی که با شما نجنگیده و شما را از میهن و خانه و کاشانه تان بیرون نکرده اند، نهی نمی‌کند زیرا خدا اهل قسط و عدالت را دوست می‌دارد.

**مسأله ۳۲۴**— آیا پیروان ادیان و کتابهای آسمانی وبا دیگر کفار که اهل کتاب نیستند، می توانند وارد مساجدو دیگر اماکن عبادت و مشاهد مقدس شوند و بر فرض جواز ورود، آیا بانوان بی حجاب ایشان را به رعایت حجاب باید الزام کرد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، ورود آنان به مساجد جایز نیست اما دیگر اماکن مقدس، مانعی ندارد وزنان باید به رعایت حجاب و پوشش اسلامی معتقد باشند در صورتی که بی حجابی آنان نوعی بی احترامی تلقی شود.

**مسأله ۳۲۵**— آیا همسایه یهودی، مسیحی و یا همسایه دیگری را که اصلاً دین ندارد و به آیینی دلبستگی ندارد می توان آزار داد؟  
جواب: بدون سبب، جایز نیست او را آزار رسانید.

**مسأله ۳۲۶**— آیا به بینوایان کافر اعم از کتابی و غیر کتابی، صدقه می توان داد چنان کاری ثواب دارد؟  
جواب: به هر کسی که با حق مردم محق، سرعناد و دشمنی ندارد

می توان صدقه داد و خدا به چنان عملی، پاداش می دهد.

**مسأله ۳۲۷**— آیا امر به معروف و نهی از منکر با وجود احتمال تأثیر و ایمنی از ضرر در مورد کسی که از دوستداران اهل بیت نیست و یا کافر است، واجب است؟

جواب: بلی، اگر همه شرایط فراهم باشد واجب است. و از جمله شرایط آن است که شخص در ارتکاب منکر و یا ترک واجب، معذور نبوده

باشد و جاهل مقصر و معذور نیست پس او را نخست باید ارشاد و راهنمایی کرد سپس اگر مخالفت ورزید مورد امر و نهی قرار داد. و این، در صورتی است که منکر از چیزهایی نباشد که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به وقوع آن نیست مثل فساد در روی زمین و آدم کشی و خونریزی و امثال آن و گرنه جلو آنگونه کارها باید گرفته شود هر چند که کننده، جاهل قاصر بوده باشد.

**مسئله ۳۲۸-** در یک مدرسه اروپایی، در جلو شاگردان، خدا را انکار می‌کند، آیا جایز است بچه‌های مسلمان در چنان مدرسه درس بخوانند در حالی که تأثیرات القای آن معلم بسیار جدی است؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اولیای اطفال مسئولیت کامل دارند.

**مسئله ۳۲۹-** آیا در دبیرستان‌ها، دختر و پسر می‌توانند مختلط باشند با علم به اینکه چنان اختلاطی، روزی به فعل حرام می‌کشد هر چند که آن، نگاه حرام باشد.

جواب: در آن صورت جایز نیست.

**مسئله ۳۳۰-** آیا یک شخص مسلمان می‌تواند به استخرهای شنا برود که مردوزن در آن مختلط اند و خصوصاً زنان در آنجا آنچنان پرده حیا را بریده که به تذکر اعتنا نمی‌کنند؟

جواب: حضور در چنان جاهایی بنا بر احتیاط، مطلقاً جایز نیست هر چند که نگاه بدون لذت جنسی به زنان که پوشش ندارند و پس از نهی هم خودداری نمی‌کنند، جایز می‌باشد.

**مسئله ۳۳۱—** کسانی که در کشورهای غربی سکونت دارند، می توانند دختر با حجاب خود را برای آموزش اجباری به مدارس مختلط بفرستند با علم به اینکه مدارس غیر مختلط هم وجود دارد هر چند در مکانی دور و گران، و یا در سطح آموزش پایین؟

جواب: اگر اخلاق دختران در آن مدرسه فاسد شود تا چه رسد که اعتقادات و باورهای دینی را از دست بدهند که عادتاً چنین است، رفتن به آن مدارس جایز نمی باشد.

**مسئله ۳۳۲—** دخترانی که در دانشگاه های کشورهای بیگانه درس می خوانند می توانند با پسران مسلمان در سفرهای تفریحی و گردش های علمی همراهی کنند؟

جواب: جایز نیست مگر آنکه از وقوع در حرام ایمن باشند.

**مسئله ۳۳۳—** آیا یک صحنه عشقی طبیعی را می توان در خیابان تماشا کرد؟

جواب: احتیاط آن است که به طور مطلق به چنین صحنه هایی نگاه نکند هر چند که اگر با نظر شهوت و لذت جنسی همراه نباشد می توان نگریست.

**مسئله ۳۳۴—** آیا می توان به سینماهای مختلط و دیگر اماکن لهو و نا مشروع رفت با این وجود که مطمئن نیستیم در حرام نیفتیم؟ جواب: جایز نیست.



**مسئله ۳۳۵** — آیا شنا در استخر مختلط که هدف، لذت نمی‌باشد،

جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط، رفتن به اماکن لهو و فساد، به طور مطلق جایز

نمی‌باشد.

**مسئله ۳۳۶** — آیا در روزهای آفتابی، می‌توان به کنار دریا و یا

پارک‌های عمومی رفت در حالی که در آنجا صحنه‌های خلاف عفت

عمومی وجود دارد؟ جواب: با وجود عدم اطمینان و خوف و وقوع در حرام،

جایز نیست.

**مسئله ۳۳۷** — در کشورهای اروپایی، توالت‌های بهداشتی متناسب با

معیارهای خود می‌سازند و هرگز رو به قبله و یا پشت به قبله بودن را که ما

در ساختمان‌های خود در میهن اسلامی، رعایت می‌کنیم ملحوظ نمی‌کنند.

آیا از چنان توالت‌های می‌توان استفاده کرد به خصوص که سمت قبله را

ندانیم و اگر سمت قبله را بدانیم چگونه؟ راه چاره چیست؟

جواب: در صورت نخست، بنابر احتیاط، از چنان توالت‌های استفاده

نشود مگر آنکه از شناخت سمت قبله نومید شود و نتواند انتظار کشد و یا

منتظر ماندن برای او رنج آور و پر زحمت و یا آسیب‌زا باشد و اما در صورت

دوم بنابر احتیاط رو به قبله و یا پشت به قبله ننشینید و در موقع ضرورت و

ناچاری پشت به قبله بودن را برگزینند.

**مسئله ۳۳۸** — اگر یک مسلمان در کشورهای اروپایی و یا آمریکایی

وامثال آنها، جامه دانی پیدا کند که دارای علامت است و بدان وسیله

می‌توان صاحب آن را شناخت و یا اصلاً دارای علامت نباشد، تکلیف چیست؟

جواب: جامه دان معمولاً دارای علامتی است که بدان وسیله صاحب آن را می‌توان شناخت، پس اگر معلوم شود که صاحب آن مسلمان و یا در حکم مسلمان است که دارایشان محترم می‌باشد و یا چنین چیزی محتمل به احتمال، معقول و در خور توجه باشد لازم است یک سال صبر کند و آن را معرفی نموده و پس از آنکه از یافتن صاحب آن نومی‌دی حاصل شد آن را صدقه داد و اما اگر معلوم گردد که صاحب آن، غیر مسلمان است جایز است آن را تملک نمود مگر آنکه کشور از کشورهایی باشد که مسلمانان تعهد داده تحت شرایط پیشنهادی آنان زندگی کند و از جمله است تحویل یافته‌ها و گمشده‌ها به صاحبانشان که در این صورت تملک آن جایز نیست و باید مطابق تعهدات قانونی عمل کرد.

**مسئله ۳۳۹-** هرگاه مبلغ زیادی پول در یک کشور اروپایی پیدا کنیم

و علامتی هم نداشته باشد می‌توانیم آن را تملک کنیم؟

جواب: اگر آن پول دارای علامت نباشد که بدان وسیله صاحبش را شناسایی کنیم هر چند آن علامت، مقدار و مبلغ آن باشد می‌توان آن را تملک کرد مگر آنکه مورد از مسائلی باشد که در پیش گفتیم که در آن صورت برابر مقررات قانونی آن کشور باید عمل شود.

**مسئله ۳۴۰-** در کشورهای غربی، هرگاه لوازم گران قیمت را

باقیمت‌های خیلی پایین و ارزان، در معرض فروش می‌گذارند طوری که

انسان مطمئن می‌شود که آن مال، مال دزدی است، اگر یقین و گمان قوی داشته باشیم که آن، مال دزدی است اعم از آنکه از مسلمان دزدیده شده و یا از کافر، فروشنده مسلمان باشد یا کافر، خرید و فروش چنان مالی جایز است؟

جواب: اگر انسان بداند و یا اطمینان داشته باشد که آن مال از یک شخصی که مالش محترم است دزدیده شده اعم از آنکه مسلمان باشد یا غیر مسلمان، خرید و فروش و تملک چنان مالی، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۳۴۱-** قیمت سیگار در کشورهای غربی و اروپایی، بسیار گران است، آیا خرید آن از باب حرمت اسراف و تبذیر حرام است به ویژه آنکه می‌دانیم سیگار فایده ای ندارد که هیچ، ضرر هم دارد؟

جواب: خرید آن، جایز است و نت‌ها بدان علت که در سؤال فرض شده، استعمال آن حرام نمی‌شود، بلی اگر سیگار کشیدن برای شخصی به طور جدی ضرر کند و ترک آن، برایش آسیبی نرساند و یا ضرر ترک سیگار از ضرر خود سیگار کشیدن کمتر باشد، در این صورت اجتناب لازم است.

**مسئله ۳۴۲-** برای ضبط مکالمه‌های تلفنی اشخاص، دستگاه‌هایی اختراع کرده اند که بدون توجه صحبت کننده، سخنان او ضبط می‌شود تا به هنگام لزوم و نیاز به آنها احتجاج و استشهاد شود. آیا چنین کاری جایز است؟

جواب: در ضبط سخنان کسی که در پشت تلفن صحبت می کند اجازه گرفتن واجب نیست اما پخش آنها و به اطلاع دیگران رساندن، اگر اهانت به مؤمن و افشای راز او محسوب می شود جایز نیست مگر این که آن هم با واجبی دیگر برابر و یا مهم تر، تراحم پیدا کند.

**مسئله ۳۴۳ —** عکس برداری را به مجلس جشن عروسی که در آن

شراب می خورند دعوت می کنند آیا پذیرفتن چنین دعوتی جایز است؟  
جواب: جایز نیست از صحنه های شرابخواری و امثال آن که از محرومات اند، فیلمبرداری شود.

**مسئله ۳۴۴ —** حدود اطاعت از پدر و مادر چیست؟

جواب: فرزند در برابر پدر و مادر دو نوع واجب دارد:  
اول: نکویی و انفاق به ایشان اگر بینوا و تهیدست اند و تأمین نیازمندی های زندگیشان و برآوردن خواسته های مشروعان در حدود شئون عادی زندگانی آنگونه که فطرت سالم ایجاب می کند. و ترک این وظیفه نوعی انکار نکویی های ایشان است.  
و این نکویی بر حسب اختلاف حال پدر و مادر از حیث تنگنایی و گشایش و نیرو و ضعف فرق می کند.  
دوم: نیک رفتاری و خود داری از بد رفتاری در سخن و عمل اگر چه به او ستم کرده باشد و در روایت آمده است که اگر پدر و مادرت تورا زدند نباید به آنان تندی کنی بلکه باید بگویی خدا شما را بیامرزد.

این دو وظیفه نسبت به شئون پدر مادر است و اما در شئون فرزند نیز امر دو نوع است:

اول: اذیت شدن پدر و مادر از این ناحیه باشد که دلسوز فرزندشان هستند و از کاری که او انجام می دهد هر چند در ارتباط با ایشان نباشد، رنج می کشند، فرزند، چنین کاری را نباید بکند اعم از اینکه او را نهی کنند و یا نه.

دوم: اذیت شدن پدر و مادر از این جهت باشد که آنان برخی خصلت های نکوهیده دارند مثلاً دوست نمی دارند فرزندانشان به دنبال خیر دنیا باشد چنین اذیت شدنی اثری برای فرزند ندارد و واجب نیست فرزند در مقابل این نوع توقعات تسلیم آنان باشد. و از همین مطلب معلوم می شود که اطاعت از پدر و مادر در خصوص او امر و نواهی شخصی شان در حد ذات خود واجب نیست. و خدا عالم و داناست.

**مسئله ۳۴۵-** برخی پدران می ترسند فرزندانشان امر به معروف و نهی از منکر کنند مبادا زیانی به آنان رسد، آیا اطاعت آنان در این موارد واجب می شود با علم فرزند به اینکه عمل او مؤثر واقع می شود و بیم ضرر هم بر خود نمی برد؟

جواب: اگر چنان کاری با شرایط، بر فرزند واجب باشد لازم است انجام دهد و نباید به خاطر اطاعت مخلوق، نا فرمانی خالق کند.

**مسئله ۳۴۶-** پسری با پدر و مادرش هر روز در یک امر حیاتی بگو مگوی تندی می کنند طوری که پدر و مادر می رنجند. آیا جایز است

فرزندان چنین کنند و حدود چنین رفتاری چیست فرزند تا کجا باید آن حدود را رعایت نماید؟

جواب: هر فرزندی می‌توان دربارہ نظرات پدر و مادر که به صحبت آنها عقیده ندارد بحث و گفتگو کند اما باید آرامش داشته باشد و ادب را رعایت نماید و به آنان تندوتیز ننگرد و صدایش را بر آنان بلند نکند تا چه رسد به کار بردن کلمه‌های رکیک و خشن که هرگز جایز نیست.

**مسئله ۳۴۷-** مادری به فرزندش می‌گوید برو همسرت را طلاق بده و گرنه عاقت می‌کنم چون او با عروس خود نمی‌سازد آیا اطاعت مادر در این خصوص واجب است؟

جواب: اطاعت از مادر در این مورد واجب نیست و آن کلام که تورا عاق می‌کنم، بی اثر است البته باید از بد گفتاری با مادر اجتناب کرد.

**مسئله ۳۴۸-** پدری فرزند خود را طوری زده است که بدن او را سرخ و یا سیاه کرده است آیا بر پدر، دیه واجب می‌شود و اگر جز پدر کسی دیگر بزند حکم فرق می‌کند؟

جواب: دیه واجب می‌شود اعم از آنکه زننده، پدر باشد و یا دیگری.

**مسئله ۳۴۹-** مسلمانی اطمینان دارد که پدرش از ته قلب به خارج مسافرت کردن او راضی نیست اما او آن را از زبان پدر شنیده است آیا در این صورت سفر را که به مصلحت او هم هست باید ترک کرد؟

جواب: اگر نکویی به پدر در همان حدی که در مسائل گذشته اشاره کردیم چنان کاری را ایجاب کند و یا پدر از مسافرت فرزندش به سبب

دلسوزی، اذیت می‌شود لازم است او چنان مسافرتی را رها کند مگر آن که از ترک آن سفر ضرر و زیان ببیند که در این صورت لازم نیست ترک سفر کند تا آنان نرنجند.

**مسأله ۳۵۰—** آیا زن به پدر و مادر و برادر و خواهر شوهر باید نکویی و خدمت کند و یا شوهر لازم است که به پدر، مادر، برادر و خواهر همسرش خدمت و نیکی کند خصوصاً در سرزمین‌های غریب؟

جواب: در این که چنان کاری، احسان و نیکی و نکویی به زن و شوهر به حساب، می‌آید خوب است، با این وجود واجب نیست.

## فصل ۶

### مسائل پزشکی

نظر به پیشرفت علم و تکنولوژی در کشورهای غربی و آمریکایی، بیشتر مسلمانان بای دیدن دوره تخصص‌های پزشکی به آن کشورها وارد می‌شوند هم چنانکه مسلمانان ساکن در آن کشورها همانند دیگر شهروندان، آنجا که سلامتیشان ایجاب کند نیازمند معالجه و مراجعه به مراکز پزشکی می‌شوند و به همین سبب، نیکوست که ما برخی احکام شرعی را توضیح دهیم.

**مسئله ۳۵۱—** تشریح اندام مسلمان به قصد آموزش و دیگر اغراض، جایز نیست اما اگر حیات یک مسلمان هر چند در آینده به آن عمل، موقوف باشد، چنان کاری، جایز می‌شود.

**مسئله ۳۵۲—** جایز است عضوی از اعضای یک حیوان و حتی سگ و خوک را به بدن انسان پیوند بزنند و بر آن عضو پیوندی آثار و احکام بدن خود انسان مترتب است یعنی: آن، پاک است و نماز با آن جایز می‌باشد. بعد از آن که حیات در آن عضو حلول کرده باشد، و عضو بدن انسان به حساب آید.

**مسئله ۳۵۳—** هیچ پزشکی نمی‌تواند دستگاهی را که برای ادامه حیات یک مریض مسلمان کار گذاشته شده و ضربان قلب او را راه انداخته است هر چند که حیات گیاهی بوده و اگر چه مغز از کار افتاده باشد بکشد و از کار بیندازد زیرا جان مسلمان احترام دارد.



همچنین هیچ پزشکی نباید به تقاضا و درخواست مریض و یا خویشاوندان او از کمک و معالجه مریض مسلمان خودداری کند و اگر پزشکی آن دستگاه را راه بیندازد و مریض بمیرد، آن پزشک قاتل شناخته می‌شود.

**مسئله ۳۵۴—** شایسته نیست دانشجوی پزشکی، به هنگام آموزش به آلت تناسلی کسی نگاه کند مگر زمانی که با نگاه او، ضرر و آسیبی بزرگ از مسلمانی هر چند در آینده، برطرف می‌شود.

**مسئله ۳۵۵—** واجب نیست مسلمان قبل از خوردن دوا جستجو کند که آیا آن دوا مشتمل بر مواد حرام هست یا نه هر چند که چنان تفحصی سهل و آسان باشد.

و اینک برخی استفتائهای ویژه این فصل و پاسخ‌های حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام‌ظله.

**مسئله ۳۵۶—** معروف است که مواد مخدر به استعمال کننده آن و یا به طور کلی بر جامعه ضرر و زیان قابل توجه دارد اعم از اعتیاد دایم یا جز آن. و لذا پزشکان و خانه‌های بهداشت یک صدا به آن حمله می‌کنند و قوانین اجتماعی و کشوری هم با عامل‌های آن به مبارزه بر می‌خیزند، نظر شریف شما در آن باره چیست؟

جواب: استعمال مواد مخدر که دارای ضرر و زیان قابل توجهی است اعم از آنکه ضرر از ناحیه اعتیاد دائم باشد و یا جز آن حرام است. بلکه احتیاط واجب، آن است که به طور کلی از آنها پرهیز شود مگر در هنگام

ضرورت‌های پزشکی وامثال آن، پس به همان اندازه ضروری تجویز می‌شود و خدا داناست.

**مسئله ۳۵۷-** توصیه‌های پزشکی می‌گوید سگار کشیدن عامل اصلی

بیماری‌های قلبی و سرطان است و گاهی هم سبب کوتاهی عمر می‌شود پس

حکم سگار کشیدن بالنسبه به اشخاص ذیل چیست؟

۱- کسی که تازه شروع کرده است.

۲- به سگار کشیدن معتاد شده است.

۳- در کنار کسی نشسته ایم که او سگار می‌کشد و پزشکان

می‌گویند آن کس که در کنار شخص سگاری می‌نشیند ضرری قابل توجه،

به او می‌رسد.

جواب:

۱- کشیدن سگار اگر موجب ضرر و زیان می‌شود هر چند در آینده

واعم از اینکه آن ضرر معلوم باشد و یا گمان ضرر وجود داشته باشد طوری

عقلاً بر سلامت شخص بیمناک باشند، حرام است. و اما اگر ایمن از ضرر و

زیان شدید باشد هر چند بدین جهت که کمتر می‌کشد، مانعی ندارد.

۲- اگر ادامه کشیدن سگار ضرر شدیدی می‌آورد باید دست بردارد

مگر آنکه ترک سگار موجب ضرر دیگری شود مثل ضرر حاصل از سگار

کشیدن و یا سخت‌تر از آن و یا اینکه ترک سگار برای او حرجی باشد

طوری که عادتاً تحمل ناپذیر است.

۳— چنین شخصی همانند شخص مبتدی است، و جواب بخش اول شامل حال او هم می‌شود.

مسئله ۳۵۸— به عقیده بعضی، مرگ مغز برابر با مرگ انسان است، هر چند که نبض او بزند اما پس از مدتی نبض هم می‌ایستد - آنگونه که پزشکان می‌گویند — آیا چنان انسانی مرده حساب می‌شود و یا باید نبض از حرکت باز ایستد؟

جواب: در صدق عنوان ((مرده)) که موضوع عده ای از احکام شرعی است، نظر عرف شرط است که او را مرده نامند و در فرض سؤال چنین نیست.

مسئله ۳۵۹— کار طبابت ایجاب می‌کند که پزشکان بعضی خانم‌های بیمار را با دقت معاینه کنند و چون در کشورهای اروپایی در آوردن لباس‌های رویی به هنگام معاینه، معمولی است آیا پرداختن به شغل پزشکی در آنجاها و به این صورت جایز است؟

جواب: با اجتناب از نگاه کردن و دست زدن که حرام می‌باشند جایز است، مگر به مقداری که تشخیص بیماری به آن بستگی دارد.

مسئله ۳۶۰— گاهی پزشک معالج، لازم می‌بیند که بخشی از بدن زن نامحرم را باز کند و احیاناً ممکن است آنجا، از جاهای حساس باشد جز آلت تناسلی آیا باز کردن بدن نامحرم به هنگام معاینه و یا معالجه جایز است؟  
اولاً: با وجود پزشک زن هر چند با پرداخت ویزیت گران؟

ثانیاً: بیماری چندان مهم نیست ولی به هر حال او مریض شده و به پزشک مراجعه کرده است.

ثالثاً: اگر پزشک بخواهد به آلت تناسلی نگاه کند حکم آن چیست؟  
جواب:

۱- با وجود پزشک زن، مراجعه به پزشک مرد جایز نیست مگر آنکه حق ویزیت آنقدر زیاد باشد که او از عهده پرداخت آن نتواند بیرون آید.  
۲- و اگر در آن صورت ترک معالجه به ضرر و زیان افتد و یا به رنجی گرفتار شود که تحمل پذیر نیست، جایز است.

۳- به هر تقدیر باید به اندازه ضرورت و ناچارى اکتفا شود و اگر معالجه بدون نگاه مستقیم میسر باشد مانند نگاه در صفحه تلوزیون و یا در آینه، احتیاط ترک نشود.

**مسأله ۳۶۱-** در دانش ژنتیک برخی دانشمندان مدعی اند که می توانند نوع انسان را به واسطه تغییر ژن‌ها و تأثیر بر آنها، زیباتر کنند. اولاً: زشتی صورت را برطرف می کنند و ثانیاً به جای آن، زیبایی قرار می دهند و ثالثاً: هر دو کار را انجام می دهند. آیا دانشمندان حق چنین کاری را دارند و آیا مسلمان حق دارد ابه پزشک اجازه دهد که ژن‌های ارثی را، زیبا سازد  
جواب: اگر مشکل جانبی نداشته باشد چنان عملی در حد ذات خود بلامانع است.

**مسأله ۳۶۲-** برخی شرکت‌های غربی، دواهایی را قبل از آنکه رسماً به بازار آید تجربه می کنند.

آیا یک پزشک می‌تواند چنان دوی را به وسیله مرخص خود بیازماید بدون اینکه مرخص بداند بخصوص اگر پزشک گمان دارد که پیش از حصول نتیجه نهایی برای آن شرکت دربرای مرخص مفید خواهد افتاد؟

جواب: باید بیمار را مطلع ساخت و موافقت او را در تجربه دوا به دست آورد مگر آنکه پزشک مطمئن باشد که آن دوا بر مرخص، اثر جانبی ندارد و همین اندازه که فقط در مفید بودن آن شک دارد.

**مسئله ۳۶۳—** برخی اداره‌ها (پزشکی قانونی) در مواردی می‌خواهند جنازه ای را برای فهم علت مرگ و یا قتل، تشریح کنند آیا چنین اجازه ای هست یا نه و چه موقعی جایز نمی‌باشد؟

جواب: ولیّ میت، نمی‌تواند به تشریح جنازه مرده ای برای مقصد یاد شده، اجازه دهد. و در صورت امکان، باید از آن جلوگیری به عمل آورد.

**مسئله ۳۶۴—** هدیه کردن کلیه مثلاً از آدمی زنده برای زنده دیگر و یا با وصیت مرده ای برای زنده اعم از مسلمان برای کافر و یا به عکس، جایز است؟ و آیا فرقی میان اعضاء هدیه شده وجود دارد؟

جواب: بخشیدن عضوی از شخص زنده برای زنده دیگر و پیوند آن به بدن دیگری اگر او را با خطر جدی روبرو نکند مانعی ندارد مانند آنکه شخصی که کلیه دیگرش سالم است و کار می‌کند کلیه دومش را به بیمار کلیوی اهدا کند. و همچنین بریدن عضوی از اندام مرده با وصیت او و پیوند دادن آن به شخص دیگر هر گاه میت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد باز مانعی ندارد. زیرا نجات یک انسان مسلمان موقوف به آن است، و اما در

غیر این دو صورت در نفوذ وصیت و در صحت آن و در جواز قطع عضوی از وی، اشکال هست اما به هر حال اگر طبق وصیت عضوی بریده شد برای قطع کننده آن، دیه واجب نمی‌شود.

**مسئله ۳۶۵—** اگر عضوی را از بدن ملحدی به بدن مسلمانی پیوند بزنند آیا پس از عمل پیوند و بعد از آنکه عضو بدن مسلمان شد، آن عضو پاک است؟ جواب: عضوی که از بدن زنده جدا می‌شود بدون فرق میان مسلمان و غیر مسلمان نجس است و پس از آنکه جزیی از بدن مسلمان و یا کسی که در حکم مسلمان است، گردید و روح در آن حلول کرد محکوم به طهارت و پاکی است.

**مسئله ۳۶۶—** ماده انسولین که در معالجه بیماری قند تزریق می‌شود حیثاً از بنکر بایس خوک، گرفته می‌شود آیا استعمال آن جایز است؟ جواب: مانعی نیست که در عضله یا رگ یا زیر پوست با سوزن، تزریق شود.

**مسئله ۳۶۷—** آیا پیوند کلیه خوک به انسان جایز است؟

جواب: جایز است و خدا عالم است.

**مسئله ۳۶۸—** آیا کشت نطفه جایز است بدین معنی که تخمک زن و نطفه مرد را منتقل می‌کنند و تخمک را دز بیرون رحم تلحیق کرده و آنگاه در داخل بدن قرار می‌دهند؟!

جواب: این کار در حد ذات خود جایز است.

**مسئله ۳۶۹—** برخی بیماری‌های ارثی هستند که از پدران به فرزندان انتقال می‌یابد و زندگانی آنها را به مخاطره می‌اندازد. علم جدید راه نجات

برخی از مرض‌ها را یافته است بدین ترتیب که تخمک زن را در لوله خارجی کشت می‌کنند و جنین‌های به وجود آمده را کنترل می‌کنند و سالم را از بین آنها انتخاب و در رحم مادر کشت می‌کنند، بقیه را از میان می‌برند آیا چنین عملی شرعاً جایز است؟

جواب: مانعی ندارد

**مسئله ۳۷۰—** در عمل تلقیح تخمک در داخل دستگاه مصنوعی،

گاهی چندین جنین شکل می‌یابد و چه بسا کشت همه آنها در رحم مادر برای او مرگ آور و یا خطر ناک است آیا می‌توان یک جنین را برگزید و بقیه را تلف کرد؟

جواب: کشت تخمک پرورده شده که در دستگاه آزمایش، به عمل می‌آید واجب نیست پس در فرض سؤال می‌توان یکی را برگزید و بقیه را تلف کرد و از بین برد.

**مسئله ۳۷۱—** آیا می‌توان با عمل جراحی، صورت و یا قسمت‌های

دیگر بدن را زیبا ساخت؟

جواب: با پرهیز از لمس و نظر حرام، جایز است.

بیماری ایدز (Aids) و یا ضعف سیستم ایمنی بدن از خطرناکترین بیماری‌های بشری است که بر حسب آمار ۱۹۹۶، هشت میلیون قربانی در جهان داشته است و فعلاً بیست و دو میلیون انسان حامل ویروس این بیماری وجود دارد و آمارهای اخیر نشان می‌دهد که تلفات این بیماری در سال ۱۹۹۶ به یک میلیون و نیم انسان بالغ شده است و بنابر این آمار، تعداد مرگ

ومیر حاصل از ایدز تا ۱۹۹۸ به شش میلیون نفر می‌رسد و همین رقم را سازمان بهداشت جهانی به مناسبت روز جهانی ایدز که مصادف با ۱۹۹۶/۱۲/۱ است اعلام کرده است.

پزشکان راه‌های عمده سرایت این بیماری را به قرار زیر اعلام کرده

اند:

الف — ارتباط جنسی میان افراد هم جنس و یا از دو جنس و این خطرناک‌ترین وسیله شیوع بیماری ایدز است و ابتلا از این طریق ۸۰٪ می‌باشد.

ب — ورود میکروب از راه خون اعم از طریق آمپول‌های آلوده و خصوصاً آلوده به مواد مخدر و یا از طریق زخم‌های قابل نفوذ و پیوند اعضا و حتی در عملیات جراحی اگر ابزار جراحی کاملاً ضد عفونی نشده باشند.

ج — از طریق مادر مبتلا هنگام بارداری و یا در موقع زایمان، ویروس به جنین انتقال می‌یابد.

آمارهای، گویای این حقیقت هستند که تمام کشورهای جهان به این بیماری مبتلا هستند و ملتی از آسیب آن، در امان نیست هم چنان که شماره بیماران به طور مرتب بالا می‌رود و بیشتر در میان جنس مرد است و هم چنین از آثار بداین بیماری (ایدز) شیوع برخی بیماری‌هایی است که در حال ریشه کن شدن در عالم بوده اند مثل سل ریه.

پس از این مقدمه، برخی استفتاءها را تقدیم می‌کنیم:



**مسئله ۳۷۲** — کسی که به بیماری ایدز مبتلاست آیا واجب است

شخصاً خود را منزوی کند و یا خانواده اش او را منزوی نمایند؟

جواب: بر او واجب نیست که خود را منزوی کند و بر خانواده او نیز واجب نمی‌باشد که او را منزوی نمایند بلکه اگر خطر سرایت به دیگران نباشد نمی‌توان او را از حضور در مساجد و دیگر اماکن عمومی منع کرده بلی واجب است در خصوص راه‌های سرایت قطعی و یا احتمالی مراقبت و پیشگیری به عمل آید.

**مسئله ۳۷۳** — حکم سرایت دادن عمدی چیست؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اگر آن عمل موجب مرگ شخص سرایت شده، شود هر چند پس از مدتی، ولی مرده می‌تواند نقل کننده عمدی را قصاص کند به خصوص اگر می‌دانست که چنان کاری به مرگ طرف می‌کشد و اما اگر جاهل بوده و یا از اثر آن غفلت داشته است فقط دیه و کفاره واجب می‌شود و بس.

**مسئله ۳۷۴** — آیا شخص مبتلا به بیماری ایدز می‌تواند با شخص سالم

ازدواج کند؟

جواب: آری، ولی نمی‌تواند طرف را فریب دهد یعنی خود را به هنگام خواستگاری سالم معرفی کند با این که خود می‌دانسته است که بیمار است. همچنانکه بر او جایز نیست با همسرش مقاربت کند که به سرایت ویروس منتهی می‌شود و اما مجرد احتمال سرایت با وجود عدم یقین، اجتناب از نزدیکی واجب نیست البته پس از توافق و تحصیل رضایت طرف.

مسأله ۳۷۵- حکم ازدواج کسانی که هر دو حامل ویروس ایدز هستند چه طور است؟

جواب: مانعی ندارد اما اگر روابط جنسی میان آنها سبب تشدید بیماری در حد خطرناک باشد، اجتناب، لازم است.

مسأله ۳۷۶- مجامعت با کسی که به بیماری ایدز مبتلاست چطور است؟ آیا شخص سالم باید از او اجتناب و دوری کند زیرا معاشرت، یکی از عمده ترین راه های سرایت ویروس این بیماری است؟

جواب: همسری که سالم است می تواند از شوهرش که مبتلا به ایدز است و مقاربت موجب سرایت ویروس می شود هر چند که احتمالاً، تمکین نکند بلکه واجب است او از عمل مقاربت که موجب انتقال ویروس ایدز به وی می شود خود داری کند.

و اگر ممکن باشد، احتمال سرایت را هر چند با استعمال کاندوم و یا دیگر وسایل پیشگیری تا ۲٪ پائین آورد جلوگیری از بارداری جایز می شود بلکه بنابر احتیاط خود داری از مقاربت جنسی جایز نمی باشد؟

و از همین مسأله حکم شوهر سالم نسبت به همسر مبتلا به ایدز معلوم می شود، یعنی مرد نمی تواند با همسرش که مبتلا به ایدز است نزدیکی کند با احتمال سرایت ویروس به وی، البته باید این احتمال معقول و قابل قبول باشد و حق شرعی مقاربت در هر چهار ماه ساقط می شود مگر اینکه بتوانند از وسایل ایمنی استفاده کنند و جلو سرایت را بگیرند.

**مسأله ۳۷۷-** زن و یا شوهری که سالم است حق دارد طلاق و جدایی

را مطرح کند؟

جواب: اگر به هنگام عقد، فریب صورت گرفته باشد یعنی در وقت خواستگاری و عقد خوانی زن و یا مرد خود را سالم معرفی کرده است و عقد مبنی بر سلامت طرفین واقع شده است در این صورت آن کس که فریب خورده حق دارد عقد را بهم بزند و فریبی که موجب حق اختیار می‌شود، تنها با سکوت زن و یا ولیّ او ثابت نمی‌شود اگر مرد عقیده داشته که بیماری وجود ندارد. اما اگر فریب کاری در میان نبوده و یا مرض او بعد از عقد پیدا شود مرد می‌تواند همسرش را مرض ایدز دارد طلاق دهد و اما همسر سالم آیا به مجرد این که شوهرش مریض است و با او نمی‌تواند مقاربت کند، می‌تواند طلاق بخواهد؟ در این مسأله دو وجه است. واحتیاط ترک نشود البتّه اگر شوهری به کلی همسرش را ترک کند طوری که او بلا تکلیف بماند او می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کرده و شوهرش را به یکی از دو امر الزام کند یا طلاقش دهد و یا به کلی او را ترک نکند.

**مسأله ۳۷۸-** وقتی که شوهر به بیماری ایدز مبتلا باشد حکم طلاق از

سوی زن چگونه است؟

جواب: پاسخ این سوال گذشت (زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه

کند و تقاضای طلاق دهد...)

**مسأله ۳۷۹:** آیا زنی که به بیماری ایدز مبتلاست می‌تواند سقط جنین

کند؟

جواب: این کار جایز نیست بخصوص پس از آنکه روح به جنین دمیده شده اما اگر ادامه حاملگی برای مادر ضرر داشته باشد قبل از حلول روح در جنین، اسقاط آن جایز است اما پس از آن نه.

**مسأله ۳۸۰—** حق حضانت طفل سالم برای مادر مبتلا به ایدز و دادن

شیر آغوز و یا جز آن چیست؟

جواب: حق حضانت و سرپرستی مادر نسبت به فرزندش، ساقط نمی‌شود لیکن لازم است، مراقبت به عمل آید تا از سرایت بیماری پیشگیری شود و اگر احتمال سرایت ویروس، احتمالی معقول باشد و شیر خوردن مستقیم از پستان مادر برای طفل خطرناک باشد، اجتناب لازم است.

**مسأله ۳۸۱—** آیا می‌توان بیمار ایدز را بیماری مرگ تلقی کرد؟

جواب: چون دوران این مرض، خیلی طولانی است و زمان زیادی طول می‌کشد، نمی‌توان آن را مرض موت حساب کرده اما مرحله‌های پایانی آن که مرگ بیمار نزدیک می‌شود مانند مرحله شدت هیجان، و فقدان کامل نیروی دفاعی و یا عوارض عصبی کشنده دیگر، آن را مرض موت می‌توان تلقی نمود.

**مسأله ۳۸۲—** آیا برای پزشک جایز و یا واجب است که بیماری ایدز

را به کسان بیمار مانند همسران و شوهران، آشکار بیان کند و آنان را مطلع سازد؟

جواب: هر گاه بیمار و یا ولی او اجازه دهند اعلام مرض و بیماری توسط پزشک جایز است. و اگر تأمین حیات برای او به مدت طولانی

موقوف به اعلام مرض باشد چنان که نگفتن آن ممکن است عوارضی را به دنبال داشته باشد مانند ترک احتیاط لازم و سرایت مرض، در این صورت اعلام مرض برای کسان بیمار واجب می شود و خدا داناست.

**مسأله ۳۸۳**— اگر مسلمانی بداند که او به مرض ایدز مسری، گرفتار است آیا جایز است او با همسرش، عمل زناشویی انجام دهد و آیا واجب است او را مطلع سازد؟

جواب: هرگاه او بداند که با عمل زناشویی، ویروس مرض به همسرش سرایت می کند زناشویی به طور مطلق جایز نیست و همچنین است اگر چنان امری را احتمال دهد و آن احتمال قابل توجه باشد. مگر آنکه همسرش از بیماری شوهر مطلع باشد و با رضایت خود، تمکین کند.

## فصل ۷

### ازدواج

در باره زناشویی و ازدواج در شریعت اسلامی، قوانین و مقررات ویژه ای وجود دارد که همگی جنبه حیاتی دارند و از این نظر که نیازهای مختلفی را از انسان رفع می‌کنند هر یک حاوی نکته‌های کلی و جزئی می‌باشند و تأمین‌کننده بسیاری از خواسته‌هایی هستند که با زندگی فردی و جمعی او پیوند پیدا می‌کنند. احکام در رابطه با مسائل جنسی مرد و زن، بسیار است و ما به آن اندازه که به زندگی یک مسلمان در یک کشور غیر اسلامی ارتباط زیاد دارد و دانستن آنها برای او مهم و لازم است، می‌پردازیم.

**مسئله ۳۸۴—** ازدواج از مستحبات مؤکد است از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت است که فرمود: هر کس ازدواج کرد نیمی از دین خود را حفظ کرد.

و در روایت دیگر فرمود: هر کس می‌خواهد از سنت من پیروی کند، نکاح از سنت من است.

و در حدیث سوم فرمود: هیچ مسلمانی، پس از اسلام، همانند همسر مسلمانی که به هنگام نگاه، او را شاد کند و از دستوراتش فرمان برد و در عیاب حافظ ناموس وی باشد، بهره‌ای به دست نیاورده است.

**مسئله ۳۸۵—** شایسته است مردی که می‌خواهد همسر برگزیند برخی صفات را در نظر بگیرد و جز با زن عفیف، پاکدامن، بزرگوار، ریشه دار و صالحه ای که در امور دین و دنیا یار و یاور او باشد، ازدواج نکند و سزاوار

نیست که مرد فقط به جمال ظاهری بسنده کند در حدیث آمده که پیامبر (صلی الله و علیه و آله) فرمود: از سبزی مزبله پرهیزید. پرسیدند: مراد شما چیست؟ فرمود زن زیبای بد تربیت.

**مسئله ۳۸۶—** شایسته آن است که زن و اولیای دختر که او می خواهد ازدواج کند، مردی دارای صفات ذیل را برای شوهری انتخاب کند و جز مرد متدین، عقیف و پاک نظر، خوش اخلاق که هرگز لب به شراب نزده و به منکرات و گناهان کبیره آلوده نشده است را انتخاب نکند.

**مسئله ۳۸۷—** بهتر است اگر خواستگار، مردی متدین و خوش اخلاق است جواب رد به وی داده نشود رسول خدا فرمود: اگر کسی به خواستگاری شما آمد و از دین و اخلاق او خوشنود بودید با او ازدواج کنید و اگر نکنید در روی زمین فتنه و فساد بزرگ روز خواهد داد.

**مسئله ۳۸۸—** مستحب است هر انسانی در امر ازدواج دیگران وساطت کند و طرفین را بدان امر راضی کند.

**مسئله ۳۸۹—** مردی که می خواهد با دختر یا زنی ازدواج کند قبل از خواستگاری می تواند به زیبایی های او نظر اندازد و با وی هم صحبت شود و از جمله زیبایی های: صورت، مو، گردن، دست، پا بازوان، و دیگر جاهای زیبایی به شرط اینکه به قصد لذت جنسی نباشد.

**مسئله ۳۹۰—** ازدواج در شریعت اسلامی دو نوع است ۱— دائم ۲—

موقت

ازدواج دائم آن است که مدت تعیین نمی‌شود و همسر دائمی است. ولی در ازدواج موقت، زمان معین می‌شود مثل یک سال، بیشتر و یا کمتر، چنین همسر، همسر موقت و یا متعه نامیده می‌شود.

**مسئله ۳۹۱—** در هر دو نوع ازدواج باید صیغه عقد خوانده شود در ازدواج دائم، زن به طور مستقیم می‌گوید خود را به عقد ازدواج شما در آورم با فلان مهر (و مقدار مهر ذکر شود) و مرد می‌گوید پذیرفتم. و در عقد موقت زن می‌گوید: خود را برای فلان مهری و برای فلان مدت به ازدواج تو در آورده‌ام و مرد می‌گوید پذیرفتم.

**مسئله ۳۹۲—** کسی که نمی‌تواند صیغه ازدواج را با زبان عربی بخواند با هر زبانی که قابل فهم باشد می‌تواند بخواند هر چند که وکیل او بتواند صیغه را به عربی اجرا کند.

**مسئله ۳۹۳—** زن و مرد می‌توانند صیغه عقد خود بخوانند و یا به کسی وکالت دهند و حضور شهود در مجلس عقد، شرط نیست هم چنانکه حضور عالم دینی هم شرط صحت عقد ازدواج نمی‌باشد.

**مسئله ۳۹۴—** هر مسلمانی می‌تواند بازن یهودی یا مسیحی به طور موقت ازدواج کند و احتیاط واجب آن است که با غیر مسلمان، ازدواج دائم نکند، چنانکه ازدواج با زن کافر غیر کتابی به طور مطلق جایز نمی‌باشد و بنابر احتیاط واجب، با زن مجوسیه هم ازدواج نکند هر چند، موقت باشد. اما زن مسلمان به طور قطع و یقین با هیچ مرد کافر — کتابی و غیره — نمی‌تواند ازدواج کند.



**مسأله ۳۹۵-** در ازدواج دوشیزه مسلمان یا اهل کتاب، موافقت پدر و یا جد پدری در صورتی که در امور زندگی مستقل و مالک امور خویش نباشد، شرط است و بنابر احتیاط واجب اگر مستقل هم باشد، رضایت و موافقت یکی از آن دو (پدر یا جد پدری) را جلب کند اما اجازه و رضایت مادر، برادر خواهر و دیگر خویشاوندان نزدیک، شرط نمی‌باشد.

**مسأله ۳۹۶-** در ازدواج دوشیزه بالغ و رشید اگر پدر و یا جد، او را از ازدواج با همگن خود باز می‌دارند شرط مزبور، منتفی است و نیز اگر خود را به طور کلی از زندگانی آن دوشیزه کنار بکشد و یا دوشیزه دسترسی به ایشان نداشته و تحصیل اجازه آن میسر نگردد چنان شرطی ساقط است پس او می‌تواند با مردی همگن است بدون اجازه پدر و یا جد پدری ازدواج کند.

**مسأله ۳۹۷-** اجازه پدر و یا جد پدری در مورد ازدواج دختری که قبلاً از دواج شرعی نموده شرط نمی‌باشد اما اگر آن دختر، بکارت خود را در اثر زنا یا به وسیله دیگر از دست داده باشد، اجازه پدر و یا جد پدری هم چنان شرط است.

**مسأله ۳۹۸-** در کشورهای که کافر کتابی و غیر کتابی و ملحد وجود دارد مسلمانی که می‌خواهد با دختری ازدواج کند باید از دین و مذهب او سؤال کند تا اطمینان پیدا کند که او با دختری بی دین ازدواج نمی‌کند و نکاح او باطل نمی‌باشد و در این خصوص، سخن آن دختر پذیرفته است.

**مسأله ۳۹۹—** مسلمانی که با یک زن مسلمان ازدواج نموده است نمی‌تواند بدون اجازه او با یک زن دیگر کتابی مانند یهودی و یا مسیحی، ازدواج مجدد کند و بنا بر احتیاط واجب ازدواج موقت هم پرهیزد هر چند که همسر او اجازه داده باشد و در این مسأله میان دور بودن و یاهمراه بودن همسرش فرقی نیست.

**مسأله ۴۰۰—** هیچ مرد مسلمانی با یک زن کتابی مثل یهودی و یا مسیحی، نمی‌تواند بدون ازدواج قانونی عمل جنسی انجام دهد هر چند که دولت متبوع آن زن کتابی، در حال جنگ با مسلمانان باشد.

**مسأله ۴۰۱—** بنا بر احتیاط واجب انسان با کسی که به زنا مشهور است، ازدواج نکند مگر پس از توبه او هم چنانکه بنا بر احتیاط واجب مرد زنا کار با زنی که با او زنا کرده، ازدواج ننماید مگر بعد از توبه آن زن.

**مسأله ۴۰۲—** ازدواج غیر مسلمان که مطابق قوانین دین و آیین خود آنان صورت گرفته است، ازدواجی صحیح می‌باشد اعم از آنکه زن و شوهر هر دو کتابی باشند مثل یهودی و مسیحی و یا غیر کتابی باشند مانند گروه‌های کفار و یا یکی کتابی و دیگری غیر کتابی باشد حتی اگر آنان در یک زمان هر دو مسلمان گشتند، نیازی به عقد مجدد نیست و ازدواج سابقشان به قوت خود باقی می‌ماند.

**مسأله ۴۰۳—** وقتی پدری ولایت خود را از دخترش برداشت و او را در سن هیجده سالگی در شئون زندگی، خود مختار و در تصرف امور، مستقل کرد چنانکه در برخی کشورهای اروپایی و یا آمریکایی و یا غیر آنها

چنین وضعیتی حاکم است. و در این صورت دوشیزه می‌تواند بدون اجازه پدر و جلب رضایت او ازدواج کند.

**مسئله ۴۰۴—** هر یک از زن و شوهر می‌توانند به ظاهر و باطن اندام یکدیگر نظر اندازند حتی آلت تناسلی و نیز می‌توانند به هر عضوی از اعضای یکدیگر دست یزنند با لذت و بدون آن.

**مسئله ۴۰۵—** در ازدواج دائم هزینه زندگی زن به عهده شوهر است به شرط آنکه او در اموری که باید از شوهر اطاعت کند، فرمان ببرد پس شوهر باید خوراک، پوشاک و مسکن و دیگر ملزومات زندگی او را از قبیل وسایل گرم و سرد کننده و یا فرش و اثاث و غیر آنها مطابق شئون همسر بالنسبه به شوهر، فراهم سازد و این امر، با اختلاف زمان و مکان و حال و عرف و عادت و سطح زندگی اشخاص، فرق می‌کند.

**مسئله ۴۰۶—** بر شوهر واجب است که هزینه سفرهایی را که همسرش با وی همراه است، پردازد همچنین اگر او تنها سفر رود و آن سفر، ضروری بوده و خارج از شئون زندگی هم نباشد مثل آنکه مریض باشد و احتیاج به هزینه پیدا کند و یا لازم باشد که به پزشک مراجعه نماید در این صورت بر شوهر واجب است که همه هزینه‌ها را پردازد.

**مسئله ۴۰۷—** جایز نیست با زن جوان بیش از چهار ماه ترک هم خوابی شود مگر در صورت داشتن عذر مانند حرج و ضرر و یا آنکه همسرش راضی باشد و با در حین عقد، آن را شرط کرده باشد و بنابر احتیاط این حکم به زن دائم اختصاص ندارد پس زن موقت هم، چنین است هم

چنان که این حکم به وطن اختصاص ندارد در سفر نیز آن حکم صادق است پس مرد نمی تواند بدون عذر شرعی، سفری طولانی رود طوری که حق همسرش ضایع شود خصوصاً اگر چنان سفری، ضرورت هم نداشته باشد مانند آنکه برای تفریح و گردش می رود.

**مسئله ۴۰۸-** هیچ زن مسلمانی نمی تواند با یک مرد کافر به طور دایم و یا موقت، ازدواج کند.

**مسئله ۴۰۹-** اگر شوهری بدون دلیل شرعی، همسرش را اذیت و آزار کند او می تواند به حاکم شرع مراجعه کند تا شوهر، ملزم به حسن رفتار گردد و اگر سودمند واقع نشد به هر گونه که حاکم صلاح بداند او را تنبیه می نماید و اگر آن هم فایده نبخشید، زن می تواند درخواست طلاق کند و اگر شوهر، او را طلاق نداد و اجبار به حسن معاشرت، میسر نشد، حاکم شرع آن زن را طلاق می دهد.

**مسئله ۴۱۰-** جایز است منی شوهر را به همسرش تلقیح مصنوعی کنند به شرط آنکه این کار مستلزم فعل حرام نشود مانند نگاه کردن به جاهایی که حرام است و امثال آن.

**مسئله ۴۱۱-** زن می تواند با استفاده از داروهای گیاهی و پزشکی مانع بارداری شود به شرط آنکه ضرر و زیان جدی پیش نیاید و در این کار رضایت و عدم رضایت شوهر، شرط نمی باشد.

**مسئله ۴۱۲-** هر زنی می تواند با استفاده از aud و یا هر وسیله دیگر مانع از بارداری شود به شرط آنکه استفاده از آن، موجب ضرر و زیان جدی

نگردد و قرار دادن آن، مستلزم فعل حرام نباشد مثل نگاه و لمس نامحرم به بدن زن و همچنین نگاه و لمس بدون دستکش توسط زنی که این دستگاه را در بدن زن دیگر قرار می‌دهد که همه اینها فعل حرام می‌باشد و دیگر اینکه قرار دادن آن دستگاه موجب سقط جنین نشود.

**مسئله ۴۱۳-** زن نمی‌تواند جنینی را که روح در آن حلول کرده است به هیچ عنوانی بیندازد.

**مسئله ۴۱۴-** اگر مادری جنین خود را ساقط کند باید دیه پردازد و همچنین است پدر و یا هر شخص دیگر مانند پزشک که حق ندارد سقط جنین کنند و اگر کردند دیه بر آنان لازم می‌شود.

واینک نمونه ای از استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه در این خصوص.

**مسئله ۴۱۵-** آیا سهم امام (علیه السلام) را می‌توان به عنوان مساعدت در امر ازدواج یک جوان در کشور غربی به مصرف رسانید؟ با علم به این که با ارز پرداختی در این کشورن امر ازدواج بیش از یک یا دو مؤمن را که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و نیازمندهم هستند، می‌توان سامان داد و آیا شایسته نیست از آن سهم امام (علیه السلام) چندین شخص مستحق بهرمنند گردند؟

جواب: تزویج مردان مؤمن و محتاج هر چند که از جمله مصارف سهم امام (علیه السلام) است اما صرف آن جز با اجازه مرجع و یا نماینده او جایز نیست و هزینه کردن آن، در باره چندین نفر واجب نمی‌باشد بلکه اهم

و مهم و یا الهم فالاهم را باید مراعات کرد و این، با اختلاف موارد فرق می‌کند.

**مسئله ۴۱۶-** آیا خواندن صیغه ازدواج با زبان عربی توسط غیر عرب کافی است؟ بدون آن که معانی آن کلمات را بدانند با علم به این که در حقیقت، مقصود اجرای عقد ازدواج است؟ و آنگهی صیغه ازدواج را با لغت و زبان غیر عربی نمی‌توان خواند؟

جواب: توجه اجمالی به مفاد معنای صیغه، کافی است و بنابر احتیاط، اجرای آن با لغت و زبان دیگر جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۴۱۷-** آیا عقد ازدواج را با تلفن می‌توان خواند؟

جواب: صحیح است.

**مسئله ۴۱۸-** آیا شهادت و گواهی به وسیله تلفن، فاکس و نامه پستی ممکن است؟

جواب: احکامی برای شهادت نزد قاضی قابل اثبات است که حضوری باشد اما نقل و حکایت آن به هر وسیله ممکن است و از آن جمله است تلفن امثال آن به شرط آنکه از اشتباه و تقلب کاری ایمن باشیم.

**مسئله ۴۱۹-** آیا به اندام کسی که می‌خواهیم با ازدواج کنیم، می‌توانیم با دقت تمام با قصد لذت و یا بدون آن، جز آلت تناسلی، نگاه کنیم؟ جواب: می‌توان به زیبایی‌های مانند صورت، مو، دست‌ها، بدون قصد لذت، نگاه کرد هر چند بداند که چنان لذتی ناخودآگاه حاصل خواهد شد و پس از آنکه وضع را بایک نگاه فهمید، تکرار جایز نیست.

**مسئله ۴۲۰**— در برخی کشورهای غربی، دختران پس از شانزده سالگی، استقلال مالی و سکنی دارند و عملاً از خانه پدر جدا می‌شوند و شخصاً به اداره شئون زندگی می‌پردازند و اگر احیاناً با پدر و یا مادر در برخی مسائل مشورت کنند فقط به عنوان ادب است آیا این چنین دوشیزه ای می‌تواند بدون اذن پدر به طور دائم و یا موقت ازدواج کند؟

جواب: این وضع زندگی اگر به این معناست که پدر به او اجازه ازدواج با هر مردی را داده است و یا نوعی کناره گیری از دخالت در شئون زندگی دختر تلقی می‌شود پس او می‌تواند ازدواج کند و گرنه، جایز نیست.

**مسئله ۴۲۱**— زنی که سن او از سی سال گذشته است و هنوز دوشیزه

باقی مانده است به هنگام ازدواج همچنان اجازه ولی خود نیاز دارد؟

جواب: اگر در شئون زندگی مستقل نیست، اجازه لازم است بلکه بنابر احتیاط واجب اگر مستقل هم باشد باز اجازه بگیرد.

**مسئله ۴۲۲**— آیا دوشیزه گان می‌توانند با آرایش خفیف و استفاده از پودرهای زیبایی برای جلب توجه بانوان در مجالس ویژه و یا برای زیبایی بیشتر، حاضر شوند و قصدشان آن باشد که خواستگار پیدا شود و آیا چنین کاری عیب پوشی به حساب می‌آید؟

جواب: آن چنان آرایشی را جایز است انجام دهند و آن، پنهان کردن عیوب، محسوب نمی‌شود با این وجود اگر عیب پوشی هم به حساب آید باز هم حرام نیست مگر آنکه فریبکاری برای خواستگاران تلقی شود.

**مسأله ۴۲۳** — چه زمانی، زن می‌تواند از حاکم شرع، درخواست

طلاق کند؟

آیا زنی که شوهرش دائم با او بدرفتاری می‌کند و یا نیاز جنسی او را ارضاء نمی‌کند به طوری که بیم آن می‌رود که به او نگاه افتد، می‌تواند پیشنهاد طلاق دهد و آیا در چنین صورت، طلاق داده می‌شود؟

جواب: اگر شوهری از انجام حقوق همسرش خود داری کند و پس از اجبار حاکم شرع به رعایت یکی از دو امر (طلاق و یا حسن معاشرت)، نتیجه گرفته نشود زن می‌تواند از حاکم شرع درخواست طلاق کند و مواردی که زن می‌تواند از حاکم شرع درخواست طلاق کند به قرار ذیل است:

۱- موقعی که شوهر، نفقه و هزینه زندگی همسرش را نپردازد و حاضر به طلاق دادن هم نشود و همچنین اگر شوهری قادر به پرداخت هزینه نباشد و از دیگر سو، طلاق هم ندهد.

۲ — اگر شوهری همسرش را بیازارد و برابر دستور خدا با وی رفتار نیکو کند.

۳ — هرگاه مردی همسرش را رها کرده و او بلا تکلیف گذارد طوری که گویا شوهر ندارد.

و اما در صورتی که مرد فقط نیاز جنسی همسرش را نمی‌تواند بطور کامل برآورده سازد و بیم آن رود که زن به گناه افتد هر چند که بنا بر احتیاط واجب شوهر هر طور که شده از نظر مسائل جنسی همسرش را ارضاء کند و



یا او را طلاق دهد با این وجود اگر چنین نکرد بهتر آن است که زن شیوه صبر و انتظار پیشه کند.

### **مسئله ۴۲۴—** زن مسلمانی مدت زمانی است که از شوهرش جدا

زندگی می‌کند و معلوم نیست که این وضع تا چه وقت ادامه داشته باشد مضافاً بر این که اگر زن در مغرب زمین، تنها و بدون شوهر بماند بر جان خود از دزدان و آدم ربایان و هجوم به خانه اش ایمن نمی‌باشد آیا او در این صورت می‌تواند در خواست طلاق کند و با ازدواج مجدد، با یک شوهر دیگر به آرامی زندگی کند؟

جواب: اگر شوهر او را رها کرده و تنه‌ایش گذاشته است او می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و درخواست طلاق کند و حاکم شرع شوهر را مجبور می‌کند تا با وی زندگی کند و یا آزادش کند تا او همسری دیگر برگزیند و اگر شوهر به یکی از این دو وظیفه عمل نکند زن می‌تواند به حاکم شرع رجوع نماید و طلاق خود را مطرح سازد.

و اما اگر زنی بدون مجوز شرعی، شوهرش را رها کند و جدا از او زندگی نماید در این صورت زن چنان حقی را ندارد و حاکم شرع هم نمی‌تواند او را طلاق بدهد.

### **مسئله ۴۲۵—** برای یک مرد مسلمانی چنان پیش آمده که مدت زمان

طولانی جدا از همسرش زندگی می‌کند آیا او می‌تواند با یک زن کتابی ازدواج دائم کند بدون آنکه همسر مسلمانش را آگاه سازد و اگر همسرش را مطلع کرد و از او اجازه گرفت، چنین ازدواجی صحیح می‌باشد؟

جواب: یک مرد مسلمان نمی‌تواند با یک زن کتابی به طور دائم ازدواج کند اما ازدواج موقت در صورت نداشتن همسر، مجاز است و با وجود همسر مسلمان بدون اجازه او ازدواج موقت نیز جایز نیست و بنا بر احتیاط واجب در صورت اجاره همسر هم از آن کار خودداری کند.

**مسئله ۴۲۶—** مسلمانانی که دارای همسر مسلمان می‌باشد سالهاست از کشور خود مهاجرت کرده و نیاز به ازدواج دارد آیا پس از طلاق همسرش در زمان عده طلاق، می‌تواند با یک زن کتابی ازدواج متعه نماید؟  
جواب: چنان متعه ای باطل است زیرا زن در زمان عده طلاق رجعی، در حکم همسر است و در مسائل پیش گفتیم که متعه زن کتابی با وجود همسر مسلمان، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۴۲۷—** آیا واجب است کسی را که می‌خواهد با یک زن کتابی و یا حتی مسلمان، ازدواج کند او را مطلع می‌سازیم که آن زن در عده همسر سابقش می‌باشد و یا اصلاً عده نگاه نداشته است؟  
جواب: اطلاع دادن، واجب نیست.

**مسئله ۴۲۸—** آیا یک مرد مسلمان می‌تواند با زن کافری که همسر یک مرد کافری است، ازدواج کند؟ و آیا اگر آن زن از شوهر کافر عده دارد؟ و زمان عده چقدر است؟ و آیا جایز است در زمان عده، با او همبستر شود و اگر آن زن، مسلمان شد برای ازدواج با یک مرد مسلمان، چقدر باید عده نگاه دارد؟

جواب: مرد مسلمان نمی‌تواند با زن کافری که دارای شوهر قانونی و برابر شریعت خود می‌باشد، ازدواج کند زیرا او شوهر دار است اما پس از طلاق و انقضای عده - و نه قبل از آن - ازدواج موقت جایز است و زمان عده زن غیر مسلمان همانند عده زن مسلمان می‌باشد و هر گاه آن زن، مسلمان شود پس از آنکه با شوهر غیر مسلمان همبستر شده بوده و شوهرش مسلمان نگردیده احتیاط آن است که قبل از انقضای عده با آن زن ازدواج نشود اما اگر آن زن قبل از همبستر شدن با آن شوهر غیر مسلمان به اسلام بگردد، عقد ازدواج خود به خود فسخ می‌شود و عده ندارد.

#### **مسئله ۲۹- معنی رعایت عدالت میان همسران چیست؟**

جواب: عدالتی که رعایت آن واجب است، تقسیم وقت و شبهاست بدین معنی که اگر یک شب با یکی بود شب بعد با همسر دیگر باشد در هر چهار شب، و اما عدالت مستحبی عبارت از آن است که در هزینه کردن و توجه نمودن و در بر آوردن نیاز جنسی و با روی باز و خندان روبه رو شدن برابر عمل کند.

**مسئله ۳۰-** اگر یک زن مسلمانی زنا کند شوهرش می‌تواند او را به قتل برساند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، جایز نیست او را به قتل برساند هر چند که او را در حال زنا کردن ببیند.

**مسئله ۳۱-** در رساله‌های علمیه، جمله ((زن مشهور به زنا)) آمده است معنای آن جمله چیست؟

جواب: معنای آن جمله این است که آن زن در میان مردم به عمل زنا شناخته شده و بدان صفت مشهور گشته است.

**مسئله ۴۳۲—** آیا با زن مشهور به زنا می توان ازدواج موقت کرد؟ در صورتی که یک جوان به شدت به ازدواج نیاز دارد و جز آن زن زنی دیگر نیست.

جواب: بنابر احتیاط واجب با زن مشهور به زنا قبل از توبه، ازدواج نشود.

**مسئله ۴۳۳—** معنای این که فقها می گویند زن زنا کار بعد از عمل زنا، عده ندارد چیست؟

جواب: معنای جمله آن است که زن زنا کار بعد از زنا می تواند ازدواج کند و عده نگاه ندارد و اگر آن زن زنا کار شوهردار باشد، می تواند همبستر شوند بی آنکه به سبب زنا عده نگاه دارد مگر آنکه وطی به شبهه صورت بگیرد که نگاه داشتن عده در این وقت لازم است.

**مسئله ۴۳۴—** مردی با یک زن بدون عقد شرعی، به قصد ازدواج بعدی، همبستر می شود و دارای فرزند می گردد و سپس او را به عقد شرعی در می آورد آیا روابط گذشته آنان، مشمول عقد شرعی می شود و آیا عقد بعدی عطف به ما سبق می شود؟ به هر حال وضع بچه ای که در حال ارتباط بدون عقد شرعی به وجود آمده است چیست؟

جواب: در تحقق ازدواج، علاقه زن و شوهری با ایجاب و قبول لفظی انشاء می شود و هیچ چیز دیگر هر چند که به ایجاب و قبول دلالت نماید

جای عقد لفظی را نمی‌گیرد. نتیجه آنکه چنین ازدواجی صحیح نمی‌باشد مگر پس از اجرای عقد لفظی و اثر آن به زمان پیش بر نمی‌گردد. و فرزند حاصل از چنین ازدواجی در صورت جهالت و نادانی پدر و مادر، حلال زاده است زیرا همبستری از روی اشتباه رخ داده است و اما اگر هر دو می‌دانسته‌اند، عملشان زنا و فرزند نیز ولد زنا شناخته می‌شود اگر یکی از آنان بداند و دیگری نداند فقط نسبت به آن کس که نمی‌دانسته، فرزند حلال زاده محسوب می‌شود.

**مسئله ۴۳۵-** برخی اوقات، زن و شوهر به تلقیح مصنوعی که پزشکی آن را اجراء می‌کند نیاز پیدا می‌کنند و آن عمل، مستلزم دیدن آلت تناسلی آنان توسط پزشک است آیا چنین عملی جایز است؟

جواب: دیدن آلت تناسلی و مشاهده آن توسط فرد نامحرم، تنها به سبب یاد شده در سؤال، جایز نمی‌باشد و اما اگر نیاز به فرزند، ضروری باشد و آن، به دیدن آلت تناسلی موقوف باشد در آن صورت جایز می‌شود و از موارد ضرورت آن است که پدر و مادر آنچنان برای فرزند داشتن بی‌صبری می‌کنند که تحمل آن وضع برایشان فوق العاده دشوار و طاقت فرساست.

**مسئله ۴۳۶-** زنی که نمی‌خواهد فرزند دار بشود به پزشک مراجعه کرده و از او می‌خواهد تا لوله‌های رحم او را ببندد اعم از آن که باز کردن آن لوله‌ها بعداً ممکن باشد و یانه و اعم از آنکه شوهر راضی باشد و یانه، آیا چنین کاری جایز است؟

جواب: چنان عملی برای زن جایز است به شرط آن که اگر به دست زدن و نگاه نامحرم نکشد اعم از آن که باز کردن لوله‌ها بعداً امکان داشته باشد یا نه. و اجازه شوهر از این جهت که بستن لوله‌های رحم، از فرزندداری، مانع می‌شود، لازم نیست بلی گاهی اجازه شوهر لازم می‌شود و آن، جهت خروج از خانه برای مراجعه به پزشک می‌باشد زیرا خروج از خانه بدون اجازه شوهر جایز نیست.

**مسئله ۴۳۷—** در برخی کشورهای غربی چنان رایج شده که تخمک زن را از نطفه مرد می‌گیرند و آن را در یک رحم مصنوعی می‌کارند و سپس جنین بارور شده را به رحم مادر صاحب تخمک منتقل می‌سازند و آن گاه جنین در رحم مادر بزرگ، پرورش یافته و وضع حمل پیش می‌آید.

اولاً: آیا کشت جنین در رحم مادر بزرگ جایز است؟

و ثانیاً مادر شرعی این طفل کیست؟

جواب: جواز این کار مشکل است قطع نظر از این که چنان عملی احیاناً به دست زدن و نگاه نامحرم موقوف می‌شود و اگر تلقیح مصنوعی، عملی شد در این که مادر نسبی آن طفل کیست؟ دو احتمال وجود دارد و نسبت به هر دو، زن صاحب تخمک و مادراو، احتیاط ترک نشود.

**مسئله ۴۳۸—** گاهی منی یک مرد را در بلانک ویژه، نگاهداری

می‌کنند آیا یک زن مسلمان طلاق گرفتن می‌تواند منی مرد بیگانه ای را با اجازه او و بدون عقد، برای خود تلقیح کند؟

و اگر آن منی، از شوهر قبلی خود او باشد و این کار در ایام عده صورت بگیرد جایز است و پس از پایان عده چگونه؟

جواب: تلقیح منی یک مرد بیگانه، برای زن جایز نمی‌باشد اما منی شوهر در ایام عده رجعی، جایز است و پس از انقضای عده جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۴۳۹** — شخصی بین راضی نگاه داشتن خانواده و همسرش به مشکل برخورد کرده است آیا او برای رضایت خانواده اش می‌تواند همسر خود را طلاق دهد و یا به عکس، شوهر برای رضایت خاطر همسرش خانواده خود را رها سازد؟

جواب: باید به آنچه صلاح دین و دنیای او ایجاب می‌کند عمل نماید و عدالت و انصاف را پیش بگیرد و از ظلم و تعدی و تزییع حقوق دیگران، اجتناب ورزد.

**مسئله ۴۴۰** — مقصود از هزینه و نفقه ای که هر شوهر برای همسرش باید پردازد چیست؟ آیا آن، باید با وضع اجتماعی شوهر متناسب باشد؟ و یا با موقعیت خانوداگی همسر مطابق باشد؟ و یا، نه آن است و نه این؟

جواب: ملاک، شئون زن است به نسبت موقعیت شوهر.

**مسئله ۴۴۱** — هر زنی برعهده شوهرش حقوقی دارد که باید آنها را ادا کند پس اگر شوهری از انجام آنها سر باز زد آیا زن می‌تواند مانع همبستر شدن وی شود؟

جواب: زن چنان حقی را ندارد اما اگر پند و هشدار برای مرد مفید واقع نشود زن به حکم حاکم شرع رجوع می کند و از او تعیین و تکلیف می خواهد.

**مسئله ۴۴۲—** آیا جایز است مسافر مسلمان به هنگام سفر، در تودیع و استقبال، همسرش را در انظار مردم ببوسد و یا بغل کند؟

جواب: اگر تحریک کننده نباشد و حجاب و پوشش رعایت شود، چنان کاری حرام نیست ما بهتر آن است که به طور کلی اجتناب شود.

**مسئله ۴۴۳—** یک زن و شوهر در کشور غیر اسلامی برابر مقررات آن کشور طلاق قانونی گرفته اند اما مرد، حق قانونی و شرعی همسرش را نمی دهد و حرف واسطه ها را نمی پذیرد تکلیف چنین زنی چیست با علم به این که صبر و شکیبایی بر این وضع برای او فوق العاده طاقت فرسا می باشد؟

جواب: آن زن به حاکم شرع و یانماینده او مراجعه می کند و آنان شوهر را به رعایت یکی از دو کار الزام می کنند یا هزینه پردازدو یا طلاق شرعی دهد هر چند با وکالت دادن به یک شخص ثالث. و هر گاه شوهر از هر دو کار خود درای کرد و پرداخت نفقه، از دارایی شوهر امکان نداشت حاکم شرع و یا نماینده او، وی را طلاق می دهند.

**مسئله ۴۴۴—** آیا همبستر شدن با یک زن کافر - اعم از کتابی و غیر کتابی - بدون عقد شرعی و قانونی جایز است؟ با علم به این کشور متبوع آن زن مستقیم و یا غیر مستقیم در حال جنگ با مسلمان است؟

جواب: جایز نیست.



**مسئله ۴۴۵** — همسری از شوهر خود اطاعت نمی‌کند و به مسئولیت‌ها

و وظایف شرعی خود در برابر شوهر عمل نمی‌نماید. و همچنین بدون اجازه شوهر از خانه خارج شده و تا هفت ماه در خانه پدری به سر می‌برد و از همانجا به جای پناه آوردن به احکام اسلامی به یک دادگاه غیر اسلامی، مراجعه می‌کند تا هزینه زندگی خود و فرزندان را بگیرد ضمن آن که از شوهرش طلاق هم می‌خواهد، آیا اینگونه همسری، دارای حق هست؟ و آیا با این وضع، از شوهرش حقی طلب دارد؟ به ویژه آن که به یک دادگاه غیر اسلامی رجوع کرده و تقاضای طلاق و حق و حقوق خود و فرزندان را کرده است، چنین بانویی استحقاق همه حقوق شرعی یک همسر را دارد؟

جواب: چنان همسری که در سؤال اشاره شده، مستحق هزینه و نفقه شرعی نیست و اما مهریه و حق حضانت و سرپرستی فرزندان را در دو سال کامل دارد و آنها با نشوز و نافرمانی ساقط نمی‌شوند.

**مسئله ۴۴۶** — زن جوانی با عمل جراحی، رحم خود را بیرون آورده و

در نتیجه از عادت ماهانه افتاده است و مدت پانزده سال است که حیض نمی‌بیند. او برای مدتی متعه کسی شده است آیا عده نگاه داشتن بر او پس از انقضای مدت، واجب است و زمان عده او چقدر است؟

جواب: اگر او در سن و سال زنانی باشد که حیض می‌بیند باید عده نگاهدارد و زمان آن، چهل و پنج روز می‌باشد.

**مسأله ۴۴۷—** گاهی یک زن غیر مسلمان به قصد ازدواج با مردی مسلمان، شهادتین می گوید بدون آن که ما یقین داشته باشیم که آن شهادتین قلبی است. آیا شنونده آن شهادتین می تواند او را مسلمان بداند؟  
جواب: بلی. بر چنان شهادتین، آثار مثبت بار می شود مگر آنکه سخن و یا عمل منافی از او سر بزنند.

**مسأله ۴۴۸—** گاهی طی عمل جراحی تخمک یک زن را به زن دیگر تلقیح می کنند آیا چنان عملی جایز است و اگر آن زن، بار دار شد طفل از آن کدامیک است؟

جواب: با اجتناب از لمس و نگاه حرام، چنان عملی مانع ندارد اما این که مادر جنین کدام است؟ (صاحب تخمک و یا رحم) در احتمال وجود دارد و بنابر احتیاط واجب هر دو جانب احتیاط را رعایت کنند.

**مسأله ۴۴۹—** جنین در رحم مادر در میان مایعی شناور است که به هنگام ولادت و یا قبل از آن، خارج می شود گاهی همراه با خون است آیا این مایع اگر بدون خون باشد پاک است؟  
جواب: بلی، در صورتی همراه خون نباشد پاک است.

**مسأله ۴۵۰—** چه موقعی سقط جنین جایز است؟ آیا برای آن سن خاصی مطرح است؟

جواب: پس از انعقاد نطفه، سقط جنین به هیچ وجه جایز نمی باشد مگر زمانی که مادر بر جان خود بترسد و یا ماندن جنین در شکم او ان قدر پر زحمت باشد که غیر قابل تحمل گردد و خلاصی از آن، جز سقط جنین

راهی دیگری ندارد، در این صورت تا روح در جنین دمیده نشده است سقط، جایز است و اما پس از دمیده شدن روح در جنین سقط آن به هیچ وجه جایز نیست.

**مسأله ۴۵۱—** گاهی پزشکان، چنان تشخیص می‌دهند که جنین

بیماری خطرناکی دارد و اگر زاده شود او ناقص الخلقه خواهد بود و یا پس از اندک زمانی، خواهد مرد و پزشکان، ترجیح می‌دهند که جنین را ساقط کنند آیا چنان حقی را دارند؟ و آیا مادر می‌تواند خود را در اختیار پزشکان قرار دهد تا جنین او را در آورند؟ و سرانجام دیه او به عهده کیست؟

جواب: تنها بدین جهت که جنین ناقص الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواند بود، مجوز سقط جنین نمی‌شود پس مادر نمی‌تواند اجازه چنین کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی‌توانند جنین را خارج کنند و دیه بر عهده کسی است که عملاً به چنان کاری دست زده است.

**مسأله ۴۵۲—** آیا مادری که فرزند نمی‌خواهد می‌تواند جنین خود را

قبل از حلول روح بیندازد در حالی که مانند جنین، خطری جدی برای مادر ندارد؟ جواب: او چنان حقی را ندارد مگر آن که بقای جنین برای مادر موجب زحمت فوق العاده و طاقت فرسا باشد.

## فصل ۸

### مسائل جوانان

بسیاری از جوانان مسلمان به قصد تحصیل، به برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی وارد می‌شوند و به طور موقت و یا دائم در آنجا می‌مانند. و چون هر جوان مسلمان خود را متعهد می‌داند خواه ناخواه با مشکلات و سؤالات خاصی رو به رو می‌شود و خواهان پاسخ مناسب است. و به همین سبب، من پاره ای احکام شرعی را برای آن جوانان متعهد که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند، توضیح می‌دهم.

**مسئله ۴۵۳—** فقها به صراحت فرموده اند: به زنان نامحرم نمی‌توان به قصد ریه و لذت نگریست، و منظورشان از لذت، نگاه شهوت آلود و مرادشان از ریه، بیم وقوع در حرام است.

**مسئله ۴۵۴—** نگاه کردن به زنان بی حجابی که اگر آنان منع شوند، اعتنا نمی‌نمایند، جایز است اما نه به قصد لذت جنسی. پس می‌توان به رو، دو دست، دو پا و هر عضوی از اندام را که معمولاً باز می‌گذارند، اگر چه باز هم باشد نمی‌توان نگریست. وانگهی نگاه نباید از روی شهوت و میل جنسی باشد و بیننده، بیم وقوع در گناه، نداشته باشد.

**مسئله ۴۵۵—** مرد به مرد و زن به زن نمی‌توانند از روی شهوت جنسی بنگرند.

**مسئله ۴۵۶—** لواط و هم جنس بازی حرام است چنانکه مساحقه که هم جنس بازی زنان است، حرام می‌باشد.

**مسأله ۴۵۷-** استمنا، به هر وسیله باشد حرام است.

**مسأله ۴۵۸-** بنا بر احتیاط واجب، نگاه به عکس‌های قبیح و فیلم‌های

باز اگر چه بالذت جنسی و یا ریه هم نباشد، حرام است.

**مسأله ۴۵۹-** خانه‌های فساد، دستگاهی تولید کرده اند که

ویژگی‌های دستگاه تناسلی زن را دارد و مرد می‌تواند آن را به هنگام خواب روی آلت تناسلی خود قرار دهد و با آن مأنوس شود بنا بر احتیاط واجب آن را استعمال نکند اگر چه قصد انزال هم نداشته باشد و در این مسأله همسر داشتن و نداشتن فرق نمی‌کند.

**مسأله ۴۶۰-** مرد می‌تواند برای جلوگیری از بارداری همسرش از

کاندوم (کاپوت) استفاده کند اما بنا بر احتیاط واجب، باید رضایت او را به دست آورد.

**مسأله ۴۶۱-** هیچ مرد مسلمانی نمی‌تواند به استخرهای مختلط و یا

دیگر اماکن فساد برود در صورتی که گناه به دنبال آن باشد بلکه بنا بر احتیاط واجب هر چند حرام هم به دنبال نداشته باشد از رفتن به آنگونه جاها خودداری کند.

**مسأله ۴۶۲-** هیچ مرد مسلمانی نمی‌تواند با یک زن نامحرم دست

بدهد مگر با مانعی مثل دستکش و غیره، و اگر دست ندادن، وی را به ضرر و زحمت غیر قابل تحمل بیندازد در این صورت مصاحفه و دست دادن، فقط به اندازه ضروری جایز می‌شود.

**مسأله ۴۶۳—** یک مرد جوان می‌تواند خواهر جوان و یا خاله، عمه و یا دختران کوچک را از روی مهر و محبت و بدون شهوت ببوسد اما توأم با شهوت، جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۴۶۴—** بازی با شطرنج حرام است اعم از آنکه با پول و برد و باخت باشد و یا بدون آن. و همچنین بازی مزبور به وسیله دستگاه کامپیوتر در صورتی که هر دو طرف بازی، دستگاه باشند حرام می‌باشد و بنابر احتیاط واجب اگر یک طرف بازی شخص و طرف دیگر دستگاه کامپیوتر باشد باز چنان بازی، ترک شود.

**مسأله ۴۶۵—** بازی با همه انواع آلات قمار، حرام است مانند ورق، اگر گرو در میان بگذارند و بنابر احتیاط واجب اگر چه گرو هم در میان نباشد باز، ترک شود.

**مسأله ۴۶۶—** بازی و مشاهده ورزش‌هایی مثل فوتبال، بسکتبال، والیبال، کایت، پینگ پونگ و جز آنها چه در میدان‌های ورزش، باشگاه‌ها و استادیوم‌ها و یا بر روی صفحه تلویزیون جایز است اعم از آن که پولی پرداخت شود و یا نه به شرط آن که چنان کاری، به عمل حرام نکشد مثل نگاه شهوت و هوس آلود و یا ترک نماز.

**مسأله ۴۶۷—** تمرین کشتی و بوکس، بدون گرو و با پول اگر موجب ضرر و آسیب جدی بدنی نباشد جایز است.

**مسأله ۴۶۸—** بنابر احتیاط واجب، مرد نباید ریش خود را بتراشد هم چنانکه جایز نیست موی چانه را نگاهدارد و بقیه موی صورت را بتراشد هم.

**مسأله ۴۶۹**— مرد اگر به قصد معالجه و امثال آن و یا به سبب ضرر و زیان و یا زحمت فوق العاده و یا استهزاء و مسخره مردم که غیر قابل تحمل است، ناچار شود ریش خود را بتراند، چنان کاری جایز است. و اینک نمونه‌هایی از استفتائها و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی:

**مسأله ۴۷۰**— پدری به دوست فرزند خود می‌سپارد که رفتار او را زیر نظر بگیرد و پس از مدتی از آن دوست راجع به نوع رفتار فرزندش سؤال می‌کند آیا آن دوست جایز است برخی خصوصیات پسران را که دوست ندارد پدر از آنها آگاه شود برای پدر وی باز گو کند؟

جواب: جایز نیست مگر زمانی که آن خصوصیات، گناهی باشد که جلوگیری از آن واجب است و با کمتر از افشای راز میسر نباشد.

**مسأله ۴۷۱**— مقصود از این جمله که گویند: نگاه اول برای تو و نگاه دوم به ضرر تو می‌باشد چیست؟

و آیا نگاه نخست را می‌توان طول داد و در زن دقت کرد طوری که هنوز نگاه اول باشد چنانکه برخی می‌پندارد؟

جواب: ظاهراً، مقصود از آن جمله فرق گذاشتن میان دو نوع نگاه است به این معنی که نگاه اول معمولاً اتفاقی و گذراست و هرگز به هدف لذت جویی نیست بر خلاف نظر دوم که هدف دار و همراه نوعی شهوت است و بدین جهت مضرّ می‌باشد چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: نگاه پس از نگاه، در دل تخم شهوت افشاند و بیننده را به فتنه اندازد و به هر

حال مقصود از نگاه اول، اول عددی نیست هر چند در شروع هدف دار بوده باشد چنانکه منظور از نگاه دوم نگاهی است که به هدف چشم چرانی و معصیت صورت بگیرد نه آنکه یک لحظه به دور از شهوت بنگرد.

**مسئله ۴۷۲**— در حرمت نگاه به زن نامحرم عبارت‌هایی به کار می‌رود که لا اقل برای عده ای چندان واضح نیستند مثل ریبه، لذت و شهوت، لطفاً توضیح دهید آیا همه این عبارت به یک معنی است؟

جواب: مقصود از کلمه‌های لذت و شهوت، لذت جویی و شهوت جنسی است و نه هر لذت و شهوت طبیعی که از نگاه به منظرهای زیبا و دل‌انگیز حاصل می‌شود و منظور از ریبه، بیم گرفتاری به گناه است.

**مسئله ۴۷۳**— مرز لذت حرام چیست؟

جواب: پایین‌ترین مرز لذت حرام، نخستین مرتبه احساس جنسی است.

**مسئله ۴۷۴**— در مدارس رسمی انگلستان و شاید برخی کشورهای غربی دیگر برای دختران و پسران جوان، ماده درسی ویژه‌ای در زمینه مسائل جنسی می‌گنجانند و آن را با تصویر و مانکن آلت تناسلی همراه می‌کنند آیا شاگردان جوان در چنین کلاسی می‌توانند حاضر شوند و آیا والدین باید جلو فرزندان را بگیرند هرگاه جوان خود به شرکت در آن کلاس رغبت نشان دهد و بپندارد که این اطلاعات در آینده برای او مفید خواهد بود؟



جواب: اگر حضور در این کلاس همراه با حرام نباشد مانند نگاه شهوانی و یا در اثر آموزش جنسی به انحراف اخلاقی کشیده نشود مانعی ندارد.

**مسأله ۴۷۵** — آیا در مجالس بانوان و در حضور آنان می‌توان غزل‌های عاشقانه خواند اعم از آنکه هدف عشق بازی با آنان باشد یا نه؟ به ویژه اگر آن زنان دارای همسر نباشند و آن اشعار غزلی در وجود آنان موثر واقع شود؟

جواب: چنان کاری جایز نیست.

**مسأله ۴۷۶** — آیا جایز است با بانوان، عاشقانه بدون لذت جنسی و یا ریبه و یا فرخوانی به فعل حرام، صحبت کرد؟  
جواب: بنا بر احتیاط جایز نیست.

**مسأله ۴۷۷** — آیا غزل‌سرایی به شعر و یا غیر شعر، با یک زن معین و یا عموم زنان، جایز است؟

جواب: اگر در آن غزل‌ها، درخواست حرام نباشد و یا مفسده دیگر را در پی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

**مسأله ۴۷۸** — آیا جایز است با بانوانی بدون لذت جنسی هم صحبت شد به آن قصد که نسبت به یکی از ایشان شناخت پیدا کند و سپس پیشنهاد ازدواج موقت دهد؟

جواب: اگر صحبت، از اندازه خارج نباشد و طوری نشود که با زن بیگانه و نامحرم آنگونه صحبت نمی‌کنند، مانعی ندارد.

**مسأله ۴۷۹—** در اروپا چنان مد شده است که مردان گوشواره‌های زنانه در یک و یا هر دو گوش می‌آویزند آیا تچنین عملی، جایز است؟  
جواب: اگر طلا باشد جایز نیست و بنابر احتیاط، به طور مطلق جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۴۸۰—** اگر کسی اولین بار ریش خود را بتراشد و حرام مرتکب شود آیا او در نوبت‌های بعدی می‌تواند تیغ بر صورتش بگذارند؟  
جواب: احتیاط واجب ترک آن است.

**مسأله ۴۸۱—** گاهی برخی شرکت‌های اروپایی برای استخدام در شرکت خود امتیازی برای افراد ریش تراشیده قایل می‌شوند آیا جایز است برای استخدام در آن شرکت، ریش را تراشید؟

جواب: بنابر حرمت ریش تراشی، چنانکه مقتضای احتیاط است مطلب فرضی سؤال، جایز نمی‌شود.

**مسأله ۴۸۲—** آیا تراشیدن موی صورت و باقی گذاشتن مو بر چانه حرام است؟

جواب: بنابر احتیاط، ریش تراشی حرام است و تراشیدن موهای صورت که بر روی دو فک رویده مشمول حکم ریش تراشی است اما تراشیدن موی گونه‌ها، اشکال ندارد.

**مسأله ۴۸۳—** آیا انواع قمار را می‌توان با ماشین حساب و یا کامپیوتر، بازی کرد بدون برد و باخت و یا حتی با وجود برد و باخت؟ جواب: جایز نیست و آن در حکم قمار بازی با وسایل معمولی است.

**مسئله ۴۸۴**— برخی بازی‌های حلال و از آن جمله بازی زر، جایز

است؟

جواب: اگر زر از وسایل مخصوص قمار نباشد مانعی ندارد که بدان وسیله بازی کنند.

**مسئله ۴۸۵**— آیا نگاه کردن به قسمت‌هایی از اندام زنان غیر مسلمان

که در تابستان عادت به پوشاندن آن ندارد جایز است؟

جواب: اگر لذت جنسی و یا خوف وقوع در حرام نباشد، مانعی

ندارد.

**مسئله ۴۸۶**— آیا نگاه کردن به عکس زن با حجابی که در عکس

بدون حجاب است، جایز است؟

جواب: احتیاط آن است که به غیر از صورت و دو دست از آن

عکس نگاه نشود و اما صورت و دو دست بدون ریه و لذت جنسی، جایز

می‌باشد.

**مسئله ۴۸۷**— آیا نگاه به تصویر تلویزیونی و غیر تلویزیونی زنان غیر

مسلمانی که پوشش ندارد و برهنه و یا شبه برهنه هستند جایز است؟ آن هم

به قصد کنجکاوی و امثال آن، با این که اطمینان نداریم لذت جنسی حاصل

شود. و در خیابان‌ها نگاه به زنان نه به آن قصد که گذشت بلکه به نیت

تحریک شدن مرد نسبت به همسر خود، چطور است؟

جواب: نگاه کردن به صحنه‌های برهنه، به طور مستقیم و یا در صفحه تلویزیون و امثال آن جایز نیست بلکه احتیاط واجب آن است به طور مطلق به آن مناظر نگاه نکند.

**مسئله ۴۸۸-** آیا دیدن میان پرده‌های تحریک کننده با این که مطمئن نیستیم در ما اثر نگذارد جایز است؟

جواب: اگر در آن میان پرده‌ها، برهنه باشند بنابر احتیاط نگاه نشود.

**مسئله ۴۸۹-** آیا به فیلم‌های جنسی بدون لذت جنسی می‌توان نگرست؟

جواب: به طور مطلق جایز نیست.

**مسئله ۴۹۰-** در برخی کشورها، ایستگاه‌های تلویزیونی ویژه‌ای وجود دارد با کانال‌های اختصاصی که ماهانه حق اشتراک دریافت می‌کنند و در غیر نیمه شب برنامه‌هایی که به فساد اختصاص ندارد ارائه می‌دهند اما از نیمه شب به بعد فیلم‌های باز و برهنه پخش می‌کنند آیا شرکت در چنان امر و پرداخت حق اشتراک جایز است؟

جواب: جایز نیست مگر آن که به خود و دیگران اطمینان داشته باشد که برنامه‌های فاسد را نگاه نخواهند کرد.

**مسئله ۴۹۱-** در برخی کشورها کسی که وارد مجلسی می‌شود با همه و حتی بانوان بدون لذت جنسی دست می‌دهد و اگر از دست دادن با زنان خودداری کند چنان رفتاری خارج از نزاکت به حساب آمده و غالباً

توهین به زن و تحقیر او شمرده می‌شود و به نظر ایشان عکس العمل منفی به دنبال دارد آیا در این صورت دست دادن با زنان نا محرم جایز است؟

جواب: جایز نیست و باید موقعیت را بسنجد یا با هیچ کس دست ندهد و یا دستکش به دست کند و اگر چنین چیزی ممکن نشد و امتناع از دست دادن هم زحمت فوق العاده ایجاد کرد در این صورت جایز است و همه این حرف‌ها در جایی است که حضور در چنان مجلسی لازم و ضروری باشد و در غیر این صورت حضور در آن مجلس که مستلزم فعل حرام است، جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۴۹۲—** در کشورهای اروپایی دست دادن به عنوان سلام و درود مطرح است گاهی ترک آن کار به محرومیت و اخراج از کارخانه و مدرسه و امثال آن می‌کشد، آیا یک مرد و یا یک زن مسلمان می‌تواند در چنین حالات استثنایی دست بدهد؟

جواب: اگر با پوشیدن دستکش و امثال آن نمی‌شود از آن مشکل رهایی یافت جایز است مرد و یا زن مسلمان با دیگری مصافحه کند آنجا که ترک چنان کاری موجب ضرر و زیان طاقت رسا می‌شود.

**مسأله ۴۹۳—** آیا مسلمانی که در اروپا زندگی می‌کند می‌تواند با یک زن غیر مسلمان ازدواج کند آنجا که زن مسلمان پیدا نمی‌شود و اختلاف زبان، دین و تعلیم و تربیت و ارزش‌ها و عادت و آداب اجتماعی فراوان فرق می‌کند؟!

جواب: بنا بر احتیاط، ازدواج دائم با زن کتابی جایز نیست و اما ازدواج موقت هر چند که جایز است اما توصیه می‌کنیم که آن نیز ترک شود زیرا به تولید مثل منتهی می‌شود و این در صورتی است که او دارای همسر مسلمان نباشد اعم از حضور و یا غیاب. و گرنه بدون اجازه او ازدواج موقت هم جایز نیست بلکه بنا بر احتیاط واجب اگر همسرش اجازه هم بدهد باز جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۴۹۴**— بعضی شرکت‌ها، دستگاهی ساخته اند مانند آلت تناسلی زن که بعضی مردان به هنگام خواب و به قصد لذت جنسی آن را روی آلت تناسلی خود می‌گذارند آیا این کار نوعی استمنای حرام به حساب می‌آید؟

جواب: اگر عادتاً موجب خروج منی می‌شود و یا مقصود او خروج منی باشد و منی بیرون آید حرام است بلکه احتیاط واجب آن است که با وجود اطمینان به عدم خروج منی باز اجتناب شود.

**مسئله ۴۹۵**— روبوسی و معانقه مردان با یکدیگر از روی شهوت جنسی چطور است؟ و اگر مسئله از این حد هم بگذرد و به برخی کارهای ناشایست برسد چطور است؟

جواب: همه این کارها حرام است هر چند که درجه حرمت‌ها، متفاوت می‌باشد.

## فصل ۹

### مسائل بانوان

در شریعت اسلام برای بانوان احکام ویژه ای وجود دارد که در کتاب‌های مفصل فقهی طی باب‌های مختلف آمده است. و در نتیجه زندگی کردن بانوان در یک محیط غیر اسلامی آنگونه که در آمریکا و اروپا هم اکنون پیش آمده شرایط تازه ای به وجود آورده است که مسائل نو و پاسخ‌های متناسب می‌طلبد و من الآن برخی از آنها را ذکر می‌کنم شاید خوانندگان محترم از آنها بهره ببرند.

**مسئله ۴۹۶—** هر زنی می‌تواند صورت و دو دست خود را در مقابل مرد نامحرم باز بگذارد به شرط آنکه خوف وقوع در حرام نباشد تحریک نامحرم به نگاه و به طور کلی فتنه انگیزی هدف نباشد و گرنه پوشاندن آنها حتی از محرم‌ها نیز واجب می‌شود.

**مسئله ۴۹۷—** زن نمی‌تواند روی پاهای خود را برای نامحرم باز کند اما در نماز رو و کف هر دو پا را اگر مرد بیگانه ای نبیند می‌تواند باز بگذارد.

**مسئله ۴۹۸—** زنان می‌توانند بر چشمان خود سرمه بکشند و در دست خود انگشتر کنند به شرط آنکه قصد و نیتشان از این کار تحریک شهوت مردان بیگانه نباشد و نیز از وقوع در حرام ایمن باشند و گرنه واجب است آنها را حتی از محرم‌ها نیز بپوشانند.

**مسأله ۴۹۹—** زنان می‌توانند برای انجام کارهایی از خانه بیرون روند و از عطر برای خوشبو کردن بدن خود استفاده کنند هر چند که ممکن است مردان نامحرم بو را استشمام کنند به شرط آن که چنان کاری، مردان بیگانه را تحریک نکند و یا قصد زنان، جلب توجه مردان و گرفتار کردن آنان نباشد.

**مسأله ۵۰۰—** زن می‌تواند به تنهایی سوار اتومبیلی شود که راننده آن مرد بیگانه ای است به شرط آن که از افتادن در شرّ و فتنه ایمن باشد.

**مسأله ۵۰۱—** جایز نیست زن با آلت تناسلی خود بازی کند تا به اوج لذّت جنسی برسد و انزال کند و اگر چنین کرد غسل بر او واجب می‌شود به شرط رسیدن به اوج لذّت و خروج مایع به بیرون و آن غسل از وضو کفایت می‌کند.

**مسأله ۵۰۲—** زن نازا نمی‌تواند آلت تناسلی خود را پیش پزشک باز کند مگر آن که ضرورت ایجاب کند و اولاد دار شدن مستلزم چنان کاری باشد و یا بی فرزندی او را در زحمت طاقت فرسایی که تکلیف از میان می‌برد بیندازد.

**مسأله ۵۰۳—** شایسته است که بچه از شیر مادر تغذیه کند و در حدیث آمده است شیری که طفل از پستان مادر می‌نوشد از هر چیزی برایش با برکت تر است و نیکو آن است که طفل بیست و یک ماه شیر مادر بخورد و سزاوار نیست که کمتر از آن باشد و چنان که سزاوار نیست دوران



شیرخوارگی بیشتر از دو سال باشد و اگر پدر و مادر توافق کنند که طفل را قبل دو سالگی از شیر بگیرند، بهتر است.

**مسئله ۵۰۴-** کارهایی مثل آشپزی، خیاطی و نظافت و شستن جامه‌ها که ربطی به مسائل جنسی ندارد بر همسر واجب نمی‌باشد بلی مستحب است او به چنان کارها و آماده سازی خانه برای زندگی پردازد.

**مسئله ۵۰۵-** شنیدن صدای زن نامحرم بدون لذت شهوانی و نبودن ریه و خوف واقع شدن در حرام جایز است. و هم چنین زن می‌تواند صدایش را به گوش مردان نامحرم برساند به شرط آنکه خوف وقوع در حرام در میان نباشد ولی زن نمی‌تواند صدایش را نازک و زیبا سازد طوری که برای شنونده تحریک کننده باشد هر چند برای محارمش.

**مسئله ۵۰۶-** اگر زنی برای درمان بیماری اش ناچار شود که به پزشک حاذق مرد مراجعه کند و آن مستلزم نگاه و لمس باشد چنان کاری جایز است و در صورت امکان کفایت کردن به یکی، دومی جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۰۷-** بعضی از علما برای مصلحت زن و شوهر و خانواده و برای آنکه لذت‌های جنسی را در چهارچوب خانواده، مهار کنند، حجاب و پوشش را برای بانوان لازم می‌دانند.

**مسئله ۵۰۸-** فیلمساز مشهور جهانی (آلفرد هیچکاک) می‌گوید: زن شرقی ذاتاً جاذبه جنسی بیشتری دارد و این جاذبه مایه نیرومندی او گشته است اما در اثر کوشش‌هایی که زن شرقی خواسته است بدان وسیله خود را

همانند زن غربی کند و کم کم حجاب را کنار گذاشته به همان نسبت که از حجاب فاصله گرفته از جاذبه جنسی اش کاسته شده است.

**مسأله ۵۰۹—** ویل دو رانت در بررسی اصول رفتار جنسی زن

می گوید:

زن از اوّل دانست که نباید خود را دست کم گرفته و خویشان را خوار و زبون قلمداد کند و همین را به دخترانش یاد داد پس زن با تمایل غریزی به عفت و حیاء و پوشاندن اندام خویش، ارزش خود را بالا برد و در نظر مردان، عزیز و دارای موقعیت گردید.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی دام

ظله العالی.

**مسأله ۵۱۰—** در آغوش گرفتن، بوسیدن و بازی به قصد لذت جنسی،

زنی با هم جنس خودش، چه حکمی دارد؟ و اگر کار از این مراحل بگذرد و به کارهای ناشایست دیگر برسد چطور است؟

جواب: همه این کارها حرام است با اختلاف و شدت و ضعف در

درجات حرمت.

**مسأله ۵۱۱—** بیشتر اوقات، بانوان نیاز به پرسش مسائل از یک عالم

دینی پیدا می کنند آیا آنان می توانند با صراحت و بی پرده سؤال کنند؟ و آیا

آن عالم هم حق دارد صریح، جواب دهد؟

جواب: بلی هر دو طرف به قصد آموزش مسائل شرعی می توانند سؤال و جواب صریح و بی پرده مطرح کنند اما بر هر دو واجب است که صدق نیت داشته و عفت کلام را حفظ کنند.

**مسأله ۵۱۲**— از آلت تناسلی زن، به هنگام ملاحظه، مایعی لزج و چسبنده ترشح می شود که اگر بازی ادامه پیدا کند چه به اوج هیجان جنسی که به عربی آن را قذف نامند می رسد و ترشح آن مایع رو به فزونی می نهد آیا در اولین مرحله ترشح، غسل بر او واجب می شود؟ و در مرحله نهایی که غسل بر او واجب می شود آیا آن غسل، کفایت از وضو می کند؟

جواب: به مجرد جریان مایع لزج، غسل بر او واجب نمی شود و در مرحله نهایی که غسل بر او واجب است، آن غسل در مواردی که طهارت از جنابت شرط است، از وضو کفایت می کند.

**مسأله ۵۱۳**— در موسم حج، برخی بانوان، داروهای طبی می خورند تا عادت ماهانه را با تأخیر اندازد اما در همان روزهای عادت، به طور منقطع خون می بینند آیا چنان خونی، حیض است؟

جواب: اگر سه روز پی در پی خون ببیند اگر چه در درون رحم باشد حیض است و گرنه احکام حیض را ندارد.

**مسأله ۵۱۴**— عده ای از زنان با حجاب مسلمان، عادت کرده اند که جانه و قسمتی از زیر چانه را باز می گذارند اما گردن را می پوشانند. آیا چنین کاری جایز است؟ و چه اندازه ای از صورت را می توان باز گذاشت و آیا گوش ها را هم می توان بیرون گذاشت.

جواب: صورت شامل دو گوش نمی‌شود، پس پوشاندن آنها واجب است اما چانه و مقدار اندکی از زیر چانه، در حکم صورت می‌باشد.

**مسئله ۵۱۵—** آیا با پیر زنان بیگانه و کهنسال که امیدی با ازدواج

ندارند، می‌توان دست داد؟ و عمر تقریبی باز نشستگی زنان چیست؟

جواب: دست زدن به بدن زن بیگانه به طور مطلق مگر به هنگام ضرورت، جایز نیست و بازنشستگی، زمان تقریبی ندارد و آن بستگی به حالات زنان دارد ولی ملاک باز نشستگی در قرآن کریم، نومیدی از نکاح و زناشویی به علت کهنسالی است.

**مسئله ۵۱۶—** اگر پوشیه و نقاب زدن بر چهره در یک شهری مایه

شگفتی و پرس و جو شود و لباس شهرت تلقی گردد واجب است آن را کنار گذاشت؟ جواب: واجب نمی‌شود مگر زمانی که پوشیه زدن بر صورت توجه بیشتری را جلب کند و یا مردم شهر آن را زشت و غیر عادی بشمارند و لباس شهرت به حساب آید که کنار گذاشتن آن واجب است.

**مسئله ۵۱۷—** آیا زن با حجاب تنها می‌تواند از مرد نامحرم رانندگی

یاد بگیرد در صورتی که هنگام آموزش، بیم وقوع در حرام هم نباشد؟ جواب: با وجود ایمنی از فساد، جایز است.

**مسئله ۵۱۸—** برخی آرایشگاه‌های زنانه به کارگر زن، احتیاج دارند

آیا یک زن مسلمان می‌تواند در چنین آرایشگاهی مشغول کار شود و زنان بی حجاب را اعم از مسلمان و غیر مسلمان که در برابر مردان نامحرم، آرایش کرده ظاهر می‌شوند، آرایش کند؟

جواب: اگر آرایش کردن آنان، نوعی ترویج فساد و اشاعه گناه، محسوب گردد او چنان حقی را ندارد اما تحقق این عنوان، بعید به نظر می‌رسد.

**مسئله ۵۱۹-** زنی که روی خود را نمی‌گیرد می‌تواند موهای صورت و ابروان را بردارد و پودر طبیعی و سبک بر صورت بزند؟  
جواب: برداشتن موی صورت، و باریک کردن ابروان، مانع از باز گذاشتن رو نمی‌شود به شرط آنکه از وقوع در حرام، ایمن باشد و باز گذاشتن صورت به انگیزه نگاه نامحرمان، نباشد اما پس از به کار بردن پودر و وسایل آرایشی، پوشاندن صورت واجب است.

**مسئله ۵۲۰-** رنگ کردن همه و یا قسمتی از مو به نیت جلب توجه در مجالس بانوان برای ازدواج، جایز است؟  
جواب: اگر، تنها برای آرایش باشد و جنبه فریبکاری و عیب پوشی و یا کم نشان دادن سن نباشد، مانعی ندارد.

**مسئله ۵۲۱-** اگر زنی کلاه گیس بر سر گذارد و بدانوسیله موی حقیقی را بپوشاند آیا او می‌تواند صورت خود را به نیت آرایش و استتار، گریم کند و خود را به غیر آنچه هست نشان دهد؟  
جواب: استفاده از کلاه گیس به نیت زینت به شرط آن که آن را از نامحرمان بپوشاند جایز است.

**مسئله ۵۲۲-** آیا یک زن جوان می‌تواند جوراب نایلون به رنگ پا که ساق پا را زیباتر نشان می‌دهد به عنوان حجاب بپوشد؟

جوبا: پوشیدن چنان جورابی اشکالی ندارد اما اگر آن، زینت به حساب آید باید آن را از دید نامحرمان پوشاند.

**مسأله ۵۲۳—** آیا پوشیدن جورابی که ساتر است اما پا را مجسم

می‌کند، جایز است؟

جواب: پوشیدن چنان جورابی فی حد ذاته جایز است.

**مسأله ۵۲۴—** پرستاری مسلمان، در یک کلینیک کار می‌کند و به

مقتضای شغلش به اندام مردان اعم از مسلمان و غیر مسلمان دست می‌زند آیا چنین عملی جایز است؟ با علم به اینکه او ناگزیر است کار کند و کار، کمتر پیدا می‌شود وانگهی آیا فرقی میان لمس اندام مسلمان و غیر مسلمان، هست؟

جواب: جایز نیست زن به اندام مرد نامحرم دست بزند اعم از مسلمان و غیر مسلمان مگر آنکه ضرورتی پیش آید که برطرف کننده حرمت باشد.

**مسأله ۵۲۵—** بانویی کفش پاشنه بلند می‌پوشد و به هنگام راه رفتن،

صدا تولید می‌کند و توجه بر انگیز است آیا پوشیدن چنین کفشی جایز است؟ جواب: اگر به انگیزه توجه مردان و یا فتنه انگیزی باشد، جایز نیست.

**مسأله ۵۲۶—** آیا زن می‌تواند از انگشتر زینتی و یا دست بند و یا

گردن بند به قصد آرایش استفاده کند و آیا چنان کاری حلال است یا حرام؟ جواب: چنان کاری حلال است اما پوشاندن آنها از نامحرم، واجب می‌باشد مگر انگشتر و النگو به شرط ایمن بودن از وقوع در حرام و یا آشکار کردن آنها به انگیزه جلب توجه نامحرمان نباشد.

**مسئله ۵۲۷-** در کشورهای غربی متدوال شده که لنزهای رنگی بر چشم می‌چسبانند آیا چنان کاری به قصد آرایش و آشکار شدن در برابر انظار مردان نا محرم، جایز است؟

جواب: اگر زینت حساب شود جایز نیست.

**مسئله ۵۲۸-** آیا خرید و فروش تخمک زن، جایز است؟

جواب: جایز است.

**مسئله ۵۲۹-** موی سر برخی بانوان در شرایطی می‌ریزد آیا آنان می‌توانند به پزشک مرد مراجعه کنند و به قصد درمان، موهای خود را به او نشان دهند اعم از آنکه ریزش مو برایشان زحمت داشته باشد و یا فقط به نیت زیبایی مراجعی کنند؟

جواب: با وجود زحمت طاقت فرسا جایز است والا جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۳۰-** آیا یک زن مسلمان می‌تواند در مغرب زمین به

دانشگاه‌هایی برود که میان دختران و پسران، روابط آزاد وجود دارد؟

جواب: اگر او مطمئن است که می‌تواند دین خود را حفظ کند و به مسئولیت‌های شرعی از جمله: حجاب، و دوری از لمس حرام و تأثیر ناپذیر از محیط فاسد و انحراف، مواظبت نماید، جایز است و گرنه جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۳۱-** در برخی کشورهای غربی، صورتگرانی در ازاء دریافت

مبلغی، با دقت در چهره اشخاص تصویر آنها را رسم می‌کنند آیا یک زن باحجاب می‌تواند در مقابل چنین صورتگرانی قرار بگیرند تا با دقت در چهره او صورتش را ترسیم کنند؟

جواب: شایسته نیست یک زن با حجاب چنان کند.

**مسئله ۵۳۲—** آیا بانوان می توانند به انواع مختلف ورزش کشتی بپردازند و آیا آنان می توانند اندام لخت کشتی گیران را مستقیم و یا در صفحه تلویزیون بدون لذت جنسی تماشا کند؟

جواب: هر چیزی که به انسان ضرر بزند حرام است و بنابر احتیاط واجب، زن، اندام مرد نامحرم را بدون لذت حتی در صفحه تلویزیون هم ننگرد مگر دست و پا آنچه که معمولاً، پوشانده نمی شود.

**مسئله ۵۳۳—** آیا بانوان می توانند اندام مردانی را که برای عزاداری (سینه زنی و زنجیر زنی) لباس خود را در می آورند، نگاه کنند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، چنان نکنند.

**مسئله ۵۳۴—** کسی برای رضای خدا دختر خردسالی را سرپرستی کرده و اکنون او به سن بلوغ رسیده است آیا دختر برای این مرد نامحرم است؟

جواب: بلی، او همانند دیگر زنان اجنبی برای او نامحرم است.

**مسئله ۵۳۵—** بارداری نا مشروع یک دختر برای او بسیار سخت و احیاناً به آبروی خانوادگی او لطمه وارد می کند آیا او می تواند جنین را سقط کند؟ جواب: اگر بارداری به اندازه ای زحمت داشته باشد که طاقت فرسا شده و راه نجاتی جز سقط جنین، وجود نداشته باشد قبل از حلول روح در جنین، چنان عملی جایز است.



**مسأله ۵۳۶-** آیا یک زن می‌تواند کت و شلوار بپوشد و در خیابان‌ها و

بازارها راه بیفتد؟

جواب: اگر آن جامه بر جستگی‌های اندام او را مشخص کند و یا سبب فتنه‌انگیز شود، جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۵۳۷-** بر سر گذاشتن کلاه گیس به نیت خوشگل‌تر شدن

و مورد توجه بانوان قرار گرفتن در مجالس ویژه خانم‌ها جهت پیدا شدن خواستگار، جایز است؟ و آیا چنان کاری عیب پوشی به حساب می‌آید؟

جواب: اگر تنها به نیت آرایش باشد و نه فریبکاری و عیب پوشی از چشم خواستگاران، چنان کاری اشکال ندارد.

**مسأله ۵۳۸-** آیا بانوان حائض می‌توانند بیشتر از هفت آیه از قرآن

بخوانند به جز آیات سجده و اگر چنان کاری جایز و مکروه باشد معنی کراهت آن چیست؟

جواب: تلاوت بیش از هفت آیه به جز آیات سجده که به کلی نیست کراهت دارد و معنای کراهت در اینجا کمتر بودن ثواب می‌باشد.

## فصل ۱۰

### احکام موسیقی

برخی از مردمان مسلمان در کشورهای غیر اسلامی و حتی احیاناً در خود کشورهای اسلامی معمولاً به آهنگ‌ها، موسیقی‌ها، آوازهای خوانندگان، پایکوبی رقاصان در گوشه و کنار خیابان‌ها، مدرسه‌ها، خانه‌های همسایگان و در اتومبیل‌ها و اتوبوس‌ها در حال حرکت، گوش می‌کنند و چون گاهی اوقات، آن صداها گوش خراش است خودبه خود این سؤال پیش می‌آید آیا این آهنگ‌ها آوازها را می‌توان گوش کرد؟ آیا رقص برای ماجاز است؟

مادر ذیل، به این سؤالات پاسخ می‌دهیم.

**مسئله ۵۳۹—** موسیقی، هنر و فنی است از هنرها و فنون بشری و در زمان‌های اخیر رواج بیشتری دارد. برخی از انواع آن حلال است و می‌توان به آن گوش داد و برخی دیگر حرام می‌باشد و گوش دادن به آن جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۴۰—** موسیقی حلال، آن است که با مجالس لهو و لعب تناسب ندارد و به عکس آن، موسیقی حرام به موسیقی ای گفته می‌شود که با مجالس لهو و لعب هماهنگی دارد.

**مسئله ۵۴۱—** مقصود از جمله ((متناسب با مجالس لهو و لعب)) این نیست که آن موجب آرامش روحی و تغییر حال و وضع انسان می‌شود که چنان چیزی خوب است و احیاناً موسیقی و آواز حلال نیز آن وضع را به

وجود می آورد بلکه مقصود از آن، این است که شنونده آن خصوصاً اگر با هنر و فن موسیقی آشنا باشد می داند که کدامیک با مجالس لهو و لعب و مشابه آنها، تناسب دارد و آنها یک ندارد.

**مسئله ۵۴۲—** رفت و آمد به جاهایی که در آنها موسیقی حلال پخش می شود، جایز است و گوش دادن به آن حتی مدت طولانی، مادام که به حرام نینجامد بی اشکال می باشد.

**مسئله ۵۴۳—** به اماکن عمومی که در آنها موسیقی حرام پخش می شود، می توان رفت و آمد کرد به شرط آنکه به آن موسیقی از روی عمد و قصد، گوش ندهند مانند سالن ها استقبال و بدرقه مسافران، پاریون ها، پارک های عمومی، رستوران ها، قهوه خانه ها، و امثال آنها، زیرا گوش دادن به موسیقی حرام، ممنوع است نه کشیدن هر صدایی هر چند که از روی عمد گوش ندهیم، حرام باشد.

**مسئله ۵۴۴—** موسیقی حلال را در آموزشگاه های ویژه و یادگیر جاهای مناسب، می توان آموخت.

اعم از آنکه یادگیرنده بزرگسال باشد و یا کوچک به شرط آنکه آمد و رفت به آن اماکن در تربیت و بنیاد دینی او اثر منفی نگذارد.

**مسئله ۵۴۵—** غنا و آواز خوانی حرام است و گوش دادن و کاسب کاری به وسیله آن نیز حرام می باشد و مقصود از غنا و آواز خوانی حرام، آن سخنان لهوی است که به آهنگ های مبتذل در نزد اهل لهو و لعب، می انجامد.

**مسأله ۵۴۶**— خواندن قرآن، دعا، ذکر و ورد با آهنگ‌های شناخته شده در نزد اهل و لهو و لعب، جایز نیست و بنابر احتیاط واجب، جز آنها نیز به صورت شعر و نثر با همان آهنگ، خوانده نشود.

**مسأله ۵۴۷**— حرمت استماع موسیقی و غنای حرام در سنت نبوی مورد توجه قرار گرفته است.

رسول خدا در یک حدیث شریف فرمود: خواننده، زناکار، نی نواز، دف زن، همگی کر و کور و لال از قبر به عرصات محشر وارد کی شوند. و فرمود: هر کس به لهو و غنای حرام گوش دهد در گوش او به روز قیامت مس مذاب، می‌ریزند.

و باز فرمود: غنا و موسیقی حرام و مبتذل، وسیله و راهی به سوی زناست.

**مسأله ۵۴۸**— زن در برابر شوهرش به قصد لذت و تحریک او و جز آن، جایز است بر قصد اما در مقابل مردان دیگر نباید رقص کند و بنابر احتیاط واجب در برابر زنان نیز نرقصد.

**مسأله ۵۴۹**— دست و کف زدن در جشن‌ها، عروسی‌ها و میلادیه‌های مذهبی برای همه زنان و مردان جایز است.

و اینک به نمونه‌های از استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی توجه کنید:

**مسأله ۵۵۰**— راجع به موسیقی حلال و موسیقی حرام، سؤال فراوان می‌شود. آیا می‌توانیم بگوییم:

موسیقی ای که غریزه جنسی را تحریک می کند و مبتذل و شهوت بر انگیز است، حرام می باشد و اما موسیقی ای که آرام بخش اعصاب بوده و روح و روان را راحتی بخشد و یا آهنگ هایی که با فیلم ها همراه است (موسیقی متن) و موسیقی های حماسی و رزمی، موسیقی حلال می باشد؟

جواب: موسیقی حلال، آن است که با مجالس لهو و لعب مناسب نسبت هر چند که ممکن است آرام بخش اعصاب نباشد مانند مارش نظامی و عزا.

**مسئله ۵۵۱-** هم چنانکه از موسیقی حلال و حرام سؤال فروان می شود از آواز خوانی حلال و حرام نیز پرسش فراوان به عملی آید آیا در این باره نیز می توان گفت: آواز خوانی ای که غریزه جنسی و شهوانی را برمی انگیزد و در سطح گسترده به ارضای شهوت جنسی بینجامد، آن آواز خوانی حرام است و اما آواز خوانی هایی که غرائز سلیم خفته را بیدار می کند و نفوس آدمی و افکار انسان را در سطح بالایی ارتقا می بخشد مثل آوازهای دینی، که سیره نبوی و ستایش امامان را زمزمه می کند و یا آوازهای حماسی و سرودهای نشاط آور و سازنده اخلاقی، عرفانی، حلال می باشند؟

جواب: غنا و آواز خوانی به طور کلی حرام است و آن بنابر نظر و رأی برگزیده ما، عبارت است از کلام بیهوده و لهوی که با آواز و آهنگ متناسب در نزد اهل لهو و لعب، اجرا می شود و تلاوت قرآن، دعا و ثنای انبیاء و اولیاء و امامان اهل بیت هم با همین وضع و آهنگ حرام است و خواندن چیزهای دیگر از انواع کلمات غیر لهوی مانند سرودهای حماسی،

رزمی با همان لحن و آهنگ غنایی که یاد شد، بنابر احتیاط واجب حرام است. و اما آوازهایی که تعریف ما بر آن صدق نکند، ذاتاً حرام نمی‌باشد.

**مسئله ۵۵۲**— آیا به آوازخوانی‌های دینی و مدح و ثنای امامان که

همراه موسیقی اجراء می‌شود می‌توان گوش داد؟

جواب: حکم این سؤال از حکم مسئله قبل، معلوم می‌شود.

**مسئله ۵۵۳**— آیا به قرائت قاری که صدایش را ترجیح می‌دهد و

می‌لرزاند، بدون قصد لذت می‌توان گوش داد؟

جواب: اگر آهنگی که در قرائت، از آن آهنگ استفاده می‌شود از

نوع غنای حرام نباشد شنیدن آن، مانعی ندارد.

**مسئله ۵۵۴**— برخی خوانندگان و سرودخوانان، آهنگ و لحن

مردمان فاسق و فاجر را تقلید می‌کنند و قصیده‌هایی در مدح امامان معصوم

می‌خوانند پس مضمون، مخالف آن چیزی است که اهل فسق و فجور بدان

مأنوس اند لیکن اصل لحن و آهنگ مربوط به آنان است آیا چنین آواز

خوانی جایز است و گوش دادن به آن چطور است؟

جواب: بنابر احتیاط، حرام است.

**مسئله ۵۵۵**— آیا بانوان در شب زفاف و عروسی می‌توانند با هر نوع

آهنگی آواز خوانی کنند حتی با آهنگ‌های متناسب مجالس لهو و لعب؟ و

آیا آنان می‌توانند از آلات و ابزار موسیقی استفاده کنند؟ و آیا آن وضع را

می‌توان در مجلس عقد خوانی، شب حنابندان و یا مناسبت‌های دیگر، تکرار

کرد یا مخصوص شب عروسی است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، چنان آواز خوانی‌ها حتی در شب زفاف و عروسی هم ترک شود تا چه رسد به شب‌ها و مناسبت‌های دیگر و حکم موسیقی و آواز خوانی حلال و حرام در مسائل قبل توضیح داده شد.

**مسئله ۵۵۶—** آیا به سرودهای انقلابی همراه پیانو، ساز، دف و نی و

پیانو برقی می‌توان گوش داد؟

جواب: اگر موسیقی و آهنگ پخش شده، از نوع موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب، باشد، گوش کردن به آن، جایز نیست.

**مسئله ۵۵۷—** مقصود از جمله متعارف نزد اهل فسق و فجور

چیست؟

جواب: این جمله، در فتاوی ما نیامده است و آنچه ما در تعریف غنا و آهنگ گفتیم عبارت از جمله آهنگ شناخته شده نزد اهل لهو و لعب است و معنای آن، واضح است.

**مسئله ۵۵۸—** مسلمانی، سهل انگار بوده و اکنون، ملتزم و متعهد گشته

است. آیا او می‌تواند، تنها و یا با دوستانش همانند گذشته بعضی آوازها و موسیقی‌ها را که گوش می‌داده همچنان گوش دهد و آنها را زمزمه کند؟

جواب: با صدق عنوان موسیقی و آواز خوانی حرام، جایز نیست.

**مسئله ۵۵۹—** آوازهایی هستند با لغت بیگانه و با صدای اجنبی و

استادان زبان می‌گویند که یادگیری زبان همراه آن آواز و موسیقی، آسان‌تر است آیا به هدف آموزش زبان به چنان موسیقی و آواز می‌توان گوش داد؟

جواب: اگر غنا و موسیقی حرام بر آن صدق کند گوش دادن به آن، جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۵۶۰**— ابزار و آلات موسیقی، بسیار فراوان و گوناگونند. و در مجالس موسیقی و خوانندگانی مورد استفاده قرار می‌گیرند و گاهی هم، فقط برای راحتی و آرامش روحی نواخته می‌شوند آیا ساختن و خرید و فروش و نواختن آنها به قصد آرامش روحی و گوش دادن به نوازندگی آن کس که بر آنها می‌نوازد جایز است؟

جواب: داد و ستد آلات و ابزار موسیقی حرام و ساختن و گرفتن دستمزد بر آنها، جایز نمی‌باشد و مقصود از آلت لهو حرام آن است که آن، برای چنان کاری ساخته شده و مالیت آن بستگی به چیزی دارد که به آن هدف ساخته شده و جز در لهو حرام مصرف ندارد.

**مسأله ۵۶۱**— آیا ساختن و خرید و فروش آلات موسیقی که برای بازی بچه‌ها و آرام کردن آنها فراهم گشته است جایز است؟ و آیا بزرگسالان می‌توانند از آنها استفاده کنند؟

جواب: اگر موسیقی حاصل از آنها، همان موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب باشد داد و ستد آنها جایز نیست و افراد بالغ و مکلف نمی‌توانند از آنها استفاده کنند.

**مسأله ۵۶۲**— در برخی مدارس رسمی انگلستان برای دانش آموزان رقص یاد می‌دهند و آن را روی آهنگ موزیکی تنظیم و همراه می‌کنند که حرکت رقص کننده را به هنگام رقص توجیه می‌کند آیا در چنین کلاس



درسی می‌توان حاضر شد؟ و اگر دختر و یا پسر جوان برای شرکت در چنان کلاسی، شوق و رغبت نشان دهند بر پدر و مادر واجب است که آنان را منع کنند؟

جواب: حضور دانش آموزان نوجوان، در چنین کلاس‌هایی اگر بر تربیت دینی آنان اثر منفی باقی بگذارد که غالباً چنین است، جایز نمی‌باشد بلکه بنابر احتیاط، به طور مطلق جایز نیست.

**مسئله ۵۶۳-** آیا یادگیری هنر رقص جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط به طور مطلق جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۶۴-** آیا می‌توان مجالس رقصی به پا کرد که در آنها زن و

شوهر با هم و با آهنگ موزیک آرام و جامه‌های رسمی، می‌رقصند؟

جواب: جایز نیست.

**مسئله ۵۶۵-** آیا رقص زنان در جلوی زنان و مردان در جلوی مردان

در یک جشن، آن هم جداگانه با موزیک و یا بدون آن، جایز است؟

جواب: رقص زن و یا مرد به طور کلی، محل اشکال است و احتیاط در ترک

آن است و حکم موزیک در مسائل قبل، گفته شد.

**مسئله ۵۶۶-** آیا زن می‌تواند در برابر شوهرش با موزیک و یا بدون

آن، برقصد؟

جواب: بدون موزیک، جایز می‌باشد.

**مسئله ۵۶۷-** در برخی کشورهای غربی دانش آموزان دختر و پسر را

به آموختن هنر رقص، مجبور می‌کنند و این گونه رقص با موزیک متعارف

همراه نیست و جنبه لهوی ندارد و فقط مادّه درسی محسوب است آیا پدران و مادران می‌توانند به فرزندان دختر و یا پسر خود اجازه حضور در آن کلاس‌ها را بدهند؟

جواب: اگر چنان کاری با تعلیم و تربیت دینی فرزندان، منافات داشته جایز نیست بلکه بنا بر احتیاط و با فرض بلوغ فرزندان، اجازه حضور در چنان کلاسی به طور مطلق حرام می‌باشد مگر آنکه آنان برای خود حجّت شرعی داشته باشند مثلاً از کسی تقلید کنند که او حضور در چنان کلاسی را جایز می‌شمرد در این صورت، دادن اجازه حضور بلامانع است.

## فصل ۱۱

### مسائل متفرقه

شما خواننده گرامی در این فصل برخی مسائل و استفتائات شرعی در امور مختلف حیاتی را می‌خوانید که در فصول گذشته کتاب، کمتر می‌گنجید زیرا تناسبی با آن فصل‌ها نداشت و به همین سبب آنها را در عنوان مسائل متفرقه آوردیم.

**مسأله ۵۶۸—** مستحب است فرزندان خود را با نام‌هایی که بندگی خدا - عزّ و جلّ - را یاد می‌آورد، بنامیم. هم چنانکه نامگذاری با نام محمد (صلی الله علیه و آله) و نام‌های دیگر پیامبران و رسولان و نام علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، حمزه، و فاطمه، استحباب دارد و نامگذاری با نام دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) کراهت دارد.

**مسأله ۵۶۹—** سرپرستی طفل، دختر باشد و یا پسر تا دو سال هجری، حق مشترک پدر و مادر است پس هیچ پدری در طول دو سال اوّل زندگی نمی‌تواند طفل را از مادرش جدا کند پس از دو سال حق سرپرستی متعلق به پدر است و بنابر احتیاط مستحبی، طفل تا هفت سالگی از مادر جدا نشود.

**مسأله ۵۷۰—** اگر پدر و مادر یک طفل با فسخ عقد و یا طلاق، از همدیگر جدا شوند تا فرزندان آنان اعم از دختر و یا پسر دو ساله نشده‌اند، حق حضانت و سرپرستی مادر، تا شوهر نکرده باشد، ساقط نمی‌شود و پدر و

مادر هر دو در حق سرپرستی مشترکند و به شکلی که به توافق برسند آن را اعمال می‌کنند.

**مسئله ۵۷۱—** اگر مادر طفل، پس از طلاق و جدایی از شوهر قبلی، شوهری دیگر اختیار کند حق سرپرستی او ساقط می‌شود و آن، به عهده پدر می‌باشد.

**مسئله ۵۷۲—** حق سرپرستی بر طفل، با بلوغ و رشد او پایان می‌یابد و پس از آن، هیچ کس حق سرپرستی او را ندارد و فرزند چه پسر باشد و یا دختر، مستقل است و مالک جان خود می‌باشد و پدر و مادر و هیچ کس مدعی حقی بر او نیست پس او با هر کس بخواهد، پدر، مادر و یا شخص ثالث، می‌تواند زندگی کند مگر آنکه جدایی او از پدر و مادر موجب اذیت و آزار آنان شود و به سبب محبت و دلسوزی که نسبت به وی دارند، رنجیده خاطر شوند که در این صورت مخالفت آنان جایز نیست و اگر پدر و مادر در این خصوص نیز اختلاف کنند مادر بر پدر مقدم است.

**مسئله ۵۷۳—** اگر پدر، بمیرد حق سرپرستی طفل به مادر می‌رسد تا او به سن بلوغ و رشد برسد و هیچ کس بر او مقدم نیست.

**مسئله ۵۷۴—** اگر مادر، در زمانی که حق حضانت و سرپرستی طفل را داشته از دنیا برود، پدر به سرپرستی طفل می‌پردازد.

**مسئله ۵۷۵—** سرپرستی، وظیفه پدر و مادر است و حق فرزند به حساب می‌آید و اگر آنان از سرپرستی طفل سرباز زنند به قبول چنان مسئولیتی وادار می‌شوند.

**مسئله ۵۷۶—** اگر طفلی پدر و مادر را یکجا از دست بدهد، حق سرپرستی او به جدّ پدری می‌رسد.

**مسئله ۵۷۷—** پدر، مادر و هر کسی که حق سرپرستی طفل را دارد می‌تواند آن را به شخص دیگر که مورد اطمینان است، واگذارد تا او به وظایف و مسئولیت‌های شرعی، قیام کند.

**مسئله ۵۷۸—** کسی که سرپرستی طفلی را به عهده می‌گیرد اعم از پدر، مادر و یا شخص ثالث، باید مسلمان، عاقل و امین بر سلامت طفل باشد پس اگر پدر، کافر و مادر مسلمان و طفل محکوم به اسلام بود، حق سرپرستی به مادر اختصاص پیدا می‌کند و به عکس، اگر مادر کافر باشد و پدر مسلمان، آن حق، از آن پدر می‌شود.

**مسئله ۵۷۹—** بر پسر واجب است که هزینه زندگی پدر و مادرش را بپردازد.

**مسئله ۵۸۰—** بر پدر واجب است که هزینه زندگی فرزند خود را پسر باشد و یا دختر بپردازد.

**مسئله ۵۸۱—** در وجوب انفاق بر رحم و خویشاوند نزدیک، فقر و ناداری شرط است به این معنا که او نیازمندی‌های زندگی را فعلاً نداشته باشد مثل خورد و خوراک، جامه، مسکن، رختخواب، لحاف و امثال آنها.

**مسئله ۵۸۲—** نفقه واجب شرعی، اندازه معینی ندارد بلکه مقدار واجب آن است که زندگی او در زمینه‌های خورد و خوراک، لباس، مسکن، و دیگر نیازمندی‌ها برابر شئون او و به تناسب زمان و مکان، فراهم باشد.

**مسئله ۵۸۳**— کسی که نفقه و هزینه زندگی او بر عهده دیگری واجب است، اگر او از پرداخت آن، خودداری کند، صاحب حق می‌تواند او را به پرداخت آن حق، وادارد و دعوی را نزد حاکم و زمامدار وقت ببرد هر چند که او حاکم جائز باشد و اگر از آن طریق به حق خود نرسید هر گاه، مالی نزد او بود می‌تواند به اذن حاکم شرع و به اندازه نیاز خود از آن، برداشت کند و اگر آن هم میسر نگردد به اجازه حاکم، از سوی آن شخص که نفقه بر او واجب است، وام می‌گیرد آنگاه ذمه او به آن وام مشغول می‌شود و او باید آن را بپردازد و هر گاه مراجعه به حاکم به طور کلی ممکن نبود به برخی مومنان عادل و دادگر مراجعه می‌کند تا او برایش قرض کند و آن شخص مسئول که از پرداختن نفقه خودداری کرده است، باید وام را بپردازد.

**مسئله ۵۸۴**— اگر حفظ دین حنیف و احکام مقدسه آن و صیانت نوامیس مسلمین و نگهبانی بلاد اسلامی موقوف بر این باشد که شخص و یا اشخاصی از دارایی خود، خرج کنند، چنان خرج و انفاقی واجب می‌شود و او نمی‌تواند از کسی، عوض بطلبد.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه:

**مسئله ۵۸۵**— صورتگری و یا صحنه سازی از زندگانی محمد (صلی الله علیه و آله) و یا دیگر پیامبران گذشته و یا معصومین (علیهم السلام) و یا

هر راز و رمز مقدس تاریخی و نشان دادن آنها بر پرده سینما و یا صفحه تلویزیون و یا تئاتر و غیره جایز است؟

جواب: اگر اصل حرمت و بزرگداشت آنان رعایت شود و شخصیت مقدس آنان را در اذهان مردم خدشه دار نکند مانعی ندارد.

**مسئله ۵۸۶—** آیا قرآن، دعاها و ذکرهای ویژه محافظت، روزی و یا عافیت و سلامت را می‌توان به کافران هدیه داد؟

جواب: اگر جانب احترام رعایت شود و آنها در معرض بی‌حرمتی قرار نگیرند، مانعی ندارد.

**مسئله ۵۸۷—** بر روی برخی ورقه‌های کاغذ نامهای جلاله، اسامی معصومین (علیهم السلام) و یا برخی آیه‌های قرآنی نوشته شده است و ما نمی‌توانیم آنها را به دریا و رودخانه بریزیم آنها را چه کنیم؟ با علم به این که نمی‌دانیم با کیسه‌های زباله چه می‌شود و آنها را کجا می‌ریزند؟

جواب: ریختن آنها در کیسه‌های زباله جایز نیست که بی‌احترامی به حساب می‌آید اما می‌توان نوشته‌ها را هر چند با مواد شیمیایی، از بین برد و یا در جایی پاک دفن کرد و یا بسیار خرد کرد مانند خاک.

**مسئله ۵۸۸—** آیا استخاره به طریقی که امروزه در میان ما متداول است، شرعاً وارد و پسندیده است؟ و آیا تکرار آن ضرری دارد اگر با تصدق همراه شود تا با خواسته استخاره کننده، برابر گردد؟

جواب: استخاره به هنگام حیرت و تساوی احتمالات و رجحان نداشتن یک احتمال، به قصد رجاء انجام می‌شود آن هم پس از فکر و

مشورت، اما تکرار آن به سبب حیرت، صحیح نیست مگر در صورت تغییر موضوع و دادن صدقه به مقدار از مال.

**مسأله ۵۸۹-** حدود مبلغی که به وکلای خود اجازه می‌دهید از وجوه

شرعی، به مصرف برسانند چقدر است؟

جواب: آنچه در اجازه‌های ما آمده است یک سوّم و یا نصف است که مجاز به مصرف آن می‌باشند و معنای جمله آن نیست که آن سهم مذکور، به مجاز اختصاص دارد بلکه آن در مصارف مقررّه باید هزینه شود که گاهی خود او مورد آن مصرف نیست مثل این که شخص مجاز، علوی است و زکات اشخاص غیر علوی را گرفته است. و در پرتو این بیان، اگر شخص مجاز، بین خود و خدا خویشتن را مورد مصرف آن سهم دید و مطابق ضوابط شرعی، عمل کرد مثل اینکه او فقیر به معنای شرعی کلمه است و یا او از مصارف زکات یا سهم سادات و یارد مظالم باشد می‌تواند به اندازه احتیاج و در شأن خود برداشت و هزینه کند نه زیادت. به این ترتیب اگر او خدمت شرعی کرده و در اعلاّی کلمه دین کوشیده است به تناسب عملکرد و خدمت دینی اش استحقاق دریافت سهم امام (ع) را دارد. اما اگر او استحقاق وجهی را که دریافت کرده است نداشته باشد فقط می‌تواند سهم تعیین شده در اجازه نامه را در موارد مقررّه شرعی به مصرف برساند.

**مسأله ۵۹۰-** اگر اطمینان انسان نسبت به نماینده یک مرجع تقلید به

سبب خطاهایی که در مصرف وجوه شرعی به او منسوب می‌دارند متزلزل شود.



اولاً جایز است چنان چیزی را با مردم در میان گذاشت و در آن باره صحبت کرد؟ در حال که صحت آن نسبت‌ها معلوم نیست و اگر صحت و درستی آنها به دست آمد چگونه؟

و ثانیاً تا اطمینان به صحت آن نسبت‌ها حاصل نشده می‌توان وجوه شرعی را به او داد؟

جواب: درباره قسمت اول سؤال باید گفت: در هر دو صورت، جایز نیست و در صورت دوم یعنی احراز صحت نسبت‌ها، او می‌تواند به طور مستقیم، آن هم با پنهان کاری تمام مرجع تقلید را در جریان بگذارد تا او را به نماینده ای بدهد که پاکی و صحت عمل او برابر اجازه نامه محرز است یعنی او مقداری را در مصارف مقرر در اجازه نامه هزینه می‌کند و باقیمانده را به مرجع تقلید می‌رساند.

**مسئله ۵۹۱—** آیا بدون اجازه مرجع تقلید، می‌توان مقداری از سهم

امام را برای مصرفی که امام (ع) بدان خوشنود است، هزینه کرد؟

جواب: چنان کاری، جایز نیست و احراز رضای امام (ع) در زمینه مصرف سهم او بدون اجازه گرفتن از مرجع تقلید اعلم با احتمال دخالت اذن او در رضای امام، ممکن نمی‌باشد.

**مسئله ۵۹۲—** آیا سهم امام (ع) را می‌توان در بنیادهای خیریه خرج

کرد در حالی که ده‌ها هزار از مسلمانان به پاره ای نان و یک دست لباس برای پوشاندن اندام خود محتاجند؟

جواب: در مصرف سهم امام (ع) باید الا هم فالاهم را مراعات کرد و تشخیص آن بنا بر احتیاط موکول به تشخیص فقیه اعلم است که از جهات عمومی، مطلع می‌باشد.

**مسئله ۵۹۳—** گاهی دانه ای برنج به هنگام شستشوی ظروف در راه فاضلاب می‌ریزد آیا چنین کاری جایز است و یا اجتناب از آن، کم باشد و یا زیاد، واجب می‌باشد با علم به اینکه اجتناب از چنین عملی بسیار دشوار است؟

جواب: اگر مقدار برنج تضييع شده به اندازه ای است که می‌توان حتی حیوانی را با آن تغذیه کرد چنان عملی جایز نیست اما اگر بسیار اندک و یا کثیف باشد، ریختن آنها در آشغال دانی هرگاه اهانت و بی‌حرمتی به نعمت‌های الهی نباشد، اشکال ندارد.

**مسئله ۵۹۴—** آیا شاعری می‌تواند مجلس شعر خوانی (شب شعر) برای خود ترتیب دهد در حالی که او می‌داند در چنان مجلسی بانوانی برای شنیدن اشعار او بی‌حجاب و نیمه برهنه حضور خواهند یافت؟

جواب: این کار در حد ذات خود مانعی ندارد اما بر آن شاعر لازم است که امر به معروف و نهی از منکر کند هرگاه شرایط چنان تکلیفی فراهم باشد.

**مسئله ۵۹۵—** در مدرسه‌ها از دانش آموزان می‌خواهند که انسان و حیوان را رسم و نقاشی کنند طوری که دانش آموز نمی‌تواند مخالفت کند

آیا چنین کاری جایز است و اگر موضوع، مجسمه سازی و پیکر تراشی باشد چه طور است؟

جواب: صورتگری و نقاشی به طوری مطلق جایز است، و بنا بر احتیاط واجب، مجسمه سازی و پیکر تراشی در زمینه موجودات جاندار، ترک شود و تکلیف دبساتانی در مورد عملی که به احتیاط واجب باید ترک شود، مجوز محسوب نمی گردد، مگر آنکه صورت ایجاب کند مثل این که ارگ چنان نکند او را از مدرسه بیرون می کنند و آن برای او کار پرزحمتی است که معمولاً نمی توان تحمل کرد .

**مسأله ۵۹۶-** آیا خرید مجسمه آدمی و برهنه اعم از مجسمه زن و یا مرد جایز است؟ و خرید مجسمه و تندیس حیوانات که برای زینت می تراشند چه طور است؟

جواب: دومی بی اشکال است اما اولی اگر ترویج فساد باشد، جایز نیست .

**مسأله ۵۹۷-** کف و یا فال فنجان بین، پیشگویی هایی می کند و می گوید که برای شخص در حال و آینده چه پیش خواهد آمد؟ آیا چنین کاری جایز است به ویژه اگر صاحب فنجان به آنچه گفته می شود ترتیب اثر بدهد؟

جواب: چنان پیشگویی هایی اعتبار ندارد و او هم نباید به طور جزم و یقین، سخنی بگوید هم چنانکه دیگران هم در مواردی که وجود حجت شرعی و عقلی لازم است، نباید بر آن پیشگویی ها، اثر بار کنند .

**مسأله ۵۹۸-** خوبا مغناطیسی و احضار ارواح جایز است؟

جواب: هر آنچه به انسانی که نباید به او صدمه زد ضرر و آسیب می‌رساند، حرام است و جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۵۹۹-** آیا تسخیر جنّ برای حل مشکل مردمان مؤمن، جایز

است؟

جواب: حکم این سؤال همانند حکم سؤال پیشین است.

**مسأله ۶۰۰-** راه انداختن جنگ خروس و یا گاو بازی در صورتی

که موافقت صاحبان و مالکان آنها به دست آمده است جایز است؟

جواب: اگر تزیین مال محسوب نشود، مکروه است.

**مسأله ۶۰۱-** حرجی که موجب رفع حرمت می‌شود چیست و اندازه

آن چقدر است؟ و آیا گرانی قیمت با وجود قدرت بر تهیه، هر چند با

زحمت و قرض، موضوع حرام را حرجی می‌کند و آن را شرعاً جایز

می‌سازد؟

جواب: حالات متفاوت است و معیار، زحمت فوق العاده است که

معمولاً نمی‌توان آن را تحمّل کرد.

**مسأله ۶۰۲-** وزن یک ینخود با معیار مثقال و یا گرم که در سنجش

طلا در زمان ما به کار می‌رود چقدر است؟

جواب: یک نخود یک جزء از بیست و چهار جزء از مثقال صیرفی

است و مقدار آن معلوم می‌باشد.

## لیست مواد خوراکی حرام و لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال

شریعت مقدس اسلام خوردن تعدادی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را بر مسلمانان حرام کرده است. و چون شرکت‌ها و مؤسسه غیر اسلامی و سازنده انواع مواد غذایی طبعاً خود را متعهد نمی‌دانند و از وارد کردن آن مواد حرام در تولیداتشان خودداری نمی‌کنند شایسته است که مسلمانان ضمن رعایت حدود شرعی، از تولیدات و کنسروهای ساخته شده به وسیله غیر مسلمانان اجتناب کنند و در ذیل، برخی اطلاعاتی را که در زمینه مواد خوراکی حرام به دست آورده ایم به خوانندگان تقدیم می‌داریم و ترجیح دادیم که در آن باره سخن را طولانی نکنیم تا مسلمانی که گرفتار زندگی‌های مغرب زمین است در حد امکان به مشکل برنخورد زیرا شریعت اسلام با دقت و سخت‌گیری‌هایی که احیاناً دارد در عین حال سهل و آسان باقی بماند. نخست تذکر دو نکته مهم، سودمند است:

۱- برخی مواد اولیه که در ترکیب قسمتی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها وارد می‌شوند گاهی در اثر تحولات شیمیایی، خصوصیت اولیه خود را به طور کلی از دست می‌دهند، طوری که عرفاً مواد جدید به حساب می‌آیند و همین دگرگونی، آنها را اگرچه در اصل حرام بوده اند از حرمت بیرون

می آورد، و این همان استحاله ای است که در رساله عملیه عنوان شده و یکی از مطهرات و پاک کننده‌ها به حساب می آید. مثلاً یک ماده اصلی حیوانی که خوردن آن حرام می باشد، اگر به ماده دیگری تحول پیدا کنند حلال می گردد.

۲- در اینجا مواد اولیه ای وجود دارد که در صنعت غذایی مورد استفاده اند و درباره آن احتمال داده می شود که قسمتی از آنها حلال و قسمتی دیگر حرام می باشد، در این صورت با نبود علم و یقین به اصل این ماده، جستجو واجب نیست و خوردن چنین ماده مشکوک جایز است (این حکم در مورد گوشت که در تذکیه و عدم آن، شک داریم صادق نمی باشد).

مثلاً اگر در ترکیب بعضی از کنسروها، ماده ( Mono et diglycerides) که ممکن است از روغن حیوانی گرفته شده و احتمال هم دارد که از روغن نباتی به دست آمده باشد، در اینجا مادامی که یقین نکنیم که از روغن حیوانی گرفته شده است، پرس و جو از حقیقت آن واجب نیست و آن محکوم به حلیت است و اکنون برخی اطلاعات مربوط به مواد حرام را که به معنای انگلیسی و فرانسوی آنها هم احیاناً اشاره خواهیم کرد یادآوری می کنم.

روغن های حیوانی و نباتی:

دو کلمه (Shortening) و (Fat) انگلیسی و واژه (grasses Matieres) فرانسوی به معنای روغن و یا چربی است و معمولاً بر حسب

عرف، به روغن های آمیخته با چند نوع روغن حیوانی اطلاق می گردد که به آن مخلوط، به نسبت معینی روغن نباتی هم احیاناً اضافه می شود. البته روغن گرفته شده از خوک در انگلیسی (Lard) و در فرانسه (Saindoux) نام دارد.

در مورد برخی محصولات آمریکایی عبارت:  
(Vegetable shortening)

دیده می شود که معادل عربی آن سمن نباتی یا دهن نباتی (روغن نباتی) است. این جمله، اطمینان بخش است زیرا برابر قانون آمریکا شرکت های تولیدی، کافی است که هشتاد تا نود درصد از روغن نباتی استفاده کرده و بقیه را روغن حیوانی قاطی کنند و با این وجود اسم آن، روغن نباتی است.

و اما جمله ای که بیشتر موجب اطمینان است عبارت است از:

Pure vegetable Ghee یا Pure vegetable shortening

و آن به معنای روغن نباتی خالص است.

در حالی که روغن نباتی خالص به (Pure vegetable oil) تعبیر می کنند. و سودمند است به این نکته اشاره کنم که روغن نباتی در اصل روغنی است مایع و لکن آن را با هیدروژن غنی می کنند تا از مایع بودن به جامد تبدیل می شود.

و اما کره یا روغن برگرفته از شیر که به انگلیسی (Butter) و به فرانسه (Beurre) گفته می‌شود و کره ای که در بازارها عرضه می‌شود فقط کره برگرفته از شیر است آنها اشکال ندارند و نوعی دیگر هم وجود ندارد. اما انواع پنیرها:

در ساختن آنها روغن خوک وارد نمی‌شود آنگونه که برخی می‌پندارند اما در به عمل آوردن آن، از مایه بهره می‌گیرند و آن چیزی است که از معده برخی حیوانات مثل گاو، گوساله و خوک گرفته می‌شود و در انگلیسی به آن (Pepsin)، (Renin)، (Rennen) و در فرانسه: (Pressure) گفته می‌شود.

و مایه خوک حرام است. اما مایه به دست آمده از گاو و یا گوساله مردار و تذکیه نشده هرچند در اصل پاک است و استعمال آن جایز می‌باشد ولی ظرف آن (شکمبه، سیرابی) با ملاقات آن نجس می‌شود. چون سایر اعضای حیوان مرطوب و خیس بوده است. اگر ندانیم که ظرف متنجس، در ساختن پنیر، مورد استفاده قرار گرفته مانعی از خوردن آن نیست و شایسته است که به انواع دیگری از آنچه که در ساختن پنیر مورد استفاده قرار می‌گیرد توجه کرد که برخی از آنها نباتی و برخی دیگر شیمیایی (آنزیم میکربی) است. و در حلیت و پاکی آنها تردیدی نیست و هنگامی که در ماده به کار رفته در ساختن چنین پنیرهایی شک و تردید کنیم که آیا از مایه طبیعی حرام و یا ناپاک تهیه شده و یا دیگر اشیاء بنابر حلیت آن، می‌گذاریم، اما ژله ای که در ساختن ژلاتین مورد استفاده قرار می‌گیرد آن



نیز ماده ای است از اصل حیوانی. اما می ماند سؤال از نوع خاصی از ژله که در ساختن آن برخی ماده ها که از نباتات و گیاهان دریایی به دست می آید به کار می رود. اما نوشابه های گازداری که دارای الکل نمی باشند مانند کوکا کولا، پپسی کولا، سون آپ و کانادا درای، در آنها هیچ گونه ماده حیوانی و یا الکی به کار نرفته است.

در اینجا تذکر دو نکته مهم است:

الف - در تهیه این لیست به طور اساسی به سخنان دکتر احمد حسین صقر رئیس دانشگاه شرق و غرب در شیکاگو، آمریکا، اعتماد کرده ایم.

ب - در فراهم کردن این ستون به منابع ذیل مراجعه شده است:

۱- موسوعه ای در علوم طبیعی، ادوارد غالب (ج ۱ و ۲) بیروت ۱۹۶۵

- ۱۹۶۶.

۲- Le Guide marabout de la peche en mer Michel

- FRANCE ۱۹۸۲ van Havre -

۳- Les Poissons Deau Douce - Jiri Cihar ۱۹۷۶

FRANCE

۴- Guide des Poissons D'eau Douce et Pe'che

- SUISSE ۱۹۸۱ Bent J. Muvs et Preben Dahistrom

۵- Encyclopedie Illustree des Poissons Stanislav

Frank PARIS

(Les ¶Encyclopedie du Monde Animal Tome -6  
et Les reptiles) Maurice Burton. ¶Poissons  
.Bibliotheque Marabout PARIS

## لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال

نام عربی	نام فرانسوی	نام انگلیسی	نام علمی (به لاتین)
سردین	Sardines - Sarda	Sardine	Alosa Sardina , Clupea Sardina
البشار (نوعی شبیه سردین)	Pilchard -célan	Pilchard	-----
نازلی	Colin - Lieu noir	Coal Fish	-----
شبوط	Carpe	Carp	Cyprinus - Carpio
بوری/ بیاح (بیشتر از صد نوع)	Muge - Mulet , Mullet	Mugil - Grey , Mulet	Mugil
تئن / تون/ طون	Thon	Tunny - Tuna	Thynnus , Alaionga
تون ابيض/ طون ابيض/ کنعد/ کعند	Thon Blanc Germon	White Tunny Fish	Thynnua Alaionga
سمک سلیمان / سلمون	Saumon	Salmon	Salmo Saiar
تروتة / أطروط	Truite	Trout	Trutta
سمک موسی	Sole	Sole	Solea
رنكة	Hareng	Herring	Clupea
سمک الفرخ	Perche	Perch	Perca fluviatilis
غادس/ غُدس/ غَبَدس/ مورة	Morue - Gede	cod - codfish	Gadus
غادس أسمر	Cabillaud	Cod	-----
راقود	Platycéphale	Flathead	Platycephalus
قاروس/ قَرُوس	Bar - Loup Louvine Loubine	Sea Bass	Morone Labrax
لُخ / کبیت	Loche D'étang	Pond Loach	Cobitis - Fossilis
صَنَدْر	Sandre	Pike - Perch	Lucioperca , Lucioperca

osmerus , Eperlanus	Smelt	Eperlan	سمك البنفسخ
Thymallus , Thymallus	Graylig	Ombre	عتوم
Alosa	Allice Shad	Alose	شابل
Priacanthus	Catalufa Bigeeye	Priacantha	حُسْرَم/ حُمُرور/ أبو عين
Tinca Tinca	Tench	Tanche	كمهية
Barbus Barbus	Barbel - Barbus	Barbeau Commun , Barbot	بُئى / بربيس
Scardinius , Eryhopthalmus	Rudd	Rotengle	برعان أحمر
Rhodeus Amarus , Bloch	Bitterling	Bouvière	قنومة
Leucespius , delineatus	Rain - Bleak	Able de , Stymphale	سمكة بيضاء
Alburnoides Bipunctatus	Stream - Bleak	Ablette Rivière spirilin	سمكة بيضاء (نوع دوم)
Alburnus Alburnus	Bleak	Ablette	سمكة بيضاء (نوع ديگر)
Rutilus Pigus	Danube Roach	Gardon Galant	برعان (دانوبى)
Pelecus Cultratus	Sabre Carp	Rasoir	-----
Abramis – Ballerus	Zope	Zope	-----
Chrysophrys	Gilt - Head	Daurade	ربناك
Platichthys - Flesus	Flounder	Flet	سمك التيرس
-----	Brill	Barbue	سمك البريل
Aspius - Aspius	-----	Aspe	مُطَوِّقة/ ام حَسْرَد
Acerina Cernua	Ruffe - Pope	Grémille	فرخ غجوى

Chondrostoma Nanus	Common Nose	Nase Commun	-----
Micropterus Salmoidea	Black - Bass	Black - Bass	فرخ أسود
Squaalius - Leuciscus	Dase	Vandoise	فاندوازة
Pagrus	Porgy	Pagre	قُجاج
Rutilus - rutilus	Roach	Gardon Commun	برعان
Abramis Vimba	Zaerthe	Zahrte	—
Leuciscus Idus Idus Idus	Ide	Ide - Mélanote	سمك الارجوان
Phoxinus Phoxinus	Minnow	Vairon	فيرون
Squalius Cephalus Leuciscuc Cephalus	Chub	Chevine Chevenne	سمك الطحان
Scomber Scombrus	Maquerel Mackerel	Maquereau	إسقمري/ طراخور
Abramis- Brama	Abramis - Bream	Braine - Bremr	أبراميس/ براميس
Pagellus	Braise - Braize Red Porgy	Pagel - pageau Pageul	فريدي
Sargus	Sargo - Sargue	Sargue	سرغوس





Tuite

تروئته / أطروط



Saumon

سماك سالميان / سالميون







Mullet

مردري / ايئاح ( اكثر من مئة نوع )



Carpe

شبيوط

<p>Loche d'étang</p>  <p>لبح / كيت</p>	<p>Alose</p>  <p>شابل</p>
<p>Parche</p>  <p>سماك الفرج</p>	<p>Sandre</p>  <p>شندر</p>





Bouviere

قنوية



Rotengle

برغان احمر



Barbeau Commun

بني ابريس



Tanche

كسفة

Fiel



سك الأرس

Rasoir



Spirilin



سكة بيضاء (نوع ثاني)

Zope





Gardon Commun

برعان



فاندوازة

Vandoise







Black-bass




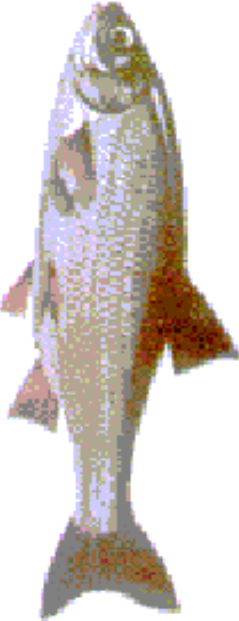
فوخ أسود



Aspe

مطوقة / أم خنزرد

<p>Vairon</p>  <p>فيرون</p>	<p>Eblette</p> <p>سمكة بيضاء ( نوع آخر )</p> 
<p>Zahrte</p> 	<p>Chevenne</p> <p>سمك السلطان</p> 

<p>Grémiale</p>  <p>سبح عذري</p>	<p>Braine / Brème</p>  <p>ايراميس / ايراميس</p>
<p>Nasse Commun</p> 	<p>Idé méléanisé</p>  <p>سماك الارخوان</p>



## فهرست

مقدمه مترجم .....	۵
مقدمه نویسنده کتاب .....	۸
طرح مؤلف و تمهید .....	۱۱
فصل ۱ عبادات هجرت به مغرب زمین و زندگی در بلاد غیر اسلامی .....	۴۱
فصل ۲ تقلید .....	۵۱
فصل ۳ طهارت و نجاست .....	۵۷
مقدمه .....	۵۷
فصل ۴ نماز .....	۶۶
مقدمه .....	۶۶
فصل ۵ روزه .....	۸۰
فصل ۶ حج و زیارت خانه خدا .....	۹۰
فصل ۷ احکام میّت .....	۹۷
باب دوم: معاملات .....	۱۰۵
فصل ۱ - خوردنی ها و نوشیدنی ها .....	۱۰۵
فصل ۲ جامگان .....	۱۲۳
فصل ۳ رفتار و همزیستی با قوانین اجرایی کشورهای غربی .....	۱۲۹
فصل ۴ کار و گردش سرمایه .....	۱۳۶
فصل ۵ روابط اجتماعی .....	۱۵۵
فصل ۶ مسائل پزشکی .....	۱۹۲
فصل ۷ ازدواج .....	۲۰۶

۲۲۸	..... فصل ۸ مسائل جوانان
۲۳۹	..... فصل ۹ مسائل بانوان
۲۵۰	..... فصل ۱۰ احکام موسیقی
۲۵۹	..... فصل ۱۱ مسائل متفرقه
۲۶۹	..... لیست مواد خوراکی حرام و لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال
۲۷۵	..... لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال
۲۸۷	..... فهرست